

ابييڭ بىر قاتىه سىمازىي دەرىبارە

## «زىندىگى امام صادق»

سىكىن و ئەسپايسىن آنۇ بىلەنى



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

# آیین برنامه سازی درباره زندگی امام صادق علیه السلام

نویسنده:

محمد رضایی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	-----	فهرست
۱۰	-----	آینین برنامه سازی درباره زندگی امام صادق علیه السلام
۱۰	-----	مشخصات کتاب
۱۰	-----	فهرست مطالعه
۲۱	-----	پیش گفتار
۲۶	-----	بخش اول: کلیاتی درباره ایده یابی در زندگانی معصومان
۲۶	-----	اشاره
۲۶	-----	الف) پیش فرض ها و پیش نیازهای مطالعه زندگی معصومان
۲۶	-----	اشاره
۲۷	-----	۱: نگرشی کلامی و عرفانی به شخصیت انسان کامل
۳۳	-----	۲: بررسی زندگانی انسان کامل با رویکرد فلسفه تاریخی
۳۹	-----	ب) ضرورت نگاه میان رشته ای
۴۳	-----	نتیجه گیری
۴۴	-----	بخش دوم: ایده یابی از زندگانی امام صادق(ع)
۴۴	-----	اشاره
۴۶	-----	نگاهی اجمالی به زندگانی امام صادق(ع)
۵۰	-----	فصل اول: زندگانی توصیفی امام صادق(ع) از منظر خط تاریخی و زمانی
۵۰	-----	اشاره
۶۰	-----	نکاتی درباره روش پژوهش و منابع در این مرحله
۶۱	-----	نکته ای درباره خط زمانی رحلت شخصیت های علمی اسلامی
۶۱	-----	اشاره
۶۲	-----	الف) خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) از تولد تا امامت پدر (۹۵ ه.ق تا ۸۳ ه.ق)
۶۲	-----	اشاره
۶۹	-----	نکته ها و ایده ها

۷۰	ب) خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) از امامت پدر تا امامت خود (۹۶ - ۱۱۴ هـ)
۷۰	اشاره
۸۰	نکته ها و ایده ها
۸۳	ج) خط زمانی زندگانی و امامت: امام صادق(ع) در دوران مروانیان (۱۱۴ - ۱۳۲ هـ)
۸۳	اشاره
۱۰۱	نکته ها و ایده ها
۱۰۱	اشاره
۱۰۲	۱. اولین دانشگاه اسلامی
۱۰۵	۲. ظهور پدیده ای به نام غُلات
۱۰۵	۳. توقع و انتظار قیام از امام
۱۰۶	۴. تبدیل تدریجی کوفه به پایگاه تاریخی برای تشیع
۱۰۸	۱. امام صادق(ع) در دوران خلافت عباسیان
۱۲۴	۲. امام صادق(ع) و توسعه بخشی و کاربردی سازی سبک زندگی تقیه محور
۱۲۴	۳. مدیریت فعال امام صادق(ع) و طراحی نظام اجتماعی جدید شیعی
۱۲۵	۴. فرهنگسازی امام برای جامعه شیعه
۱۲۶	جمع بندی و نگاهی کلی به فصل ۱
۱۲۶	اشاره
۱۳۷	الف) نمودار ادوار تاریخی حق از هبوط تا پایان تاریخ، از دیدگاه اسلام شیعی
۱۳۹	ب) ادوار تاریخی امامت یازده امام
۱۴۰	ج) ادوار تاریخی باطل از هبوط تا پایان تاریخ (طراحی تاریخی ابلیس در برابر حق)
۱۴۱	د) بررسی تطبیقی حق و باطل در دوران زندگی و امامت امام صادق(ع)
۱۴۴	خط زمانی مدرسه علمی و دانشگاه صادقین
۱۴۴	اشاره
۱۴۴	الف) روند شکل‌گیری دانشگاه و مدرسه علمی امام صادق (ع) و مکتب شیعه جعفری
۱۴۶	ب) نمودار خط زمانی مدرسه و مکتب کوفی شیعه در جایگاه نخستین مدرسه علمی شیعه:
۱۴۷	ج) نمودار خط زمانی وضعیت فکری و علمی شاگردان امام

۱۴۹	نمونه ای از نمودارهای اجتماعی شیعه در زمان امام صادق(ع)	
۱۴۹	اشاره	
۱۴۹	الف) جامعه شیعه از جامعه اسمی تا جامعه رسمی و هویت یافته	
۱۵۱	ب) حضور فعال امام در مراسم سالانه حج و رویدادهای مرتبط با آن	
۱۵۳	ج) نمودار خط زمانی سفرهای امام و خلفا، دیدارهای ایشان با یکدیگر و بازتاب های اجتماعی آنها	
۱۵۶	نمودارهای خط زمانی جبهه باطل در روزگار امام صادق(ع)	
۱۵۶	اشاره	
۱۵۶	الف. سیر خط زمانی خلفای روزگار امام جعفر صادق(ع)، از کودکی تا شهادت آن امام	
۱۶۶	ب. نمودار پیدایش یا خیزش تدریجیبا ناگهانی فرقهها و جریان های گوناگون اسلامی در برابر جبهه حق	
۱۶۹	ج. خط زمانی علوبیان و گروه های کج روی درون شیعه یا نزدیک به جامعه شیعه و بازتاب آنها در جامعه شیعه	
۱۷۰	د. آغاز انحراف در مهدویت	
۱۷۲	۵- جریان های علمی و فکری حاکم بر جامعه اهل سنت در دوره امام صادق(ع)	
۱۷۵	فصل دوم: اطلس جعفری	
۱۷۵	اشاره	
۱۷۶	الف) اطلس نگاری، پایه ایده یابی رسانه ای	
۱۷۸	ب) نگاهی گذرا به جغرافیا و اطلس تاریخی حق و باطل	
۱۸۱	اطلس زندگانی امام صادق(ع)	
۱۸۱	اشاره	
۱۸۳	الف) جلوگیری از ایجاد منطقه جغرافیا بی حق	
۱۸۳	ب) ایجاد جغرافیاهای موازی	
۱۸۴	ج) نفوذ و تصرف کانون جغرافیا بی حق	
۱۹۵	۱. اطلس جغرافیای حق در دوران امام صادق(ع)	
۱۹۵	اشاره	
۱۹۶	الف) فهرست ایده های جغرافیای حق	
۱۹۹	۲. اطلس و جغرافیای سیاه	
۱۹۹	اشاره	

۲۰۲	- جغرافیای جهان اسلام و جغرافیای فتوحات
۲۰۲	- جغرافیای استان ها و تقسیم های سیاسی جهان اسلام
۲۰۲	- اطلس تحولات و مهاجرت های بزرگ جمعیتی
۲۰۳	- جغرافیای فکری و فرهنگی و اطلس مدارس علمی فقهی و کلامی در جهان اسلام
۲۰۳	- اطلس بازتاب خلافت عباسی بر تغییرات سیاسی، اجتماعی و فکری جهان اسلام
۲۰۳	- اطلس پایخت های سیاسی و مراکز فکری و اجتماعی آن دوران
۲۰۳	- اطلس جنگ ها، قیام ها و شورش ها
۲۰۴	۳. اطلس و جغرافیای خاکستری
۲۰۵	نکته پایانی
۲۰۶	فصل سوم: امام صادق(ع) و طراحی سبک زندگی شیعی
۲۰۶	اشاره
۲۰۸	سبک زندگی، چیستی و جایگاه آن
۲۰۹	ضرورت بحث سبک زندگی در زندگی امام صادق(ع)
۲۱۲	چگونگی سبک سازی امام صادق(ع)
۲۱۲	اشاره
۲۱۵	دوره اول و آغازین امامت در دوره اقتدار مروانیان
۲۱۶	دوره دوم امامت هم زمان با افول خلافت مروانیان
۲۱۶	دوره سوم امامت هم زمان با خلافت تازه تأسیس عباسی
۲۱۷	مبانی و ساختار سبک زندگی در مکتب جعفری
۲۱۷	اشاره
۲۱۸	الف) ضرورت نگاه جامع در طراحی مکتب
۲۱۹	ب) ضرورت نگاه توحیدی به ابعاد متکثر و گاهی (به ظاهر) متضاد سبک ها
۲۱۹	ج) ضرورت وجود انسانی کامل به عنوان الگو، معبار و مبنای زندگی انسانی
۲۲۰	د) توجه به رابطه ثابت و متغیر در طراحی سبک زندگی دینی
۲۲۱	ه) سبک سازی مبتنی بر اصل تقيیه
۲۲۳	نتیجه

۲۳۰	سیمای کلی سبک زندگی شیعی بر مبنای مکتب جعفری
۲۳۰	اشاره
۲۳۱	۱. حوزه دانشی و معرفتی مکتب جعفری، مبنای سبک زندگی شیعی
۲۳۸	۲. حوزه گرایش ها و باورها
۲۴۰	۳. حوزه عمل و رفتار، حوزه سبک سازی و نظام دهی به جامعه شیعه
۲۴۰	اشاره
۲۴۰	۳-۱. سبک زندگی شیعی در حوزه فردیزندگی
۲۴۳	۳-۲. سبک زندگی شیعی در حوزه خانوادگی
۲۴۵	۳-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه اجتماعی
۲۶۲	۳-۴. سبک زندگی اجتماعی شیعه از نظر رویارویی با جامعه اسلامی
۲۶۵	سخن پایانی
۲۶۸	کتابنامه
۲۶۸	اشاره
۲۶۸	کتاب:
۲۷۲	نرم افزار:
۲۷۳	درباره مرکز

## آیین برنامه سازی درباره زندگی امام صادق علیه السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه : رضایی، محمد، ۱۳۵۰ -

عنوان و نام پدیدآور : آیین برنامه سازی درباره زندگی امام صادق علیه السلام / محمد رضایی.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیما؛ جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۹۸ ص.

فروست : مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۸۷۱ مجموعه پژوهش‌های برنامه ای؛ ۱.

شابک : ۶۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۱۴-۵۲۶۳-۴

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۹۵] - ۱۹۸.

موضوع : جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، ۸۳ - ۱۴۸ ق.

موضوع : تلویزیون -- ایران -- برنامه های اسلامی

موضوع : تلویزیون -- ایران -- تولید و کارگردانی

شناسه افزوده : صدا و سیما؛ جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش‌های اسلامی

رده بندی کنگره : BP۴۵/۱۵۷/الف ۹ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۹۵۵۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۹۳۹۵۹

ص: ۱

### فهرست مطالب











بخش اول: کلیاتی درباره ایده یابی در زندگانی معصومان ۱۳

الف) پیشفرض ها و پیش نیازهای مطالعه زندگی معصومان ۱۳

۱: نگرشی کلامی و عرفانی به شخصیت انسان کامل ۱۶

۲: بررسی زندگانی انسان کامل با رویکرد فلسفه تاریخی ۱۸

ب) ضرورت نگاه میان رشته‌ای ۲۳

نتیجه گیری ۲۷

بخش دوم: ایده یابی از زندگانی امام صادق؟ ع ۲۹؟ ع

نگاهی اجمالی به زندگانی امام صادق؟ ع ۲۹؟ ع

فصل اول: زندگانی توصیفی امام صادق؟ ع از منظر خط تاریخی و زمانی ۳۳

نکاتی درباره روش پژوهش و منابع در این مرحله ۳۹

ص: ۷

نکته ای درباره خط زمانی رحلت شخصیت های علمی اسلامی ۴۱

الف) خط زمانی زندگانی امام صادق؟ ع؟ از تولد تا امامت پدر (۸۲ تا ۹۵ ه. ق) ۴۲

نکته ها و ایده ها ۴۶

ب) خط زمانی زندگانی امام صادق؟ ع؟ از امامت پدر تا امامت خود (۹۶ - ۱۱۴ ه. ق) ۴۷

نکته ها و ایده ها ۵۲

ج) خط زمانی زندگانی و امامت: امام صادق؟ ع؟ در دوران مروانیان (۱۱۴ - ۱۳۲ ه. ق) ۵۴

نکته ها و ایده ها ۶۴

۱. امام صادق؟ ع؟ در دوران خلافت عباسیان ۶۸

۲. امام صادق؟ ع؟ و توسعه بخشی و کاربردی سازی سبک زندگی تقیه محور ۸۳

۳. مدیریت فعال امام صادق؟ ع؟ و طراحی نظام اجتماعی جدید شیعی ۸۴

۴. فرهنگ سازی امام برای جامعه شیعه ۸۵

جمع بندی و نگاهی کلی به فصل ۱۸۶

خط زمانی مدرسه علمی و دانشگاه صادقین ۹۲

نمونه ای از نمودارهای اجتماعی شیعه در زمان امام صادق؟ ع؟ ۹۵

نمودارهای خط زمانی جبهه باطل در روزگار امام صادق؟ ع؟ ۱۰۰

فصل دوم: اطلس جعفری ۱۱۱

الف) اطلس‌گاری، پایه ایده یابی رسانه ای ۱۱۱

ب) نگاهی گذرا به جغرافیا و اطلس تاریخی حق و باطل ۱۱۳

اطلس زندگانی امام صادق؟ ع؟ ۱۱۶

الف) جلوگیری از ایجاد منطقه جغرافیایی حق ۱۱۸

ب) ایجاد جغرافیاهای موازی ۱۱۸

ج) نفوذ و تصرف کانون جغرافیایی حق ۱۱۹

۱. اطلس جغرافیای حق در دوران امام صادق؟ ع ۱۲۷؟

ص:۸

۲. اطلس و جغرافیای سیاه ۱۳۱

- جغرافیای استان ها و تقسیم های سیاسی جهان اسلام ۱۳۴

۳. اطلس و جغرافیای خاکستری ۱۳۵

نکته پایانی ۱۳۷

فصل سوم: امام صادق؟ ع؟ و طراحی سبک زندگی شیعی ۱۳۹

سبک زندگی، چیستی و جایگاه آن ۱۳۹

ضرورت بحث سبک زندگی امام صادق؟ ع؟ ۱۴۰

چگونگی سبک سازی امام صادق؟ ع؟ ۱۴۳

دوره اول و آغازین امامت در دوره اقتدار مروانیان ۱۴۶

دوره دوم امامت هم زمان با افول خلافت مروانیان ۱۴۶

دوره سوم امامت همزمان با خلافت تازه تأسیس عباسی ۱۴۶

مبانی و ساختار سبک زندگی در مکتب جعفری ۱۴۸

الف) ضرورت نگاه جامع در طراحی مکتب ۱۴۸

ب) ضرورت نگاه توحیدی به ابعاد متکثر و گاهی (به ظاهر) متضاد سبک ها ۱۴۹

ج) ضرورت وجود انسانی کامل به عنوان الگو، معیار و مبنای زندگی انسانی ۱۵۰

د) توجه به رابطه ثابت و متغیر در طراحی سبک زندگی دینی ۱۵۱

ه) سبک سازی مبتنی بر اصل تقيه ۱۵۱

نتیجه ۱۵۳

سیمای کلی سبک زندگی شیعی بر مبنای مکتب جعفری ۱۵۸

۱. حوزه دانشی و معرفتی مکتب جعفری، مبانی سبک زندگی شیعی ۱۵۹

۱-۱. خداشناسی و جهانبینی و روشنناسی در حوزه دین شناسی ۱۶۰

۱-۲. انسان کامل و امام شناسی ۱۶۲

ص:۹

۱-۳. انسان‌شناسی جامع و کامل ۱۶۳

۲. حوزه گرایش‌ها و باورها ۱۶۶

۳. حوزه عمل و رفتار، حوزه سبکسازی و نظامدهی به جامعه شیعه ۱۶۷

۱-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه فردی زندگی ۱۶۸

۲-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه خانوادگی ۱۷۰

۳-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه اجتماعی ۱۷۲

۴-۳. سبک زندگی اجتماعی شیعه از نظر رویارویی با جامعه اسلامی ۱۸۸

سخن پایانی ۱۹۲

کتابنامه ۱۹۵

کتاب: ۱۹۵

نرم افزار: ۱۹۸

**پیش گفتار**

ص: ۱۰

برنامه سازیرسانه ای (تلویزیونی) فرآیندی است که در آن، فکر یا پیامبیا پیمودن مراحل گوناگون نرم افزاری و سخت افزاری، به تک برنامه یا مجموعه ایاز برنامه های تولیدی رسانه ای در قالب های گوناگون تبدیل می شود.

این فرآیند در مراحل اولیه شامل عملیات های نرم افزاری و در گام های دیگر، تبدیل محصولات فرآوری شده نرم افزاری به تولیدات سخت افزاری است. نخستین و مهم ترین مرحله در این فرآیند، مرحله‌شناسایی، تولید یا گزینش ایده (فکر و پیام اولیه) است.

ایده تلویزیونی را در جمله ایکوتاه این گونه‌ی توان تعریف کرد: «پیام، جان مایه، روح و سخن اصلییک برنامه تولیدشده رسانه ای و تلویزیونی است». این ایده با ساختار تک یا چندجمله ای کوتاه، در فرآیند برنامه سازی، قابلیت تبدیل شدن به برنامه های گوناگون کوتاه و بلند رسانه ای و تلویزیونی را دارد. همین ویژگی، فصل امتیاز ایده از دیگر جملات خبری است.

جایگاه ایده در روند برنامه سازی در جایگاه بُن مایه، اساس و پایه و رکن اولیه برنامه سازی

است. در مهندسی معکوس به بُن مایه و ایده اصلی هر برنامه تولیدی می توان رسید و کشف کرد که ایده اولیه هر برنامه چه چیزی و چگونه بوده است و چه وضعیت، قوت یا ضعفی از نظر محتوا، مخاطب شناسی، زمان شناسی، روزآمدی و کاربردیا راهبردی بودن دارد. از این دیدگاه، به مطالعه‌دلایل موقیت یا آسیب شناسی ناکامیگروه های برنامه سازی در دوره و بازه زمانی می توان پرداخت و با شیوه مهندسی معکوس یا به اصطلاح، شیوه منطقی برهان اینفهمید که آن گروه در آن بازه زمانی در شناسایی، رصد و گزینش ایده های برنامه سازی موفق بوده است یا خیر.

با توجه به تبیینی که از جایگاه ایده و چگونگی بازشناسی و کشف آن از برنامه های تولیدی شد، به شکلیاً گاهانه تر به موضوع این پژوهش، یعنی «ایده های برنامه سازی درباره زندگی امام صادق(ع)» می توان پرداخت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در دوران گذار؛ یعنی دوره ایجاد تحول در درون سازمان صدا و سیما برای تبدیل شدن آن از صدا و سیمای ملی ایران به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، به طور طبیعی و به اقتضای اسلامیت نظام باید در همه شبکه های تلویزیونی و رادیویی، گروه هایی با نام گروه معارف یا گروه مناسبات های مذهبی تشکیل می شد تا هم زمان با مناسبات های فراوان مذهبی و هماهنگ با نیاز های فراوان جامعه داخلی و خارجی، برنامه هایی درباره معارف حقه شیعه - بنیان انقلاب اسلامی - تهیه و تولید کنند. همچنین هم سو با تحولات داخلی که جامعه باید به تدریج به سوی ایجاد جامعه اسلامی و سپس تمدن اسلامی می رفت، به برنامه سازی های معرفی، دینی و اسلامی در قالب های گوناگون می پرداختند.

اینک پس از سه دهه، وقتی دست کم در دو سطح، برنامه های تولید شده معرفی و تاریخچه مدیریتی و روند برنامه سازی در گروه های معارفیرا بررسی می کنیم، درمی یابیم متأسفانه در این بخش از نظر برنامه سازی بیشتر آثار تولیدی، در سطح «ج» و «د» قرار دارند. معمولاً گروه ها نیز برنامه ای مدون و منسجم برای ایده یابی های هماهنگ با شرایط زمانه ندارند و کار گروه های عالمانه و فرهیخته دوزیست و میان رشته ای بین مباحث معرفی و رسانه شناسی)

در آنها نمی توان یافت. روند برنامه سازی در این گروه ها، بیشتر روزمره، بدون نمی توان نوآوری و از نظر پیام و قالب، تکراری و در شیوه استفاده از شعایر دینی، سطحی و مستقیم (استفاده از کارشناسان دینی، نمادهای دینی و...) است. متأسفانه در بیست سال اخیر، پس از پایان دفاع مقدس، گروه های معارفی صدا و سیمای جمهوری اسلامی، با وجود توسعه کمی و ایجاد شبکه های گوناگون برای مخاطب های گوناگون جغرافیایی، فرهنگی، سنتی و..., به جای اینکه به فرموده امام راحل؟ ره؟، نقش دانشگاه - که فرهنگ سازی و الگوسازی های کلان است - ایفا کنند، در بیشتر موارد، دنباله رو وضعیت فرهنگی جامعه، آن هم در سطح عامیانه و عوامانه اش بوده و به گونه ای به سطحی زدگی فرهنگی و دینی در جامعه پرداخته اند.

یکی از مهم ترین دلایل پیدایش این معضل در برنامه ها و روند برنامه سازی معارفی، حضور نداشتن کارگروه های تخصصی حوزوی و رسانه ای در مرحله ابداع، مهندسی و مدیریت ایده های معارفی برای ساخت این گونه برنامه هاست.

نگارنده به اقتضای داشتن چندین سال تجربه در شبکه های گوناگون تلویزیون و نیز تجربه کارشناسی محتوایی - که همراه با سختی ها و نامهربانی های فراوان بوده - دریافته است که تقریباً در بیش از نود درصد برنامه های معارفی در مراحل پیش تولید، هرگز از کارشناسان دینی و معارفی استفاده نمی شود و نقش کارشناس دینی به مرحله آخر - روی آتن رفتن و ایفای نقش مستقیم و بدون طرح و برنامه حساب شده - منحصر شده است. به همین سبب، نه تنها بیشتر برنامه های معارفی، ضعیف، سطحی و تکراری است، بلکه این برنامه ها، مخاطبان فراوانی را نیز از دست داده اند.

این معضل به دلیل تصور بیشتر مسئولان و دست اندکاران و برنامه سازان پدید می آید؛ زیرا نقش کارشناسان دینی در برنامه سازی رابه مرحله‌آخر منحصر و در مراحل قبل، برای آنها جایگاهیدر نظر نمی گیرند، چون آن افراد نیز با چارچوب و خطوط کلی و فرعی معارف دینی، آشنایی تخصصی و جامع ندارند و معمولاً در مرحله ایده یابی و طراحی، به صورت تک بعدی و سطحی به معارف می نگردند. بدین سبب، محصول نهايهمانيمی شود که شاهد آن هستيم.

البته باز هم تأکید می کنیم که تنها ورود کارشناسانی به مرحله اولیه برنامه سازی - که همان مرحله اولیه افزاری و طراحی و مهندسی و مدیریت پیام های معارفی است - سودمند خواهد بود که افرون بر دین شناسی تخصصی، رسانه شناس هم باشند؟ و گرنه بهره مندی از کارشناسان ناآشنا با رسانه و اقتضائات آن، تجربه های شکست خورده در سریال سازی های درجه «الف» معارفی، مانند سریال ولایت عشق و تنها ترین سردار تکرار می شود که با وجود کارشناسان تاریخی و معارفی قوی در تخصص های خود، ولی ناآشنا با ساخت فیلم نامه و فیلم، تمام روند طراحی و تولید نرم افزار و پیام، به نویسنده و کارگردان واگذار می شود. بدین ترتیب، آثاری تولید می شود که از نظر ایده، پیام و محتوا و حتی قالب، اشکال و انتقاد بسیاری بر آنها وارد است. اینک با توجه به درک این پیشینه از وضعیت برنامه سازی معارفی، در این اثر که دومین تلاش پس از «پژوهشبرنامه سازی درباره زندگانی امام کاظم(ع)» است، می کوشیم برای پیش تجربه های تخصصی در آینده و بازشناسی چگونگی فرآیند ایده یابی و رصد و معرفی نمونه هایی از ایده ها درباره زندگانی امام صادق(ع)، موضوع هایی را با نام «ایده های برنامه سازی در مورد زندگانی امام صادق(ع)» ارائه دهیم.

این پژوهش شامل این بخش هاست:

بخش اول، کلیاتیدرباره ایده یابی در زندگانی معصومان که در بردارنده پیش فرض ها و پیش نیازهای مطالعه زندگی معصومان و ضرورت نگاه میان رشته ای در برنامه سازی معارفی است.

بخش دوم، با نام ایده یابی زندگی امام صادق(ع) در سه بخش سامان یافته است:

زندگی نامه تحلیلی و تطبیقی امام صادق(ع) از دیدگاه خط زمان (Time Line)؛ اطلس جعفری و امام و طراحی سبک زندگی شیعی.

## بخش اول: کلیاتی درباره ایده یابی در زندگانی معصومان

### اشاره

بخش اول: کلیاتی درباره ایده یابی در زندگانی معصومان

زیر فصل ها

الف) پیش فرض ها و پیش نیازهای مطالعه زندگی معصومان

ب) ضرورت نگاه میان رشته ای

نتیجه گیری

### الف) پیش فرض ها و پیش نیازهای مطالعه زندگی معصومان

#### اشاره

الف) پیش فرض ها و پیش نیازهای مطالعه زندگی معصومان

به اعتقاد شیعیان که مبتنی بر ضرورت های عقلی و فطری و مستندات قرآنی و روایی است، بشر برای زندگانی با سعادت و موفقیت روی کره خاکی و نیز مراحل پس از آن، به انسان کامل نیازمند است. انسان کامل، انسانی همانند دیگر انسان هاست با همان ویژگی های فیزیکی، روحانی، رفتاری و روانی که مهم ترین امتیاز و شاخصه اش آن است که در تمام این ویژگی ها، بر خلاف دیگر انسان ها که در مرحله استعداد و در حال رشد تدریجی و تحصیلی هستند، کامل و تام و تمام است و به صورت حصولی، واجد رشد تام و تمام در تمام ابعاد وجود یافته است. از این رو، انسان کامل نامیده می شود؛ یعنی انسانی که در نقطه اوج مراتب انسانی خود هست.<sup>(۱)</sup>

نگاه به شخصیت معصومان از دریچه انسان کامل، پیش فرضی بنیادین و هویت بخش در

صفحه ۱۵

۱- در این زمینه رک به: امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی، بخش اول ص ۳.

مکتب تشیع و فصل امتیاز شیعه از تمامی ادیان، فرقه ها، مذاهب و مکتب هاست. در هر مطالعه ایدرباره زندگانی معصومان، به ویژه در پژوهش های رسانه ای و برنامه سازی ها، غفلت یا کم توجهی نسبت به این ویژگی، عامل بسیاری از ضعف ها، انحراف ها، تحریف ها یا سطحی نگری ها شده است و می شود. برای فهم بهتر و بیشتر این پیش فرض بنیادین می کوشیم آن را از دو دیدگاه کلامی و تاریخی بررسی کنیم.

### ۱: نگرشی کلامی و عرفانی به شخصیت انسان کامل

#### ۱: نگرشی کلامی و عرفانی به شخصیت انسان کامل

در بینش کلامی و عرفانی شیعه بین ذات حق تعالی - که غیب الغیوب است - و جهان مخلوقات - که در نهایت مرتبه فقر و نیاز و محدودیت است - واسطه ای به نام خلیفه و جانشین حق تعالی در مُلک و ملکوت نیاز است تا از یک سو، مظہر تام و جامع صفات حق تعالی باشد و از سویی دیگر، به واسطه آن مظہریت، به مرتبه و مقام خلافت نسبت به هر آنچه غیر اوست، برسد.<sup>(۱)</sup>

به جز انسان، دیگر مخلوقات توانایی تحمل این مرتبه را ندارند؛ چون بر اساس نص قرآن، خداوند تنها انسان را به صورت خود و در مقام خلیفه الله آفریده است. البته بدیهی است این مقام خلافت برایهمه انسان ها نیست و تحصیل شدنی هم نیست؛ بلکه این مقام، صورتِ صفات حقه خالق بوده و خلافت بر مخلوقات تنها منحصر به کامل ترین انسان هاست.

در مقام بازشناسی انسان های کامل با استقصای تاریخی و بر اساس آنچهaz متون آسمانی کشف می شود، می توان گفت این مرتبه و مقام به چهارده معصوم اختصاص دارد که شامل پیامبر اکرم؟ص؟، امیر المؤمنین علی(ع)، حضرت زهرا؟عها؟ و یازده نور پاک از تبار آنها هستند. برای بازشناسی بهتر و بیشتر شخصیت این چهارده انسان کامل و ولی معصوم، مطالعه متون کلامی، عرفانیه ویژه احادیث امام شناسی ضروریاست تا افزون بر شناختن ذات و مرتبه ذاتی انسان معصوم، دو نقش ویژه رابطه انسان معصوم با انسان ها و نسبت انسان کامل با حق تعالی واکاوی

ص: ۱۶

۱- بحار الانوار، ج ۲۵، باب اول، باب انّهم نور واحد.

البته واکاوی نقش‌های دوگانه، به ویژه نقش اولیای معصوم با جهان انسانی و حیات زمینی را از دو منظر می‌توان مطالعه کرد: یکی، به صورت مطلق و مشترک بین همه‌چهارده معصوم و دیگری، از منظر تجلی ویژه و ممتاز زمانی و تاریخی هر یک از چهارده معصوم؛ بدین گونه که چهارده معصوم با اینکه همگی نوریکسان و در مرتبه ای واحد هستند، ویژگی‌های خاصی هم دارند که متأثر از مرتبه وجودیا مرتبه زمانی و تاریخی آنان است.

بدیهی است غفلت از این ساحت‌های قدسی در هر پژوهش علمیا برنامه رسانه‌ای موجب ترسیم شخصیتی دنیوی، سکولار و زمینی از انسان کامل می‌شود. بدین ترتیب، کمال آن معصوم به محدود و سطحی، تبدیل و پردازش شخصیت معصومان دچار تحریف و انحراف می‌گردد. برای پرهیز از این آسیب بزرگ، مطالعه و کشف ابعاد و زوایای شخصیتی معصوم باید در دو جهت از چهار جهت این مقام صورت بگیرد؛ چون برای هر انسان، چهار رابطه متصور است:

در این رابطه‌های چهارگانه، معصوم در مرتبه کامل است و عصمت او هم در رابطه‌اول (رابطه دوسویه خدا با او و خود با خودش) ریشه دارد. بدین گونه که برای نمونه، عصمت معصوم دو ویژگی خاص برای او به همراه دارد: طهارت مطلق و علم غیب (و حضوری).

انسان کامل به آن دلیل طهارت مطلق دارد که مظهر و تجلی تمام اسماء و صفات حق تعالی است.<sup>(۱)</sup>

با این نگاه، انسان کامل از نظر زمینی و تاریخی ممکن است در حالات و شرایط مساعد یا

ص: ۱۷

۱- امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی، ص ۴، صورت و سیرت انسان در قرآن، جوادی آملی، ص ۲۱.

نامساعد گوناگون باشد، و لیهمواره انسان کامل است؛ مانند دانشمند نابغه‌ای که ممکن است از دانش او بهره برده شود یا در کنج عزلت یا تبعید باشد، اما همچنان دانشمند نابغه خواهد بود. این در حالی است که در تصور عامیانه و بیشتر برنامه سازی‌ها، امام معصوم در موارد انفعالی و ارزوا و محاصره‌های همه جانبه، امام مظلوم، درمانده، منفعل و عاجز تصور می‌شود. باید دانست آنچه رخداده است، محدودیتی انسانی و اجتماعیو محصول اراده‌های محدود باطل است که به گمان باطل خودشان شکل داده‌اند. امام معصوم حتی در چنان شرایطی هم روابط ملکی و ملکوتی و غیبی خود را با جامعه و تاریخ حفظ می‌کند.

از این منظر، تفاوت مهم انسان کامل با دیگر انسان‌ها در این است که انسان‌های معمولی در شرایط سخت و بحرانی و محاصره‌ها، چون دایره استعدادها و روابطشان صرفاً زمینی و فیزیکی است (مگر صالحان و عارفانی که به تربیت معنوی و معنایی خود همت گماشته و سیر و سلوک کرده باشند)، به ضعف مدیریت، سوء تدبیر و اشکال در طرح‌ها و برنامه‌های اصلی دچار می‌شوند. وضعیت انسان کامل در همین شرایط، متفاوت است.

بر اساس مطالعات نقلی<sup>(۱)</sup> و علمی، دامنه و ابعاد وجودی انسان که انسان-کامل در همه آنها در مرتبه کامل و جامعیت است -چنین است:

۱۸: ص

---

۱- در این زمینه نک: حرکت، علی صفائی، ص ۱۷؛ مسئولیت و سازندگی، علی صفائی، ص ۱۳؛ انسان شناسی (محمد رجبی)، ص ۹۴.

برای فهم بهتر و بیشتر کمال انسانِ کامل، توجه ویژه به ابعاد وجودی فردی انسانی او و نسبت کمال در هر یک از این موارد، ضروری است و می‌تواند به فهم معنی و رابطه دوسویه کمال انسانی و انسان کامل کمک بیشتری کند.

انسان موجودی ترکیبی و دو بعدی از منظر قرآن

بعد جسمانی و فیزیکی

بعد روحانی و فطری

ویژگی ها

نیازها

ویژگی ها

نیازها

اعضا، جوارح و سیستم های بدن

غذاء، هوا و پوشاك

ترک فقر و خلا درونی

گرایش به معنایابی و تکیه گاه جویی نامحدود و حسّ عبادت و عبودیت آن معنا و معنویت ماورایی

ص: ۱۹

غريزه جنسی

همسرگزینی و استمرار نسل

درک توانایی فهم و تعقل

گرایش به جست وجوگری، کشف و فهم وقایع، تشخیص حق و باطل و رشد و شکوفایی معرفتی و علمی

خستگی و خواب

مسکن و استراحت

درک خوبی و بدی

گرایش به خیرها و گرایش از شرها و گرایش به عدالت در خیرها و منافع و میل به مدینه‌فاضله‌جهانی

حوال پنج گانه

مُدرّکات حسی جهت ایجاد روابط با انسان‌ها و جهان فیزیکی

درک نظم و تناسب

گرایش به زیبایی‌ها و گریز از بدی‌ها و زشتی‌ها

درک اراده و آزادی و قدرت نسبی

گرایش به تولید و آفرینش و ایجاد تحول پیرامون خود

درک مرگ و محدودیت زندگی زمینی

گرایش به جاودانگی

با مطالعه این دو جدول و بر اساس مبانی و پیش‌فرض‌های کلامی و عرفانی، انسان کامل، انسانی است که در حوزه اراده فردی خود و آنچه به شخص او باز می‌گردد، در مرتبه کمال بالفعل است. البته اوج این کمال و رشد در ابعاد فطری و روحانی معصوم متبلور است. در ابعاد فیزیکی و جسمی، انسان معصوم ویژگی ترکیبی شگفتیدارد؛ بدین گونه که او از یک سو، از منافع دنیوی، به صورت حداقل استفاده می‌کند، ولی از نظر توان مندی‌ای تولید دارای بالاترین مرتبه و درجه است. مثلاً خواب ولی معصوم از نظر کمیت، کمترین مقدار است و از جهت کیفیت، با خواب عمیق و همراه با غفلت انسان‌ها یدیگر متفاوت است؛ چون هنگام خواب از نظر دایره و دامنه و کیفیت و کمیت ادراک‌های حسی در بالاترین مرتبه قرار دارد.

معصوم شناسی، بحثی کلامی، عرفانی، انسان شناختی، قرآنی و روایی است که با وجود

۲۰: ص

اهمیت و گستردگی متون نقلی و سنتیدرباره آن، از نظر روش های آکادمیک کمتر واکاویشده است. در عرصه پیش نیازها بر نامه سازی، با وجود سریال سازی های الف صدا و سیما درباره امیرالمؤمنین علی(ع)، امام حسن مجتبی(ع) و امام رضا(ع) شاید بتوان گفت تاکنون به این بعد توجه نشده است. در این پژوهشنیز چون محور ایده یابی، زندگی امام صادق(ع) است، ناچار به همین حد بسنده می شود.

## ۲: بررسی زندگانی انسان کامل با رویکرد فلسفه تاریخی

### ۲: بررسی زندگانی انسان کامل با رویکرد فلسفه تاریخی

زندگی انسان، حدّ فاصل اولین تا آخرین نفس کشیدن است و در شرح حال نگاری تاریخی داستانی متعارف و معاصر، زندگی انسان به این دو حد محدود است. حتی وقتی از این حدود فراتر می رود، از جهت گذشته شناسی، از تبارشناسی فراتر نمی رود و از نظر آینده شناسی، در محدوده بازتاب افکار و آثار فرد باقی می ماند.

این نگاه درباره انسان های معمولی با دامنه اثرگذاری محدود در افق زندگی محدود، پذیرفتی است. در مقابل، بر اساس آنچه در رویکرد کلامی - عرفانیه زندگانی انسان کامل به آن اشاره شد، انسان کامل کسی است که هر چند همانند دیگر انسان ها زندگی طبیعی و محدودی دارد، دامنه تدبیر، طراحی، مدیریت و برنامه ریزی او در حوزه افعال ارادی و اختیاری اش یا در مقام تاریخ سازی برخلاف دیگر انسان ها، محدود و همراه با افت و خیز و پراکندگی نیست. انسان کامل، فراتر از زمان و مکان و برتر از افق زمان و زمانه و جامعه خود است. پس در مقام رفتار و کُنش و واکنش، زمانی رفتار می کند یا زمانه خود را می بیند و در زمان و مکان خود اقدام و کُنش دارد، ولی در مقام نگرش و چشم انداز و ارزیابی، سراسر پهنه تاریخی و روند آن واهداف آن را در نظر می گیرد.<sup>(۱)</sup> انسان کامل، تاریخی (در گستره پهنه تاریخ) می نگردد و زمانی و مکانی عمل می کند. تفاوت این نگرش با نگرش های محدود و ناقص دیگر انسان ها در برون داد رفتاری متفاوت انسان کامل با دیگر انسان ها مشخص

۲۱: ص

۱- فرامرز سهرابی، مهدویت و فلسفه تاریخ، ص ۱۰۵ رحیم کارگر، آینده جهان، ص ۸۳

می شود.

بدین گونه، دامنه اثر گذاری دیگر انسان‌ها، محدود و زوال پذیر است و بالاترین مرتبه آن، ایجاد و پایه گذاری مسلکی است که نیازمند رشد و تکامل توسط شاگردان بعدی است، ولی انسان کامل پایه گذار جریان و روندی مانا و مقدس است که با گذشتزمان نه تنها افول نمی‌کند، بلکه گسترش روزافزون می‌یابد.

از این منظر، برای فهم بهتر و بیشتر زندگانی هر یک از چهارده معصوم، پیش فرض دوم و فهم شناخت فلسفه تاریخ از منظر مکتب تشیع ضروری است<sup>(۱)</sup> تا در نگاهی تلفیقی بین مبانی کلامی امام شناسی، فلسفه تاریخ و هر یک از معصومان، به درکی جامع و کامل از زندگانی هر یک از آنان بتوان رسید:

امام صادق(ع)، امام ششم شیعیان است که در مرحله حساسی به امامت می‌رسد و چنان نقشی در جریان تاریخی خود و تشیع ایفا می‌کند که از آن پس، تشیع به نام «مکتب جعفری» یا «شیعه جعفری» شناخته می‌شود. این نقش و جایگاه را نمی‌توان شناخت، مگر در چارچوب شناخت و فهم فلسفه تاریخی حق و باطل و بازشناسیدوره های تاریخی حق و باطل از آغاز تا زمان امام صادق(ع) و پس از امام صادق(ع) تا رسیدن به هدف غاییمسیر تاریخ.<sup>(۲)</sup> برای بازشناسی این پیش فرض مهم، نگاهی‌اجمالیه خط سیر کلی تاریخ از آغاز تا پایان و نسبت سنجی زندگانی شخصیت مورد نظر (امام صادق(ع)) با آن ضروریاست.<sup>(۳)</sup>

۲۲: ص

---

۱- ۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، صص ۳۵-۸۴

۲- همان.

۳- در این زمینه نک: آیین برنامه سازی زندگانی امام موسی کاظم؟ع؟ / محمد رضایی، ص ۲۱.

امروزه چنین کاری در قالب دانشیدر رشته تاریخ انجام می شود که به آن خط زمان<sup>(۱)</sup> می گویند و بر اساس آن تلاش می شود رویدادهای موازی در یک خط سیر تاریخی به صورت تطبیقی نشان داده شود. البته طرح های خط زمان از نگاه غیر دینی، به نگاه دیروزی و گذشته گرا و همان تاریخ منحصر است، ولی از منظر ادیان آسمانی به ویژه اسلام با قرائت شیعی-که نگاهی جامع و کامل به خط زمان و تاریخ دارد-این خط سیر، منحصر به گذشته نیست و از گذشته های دور تا آینده های دور و پایان تاریخ را شامل می شود.

از منظر قرآنی و مبتنی بر روایات تفسیری و تأویلی شیعی، خط زمان دیروز - فردا، از داستان آفرینش آدم و حوا در آسمان ها و ماجراهی سجده خواهی حق تعالی و فرمان برداری فرشتگان و نافرمانی ابلیس و سپس وسوسه گری او نسبت به آدم و حوا آغاز می شود که به هبوط آن دو به کره خاکینجامید. چشم انداز پایان تاریخ زمینی هم تحقق مدینه فاضله موعود جهانی به یاری آخرین انسان کامل است. از این منظر، خط زمان همانند مکتب تکامل از دنیای حیوانات و میمون ها تا ناکجا آباد آینده -که حدّ فاصل آن، تمدن های سکولار و زمینی است-نیست، بلکه با اولین زن و مرد موحد و آسمانی آغاز می شود و امتداد آن هم ماجراهی در گیری حق و باطل در قالب راهبری انبیا و اولیاست.

خط زمان تاریخ زمینی انسان از منظر شیعه چنین است:

طرح ۱

دوران پیامبران

نوح(ع)

ابراهیم(ع)

موسى(ع)

عیسی(ع)

پیامبر اسلام؟ ص؟

دوران امامان

دوران حضور

ص: ۲۳

یازده امام

دوران غیبت صغیری

دوران غیبت کبری

دوران ظهور

دوران رجعت

طرح ۲

امام علی(ع)

امام مجتبی(ع)

امام حسین(ع)

امام سجاد(ع)

امام باقر(ع)

امام صادق(ع)

امام کاظم(ع)

امام رضا(ع)

امام جواد(ع)

امام هادی(ع)

امام عسکری(ع)

امام زمان؟ عج؟

۳۰ سال

۱۰ سال

۱۰ سال

۳۳ سال

۱۹ سال

۳۴ سال

۳۴ سال

۲۰ سال

۱۷ سال

۳۴ سال

۶ سال

غیبت صغرا ۶۹ سال

غیبت کبرا تاکنون یک هزاره و بیش از نیم قرن

فلسفه تاریخ بر اساس این دو خط زمان، به اجمال چنین است: هدف آفرینش انسان، رسیدن به کمال و سعادت از دریچه عبودیت است، ولی با دشمنی ابلیس و مانع تراشی های او، بهشت آسمانی-که تجلی بیرونی عبودیت و کمال انسانی بود-از دست رفت و آدمی به تبعیدگاه زمین آمد تا با سیر و سلوک و مجاهدتی بیشتر و در پناه ولايت پذیری اولیای حق و تدبیر و مدیریت آنان در اولین گام به بهشت زمینی و سپس به بهشت آسمانیراه یابد. آن دشمن نابکار که می دانست بر اساس مهلتی که گرفته است، حتیتحقق بهشت زمینیموجب مرگ اوست، همواره می کوشد با جذب اکثریت اراده های سست و متزلزل انسانی به مانع تراشی برای سیر تاریخی حرکت انسان ها به سوی بهشت زمینیپردازد. بدین گونه است که مصاف تاریخی کلان حق و باطل بین اولیای معصوم (پیامبران و سپس چهارده معصوم) و ابلیس سرکش و در مرتبه خرد بین جوامع حق و باطل در می گیرد. تاریخ و خط زمان تاریخ مصاف

۲۴: ص

این دو جبهه تا پایان غلبه تاریخیکی بر دیگری پس از پیمودن دوره ها و مراحل سیاسی، اجتماعی تاریخی است که از نگاه شیعی، این پایان با غلبه حق در قالب مهدویت شیعیتحقق می یابد.

در این خط زمان، دوره پیامبران (که رهبران آن از نظر عصمت، مادون چهارده معصومند و بالاترین آنان، پیامبران اولوالعزم هستند) دوره ارتباط مستقیم آسمان با زمین (وحی) برای فرستادن تدریجی و تاریخی قانون و طرح نامه زندگی جامع و سعادت محور بشری (قرآن) به موازات رشد تدریجی عقول و فهم بشری است؛ دوره انبیا اولوالعزم هم دوره های تجربه های گوناگون جامعه توحیدی و سختی های آن از ابتدایی ترین شکل تا تجربه سخت ترین الگوهای آن است.<sup>(۱)</sup> دوره امامان نیز پس از دریافت دین حق و اوج گیری شدت و حیّدت باطل در قالب و چهره دینی و غیر دینی و تو در تو و لایه به لایه خود، زمینه سازی تدریجی برای گسترش جامعه حق باور تا زمان موعود برای ظهور است.

در نگاه تلفیقی بین دو رویکرد عرفانی و کلامی انسان کامل و تفسیر و تطبیق تاریخی و زمانی آن، مقطع تاریخی‌زندگی‌امام صادق(ع) که پس از هفت معصوم و قبل از شش معصوم دیگر است و در میان خط امامت قرار می‌گیرد، بسیار مهم و اثرگذار است. به ویژه آنکه دوران امامت امام صادق(ع)، یکی از طولانی ترین دوره های امامت امامان حاضر و ظاهر شیعه است که با اوضاع نابسامان سیاسی اجتماعی جهان اسلام هم زمان است. این وضعیت، خود، فرصتی طلایی برای رهبری شیعه در یک دوره باثبات طولانی داخلیبود تا با توجه به فراغ نسبی که برای جامعه حق ایجاد شده بود، مکتب جعفریرا پیریزد.

روشن است در این مسیر، امام صادق(ع) بر خلاف جریان های هیجانی و انقلابی زیدیه یا خوارج<sup>(۲)</sup> که فقط منتظر شکار فرصت ها و لحظه های آنی برای قیام یا شورش بودند، با در نظر

ص: ۲۵

---

۱- تبار انحراف، پژوهشی در دشمن شناسی تاریخی، مؤسسه لوح و قلم، ص ۵۲.

۲- چرا که آن قیام ها، قیام های بی بنیان و حاصلی بودند که با وجود کشتارهای فراوان، در نهایت، سبب استحاله این دو فرقه در دیگر مکتب ها و فرقه ها شد.

گرفتن هدف غایی تاریخ و تلاش های تاریخی اولیا، در امتداد رسالت و تلاش های این بنا و معصومین پیشین و توجه به شرایط آینده، مکتب جعفری را طراحی کرد و به بازسازی و گسترش سبک زندگی و جامعه شیعیان داخت.

## ب) ضرورت نگاه میان رشته ای

### ب) ضرورت نگاه میان رشته ای

نگاه خطی تک بعدی و تک ساحتی به زندگانی معصومان یکی از مهم ترین علایم های این بنا است. بدین معنا که با مطالعه و بررسی آثار منتشر شده درباره زندگی معصومان در نیم قرن اخیر (قبل و بعد از انقلاب) در بیرون از سازمان یا حتی در داخل پژوهشکده های سازمان درمی یابیم مجموعه آثاری که درباره زندگانی معصومان منتشر شده است، عمدها نگاه و روشهای ترجمه نگاری (زندگی نامه ای خطی) داشته اند. به همین دلیل، تلاش کرده اند به زندگانی معصومان در مقطع زمانی تولد تا شهادت و به خود ایشان به عنوان رهبر اجتماعی نگرانند. آن گاه با جمع آوری داستان ها و رویدادهای مربوط به آن از لای متوسط تاریخی و به میزان یافته های خود، متن نهایی حجمی یا محدودی را روانه بازار کنند. این نگاه سبب می شود نه تنها زندگانی معصوم به نوعی غیر مستقیم و ناخواسته به نگاهی سطحی و حتی سکولار تقلیل یابد، بلکه گاهی آن معصوم را نیز منفعل و متأثر از شرایط زمانه به تصویر بکشد. همچنین با وجود آثار متعدد شرح حال نگاری، تفاوت عمدی ای بین آثار تولید شده نیست و به نوعی فقر علمی و محتوایی به وجود آمده است که بروانه داد نهایی آن نیز خود را در برنامه سازی رسانه ای نشان می دهد.

این در حالی است که با توجه به دو رویکرد کلامی و تاریخی (که در فصل پیشین بدان اشاره شد)، شخصیت انسان کامل و همچنین ابعاد سیره او در جامعه همانند منشور یچند جهی دارای ابعاد و رویکردهای فراوان است و می توان آن را از زوایایی گوناگون مطالعه و بررسی کرد.

از این منظر بین شیوه مطالعه و پژوهش درباره انسان کامل و ولی معصوم با دیگر شخصیت های تاریخی توان از نظر دامنه کمی و کیفی تفاوت قابل شد و با توجه به کمال

شخصیتی و تاریخی انسان کامل، هماهنگ با نیازهای زمانه، به مطالعه و کشف پاسخ‌ها از زندگانی معصومان پرداخت؛ به ویژه آنکه امتیاز مهم مکتب تشیع نسبت به دیگر فرقه‌ها و ادیان این است که در این فرقه، پس از خاتمیت قطع ناگهانی مرحله اجرا و تجربه‌فرمان‌های دینی رخ نمی‌دهد تا به سکولاریسم در دین آسمانی بینجامد. چنین پدیده ای به تقدس زدایی از دین در مرحله سیاست و جامعه و ایجاد انحراف و تحریف و بدعت‌های فراوانی در دین می‌انجامد و نتیجه آن، پیدایش فرقه‌ها و انشعاب‌های جدید دینی است. در تشیع، پس از اثبات ضرورت استمرار ولایت رهبران آسمانی، با توجه به شرایط گوناگون زمانی و مکانی هر یک از این اولیا، به تدریج، دایره المعارفی وسیع و مستند و معتبر از سیره و روش‌های معصومانه (انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و کنش‌ها و واکنش‌های معصومانه) برای دین داران گردآوری شده است. به این ترتیب، حتی هنگامی که این فرقه حقه با پدیده غیبت ولی‌وبه رو شود، خلاهای معرفتی و روشنی در جامعه حق ایجاد نمی‌شود و این غیبت به معنای قطع تمامی روابط آسمان و زمین نیست.

بدین سبب، یکی از ضروری‌ترین راهکارهای ایجاد تحول در پژوهش‌های مربوط به زندگانی و سیره معصومان در دوره حضور، به ویژه از منظر ایده یابی و برنامه سازی رسانه‌ای، وارد کردن نگاه و روش مطالعات میان رشته‌ای به زندگانی‌ان بزرگواران است. روش سنتی مطالعه زندگانی معصومان، مطالعه ترجمه و شرح حال نگاری است که اگر هم گستردۀ شود، نیم نگاهی هم به مباحث کلامی و اخلاقی و هم سیاسی-اجتماعی آن با شیوه و روش‌های سنتی دارد.

از نگاه میان رشته‌ای در اینجا، در مرتبه حداقلی به دلیل خاستگاه مشترک می‌کوشد از علوم انسانی به صورت تطبیقی و ترکیبی و میان رشته‌ای به صورت گستردۀ استفاده شود. در این نگاه تلاش می‌شود با تلفیق مناسب بین رشته‌های علوم انسانی معاصر و توسعه‌ای که در زیرشاخه‌های آنها صورت گرفته است با زندگی معصومان، از ترکیب پرسش‌های روزآمد و خرد و کشف پاسخ‌های عالمانه، نتایج و دستاوردهای مناسب در سطح خرد و کلان برای جامعه دینی امروز به دست آید و تحلیل‌های راهبردی‌کاربردی مفیدی از زندگانی معصومان

امروزه این روش، روش غالب و حاکم در مطالعات علوم انسانی است که در گذار از دوره دایره المعارف گرایی به تخصص گرایی و پس از آن، از تخصص گرایی به دوران میان رشته ایرسیده است. البته با توجه به گسترش شاخه های علوم و روابطی که بین آنها برقرار می شود، دیگر جایی برای تخصص گرایی محض باقی نمی گذارد.<sup>(۲)</sup> بدیهی است با این وضع، نوع مطالعات تاریخی- دینی ما درباره زندگانی معصومان هم باید تغییر کند. به ویژه بر اساس عقاید شیعه که تشیع را مذهبی کامل و جامع می داند و معصومان را انسان کامل می بیند، نگاه های تک بعدی به زندگانی و سیره آن بزرگان ضمن آنکه جفا به مرتبه و منزلت معصومان است، سبب می شود انسان های تشنۀ سیره و روش های معصومانه از الگو و سبک زندگی جامع رهبران حق که با شرایط زمانه نیز هماهنگ است، محروم شوند.

البته لازمه تحقق این اهداف، ایجاد رشته ها و مطالعات مضاف و میان رشته ای در حوزه زندگی معصومان است. تحقق این هدف، نیازمند پرورش نیروهای دوزیستی است که از یک سو، در دانش های اسلامی مرتبط با معصوم شناسی خبره باشند و از سویی دیگر، در یکی از شاخه های علوم انسانی تبحر داشته باشند تا با مطالعه از منظرهای تخصصی به نتایج مطلوب دست یابند. اگر این نگاه مضاف نباشد یا این کار را افرادی انجام دهنند که در روش یا تخصص ضعف داشته باشند، محصلو مطالعه، ضربه بیشتری به دین پژوهی رسانه ای معاصر خواهد زد. بدین جهت، طراحی الگو یا الگوهایی برای شناسایی و مهندسی رشته های علوم انسانی قابل استفاده در زمینه معصوم شناسی معرفتی و رفتاری و تاریخی، ضروری است؛ به ویژه که در طرح میان رشته ای در این زمینه، یک سوی مطالعات در گذشته است (زندگی و سیره چندوچهی حضور تاریخی معصومان) و سوی دیگر آن، روش ها و شگردهای مطالعاتی برآمده از علوم انسانیا نیازهای گوناگون اجتماعی در زمان حال.

بنابراین، در متن تاریخ و متن زندگانی معصومان باید نگاهی عمیق تر و وسیع تر داشت و

ص:<sup>۲۸</sup>

۱- احمد فرامرز قراملکی، روش شناسی مطالعات دینی، صص ۳۷۳ \_ ۳۹۶ .

۲- سید ابوالفضل رضوی، «در ک بین رشته ای در تاریخ»، ماهنامه زمانه، ش ۷۸ .

دیگر نباید و نمی توان زندگی معصوم را فقط در محدوده خودش یا در محدوده شاگردان موافق یا حاکمان و دشمنان سیاسیو مخالفانش نگریست. پس باید بر معیار تقابل تاریخی و گسترده حق و باطل به شناسایی تمام سطوح و لایه های حق و باطل پرداخت. برای فهم این مهم، این موارد ضروری دارد: شناخت جامعه و ویژگی های آن عصر، روابط، گروه ها، شخصیت ها؛ سیر روند تحولات لایه ها و سطوح حق و باطل در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فکری، علمی، فرهنگی، اخلاقی، جغرافیایی و تربیتی؛ نوزایی حق و باطل، مناسب با شرایط زمانه؛ بررسی نوع تعامل یا تقابل جریان های حق و باطل؛ چگونگیالگوها، ابزارها و روش ها در تقابل ها یا هم زیستی ها.

روشن است با افزایش پرسش ها از تاریخ، معرض کمبود و نبود استناد و مدارک تاریخیدر برخیا بسیاری از موارد پیش می آید. در این موارد، هم باید از روش های خاص تاریخی برای کشف حلقه های مفقود استفاده شود و هم پیش فرض های کلامی و عرفانی و تاریخیرای رفع ابهام ها به کار رود.

اگر پژوهش تاریخی درباره زندگی معصومان این گونه انجام شود، تازه می توان گذشته را با زمان حال برای درس گیری و عبرت گیری و تجربه گیری پیوند داد و به استمرار اصول مکتبی مناسب با شرایط زمانه، امیدوار بود. البته زمینه های تحقیق این مهم وقتی فراهم خواهد شد که بین تاریخ شناسی معصومان و دیگر علوم انسانی پیوند دوسویه ای برقرار شود تا از دریچه و نگرش های رو به تکامل آن علوم، امکان پرسش ها یا روش های مطالعات تخصصی تر فراهم شود؛ علومی مانند روان شناسی، جامعه شناسی، تعلیم و تربیت، اخلاق، سیاست، حقوق، اقتصاد، جغرافیا، مدیریت، عرفان و ارتباطات.

این پیوند دوسویه دست کم در دو مرحله و مقام می تواند به یاری دانش معصوم شناسی تاریخی بیاید:

یکی، استفاده از داده ها و دستاوردهای علمی این علوم و دیگری، استفاده از روش های پژوهشی آنها در برخی مطالعات و پژوهش های تاریخی. وقتیه کمک داده ها یا روش های علوم دیگر یا روش های سنتی تاریخی، داده هایی جمع آوری شد، در مرحله تجزیه و تحلیل

داده ها هم از نگاه میان رشته ای می توان استفاده کرد.<sup>(۱)</sup>

ضرورت این شیوه در تاریخ شناسی معصومان وقتیبیشتر می شود که بر اساس مباحث گذشته اثبات شود تمام انسان های کامل تاریخی، در همه رفتارها، برنامه ها، کنش ها و واکنش ها، چشم انداز آینده را در نظر گرفته اند. بدین سبب، فهم بهتر بسیاری از حوادث آینده تاریخ و حتی معاصر، به فهم میان رشته ای دوران زندگانی معصومان بستگی دارد. براینمونه، در بررسی حوزه اخلاقی زندگانی امام صادق(ع)، در نگاه سنتی، صرفاً حکایت هایی از سیره اخلاقی امام در روابط جزئی و فردی روایت می شود. در مقابل، اگر به اخلاق از منظر امروزی و دریچه ای تخصصی-چه در روش و چه در داده ها- بنگریم؛ بحث مهمی همچون سبک زندگی پیش می آید. برای نمونه، اگر زمانه امام صادق(ع) به عنوان پایه گذار مکتب شیعه با این دید سنجیده شود، موضوع مهم و ارزشمند ای با نام «نقش امام صادق(ع) در بازسازی ابداع و توسعه بخشی به سبک الگوی زندگی شیعی» را از میان آن می توان استنتاج کرد که بحثی بسیار راهبردی و کاربردی برای مطالعات تاریخی و نیز مباحث اخلاقیدرباره سبک زندگی در زمانه کنونیاست.

باید دانست نگاه میان رشته ای بین مطالعات تاریخی زندگانی معصومان و شاخه های گوناگون علوم انسانی، از منظر چرایی، چیستی و چگونگی و نسبت پسینیا پیشینی بودن علوم مورد مطالعه و تأثیر آن در مطالعات روزآمد دینی و توسعه علوم دینی و علوم انسانی اسلامی، همچنان عرصه ها و فضاهای علمی بکر و دست نخورده ای دارد، به ویژه از منظر مطالعات و پژوهش های رسانه ای که تاکنون به آنها توجه نشده است. ایجاد، گسترش و نهادینه سازی آنها نیازمند ایجاد کارگروه های تخصصی در مراکز پژوهشی، به ویژه واحدهای پژوهش های برنامه ای سازمان صدا و سیماست.

## نتیجه گیری

## نتیجه گیری

برایکشف ایده های روزآمد و متنوع در زندگانی امام صادق(ع) با هدف برنامه سازی

ص: ۳۰

۱- روش شناسی در مطالعات دینی / احمد فرامرز قراملکی، ص ۳۷۳..

تلویزیونی، باید از نگاه های تک بُعدی شرح حال نگاری تاریخپرهیز کرد و به نگاهی جامع و چندسویه داشت. از یک سو باید نگاهی جامع و درون دینی به شخصیت و زندگانی مقصوم داشت و پس از به دست آوردن این نگاه که تلفیقی از کلام، عرفان، فلسفه تاریخ، و اخلاق دینی است، آن را بر اساس نگاه میان رشته ای، دست کم با علوم انسانی از نظر روش، شیوه، کشف و مطالعه داده ها و تجزیه و تحلیل و استنتاج پیوند زد تا بتوان با توجه به کامل و جامع بودن مکتب و انسان کاملی که راهبر مکتب است، از رویدادهای تاریخی مقصومانه به راهبردهای روزآمد برای جامعه و زندگی امروز شیعیان و علاقه مندان به مکتب حق دست یافت. سپس از این راهبردها و استنتاج های روزآمد، ایده هایی پویا، کاربردی، متنوع و جذاب برای سطوح گوناگون مخاطب های داخلی و خارجی شبکه های رسانه ای و تلویزیونی کشف و تولید کرد تا یاری رسان برنامه سازان باشد.

## بخش دوم: ایده یابی از زندگانی امام صادق(ع)

### اشاره

ص: ۳۱



زیر فصل ها

نگاهی اجمالی به زندگانی امام صادق(ع)

فصل اول: زندگانی توصیفی امام صادق(ع) از منظر خط تاریخی و زمانی

فصل دوم: اطلس جعفری

**نگاهی اجمالی به زندگانی امام صادق(ع)**

نگاهی اجمالی به زندگانی امام صادق(ع)

امام جعفر بن محمد صادق(ع)، ششمین پیشوای شیعیان است که بنا بر نقل مشهور، در سال ۸۳ هـ ق در مدینه چشم به جهان گشود. ایشان در سال ۱۱۴ هـ ق، پس از شهادت پدرش، امام باقر(ع)، رهبری و امامت شیعیان را به عهده گرفت.

دوران امامت آن حضرت یکی از طولانی ترین دوره های رهبری امامان شیعه و هم زمان با دوران انحطاط تدریجی امویان و انتقال خلافت از آنها به بنی عباس بود. در این دوره، ایشان فرصت یافت با کمک شاگردان پدرش، با استمرار بخشی به برنامه های علمی و فرهنگی، به طراحی بنیادین مکتب شیعه پردازد.

امام صادق(ع) در دوران امامت خود، با در پیش گرفتن سیاست تقیه، ضمن حفظ خود و جامعه شیعه از فتنه ها و ایجاد مرزبندی روشن بین جامعه شیعه با تمام جریان های انحرافی سیاسی، فکری، اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام، به جذب جوانان علاقه مند به مکتب حق

پرداخت. ایشان فارغ از درگیری های سیاسی، ضمن هويت بخشی به جامعه شیعه، آن را از نظر کیفی، کمی، جغرافیایی و انسانی ارتقا داد. امام صادق(ع) برای اولین بار به واسطه‌گسترش جوامع شیعی، سازمانی با نام «سازمان وکالت» بین خود و جوامع ایجاد و برای سبک زندگی شیعی و فرهنگ سازی برای جامعه شیعی الگو سازی کرد.

سرانجام خلافت عباسی پس از گذار از مرحله‌تشکیل دولت، وقتی در مرحله تثیت متوجه غفلت خود از امام و جامعه شیعه شد، به حصر و انزوای اجتماعی امام دست زد. با این حال، عباسیان پس از مشاهده توسعه کمی و کیفی تشیع و احساس خطر از ناحیه آنها، با وجود اینکه با شعار «الرضا من آل محمد» بر سر کار آمده بودند، امام را در سال ۱۴۸ هـ ق به وسیله زهر، مسموم و شهید کردند. امام صادق(ع)، چهارمین و آخرین امام شیعه است که در بقیع و در کنار پدر و اجدادش، امام مجتبی، امام سجاد و امام باقر؟ عهم؟ به خاک سپردهشد.

برای بازشناسی شخصیت و سیره امام صادق(ع) در دوره‌های اسلامی، نگاهی به دوره شناسی امامان معصوم از آغاز تا زمان ایشان ضروری است که شرح آن در این جدول بیان شده است:

ولی معصوم

ویژگی دوره

رویکرد امام معصوم

پیامبر اکرم؟ ص؟

تبليغ و تبيين اسلام

تلاش برای پایه گذاری و ایجاد اولین حکومت اسلامی

امیر المؤمنین علی و حسنین؟ عهم؟

حفظ اصل اسلام از نابودی به وسیله منافقان حاکم

سیره سیاسی ترکیبی بین صلح و خانه نشینیا قیام و تلاش برای احیای حاکمیت دینی هماهنگ با شرایط زمانه

امام سجاد(ع)

تلاش برای بازسازی دوباره شیعه بر محوریت امامت و مبنی بر سیاست تقیه و مرزبندی رسمی جامعه شیعه با جریان اسلامی پیرو مکتب خلافت

نیروسازی و احیای دوباره و اولیه شیعه مبنی بر پیام عاشورا و عرفان شیعی (دعا)



تلاش برای بازسازی دوباره شیعه بر محوریت امامت و مبتنی بر سیاست تقیه و مرزبندی رسمی جامعه شیعه با جریان اسلامی پیرو مکتب خلافت

پایه گذاری جریان علمی و مکتبی شیعه و تلاش برای ایجاد اولین جوامع شیعی در جهان اسلام

امام صادق(ع)

تلاش برای بازسازی دوباره شیعه بر محوریت امامت و مبتنی بر سیاست تقیه و مرزبندی رسمی جامعه شیعه با جریان اسلامی پیرو مکتب خلافت

طراحی گستره و رسمی کمی و کیفی مکتب تشیع و الگو سازی برای مدیریت سیاسی و اجتماعی مستقل آن مبتنی بر نظام امامت و سازمان و کالت و گسترش جوامع شیعه در جهان اسلام

شیعیان که تا پیش از حادثه کربلا، بخشی از جهان اسلام و امیدوار به اثر گذاری بر جهان اسلام بودند، پس از واقعه عاشورا به مرزبندی تاریخی و نهایی با جریان اسلام برآمدند از مکتب خلافت دست زدند. این در حالی بود که در عصر خلافت امویان، به دلیل شدت اختناق و تعصب های عربی گرایی، تشیع، مجال گسترش نیافته بود. پس از آغاز درگیری های امویان و عباسیان، فرصتی تاریخی برای رهبری شیعه فراهم شد تا در طرحی کلان و حساب شده، به جای اقدام ها و قیام های زودهنگام و شتاب زده سیاسی، به طراحی مکتب و جامعه سازی تاریخی شیعه پردازد؛ یعنی هم زمان با درگیری های تاریخی جریان های باطل و غفلت آنها، به ایجاد و نهادینه سازی و توسعه کیفی و کمی جامعه حق پردازد. در این دوران، رهبری شیعه در اقدامی تاریخی پس از حذف موانع عربی گرایی امویان و استفاده از ضعف مدیریت عباسیان در حفظ و همراه سازی مسلمانان غیر عرب با خود، به جذب گستره مسلمانان عرب و عجم (غیر عرب) به مکتب شیعه پرداخت و به کمک یاران و خاندان های علمی و فرهنگی تربیت یافته شیعی و فرستادن آنها به مناطق مستعد، اولین جوامع شیعی را در عراق و ایران و دیگر مناطق جهان اسلام به وجود آورد.<sup>(۱)</sup>

مهم ترین ابزار برای تحقق این مسئله مهم، قیام ها و شورش های نظامیو بازی های سیاسی

ص: ۳۵

۱- تاریخ تشیع در ایران ج ۱ ص ۱۶۸؛ عباسیان و شعارهای شیعی؛ و تاریخ تشیع<sup>(۱)</sup> دوره حضور امامان / مؤلفان / پژوهشگاه حوزه و دانشگاه / ص ۲۲۱ و ۳۵ و ۲۳۹.

و فریبکاری های اجتماعی نبود، بلکه کمک مدرسه علمی و شاگردان تربیت شده مکتب تشیع و جذابیت های فرهنگی و عاطفیان مکتب بود.

برای فهم بهتر این تحول عظیم تاریخی که امام صادق(ع) در زمانی نزدیک به سه دهه در شرایط حساس تاریخی ایجاد کرد، از منظر ترکیبی بین پژوهش های تاریخی و ایده یابی، برنامهاین مهم در سه فصل، معرفی، تحلیل و ایده پردازی خواهد شد.

### فصل اول: زندگانی توصیفی امام صادق(ع) از منظر خط تاریخی و زمانی

اشاره

ص: ۳۶

## فصل اول: زندگانی توصیفی امام صادق(ع) از منظر خط تاریخی و زمانی

خط زمان که در زبان انگلیسی به آن **time line** و در زبان عربی، «التسلاسل الزمني» می‌گویند، شیوه‌ای در مطالعات تاریخی است که در آن تلاش می‌شود روند و چگونگی توالی (پشت سر هم آمدن) رویدادهای تاریخی و همچنین نسبت و روابط بین رویدادها و چگونگی تأثیر و تأثر آنها بر یکدیگر شناسایی شود.

در تاریخ نویسی‌های رایج، نوعی خط زمان نوشتاری طبیعی به اقتضای توالی رویدادها در متن اثر وجود دارد، اما موضوع خط زمان، زمان شناسی تاریخی و روزشمار یا گاه شماری تک خطیاً موازی رویدادهای است. در این روش، تاریخ نگار به جای نوشتار ساده کوتاه یا بلند می‌کوشد با استفاده از نمودارها، جداول‌ها و آمارها در قالب خط زمان، در ترکیبی از طرح و نوشتار به روایت تاریخ بپردازد و به گونه‌ای مستقیم تر و عینی‌تر، توالیاً روند علی و معلولی رویدادها را بیان کند.

خط زمان به دو الگو سطحی و ساده و پیچیده و تخصصی تقسیم می شود. در الگوی ساده، یک شخصیت یا جریان به صورت تک بُعدی در گسترہ زمان بررسی می شود، ولی در الگو پیچیده و پیشرفته، با مبنای قرار دادن خط اصلی شخصیت یا جریانی که مبنای مطالعه است، جریان ها و رویدادها یا شخصیت های موازی مهم و دارای ارتباط، کنش و واکنش، به صورت تطبیقی در خطوط زمانی موازی تبیین می شوند. در این الگو، همانند الگوی ساده، روش تاریخ نگاری توصیفی حفظ می شود، ولی تنوع خطوط موازی و امکان مطالعه نوع روابط آنها در گستره زمان بر خط زمانی اصلی می تواند پیش درآمد مباحث و مطالعات تحلیلی پسینی باشد.

در بحث ایده یابی رسانه ای نیز یکی از راهکارها برای خروج مباحث تاریخی از روایت های تک خطی پراکنده یا دو بُعدی و سه بُعدی، به صورت مستقل نمی تواند پژوهشگر رسانه را به ایده های ناب و خلاق رهنمون سازد، بلکه استفاده از شیوه چیدمان رویدادهای زندگانی معصومان (ع) در الگوی خط زمانی موازی و تطبیقی با دیگر رویدادهای معاصر آن دوران، بهترین راهکار برای کشف و شناسایی ایده های رسانه ای است.

در این الگو، مبنای بر مباحث کلامی - عرفانی درباره شخصیت معنوی معصومان؟ عهم؟، و بر اساس نگاه کلی ارائه شده از تعریف حق و باطل و همچنین جریان شناسی (خط زمانی) تاریخی حق و باطل، تلاش بر آن است که مسیر زندگانی هر یک از معصومان در این اثر، زندگانی امام صادق (ع)، در نگاهی تطبیقی با مهم ترین جریان ها و رویدادهای معاصر زندگانی آنها بررسی شود. بدیهی است در مطالعات خط زمانی، مهم ترین مبنای برای پژوهش های موازی، جریان شناسی تطبیقی حق و باطل است. در این نگاه، از نظر دینی، جریان ها و رویدادهای تاریخی به دو دسته حق و باطل تقسیم می شود؛ یعنی افراد یا سفیدند یا سیاه. البته بر اساس سخن حضرت علی (ع) در واقعیت بیرونی، باطل محض وجود ندارد یا یک لا-یه بیشتر ندارد و آنچه هست، لا-یه های تو و تو و بسیار در هم آمیخته حق و باطل است. از این رو، در متن جوامع بشری و واقعیت بیرونی نیز شاید تقسیم بنده سفید و سیاه بسیار محدود کننده و ناکارآمد باشد؛ به ویژه از نظر ایده پردازی رسانه ای و حتی از منظر

مطالعات

ص: ۳۸

روان شناختی و پدیدارشناسی اجتماعی. بر این اساس، در این اثر که متأثر از فضای تلفیقی و ترکیبی رسانه‌ای و پژوهشی‌های تاریخی است، شاید بتوان تقسیم بندهی سه گانه سفید، سیاه و خاکستری را پذیرفت که در عالم روایت داستانی و هنری و رسانه‌ای (و روان شناختی) وجود دارد؛ بدین گونه که در مطالعات تاریخی همواره شاهد رویدادهای موازی فراوانی هستیم که اقلیتی بر حقند و اکثریتی قابل توجه بر باطل آشکار هستند؛ در حالی که اکثریت غالب، گروهی است که بین حق و باطل یا سرگردان یا از آن غافل و یا به آن جاهم هستند که در اصطلاح به آنها جریان‌های خاکستری گفته می‌شود.

این گروه از منظر حق بین و درون دینی، اگرچه بالفعل به واسطه دوری از حق با سکوت یا همراهی اجمالی شان با باطل از روی اراده یا اجبار، به گونه‌ای جزو جریان رقیق شده باطنند، با این حال، از منظر مطالعات دینی و تربیتی و حتی جامعه‌شناسی تاریخی، به واسطه وجود امکان تحول بالقوه در آنها به سوی حق به صورت سطحی و تبلیغی در افق کوتاه مدت یا عمیق و نهادینه شده در افق بلندمدت، نمی‌تواند باطل محض و آشکار باشد، بلکه به دلیل همین خاصیت دوپهلو بودن آنها به ویژه جریان‌ها و گروه‌هایی که به حق نزدیک‌تر، و جلوه‌های انحراف و تحریف در آن کمتر است، شاید اطلاق نام خاکستری بر آنها منع نداشته باشد. بدین معنا که به جای اینکه این گروه را صرفاً در مقایسه با حق و فاصله‌هایش با حق بنگریم تا بظلانشان را مشخص سازیم، می‌توان فاصله و نسبت آن را با باطل سنجید و بازتابی را که از نظر سیاسی و اجتماعی در تضعیف یا تخریب باطل ایجاد می‌کنند، از منظر را پدیدارشناسی بررسی کرد تا به جای قضاوت سیاه بتوان به آنها نمره خاکستری داد.

این دسته بندهی‌گاهیدر بخش‌هایی از سیره سیاسی اجتماعی معصومان؟ عهم؟ نیز دیده می‌شود. برای نمونه، امام صادق(ع) در مواجهه با قیام زید (و در مرتبه پایین تر قیام نفس زکیه) اجمالاً شخص زید و قیام او را تأیید کرد، ولی شیعیان را به واسطه مباحث مبنایی و روشنی از همراهی و همکاری با قیام بازداشت. با وجود این، به خانواده‌شهیدان قیام زید توجه ویژه داشت. همین تفاوت واکنش امام درباره جریان‌های غیر شیعه بین باطل محض و بین مخلوطی از حق اکثری و

باطل اقلی می تواند مبنای تقسیم بندی سه گانه سفید، سیاه و خاکستری در مباحث آینده باشد.[\(۱\)](#)

ازین رو، در مقام مطالعه توصیفی زندگانی امام صادق(ع) و طراحی خطوط موازی خط زمانی، این مهم بر اساس تقسیم بندی سه گانه سفید، خاکستری و سیاه ارائه می شود.

بر این اساس، طرح واره اجمالی زندگانی امام صادق(ع) در نگاهی کلیه این شرح است:

جدول خط زمانی زندگانی امام صادق(ع)

سفید

زمان ها

امام

جامعه و شخصیت های شیعه

از تولد تا امامت (۸۳ - ۱۱۴ ه. ق)

رابطه و نسبت امام معصوم قبل از امامت به امام بالفعل از جهت یاوری امام و ارتباطات اجتماعی

جوامع دارای گرایش های شیعه، به تدریج با جذب و تربیت نیروهای خاصی، در حال احیا و بازگشت به مسیر حق بودند.

امامت در دوران امویان

(۱۱۴ - ۱۳۲ ه. ق)

تلاش در مدیریت نسل اول و دوم رجال علمی شیعه به منظور طراحی بنیادین مکتب از نظر علمی و معرفتی

در جوّ ملتّه‌بی که همه در حال انقلاب و تغییر هستند، آنها زیر نظر امام به ثبیت معرفتی و فرهنگی مشغول بودند.

امامت در دوره عباسیان

(۱۳۲ - ۱۴۸ ه. ق)

حفظ و مدیریت جامعه شیعه از انبوه تحولات بیرونی و کنترل هیجان ها و بنیان گذاری جامعه مستقل شیعی

پس از آشکار شدن سطحی بودن تغییرهای اجتماعی عباسیان و فریب کاری آنها، جامعه شیعه به طور مستقل و مبنی بر ارزش های مکتب حق بنیان گذاری شد.

علویان و قیام های علوی

ص: ۴۰

۱- البته اگر خواننده محترم این استدلال را — که بیشتر کاربرد رسانه ای دارد — نپذیرد، دست کم می پذیرد در باطل، مراتب مشکک وجود دارد و باطل نزدیک تر به حق، زمینه تعامل و همکاری بیشتری دارد؛ همانند قضاوت اسلام درباره مسیحیت که در مقایسه با نگاه به یهود یا مشرکان با کفار، نگاهی معتدلانه تر دارد.

از تولد تا امامت (۸۳ - ۱۱۴ ه.ق)

جريان کيسانيه پس از شهادت مختار و رحلت محمد حنفيه و فشار مروانيان رو به افول گذاشت.

امامت در دوران امویان

(۱۱۴ - ۱۳۲ ه.ق)

در ثلث آخر خلافت مروانی که در مرز خفقان و تزلزل درونی و نارضایتی عمومی است، قیام زید بستر ساز قیام های عمومی در جهان اسلام شد.

امامت در دوره عباسیان

(۱۳۲ - ۱۴۸ ه.ق)

قیام نفس زکیه و کشته رکسندۀ علویان آشکارا مشروعیت و حقانیت عباسیان را به چالش کشید و نشان داد این تغییر در جهت امتدادبخشی جدید به باطل است.

سیاه

زمان ها

خلفا و جامعه اسلامی

والیان عراق و حجاز

جريان های علمی و فرقه ای

از تولد تا امامت (۸۳ - ۱۱۴ ه.ق)

خلافت مروانی پس از تثیت جایگاه خود تلاش می کرد در برنامه ترکیبی از خفقان سیاسی و اجتماعی، ابتدا فرهنگی و توسعه بخشی فتوحات به منزله شعار عمومی به تثیت و اقتدار خلافت خود بپردازد.

حجاج، والی خشن عراق و خراسان و حجاز

فرقه های اولیه کلامی با هدف ایجاد افکار آزادی خواهی ضد جبرگرایی اموی پدیدار شدند.

امامت در دوران امویان (۱۱۴ - ۱۳۲ ه.ق)

انحطاط و فساد خلفای واپسینی مروانی در کنار نارضایتی افکار عمومی از تبعیض ها و بی عدالتی ها، زمینه را برای هرج و مرج فکری و قیام های اجتماعی فراهم می کند.. قیام

ص: ۴۱

زید سبب بیداری سطحی جامعه اسلامی برای همراهی با طرح نابودی مروانیان شد.

### والیان دارای عمر امامت کوتاه و گاه ضعیف و مدیریت ضعیف

پیدایش فرقه های سیاسی زیدی و عباسی با هدف برآندازی مروانیان و اجوج گیری مدعیان فرقه سازی در هر رشته علمی در آشفته بازار فکری و اجتماعی جامعه ای که دچار تحول سیاسی بود.

امامت در دوره عباسیان (۱۳۲ - ۱۴۸ ه.ق)

خلافت عباسی با شعارهای علوی و رفع تبعیض به قدرت رسید. پس از کسب قدرت، ایجاد اصلاحات سطحی و حفظ مبانی فکری و فرهنگی نظام خلافت، سبب شد نویمی اجتماعی افزایش یابد و اکثریت به ناچار با شرایط موجود همراه شدند.

والیان خشن و آشنا با جریان های مخالف، به ویژه ناظر بر فعالیت شیعیان و علویان

Abbasian پس از کسب قدرت برای حذف فرقه های مزاحم و رقب (شیعیان و علویان) و مدیریت و جذب فرقه های عامه برای طراحی دکترین فکری جدید جهان اسلام تلاش کردند.

بر اساس این جدول، زندگانی ۶۵ ساله امام صادق(ع) مانند زندگانی همه امامان به دو دوره قبل و بعد از امامت تقسیم می شود، ولی از نظر حوادث بیرونی و مهم تحول خلافت و بازتاب های سیاسی اجتماعی و فکری و فرهنگی آن، به سه دوره تقسیم می شود.

البته در دوره اول، چون مدیریت جامعه حق و تصمیم گیری در برابر نوع تعامل شیعه با دیگر جوامع با امام قبلی است، چندان زمینه ای برای پژوهش و بررسی وجود ندارد. از این رو، پژوهش بر دو دوره بعد مرکز می شود. در این دو دوره نیز از نظر مطالعات میان رشته ای می توان بر اساس این جدول، در مورد هر یک از خانه های جدول و عنوان ها، آنها را از زوایای گوناگون بررسی کرد؛ زیرا توصیف رویدادها و فهم و کشف واقعیت ها و حقایق موجود در آنها، موضوعی گستره و تخصصی است. با افزودن مباحث تحلیلی به پژوهش های توصیف محور تاریخی، لایه های جدیدی به مباحث اضافه می شود. این تحلیل های تاریخی صرفاً از منظر انسان شناسی تاریخیا پدیدارشناسی اجتماعیا رویکرد کلامی و عرفانی می تواند باشد.

برای نمونه، وقتی در نگاه عرفانی شیعه و از نظر مدیریت عرفانی و ماورایی، هر سال در شب قدر مقدرات یکسال آینده (این از نظر طرح کلی و کلامن سالانه ملک و ملکوت است) یا هفته ایدو مرتبه نامه اعمال انسان‌ها به امام ارائه می‌شود (این از جنبه بررسی خرد و روزآمد تحولات در حال جاریاست)، بدیهی است امام در مدیریت غیبی، با وجود اینکه جامعه حق در اقلیت و جامعه باطل در اکثریت است، با در نظر گرفتن خط زمانی کلی حق تعالی برای مسیر تاریخی بشر در زمانه خود مناسب با شرایط دو جبهه حق و باطل، اقدام مناسب را انجام می‌دهد. از این منظر در کنار گزارش‌های تاریخی، از تفسیرهای عرفانی‌باز در تحلیل و رمزگشایی از چیستی و چرایی سیره اهلیت؟ عهم؟ می‌توان استفاده کرد.

برای نمونه، در این جدول با مشاهده تنوع و سیر قیام‌ها یا فرقه‌های مدعی قیام و تحول درمی‌یابید در زندگانی امام صادق(ع) در مقایسه با دیگر امامان، بیشترین مواجهه با انواع و اقسام قیام‌ها و مبارزات سیاسی و اجتماعی وجود دارد؛ از قیام‌های شیعه کیسانی و زیدی تا قیام‌های برنامه‌ریزی شده عباسیان و شورش‌های کور خوارج یا شورشوالیان مروانی که پس از جدایی آنها از مروانیان صورت می‌گرفت.

بدیهی است این قیام‌ها و تحولات نوعی کنش و واکنش مستقیم برای امام و جامعه شیعه ایجاد می‌کرد و امام باید به مدیریت کلان جامعه شیعه در مواجهه با این رویدادها می‌پرداخت. همچنین یکی از معضلات و مشکلات مهم امام، بازتاب و رسوخ برخی افکار افراطیا تفریطی این جریان‌ها در جامعه شیعه و ضرورت مراقبت گرایش فکری جامعه شیعه بود. برای نمونه، یکی از مشکلات امام صادق(ع) که دیگر امامان با آن کمتر روبه رو بودند، مسئله توقع قیام یا اصرار به قیام و خروج و یا توقع همراهی و همکاری با هر جریان معارض و مخالفباً مروانیان بود.

یکی از کارکردهای نگاه خط زمانی چندلایه و موازی بین رویدادها در زندگانی معصومان؟ عهم؟، کشف همین پیچیدگی‌ها و فراز و فرودهای تاریخی است و اینکه امام در جمع بین مرحله زمانی خود و طرح کلی خداوند، چگونه برای حفظ، کنترل و راهبری جامعه حق با تمام دشواری‌تلاش می‌کردند.

فهم بهتر و بیشتر این موارد را در قالب ایده یابی و نمونه های کشف ایده ها، در بخش بعد و جدول خط زمانی تفصیلی زندگانی امام صادق(ع) بیان خواهیم کرد.

### نکاتی درباره روش پژوهش و منابع در این مرحله

#### نکاتی درباره روش پژوهش و منابع در این مرحله

این مرحله از پژوهش، مبتنی بر جدول ها در ساختار سه گانه ای (افقی) است که بر حسب گاه شمار سالانه (البته در سال هایی که رویداد مهم و مرتبط وجود داشته باشد) تقسیم بندی (عمودی) می شود. هدف این جدول بندی، توصیف رویدادهای تاریخی است؛ یعنی ثبت و ارائه اجمالی و مختصر رویدادها و شخصیت ها. بنابراین، چه بسا در قسمت زندگانی امام، کمبود و ضعف اطلاعات دیده شود. این مشکل به دلیل نبود و فقر منابع تاریخی و نیازمندی پژوهش برای فرصت طولانی و مطالعات بسیار تخصصی است. البته برای طراحی این بخش در پژوهش حاضر، زندگانی شخص امام مبنا بوده است؛ هر چند در پروژه ای تکمیلی و مطالعه تفصیلی و تطبیقی و خط زمانی با محوریت شاگردان و اصحاب آن حضرت به غنی سازی این بخش می توان یاری رساند؛ امری که مجال دیگری می طلبد. اگرچه مبانی کلامی و عرفانی در مقایسه با رویدادهای خاکستری و سیاه خود، به گونه ای دیگر می تواند به غنی سازی این بخش کمک کند که این امر هم خارج از بحث توصیف است و به بحث تحلیل مربوط می شود. پس در این بخش، نه به دلیل ارائه مباحث تحلیلی تاریخی در پژوهش توصیفی تاریخی، بلکه در مقام بازشناسی این روش جدید در مقام ایده یابی‌تلاش بر آن است که در آغاز و پایان هر مرحله، پیش درآمدهای آغازین و جمع بندی های پسینی ارائه شود تا پژوهشگران رسانه و برنامه سازان در فرآیند ایده یابی چندان دچار زحمت نشوند.

گفتنی است روش پژوهش از نظر منابع و مأخذ استخراج و کشف رویدادها و نوع چیدمان آنها به شرح ذیل است:

\* در بخش سفید (زندگانی امام و یاران)، نرم افزار بحارالانوار متعلق به مرکز کامپیوتری نور، جلد ۴۸ بحارالانوار که ویژه زندگانی امام صادق(ع) است و مسنند الامام صادق(ع) نوشتہ عزیزالله عطاردی که شامل ۲۲ جلد است، منابع اصلی درباره زندگانی حضرت به

شمار می آیند. همچنین همه مجلد فقهای تابعین و اصحاب زمان امام صادق(ع) از موسوعه الفقهاء (تألیف آیت الله سبحانی)، مرجع اصلی در زمینه‌یاران امام و عالمنا معاصر حضرت بوده است. (در این بخش، از کتاب هایتاریخ تشیع در ایرانتألیف رسول جعفریان، سازمان و کالتتألیف دکتر جباری و کوفه و نقش آن در قرن اول هجریتألیف دکتر رجبی نیز استفاده شده است).

\* در بخش خاکستری، علاوه بر بحار الانوار، کتاب مقاتل الطالبینو تاریخ طبری، منابع اصلی بوده اند.

\* در بخش سیاه، تاریخ طبریدر مباحث سیاسی اجتماعیو موسوعه طبقات الفقهاء در شخصیت شناسی علماء و وضعیت حاکم بر جریان های علمی و فرهنگی در جبهه باطل، و همچنین مجلد آخر طبقات ابن سعد از منظر شخصیت شناسی مدارک، اصلی بوده اند.

در این میان، از برخیکتاب های پژوهشی و نرم افزارهای اسلامیهم استفاده شده است.

از منظر چیدمان رویدادها نیز اصل بر چیدمان رویدادهای زمان دار مستند بوده است. آن گاه رویدادهایی که ناظر بر حادثه ای مهم و زمان دار بوده اند، در جدول زمانی قرار گرفته اند. سرانجام با ذکر برخی رویدادهای مبهم ناظر به زمان تولد یا وفات یا سفر شخصیت ها یا رویدادهای فرعی ذکر و در قصه ها و حکایت ها تلاش شده است که زمان تقریبی استخراج شود و در جدول خط زمانیقرار گیرند.

### نکته ای درباره خط زمانی رحلت شخصیت های علمی اسلامی

#### اشاره

نکته ای درباره خط زمانی رحلت شخصیت های علمی اسلامی

یکی از محورهای اجمالیهم در خط زمانی زندگانی امام صادق(ع)، معرفی زمان مند تولد یا رحلت یا انتخاب برخی رویدادهای مهم در زندگی شخصیت های علمی عامه (اهل سنت) در جهان آن روز است. اهمیت این بخش از آن روست که رویکرد اصلی امامان شیعه پس از در پیش گرفتن سیاست تقیه و کناره گیری از فعالیت سیاسی مستقیم پس از حادثه عاشورا، فعالیت علمی فکری و فرهنگی و جامعه سازی مکتبی بود. برآیند غیر مستقیم این فعالیت، تحقق برنامه های سیاسی جبهه حق بود، ولی این جبهه گیری سیاسی در لایه فعالیت های

اجتماعی و فکری پنهان شده بود.

به همین دلیل، جبکه باطل در مواجهه با جبکه حق می کوشید پس از کسب قدرت سیاسی از همین سلاح علمی، فکری، دینی و فرهنگی استفاده کند، بنابراین، پس از غصب خلافت در فرآیندیتاریخی تلاش کرد در مناطق گوناگون جهان اسلام به ویژه مکه، مدینه، بصره، کوفه و دمشق، مدرسه ها و جریان های گوناگون و موازی فکری و فرهنگی در برابر مکتب اهلیت؟ عهم؟ ایجاد کند که برخی از آنها عبارتند از:

مدرسه حجاز، مدرسه ای حدیثی و مبتنی بر بزرگ نمایی خلفای سه گانه و صحابه بود.

مدرسه دمشق و شام، مدرسه ای کاملاً طرفدار امویان (جبرگرایی و حقانیت امویان) بود.

مدرسه بصره، دارای گرایش های عثمانی گری (ضد علوی، اما نه در قالب اموی) و فقهی- حدیثی بود.

مدرسه کوفه، مدرسه ای التقاطی از همه گرایش ها و اهل رأی و اجتهاد و معتقد به هم گرایی بود.

نخست این مدارس به شکل ساده و سطحی و در شکل صحابه و تابعین اولیه ایجاد شدند، ولی به مرور زمان با جدای از آموزه هایوحی و ضرورت پاسخ گویی به نیازهای زمانه، به تکامل خودبنا د روی آوردن و به تدریج، مکتب ها و جریان های فقهی و کلامی و حدیثی و سیاسیه وجود آمد.<sup>(۱)</sup>

زمان امام صادق(ع)، زمان شکل گیری اولیه این جریان هاست. از این رو، در جدول خط زمانی، صرفاً کُدی درباره آنها داده می شود، ولی بر اساس مطالعات تفصیلی و تطبیقی، برنامه سازان یا پژوهشگران برنامه ای می توانند به ایده یابی های گوناگون از این روند پردازنند. نمونه ای از این ایده های خط زمانی محور در پایان همین فصل ارائه خواهد شد.

### الف) خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) از تولد تا امامت پدر (۹۵-۸۳ق)

#### اشاره

ص: ۴۶

۱- تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۱۷۳؛ اخبار الدوّله العباسیه، ص ۲۰۶؛ الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۱۵۷.

الف) خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) از تولد تا امامت پدر (۹۵ هـ قتا ۸۳)

امام صادق(ع) ۲۲ سال بعد از حادثه کربلا متولد شد. در این زمان، مروانیان پس از دوره انتقالی از اموی به مروانی و سرکوب خلافت زیبریان در اوج قدرت بودند و والی خشن آنها، حاجاج بن یوسف ثقفیدر عراق و حجاز، شدیدترین خفقان تاریخیرا در جهان اسلام ایجاد کرده بود.

هم زمان با این خفقان سیاسی و اجتماعی، به تدریج، در کنار ایجاد آخرین موج از هیجان فتوحات اسلامی، ابتدال فرهنگی در جامعه ترویج می شد. در این شرایط، جامعه دچار رکود و نومیدبیود و فاصله افتادن بین امام سجاد(ع) و قبائل و جوامع دارای گرایش شیعی پس از شهادت مختار نیز بحران فکری و فرهنگیرا در جبهه حق ایجاد کرد و بدترین ضربه را به آن زد.

امام سجاد(ع) با سلاح دعا می کوشد هم زمان هم به جذب احساسات و عواطف راکد و نومید پردازد و هم با معارف عمیقی که در قالبادعیه ارائه می کرد، معارف و ارزش های اسلامی را برای ضمیرهای هوشیار احیا کند.

سفر حج و حضور حاجیان از هر گروه و ملت و منطقه و برنامه ریزی امام سجاد(ع) برای حضور هر ساله در مراسم حج به همراه امام باقر(ع) و همه خاندانش و حتی همراه همگی غلامان و کنیزهاییکه در حال فراگیری تربیت غیر مستقیم دینی بودند، بزرگ ترین ظرفیت را برای احیای روح زندگی توحیدی در جامعه ایجاد می کرد.

در این شرایط، دوران کودکی و نوجوانی امام صادق(ع) در نجواها و مناجات های دل ربای پدر بزرگ و سفرهای معنوی و ملکوتی حج و شب ها و روزهای خاطره آمیز آن گذشت. مشاهده برخیحالت هایاندوه بار پدر بزرگ که ناشی از یادآوری حادثه کربلا بود، بخشی دیگر از زندگی امام در این دوران است.[\(۱\)](#)

ص: ۴۷

---

۱- در زمینه مطالعه تحلیلی زندگانی امام سجاد نک: تحلیلی از زندگانی امام سجاد؛ نوشه باقر شریف فرشی ترجمه محمد رضا عطائی آستان قدس رضوی مشهد ۱۳۷۲ ش.

سال ۸۳ هـ ق تولد امام صادق(ع)

سفید

امامان

شیعیان

- تولد امام صادق(ع) در مدینه در زمان امامت امام سجاد(ع)

- پدرش، امام باقر(ع) و مادرش، فاطمه (ام فروه بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر)

- مادر رضاعی، ام داود (داود بن حسن مثنی بن حسن مجتبی(ع) از سادات حسنی که بعدها امام دعای ام داود (مختص در نیمه رجب) به او را آموخت

- بنیان گذاری قم به دست اعراب اشعری شیعه مهاجر از کوفه (معجم البلدان، تاریخ قم)

- آزار دیدن شدید شیعیان از دست حاجج در سراسر عراق

- شهادت کمیل پس از شکست قیام عراقی ها علیه حاجج در کوفه

خاکستری

علویان

تولد داود بن حسن مثنی از علویان (او از شجره ای پاک بود و شخصیتی سالم داشت، ولی از نظر گرایش، بعدها زیدی مسلک شد).

سیاه

خلافت و جهان اسلام

والیان عراق و حجاز

جريان های علمی و فرقه ای

- اوج خلافت عبدالملک بن مروان

- سال پایانی شورش دو ساله عبدالرحمان بن محمد بن اشعث با همکاری قاریان و عالمان و اکثریت کوفیان (و عراقیان) و

حتی (برخی شیعیان همانند کمیل) علیه حجاج و شکست خوردن آنها از حجاج

والی مدینه: هشام بن اسماعیل و اوج آزار های او بر امام سجاد (حجاج در این سال ها، والی عراق و حجاز و یمن بود و هشام، والی حجاج در مدینه بود).

- ۲ تا ۳ سال از پیدایش فرقه قدریه (در برابر جبریه) در شام می گذشت. آنها به تفویض در اراده انسانی معتقد بودند.

- پس از شکست قیام عبدالرحمان، بسیاری از قاریان کشته و بسیاری از عالمان و افراد مهم قیام به مکه و مدینه پناهنده شدند.

سال

سفید

۸۷

- گذشت امام سجاد(ع) از ستم های والی سابق (هشام بن اسماعیل و قصاص نکردن از او با وجود درخواست والی جدید)

۸۸

- اعتراض بی نتیجه بنی هاشم به تخریب خانه امیرالمؤمنین علی(ع)

۹۳

عالمان عراقی در طول چند سال اقامت در حجاز، دیدارها و دانش اندوزی های مختصری از محضر امام سجاد(ع) داشتند، ولی مهم ترین عالم عراقی بهره گیر از دانش و عرفان امام، سعید بن جبیر است.

۹۴

- شهادت سعید بن جبیر به وسیله حجاج، وقتی که به اجبار از مدینه به کوفه بازگردانده شد.

- اوج گیری مهاجرت قبیله اشعری از کوفه به قم بر اثر اجبار حجاج به ترک کوفه

۹۵

- شهادت امام سجاد(ع)

- آغاز امامت امام باقر(ع)

- با مرگ حجاج و آغاز امامت امام باقر(ع)، به تدریج فضا برای رفت و آمد افراد دارای گرایشتشیع به مدینه و نزد امام فراهم شد. اینان زیر نظر تربیت علمی امام باقر(ع) هسته اولیه دانشمندان شیعه را پایه گذاری کردند.

سال

خاکستری

۸۸

- آغاز طرح توسعه مسجد پیامبر و تخریب خانه های پیامبر و بنی هاشم و حتی صحابه در اطراف مسجد

- مرگ حبیب بن عبدالله بن زبیر در اعتراض به طرح توسعه مدینه

- فتوحات گسترده در خراسان تا بخارا و سند

۹۲

آغاز فتح اندلس (موسى بن نصیر، فرمانده اصلی فاتح اندلس از مردم کوفه و دارای گرایش های علوی بود)

۹۳

- اوج گیری خلقان حجاج در عراق و مهاجرت عالمان کوفه به مدینه و پناهنده شدن آنها به عمر بن عبدالعزیز و حمایت او از آنها که با فشار حجاج بر خلیفه، در اواخر سال از مدینه

۴۹: ص

عزل شد.

- تولد مالک بن انس، فقیه معروف اهل سنت در مدینه (مؤسس مذهب مالکی)

سال

سیاه

۸۶

- مرگ خلیفه عبدالملک بن مروان و جانشین ولید بن عبدالملک (بهترین خلیفه مروانی نزد شامیان از جهت توسعه فتوحات و آرامش دوران خلافتش)

- مرگ عبدالله بن اباض، مؤسس فرقه اباضیه، بزرگ‌ترین فرقه خوارج

۸۷

امارت عمر بن عبدالعزیز در ۲۵ سالگی بر مدینه و امیر الحاجی او در مراسم حج در این سال‌ها (و عزل هشام بن اسماعیل، والی خشن و دشمن اهل بیت؟ عهم؟ از امارت مدینه)

۸۸

ولید در این سال حج گزارد و چون در مدینه دید خانه اهل بیت؟ عهم؟ هنوز در مسجد پیامبر پا بر جاست، با راهنمایی مشاوران خود، پس از بازگشت به شام در همه شهرها طرح توسعه مساجد، به ویژه مسجدالحرام و بیت المقدس و مسجدالنبی را اجرا کرد تا بدین بهانه، همه آثار خانه اهل بیت؟ عهم؟ و خانه‌های پیامبر محو شود.

۹۳

عزل عمر بن عبدالعزیز از مدینه با فشار حجاج، والی کل عراق و حجاز به وسیله خلیفه مروانی و جای گزینی عثمان بن حیان به جای او

۹۴

- امارت عثمان بن حیان بر مدینه با هدف بازگردان پناهندگان عراقی از مدینه و تعقیب خانه به خانه او و بازگردان همه عالمان و شخصیت‌های عراقی از مدینه به کوفه

- رحلت عروه بن زیر، فقیه مشهور مدینه و از مخالفان فکری متعصب اهل بیت؟ عهم؟

- مرگ حجاج بن یوسف (والی خون ریز عراق و حجاز و آزادی افراد بسیاری از زندان‌های او)
- نقش آفرینی عثمان بن حیان، والی مدینه در مسموم کردن و به شهادت رساندن امام
- عثمان بن حیان در این سال‌ها عالمانی را که به امر به معروف و نهی از منکر معتقد بودند و آن را اجرا می‌کردند و نیز برخی اصحاب امام باقر(ع) را تازیانه زد و امر به معروف را به طور رسمی ممنوع اعلام کرد.
- پس از مرگ حجاج (و هم‌زمان با سخت گیری‌های والی مدینه، بر عالمان عامه در عراق و مدرسه رأی و قیاس، فضای باز موقتی فراهم آمد. در این سال، پایه گذار فقه رأی و قیاس، حماد بن ابراهیم نخعی در گذشت. ربیعه (الرأی) و ابوحنیفه راه او را ادامه و توسعه دادند.

### **نکته‌ها و ایده‌ها**

ص: ۵۰

دعاهای پدربرزگ، سفرهای حج او، آمار غلامان و کنیزانی که پس از دوره ای تربیت به بهانه کوچکی‌زاد می‌شدند، از جمله درس‌های امام سجاد(ع) برای نوه اش بود که بر اساس آنها می‌توانست در محدودترین شرایط سیاسی و اجتماعی، با استفاده از کوچک ترین فرصت‌ها، به جذب استعدادها و مدیریت تربیتی آنها و نیروسازی‌پردازد.

سیره عملی و تربیتی امام سجاد(ع) نسبت به غلامان خود یا در سفر حج، در حقیقت، راهبردی نرم و غیر مستقیم برای الگوسازی زندگی اسلامی در جامعه ایبود که از نظر زندگی و سبک‌ها، دچار آشفتگی و اختلاط سبک‌ها شده بود.

تربیت و رشد و بالندگی امام صادق(ع) به مدت دوازده سال زیر نظر مستقیم امام سجاد(ع) انجام گرفت. امام صادق(ع) با دقت در سیره پدربرزگش، این سبک زندگی را در شرایط زمانی خود با توسعه بخشی کمی و کیفی، به طرح بنیادین جامعه شیعه تبدیل کرد.

از این نکته و ایده مهم نباید درباره زندگی امام سجاد(ع) و ادوارشناسی تاریخی آن غفلت کرد که دوره زندگانی ایشان پس از حادثه عاشورا، دوره مرزبانی رسمی جامعه شیعه از جامعه اسلامی و روی آوردن به سبک زندگی تقیه محور (بر مبنای جامعه اقلیت حق و اکثریت باطل و چگونگی تعامل و هم زیستی اقلیت بر حق با اکثریت به ظاهر دین دار) است. بدیهی است این الگو از زندگی تقیه محور را که اصول و قواعد آن قرار است تا زمان ظهور رعایت شود و مبنای حرکت کلی و تاریخی تشیع از عاشورا تا ظهور باشد، امام سجاد(ع) در الگو خرد و کوچک طراحی کرد، ولی امام صادق(ع) در نسل دوم و سوم این طرح، هم زمان با طراحی کلان و کلی مکتب، آن را به طور منسجم در قالب طرح کلی زندگی و جامعه شیعه ارائه داد.

این الگو در زمان امام سجاد(ع) در قالب خرد خانواده و سبک زندگی خانوادگی، و در زمان امام صادق(ع) در چارچوب اجتماعی ارائه و تلاش شد در جامعه در حال شکل‌گیری و رو به رشد شیعی، اجرا و نهادینه شود.

### **ب) خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) از امامت پدر تا امامت خود (۹۶ - ۱۱۴ هـ)**

#### **اشاره**

ب) خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) از امامت پدر تا امامت خود (۹۶ - ۱۱۴ ه.ق)

یکی از روابط و نسبت‌های مهم در زندگی انسان معصوم، مرحله پیش از پذیرش و فعلیت ولایت الهیه است. در این مرتبه، او انسانی معصوم و متصل به غیب است، ولی مسئولیت راهبری جبهه حق با ولی مقدم بر اوست. در این شرایط، این ولی بالقوه و مقدر، در همراهی و یاوری ولی بالفعل و همچنین کسب آگاهی کامل از همه برنامه‌هایاو رسالتی مهم دارد؛ همانند رابطه امیر المؤمنین علی(ع) با پیامبر اکرم؟ص در ۲۳ سال رسالت وی، به ویژه در دوران ده ساله مدینه که مهم ترین بازوی اجرایی‌شان بود.

امام صادق(ع) نیز در دوران نوزده ساله همراهی با پدر، مهم ترینیار و یاور پدر در آستانه شرایط جدید بود؛ زیرا قرار بود از زمان امام باقر(ع) با لقب شکافنده علوم، دوران نوزایی علمی شیعه شروع شود و در زمان امام صادق(ع) به اوج خود برسد، تا در نهایت، در تاریخ، این دوران را دوران باقرین یا صادقین یا پایه گذاری مذهب جعفری بنامند. بدین دلیل، در این زمان، نزدیک ترین و همراه ترین فرد به امام باقر(ع) در سفر و حضر، امام صادق(ع) است.

از امتیازهای آغازین این دوران، مرگ خلیفه اموی و والی خشن و مقتدر او در عراق و حجاز بود که فرصتی کوتاه، ولی تاریخی را برای آغاز این دوره‌همم در اختیار امام باقر(ع) گذاشت.

دوران امام باقر(ع) ۹۵ - ۱۱۴ هـ\_ق

سال

سفید

۹۶

با مرگ خلیفه و والی، او حجاج، برخی جوانان دارای گرایش‌های شیعی فرصت پیدا کردند آزادانه به مدینه و دیدار امام باقر(ع) بروند.

۹۸

تضعیف شدید تفکر کیسانیه در عراق و کوفه سبب بازگشت نگاه جریان‌های شیعی به سوی امامان معصوم شد.

ص: ۵۲

عمر بن عبدالعزیز هر سال، ده هزار دینار به امام باقر(ع) اعطای می کرد. این کمک مالی و فضای باز سیاسی، فرصتی فراهم آورد تا امام شیعیان را برای تحصیل معارف در مدینه جذب کند.

۱۰۰

رحلت عییدالله بن ابی رافع، از شیعیان و یاران امیرالمؤمنین علی(ع) در کوفه

۱۰۱

رحلت اصیغ بن نباته، از یاران امیرالمؤمنین

۱۰۴

- مرگ چهره های مزاحم سبب توجه بیشتر مردم یا جوانان جویای علم به امام شد.

به دلیل نزدیکی پدر همسر امام باقر(ع) به والی شهر، محدودیت های امام به طور موقت کاهش یافت.

۱۰۵

با آغاز خلافت هشام و امارت خالد قسری بر عراق، دوباره سخت گیری ها بر شیعیان در کوفه فزونی گرفت (به مدت بیست سال).

۱۰۶

- دیدار امام باقر(ع) همراه امام صادق(ع) در حج در مسجدالحرام با هشام و خطبه خوانی کوتاه امام صادق(ع) درباره مناقب اهل بیت؟ عهم؟. پس از بازگشت هشام، امام باقر و فرزندش، به دمشق احضار شدند تا توبیخ و تحقیر شوند، ولی بازتاب معنوی حضور آنها در شام سبب بازگرداندن سریع آنها از شام به مدینه شد.

- هشام در مدینه و همچنین هنگام سفر حج، شاهد حضور گروهی ثابت از شیعیان جویای دانش در محضر امام باقر(ع) بود.

۱۰۷

امام باقر(ع) همراه امام صادق(ع) عازم دمشق شد، ولی شخصیت علمی و مهارت های رزمی و ابعاد ماورایی شخصیت حضرت موجب رسوایی هشام و ناکامی علمای شامی شد و برخی مردم به ویژه برخی راهبان مسیحی نیز به حضرت متایل شدند. بنابراین، آنها را به سرعت به مدینه بازگرداندند.

در حوالی این سال ها، مردم منطقه اردهال کاشان تحت تأثیر تشیع قم، به دعوت سلطان علی فرزند امام باقر(ع)، به نشر تشیع پرداختند، ولی با مداخله مروانیان به شهادت رسید.

توسعه مدرسه علمی امام باقر در مدینه و مسجدالنبی و پیدایش تدریجی نسل اول از شاگردان علمی ثابت و متخصص در تاریخ شیعه

در این سال ها، امام باقر(ع) با آگاهی غیبی از شهادت ناگهانی خود، وصایت امام صادق(ع) را به تدریج، به شیعیان به ویژه خواص شاگردانش اعلان کرد.

- در همین سال ها، کُمیت اسدی، شاعر شیعی، به دیدار امام باقر و امام صادق؟ عهم؟ رفت و اشعار معروف هاشمیات را برای آن بزرگواران می خواند.

- مدرسه علمی امام باقر(ع) در این سال ها در اوچ قرار داشت. به نوشته مورخان، محمد بن

مسلم، چهار سال ساکن مدینه بود که در این مدت ابتدا از امام باقر(ع) سی هزار حدیث و پس از شهادت ایشان، از امام صادق(ع) شانزده هزار حدیث آموخت. در این زمان، بخشی دیگر از شاگردان به کوفه بازگشتند و به تألیف احادیث فرا گرفته و تبلیغ و جذب علمی و مکتبی قبایل شیعی کوفه پرداختند.

۱۱۴

- شهادت امام باقر(ع) در ماه آخر این سال (ذی الحجه) هم زمان با مراسم حج در مدینه، در حالی که مدینه از زوار و بخشی عمدۀ از مردم خود خالی شده بود.

- تولد حسین بن زید بن علی (او فرزند زید شهید بود که پس از شهادت پدر، امام صادق(ع)، او را به منزلش برداشت و به تربیت او پرداخت و او از عالمان شیعه شد).

- امام باقر(ع) در آستانه شهادت به امام صادق(ع) وصیت کرد که ده سال در مراسم حج در منا به اقامه عزاداری آشکار برای ایشان بپردازد.

سال

خاکستری

۹۶

گسترش دامنه فتوحات به مرزهای کاشغر و چین و هند

۹۸

- رحلت (مسومومیت) ابوهاشم پسر محمد بن حنفیه (فرزند امیرالمؤمنین علی) در شام؛ او پیشوای کیسانیه بود و چون فرزند نداشت، علی بن عبدالله بن عباس را وصی خود قرار داد. (بر این اساس، بنی عباس مدعی وصایت و وراثت خلافت از امیرالمؤمنین هستند و از این طریق برای خود مشروعيت کسب می کنند)

- قتل موسی بن نصیر، فاتح اندلس به وسیله خلیفه به دلیل اختلاف سلیقه و گرایش های علوی او

۹۹

- رحلت حسن بن محمد حنفیه (برخی عقاید مرجئی گری به او منسوب است).

۱۰۰

- رحلت ابوالطفیل عامر بن وائله، آخرین صحابی پیامبر؟ ص؟

- تولد محمد بن عبدالله بن حسن مثنی (نفس زکیه) (چون میان دو شانه او خالی درشت بود، پدر نامش را محمد و کنیه اش را مهدی نفس زکیه نهاد و کوشید از کودکی او را کمتر در مجامع آشکار کند و مدعی مهدویت برای او شود.)

۱۰۵

- غیلان بن جامع محاربی کوفی از علمای عامه قاضی کوفه از سال ۱۰۲ در دوره امارت عمر بن هبیره بود، ولی در دیداری با امام صادق(ع) متنبه شد و از منصب خود استعفا کرد.

۱۰۶

- اختلاف و مشاجره بین داعیان عباسی با یکی از داعیان علویان که باعث ایجاد فاصله بین نهضت بنی عباس از علویان شد.

۱۰۸

- رحلت قاسم بن محمد بن ابی بکر. او فقیه تابعی مدینه بود که پدر و دخترش، شیعه

ص: ۵۴

بودند، ولی خودش تربیت شده عمه اش، عایشه و از عالمان عامه (ولی متمایل به اهل بیت؟ عهم؟) بود.

۱۰۹

- رحلت محمد بن سیرین، از عالمان بصره و خواب گزار.

- رحلت فرزدق، از شاعران زمان و مرتبط با دربار اموی که اشعاری درباره مناقب اهل بیت به ویژه امام سجاد(ع) دارد (و با سیدالشهداء در جوانی در راه عراق دیدار داشته است).

سال

سیاه

۹۶

- مرگ ولید بن عبدالملک، خلیفه اموی (ده سال)، خلافت دو ساله سلیمان بن عبدالملک (که مهم ترین مشاور او، عمرو بن عبدالعزیز بود. بنابراین، از این زمان با تلاش عمر بن عبدالعزیز به تدریج فضای باز سیاسی در جهان اسلام ایجاد شد).

- والی مدینه، ابوبکر بن محمد انصاری، از عالمان مدینه و قاضی سابق مدینه

۹۹

- خلافت عمر بن عبدالعزیز

او والیان معتدل انتخاب کرد؛ از فشارهای اجتماعی کاست؛ فرمان آزادی نقل حدیث و منوعیت لعن امیرالمؤمنین علی(ع) را صادر کرد.

- در زمان او توسعه فتوحات کم رنگ شد.

- او به بلاد اسلامی نوشت تا به فتوای محمد بن شهاب زهری، عالم دربار مروانی عمل شود.

- بنی عباس با استفاده از فضای باز این زمان، شروع به اعزام دعوت گران خود به کوفه و خراسان کردند.

- قاضی کوفه: عامر شعبی از عالمان معروف عامه

۱۰۰

- عمر بن عبدالعزیز فرمان تدوین حدیث (از گفته های پیامبر و صحابه) را با هدف استحکام بخشی علمی به مکتب عامه در

برابر فرقه های انحرافی در حال پیدایش به محمد بن شهاب زُهری عالم اول دربار صادر کرد. (این تصمیم به دلیل مرگ سریع عمر بن عبدالعزیز و بی توجهی خلفای بعد از او تا زمان خلافت عباسیان اجرایی نشد.)

۱۰۱

- مرگ عمر بن عبدالعزیز

- خلافت یزید بن عبدالمک (یزید فاسق)

- تولد منصور عباسی

- شورش بزرگ یزید بن مهلب در عراق و فارس

- والی مدینه، عبدالرحمان بن ضحاک جوانی تندخوا و دشمن انصار و اهل بیت؟ عهم؟ بود.

ص: ۵۵

- اواخر سال: امارت عمر بن هبیره بر عراق و خراسان

۱۰۴

- والی مدینه: عبدالواحد نصری (والی آرام که قاسم بن محمد بن ابی بکر را مشاور خود قرار داد)

- مرگ عالمان مشهور عامه:

شعبی (عامر بن شراحیل) (کوفه)

ابوبردہ پسر ابوموسی اشعری (کوفه)

عکرمه مولی بن عباس (مکه)

عطاء بن یسار، از رهبران قدریه

۱۰۵

- مرگ خلیفه‌یزید فاسق

- خلافت هشام بن عبدالملک

- امارت خالد بن عبدالله قسری (ناصبه) بر کوفه و عراق

- مرگ ابان بن عثمان بن عفان: از عالمان عامه در مدینه

- قتل غیلان دمشقی، دومین رهبر قدریه در دمشق

- سال پیدایش معترله در بصره به سر کردگی واصل بن عطاء (پیدایش معترله و قدریه با رویکرد کلامی و با هدف نوعی مشروعيت بخشی غیر مستقیم به آزادی و جواز خروج بر حاکم خلیفه جور بود که در برابر تفکر جبرگرایی اموی قرار داشت)

۱۰۶

- حج گزاردن هشام بن عبدالملک

- والی مدینه و حجاز، ابراهیم بن هشام مخزومی (دایی هشام)

- در سفر حج هشام، سعید بن ولید بن عثمان (نوه خلیفه سوم) کوشید خلیفه را به احیای لعن امیر المؤمنین علی(ع) در جهان اسلام تشویق کند، ولی هشام به بهانه تغییر اوضاع زمانه نپذیرفت.

- پیگیر شدن خشم هشام از تشکیل مدرسه علمی امام باقر(ع) و تصمیم گیری برای مقابله با امام، پس از بازگشت به شام.

۱۰۷

- هشام پس از بازگشت از حج، امام باقر و امام صادق؟ عهم؟ را به شام احضار کرد و به والیان مسیر حرکت امام نوشت که با آنها برخورد سرد و اهانت آمیز داشته باشند و مردم را از آنها دور نگه دارند.

(این سفر بعد از سفر کاروان اسارت، تنها سفر معصومان به شام بود.)

۱۰۹

- مرگ حسن بصری، معروف ترین عالم بصری که مکتب عثمانی گری بصره را نظام بخشید و تثبیت کرد.

ص: ۵۶

- مغیره بن سعید از شیعیان ضعیف النفس که مدتی کوتاه شاگرد امام بود، پس از بازگشت از کوفه، یکی از اولین فرقه های غالیان را ایجاد کرد.

از خیانت های مهم او، قرض گرفتن اولین نسخه های احادیث مکتوب اصحاب امام باقر(ع) و دستبرد در آنها و جعل احادیث است.

- مرگ مکحول از عالمان عامه (مروانی) و مفتی شام.

- هشام بن عبدالملک، در ماه ربیع الاول، والی مدینه را عزل، و به جای او، خالد بن عبدالملک را نصب کرد. این والی در این سال به حج نرفت تا طرح مسمومیت و شهادت امام باقر(ع) را اجرا کند.

- مرگ عطا بن ابی رباح (فقیه مکه)

### نکته ها و ایده ها

### نکته ها و ایده ها

در دوران نوزده ساله امامت امام باقر(ع)، خلافت مروانی دچار افت و خیز شد. از مرگ ولید (خلیفه) و حجاج تا آغاز خلافت هشام و امارت خالد قسری بر عراق، نه سال فرصت تاریخی برای جهان اسلام ایجاد شد. در این نه سال، جریان بنی عباس فعالیت خود را برای تبلیغ سیاسی- اجتماعی و با هدف دست یابی به قدرت به قیمت دست یازیدن به هر روش و شیوه ای گسترش دادند. از این رو، با نفی تفکر امویان، بدون طراحی الگوی خاص سیاسی، فکری و فرهنگی، صرفاً شعار مبهمن و کلی «الرضا من آل محمد» را سر دادند تا با همراه کردن همه مخالفان اموی با خود، به خلافت برسند.

امام باقر(ع) این سال ها را فرستیتاریخی برای پایه گذاری و تربیت نسل اول از شخصیت های متخصص علمی و دینی مکتب حق در چارچوب مکتب اسلام دانست.

بنابراین، با جذب دو گروه جوان که عمداً کوفی بودند، هسته اولیه شاگردانش را تشکیل داد. گروه اول، جوانان برآمده از قبایل دارای گرایش های شیعی کوفی بودند؛ مانند جابر جعفی و محمد بن مسلم و... . گروه دوم، از جوانان خانواده های تازه مسلمان شده مهاجر به جهان عرب کوفی، مانند زراره و برادرانش از خاندان آعین که در اصل رومی بودند. در این زمان، شیعه کوفه در ابهام فکری و فقهی بود، اما پس از تضعیف کیسانیه،



کمتر دچار حاشیه های فرقه سازی شدند. از این رو، اندک جوانان شیعی در مدینه فرصت یافتند اصول و فروع مذهب و مکتب را از امام باقر(ع) بیاموزند.

امام باقر(ع) از همان آغازین روزهای امامتش، بر امامت فرزندش، امام صادق(ع) تأکید می کرد. از این رو، امام صادق(ع) همواره همراه پدر بود و شاگردان پدر انس ویژه ای با او داشتند و گاهیکلاس های تکمیلی را از ایشان فرا می گرفتند.

این جوانان در تاریخ صدر اسلام، به جز برخی موارد استثنایی، تقریباً اولین گروهیبودند که به صورت تخصصی در بازه زمانی چند ساله، تمام وقت و حضوری، صرفاً به تحصیل علوم اهلیت؟ عهم؟ پرداختند.

اهمیت این هسته و گروه اولیه را - به ویژه نسبت به امام صادق(ع) - از دو منظر می توان بررسی کرد: یکی از منظر دغدغه مقدس امام باقر(ع) که در آستانه شهادت، مهم ترین وصیتش به فرزند خویش، توجه ویژه و رسیدگی و رعایت حال اصحاب و یارانش بود؛<sup>(۱)</sup> دوم، از منظر پدیدارشناختی اجتماعی است؛ بدین گونه که در دانش رجال، پیشینه دانشمندان شیعه به یاران باقرین بر می گردد. اصحاب اجماع شامل دو دسته هستند:

- یاران مشترک امام باقر و امام صادق؟ عهم؟ (دانش آموختگان دوره اول)؛

- یاران امام صادق(ع) (دانش آموختگان دوره دوم).<sup>(۲)</sup>

البته وقتی گروه اول به تدریج به کوفه بازگشتند، دو اتفاق مهم را در کوفه - به عنوان تنها شهری که نزدیک به ثلث آن دارای گرایش های علوی و شیعیبود - رقم زدند. اول اینکه سبب نهادینه شدن تشیع در میان بیشتر قبایل و گروه های شیعی کوفه شدند و تشیع آنها را از تشیع سطحی، تقلیدی، تاریخی، احساسی و عاطفی به تشیعیمتی بر مکتب و بینش و ارزش های منسجم فطری و عقلانی - که مستقل از همه فرقه های اسلامی است - ارتقا دادند. دوم اینکه به جذب علاقه مندان، به ویژه جوانان کوفه پرداختند و در همان کوفه کوشیدند اولین شعبه

ص: ۵۸

۱- رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- اسد حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱ ص ۵۳.

دانشگاه باقرین؟ عهم؟ را تأسیس کنند.[\(۱\)](#)

البته این اتفاق بیشتر در زمان امام صادق(ع) (واخر دوره اموی) رخ داد؛ زیرا در نیمه دوم امامت امام باقر(ع) و آغاز امامت امام صادق(ع)، دوباره موجی دیگر از خفقان و فشارهای سیاسی- اجتماعی بر شیعیان آغاز شد، به گونه‌ای که شاگردان اندک امام باقر(ع) که دریایی از احادیث ناب را از امام باقر و امام صادق؟ عهم؟ فرا گرفته بودند، گاهینا چار می‌شدند برای رهایی از فشار روانی ناشی از انبوه محفوظات حدیثی و علمی، به توصیه امامان، آنها را در چاه بازگو کنند. البته در زمان امام صادق(ع) گاه در مسجد کوفه، نهصد شاگرد امام به تدریس معارف اهلیت؟ عهم؟ برای جوانان کوفیمی پرداختند.

بنابراین، زمان امام باقر(ع)، دوره تربیت مدرس اولیه و فوق تخصصی بود که به سفارش امام باقر(ع) و زیر نظر امام صادق(ع) حفظ و کنترل می‌شدند تا با بهبود شرایط، کوفه و دیگر مناطق را برای خیزش و تحول مهم فرهنگی و اجتماعی شیعه آماده کنند.[\(۲\)](#)

### ج) خط زمانی زندگانی و امامت: امام صادق(ع) در دوران مروانیان (۱۱۴ - ۱۳۲ ه.ق)

#### اشاره

#### ج) خط زمانی زندگانی و امامت: امام صادق(ع) در دوران مروانیان (۱۱۴ - ۱۳۲ ه.ق)

از منظر عرفانی، امامان معصوم؟ عهم؟ نسبت به پیامبر اکرم؟ ص؟ به جز در مسئله وحی و نبوت، دارای مرتبه این همانی و وحدت در حقیقت نوریه هستند (کلهم نور واحد)؛ یعنی وقتی این انوار مقدس را با عالم ملکوت و غیب و رابطه قدسی آنها بنگریم، به توحید می‌رسد. وقتی این انوار مقدس ملکوتی بخواهند تجلی و تنزل زمینی بیابند و در چارچوب زمان و مکان قرار گیرند، از این منظر باید در دایره زمانی خود تاریخ ساز باشند، نه به اعتبار انفعال و ودادگی؛ بلکه در مقام درک شرایط و ویژگی‌های زمانه، نیازمندی‌ها و اقتضایات موجود، تجلی زمانی مناسبی از خود

ص: ۵۹

- 
- ۱- کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، محمد حسین رجبی، ص ۴۵۱.
  - ۲- برای مطالعه بیشتر در مورد زندگانی امام باقر؟ ع؟ نک: موسوعه سیره اهل‌البیت، الامام محمد الباقر (ج ۱۷ - ۱۸) باقر شریف القرشی / ۱۴۳۰ هـ / قم / وزارت ارشاد اسلامی و CD سیره معصومان / از مجموعه آثار کامپیوتر نور.

به دلیل همین شرایط، نیازها و اقتضایات زمانی، سیره و کنش و واکنش امامان معصوم؟ عهم؟ فرق می کند. به اعتبار اینکه جبهه حق در مسیر رشد و بلوغ تاریخی و زمانی خود باید انواع امتحان‌ها، غربالگری‌ها و بحران‌ها در مسیر رویش‌ها و ریزش‌ها تجربه کند، دوران امامت ائمه؟ عهم؟ متفاوت است. برای نمونه، آغاز امامت امیرالمؤمنین علی(ع) با ماجراهی غصب و طرد اجتماعی، و آغاز امامت امام رضا(ع) با بحران اجتماعی و داخلی واقعی‌ها همراه است. همچنین آغاز امامت امام جواد و امام هادی؟ عهم؟ با مسئله امامت در کودکی، روبه رو و امامت امام زمان(ع) با مسئله غیبت آغاز می شد.

از این منظر، امامت امام باقرو امام صادق؟ عهم؟ با کمترین حاشیه‌ها و به راحتی و سرعت و آرامش‌آغاز شد. تفسیر و تحلیل عرفانی این وضعیت شاید بدین صورت باشد که در این دوران، شیعه در حال ضعف و نوزایی فکری و اجتماعی جدیدی‌بود و این اتفاق (از منظر پدیدارشناسی اجتماعی) باید با آرامش و کمترین حواشی و بحران‌ها صورت می گرفت، به ویژه اینکه از نظر امتحان‌ها و ابتلاء‌ها، به زودی قرار بود هم در جهان تشیع و هم در سراسر جهان اسلام اتفاق‌های مهمی رخ بدهد. بنابراین، از منظر غیبی و ملکوتی، اصل رهبری و امامت این جامعه نوپا باید محکم و استوار باشد تا اولین ریزش‌ها و لغزش‌های داخلی و درون گروهی‌ای اثرگذاری بازتاب بحران‌های بیرونی، به اصل هویت و کیان تشیع در روند کلی تاریخی‌سیبی نرساند.

به همین دلیل، امامت امام صادق(ع)، محکم و استوار و با رابطه متقابل و دوسویه با نسل اول شاگردان دانشگاه باقرین آغاز شد. این روند امیدوارکننده بود، به گونه‌ای که وقتی نیمه اول این دوران همراه با فشارهای سیاسی اجتماعی بر جامعه شیعه آغاز شد، دیگر جامعه شیعه در کوفه، همانند زمان امام سجاد(ع) جامعه‌ای رهاسده و سرگردان یا در دست مدعیان گوناگون فرقه ساز نبود. در آن زمان این جامعه شخصیت‌های علمی و متخصص‌سیداشت که هم

ص: ۶۰

۱- تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۱، ص ۲۲.

مورد اعتماد امام بودند و هم دست کم سالیکبار مستقیم یا غیر مستقیم در پوشش مراسم حج، به صورت تعریف شده با امام خود ارتباط علمی و عاطفی‌برقرار می‌کردند.

توجه ویژه به همین ایده و نکته جالب می‌تواند شاه کلید تحلیل و تفسیر برای مطالعه بسیاری از رویدادهای مهم این بخش باشد. برای نمونه، در مراسم حج سالانه، امام سجاد(ع) و امام باقر(ع) کار کرد و نقش جاذبه ای در این مراسم داشتند، ولی در بسیاری از رویدادهای مهم مراسم حج سالانه، امام صادق(ع)، بیشتر نقش و کار کرد ارتباطی، مدیریتی و نظارتیرا داشت.

امامت امام در دوره مروانی (۱۱۴-۱۳۲ ه. ق.)

سال

سفید

۱۱۴

- آغاز امامت امام صادق(ع) با کمترین شباهه و با اعتقاد راسخ شاگردان و شیعیان امام باقر(ع) همراه بود.

- جابه والیه، بانوی شیعه ای که از زمان امیرالمؤمنین(ع) زنده بود و علامت امامتی (سنگریزه ای با نشانه امامت امامان قبلی) با خود داشت، نزد امام آمد. امام صادق(ع) هم نشانی دیگری به عنوان امامت، در کنار نشانه های دیگر گذاشت.

۱۱۶

امام صادق(ع) با آگاه سازی جامعه شیعه کوفه از انحراف مغیره بن سعید، ضمن ایجاد مرزبندی جامعه شیعه از غالیان، از اصحاب مؤلف خواست با بازنگری کتاب ها، به بازشناسی احادیث غلوّ و حذف آنها پردازند.

۱۱۷

۱۱۸

- امام صادق(ع) در سال های اوچ گیری فعالیت اولیه رهبران غالیان، در باره هفت نفر از رهبران غالیان (و آرزوی مرگ آنها) صریح موضع گیری کرد و از شیعیان خواست از آنها کناره گیری کنند.

- امام صادق(ع)، نگران تفرقه افکنی غلات در جامعه شیعه و رشد حساسیت زایی خلافت مروانی نسبت به جامعه شیعه، به واسطه رفتارهای خلاف تقيه غالیان بود.

- رحلت فاطمه بنت امیرالمؤمنین و سکینه بنت الحسین(ع) (۱۱۷ ه. ق)

۱۱۹

- هم زمان با آشکار و رسمی شدن فرقه انحرافی خطابیه در کوفه، امام معياری مهم به شیعه کوفه نشان داد و پس از معرفی خواص اصحاب خود، همانند زراره و مفضل بن عمر و

ص: ٦١

مرجع قرار دادن آنها، هر فرد یا تفکری را که مخالف آنان باشد، باطل اعلام کرد. همچنین با نیایش و سجده‌های ویژه، مرگ و نابودی سریع ابی الخطاب و دیگر رهبران غلات را از خداوند خواستار شد.

- حکایت مفضل بن عمر، نماینده امام در کوفه و انس او با جوانان لا بالی شیعه و نامه اعتراضی بزرگان شیعه به امام و پاسخ ایشان. (هدف، جذب جوانان شیعه است).

۱۲۰

- ناراحتی زید از ظلم مروانیان و وداع با امام صادق(ع) و سفر اتمام حجت به دمشق نزد هشام و پس از ناکامی، رفتن به سوی کوفه با هدف دعوت آنها برای قیام (در این وداع زید امام را وصی خود قرار می‌دهد).

- زید قبل از سفر در چندین جلسه با امام و دیگر، با قیام خود برای جذب شیعیان امام تلاش کرد، ولی آنها با استدلال‌های محکم کلامی، همراهی با امام را بر همراهی با او مقدم دانستند.

۱۲۱

رفتن زید پس از دمشق به کوفه و زمینه سازی برای قیام

۱۲۲

- قیام زید در کوفه و شکست و شهادت سریع او (در این قیام، امام شخص زید تأیید کرد، ولی شیعیان را از همراهی او بازداشت).

- دیدار برخی شیعیان در آستانه قیام و کسب تکلیف از امام و اجازه ندادن امام

- پس از قیام و شهادت زید و یارانش، امام عبدالرحمان بن سیابه را با مبلغی پول به کوفه فرستاد تا آن را میان خانواده شهدای قیام توزیع کند.

- ام خالد، بانویی شیعی و فعال در قیام زید بود که پس از قیام، والی کوفه دست او را قطع کرد.

- پس از زید، پرسش، یحیی که در آغاز جوانی بود، همراه چند نفر مخفیانه به سوی ایران گریخت.

- پس از شهادت زید و اوج گیری دوباره آزار شیعیان، موج دوم مهاجرت موالي خاندان اشعری به ایران و قم صورت گرفت.

- پس از شهادت زید، سید حمیری، شاعر زیدیه، شعر زیبایی در رثای زید سرود. وقتی این شعر را نزد امام صادق(ع) خواند، امام در حق شاعر و برای هدایت وی دعا فرمود.

۱۲۳

- در این سال ها، در چند مورد، وقتی شیعیان- خواص اصحاب امام صادق(ع) - ناچار به مراجعه به قاضی کوفه ابن ابی لیلیا شریک قاضی) شدند و با تهمت رافضی گری به آنها، شهادتشان را نپذیرفتند.

وقتی این خبر به امام در مدینه رسید، این قضات اموی را سرزنش و نفرین کرد.

ص: ۶۲

تولد علی بن یقطین، از رجال آینده شیعه و وزیر دربار هارون عباسی، در کوفه

(پدر علی از دعوتگران مهم بنی عباس بود و چون خانواده اش در کوفه امنیت نداشت، خانواده را به مدینه فرستاد. در مدینه، علی جذب امام شد و همراه برادرانش زیر نظر امام بزرگ و رشد یافت. وی در باطن، شیعی و در ظاهر، عباسی بود تا اینکه وارد دربار عباسیان- از منصور تا هارون- شد.

شهادت یحیی بن زید در خراسان

شهادت کمیت اسدی، شاعر شیعی به دست یوسف بن عمر والی کوفه

- رحلت عاصم، قاری شیعی کوفه

(قرائت قرآن های امروزی به قرائت حفص از عاصم است).

- پس از قتل ولید و تزلزل خلافت شام و والی کوفه، جابر جعفی از بزرگان شیعه کوفه، با لباسی وزین و هیبت و وقاری خاص، کرسی درسی در مسجد کوفه برای خود ایجاد کرد و به طور رسمی و با صراحة، برای اولین بار در مسجد کوفه می گفت: «قال الصادق».

قبل از آن، شیعیان از امام با لقب و کنیه و غیر مستقیم نام می برندند. عالمان عامه و عوام آنها با مشاهده این برنامه جابر می گفتند او دیوانه شده است.

- رحلت جابر بن یزید جعفی

- رحلت اسماعیل بن عبدالرحمان سدی، مفسر شیعی

- وحشت شیعیان کوفه از قدرت گیری کوتاه مدت خوارج در کوفه و چاره جویی از امام و دستور امام به تقیه شدید و حتی تبری جویی زبانی از امیر المؤمنین علی(ع) برای حفظ جان

(البته مؤمن الطاق از بزرگان شیعه در مناظره با ضحاک، او را مفتخض کرد).

- میلاد امام کاظم(ع) در ابواء. در بازگشت امام صادق(ع) و خانواده اش از سفر حج سال قبل (۱) (ماه صفر) و پس از آن، امام بعد از ورود به مدینه، سه روز اطعام گستردۀ در مدینه ترتیب داد.

- حضور دوباره عالمان عامه کوفی در مدینه (و مکه) که همراه با شاگردی کوتاه مدت نزد امام یا ایجاد مراکز علمی موازی در برابر امام یا خرد گیری متقابل امام و آنها از همدیگر درباره روش های علمی بود (کسانی همانند ابوحنیفه، سفیان ثوری و...).

- با اقامت موقت عالمان اهل رأی و قیاس عراقی در مدینه، امام به شدت مراقب بود شاگردان و یارانش از نظر علمی و روش فهم فقه، تحت تأثیر روش های انحرافی آنها قرار نگیرند.

- رحلت حمران بن اعین

- با آغاز قیام سیاه جامگان خراسانی، سُدیر و گروهی دیگر از عالمان و محبان اهل بیت؟ عهم؟

در کوفه، در نامه ای از امام اجازه خواستند با قیام در کوفه، آنجا را تصرف کنند، ولی امام به آنها جواب رد داد.

۱۳۱

- نامه ای دیگر از برخی چهره های متمایل به تشیع، مانند فیض بن مختار به امام، برای قیام در کوفه و مخالفت مجدد امام با این درخواست

- رحلت عبدالله بن ابی یغفور بر اثر طاعون (این سال، سال طاعون در عراق و شام بود). امام در رحلت او محزون شد و همه فرقه های شیعی و غیر شیعی، به دلیل جایگاه علمی اش در تشیع جنازه او در کوفه شرکت کردند.

سال

خاکستری

۱۲۰

رحلت عبدالله بن کثیر قاری مکه (از قراء سبعه)

۱۲۲

- در قیام زید بیشتر فقیهان و عالمان کوفه مثل ابوحنیفه، با او همراهی کردند یا فتوای همکاری دادند.

- در این قیام، زید به واسطه تقویه مستقیم نمی توانست مردم را به امام صادق(ع) دعوت کند. از این رو، به «الرضا من آل محمد» دعوت کرد. بنی عباس با کشف این شعار، به سرعت آن را شعار اصلی قیام خود فرار دادند و آن را به نفع خود مصادره کردند.

- ابن شیرمه، قاضی کوفه و از علمای کوفه چون با زید ابراز همراهی کرده بود، به قضاوت سیستان فرستاده شد (تبیید شد) و ابن ابی لیلی از علمای کوفه، قاضی شهر شد.

۱۲۴

رفتن یحیی به خراسان و دعوت گسترده در آنجا برای «الرضا من آل محمد» و اقبال خراسانی ها به سوی او

۱۲۵

- شهادت یحیی موجی از خشم و نفرت را در خراسان ایجاد کرد و در آن سال، خراسانی ها نام همه نوزдан پسر خود را یحیی گذاشتند.

- عبدالله بن حسن مثنی، پس از ایجاد موج هیجان اجتماعی علیه مروانیان در حجاز و عراق برای مهدویت و صلاحیت فرزندش، محمد (نفس زکیه) برای خلافت تبلیغ کرد و عالمان و فقیهان عراق و حجاز به او تمایل پیدا کردند. (در مقام علوی میانه رو و آمر به معروف).

۱۲۶

- رحلت عبدالرحمان بن قاسم محمد از عالمان و فقیهان مدینه (دایی امام صادق(ع))

- در اوج فتنه و اختلاف شامی‌ها در مراسم حج، علوبیان و عباسیان جلسه‌ای تشکیل دادند تا برای خلافت اسلامی تصمیم بگیرند. در نهایت، آنها تصمیم گرفتند با محمد نفس زکیه به عنوان شایسته ترین فرد برای خلافت بیعت کنند. امام نیز به این جلسه دعوت شده بود، ولی با بیان حقایق، با خلافت محمد مخالفت کرد. در اواخر جلسه، پس از بیعت عباسیان با او،

ص: ۶۴

وقتی از مفاد سخنان امام به ناکامی محمد و احتمال موفقیت خود یقین پیدا کردند و ناگهان اخباری از موفقیت دعویتگران خراسانی به آنها رسید. آنها هم علوبیان را رها کردند و به دنبال تقویت نقشه های خود رفتند.

- پس از قتل ولید و آشفته شدن اوضاع شام، در سفر حج آن سال، سران معتزله به رهبری واصل بن عطا، عمرو بن عبید و حفص بن سالم نزد امام آمدند و گفتند ما با نفس زکیه برای خلافت بیعت کرده ایم. پس شما هم به ما بپیوندید. امام در مناظره ای مفصل درباره شرایط امام و خلیفه، تصمیمشان را باطل اعلام کرد و آنها را از خود راند.

۱۲۷

- رحلت ابو اسحاق سیعی همدانی از عالمان کوفه

- عبدالله بن حسن، پدر نفس زکیه در آشفته بازار اختلافات شامی ها سعی کرد با ائتلاف یا همکاری بخشی از علوبیان و عباسیان و عالمان عراق و حجاز، زمینه را برای خلافت و مهدویت فرزندش فراهم سازد. به دلیل همکاری امام صادق(ع)، خیانت و نقض بیعت و استقلال طلبی عباسیان و پراکنده‌گی عالمان منطقه، طرح او ناکام ماند. پس از این، او به دلیل نداشتن نیرو و تشکیلات، از جامعه و تحولات آن کناره گرفت. با قدرت گرفتن مروان حمار، خلیفه مروانی، عبدالله در نامه ای به خلیفه، او را از اقدامات ابراهیم عباسی باخبر کرد. ازین رو، خلیفه ابراهیم را دستگیر و زندانی کرد و عبدالله و نفس زکیه در امان بودند.

۱۳۱

- ابومسلمه خلال، رهبر فکری عباسیان در عراق و کوفه بود. او در آستانه پیروزی عباسیان نامه ای به امام و عبدالله بن حسن نوشت و از ایشان خواست به جای عباسیان، پنهانی، رهبری نهضت را به عهده گیرند. امام درخواست او را پذیرفت. عبدالله موافقت کرد، ولی عباسیان طرح ابو مسلمه را کشف و خنثی کردند.

سال

سیاه

۱۱۴

خلافت هشام و امارت خالد بن عبدالله قسری در عراق و خالد بن عبدالملک بر مدینه. آنها در این سال ها در اوج اقتدار بودند، به همین دلیل، گمان نمی کردند آغاز امامت امام صادق(ع) بر ایشان، خطری جدی باشد. پس تهدیدی جدی را متوجه ایشان نکردند.

۱۱۶

- خالد، والی مدینه در یکی از این سال ها در اوج غرور، بر منبر پیامبر، به امیرالمؤمنین علی(ع) هتاكی کرد و مردم از ترس، ساکت بودند. با فریاد و برخورد تند امام در حضور مردم، والی شوکه شد و دیگر جرئت نکرد کار پلید خود را ادامه دهد.

- در این سال، هشام، ولید (فاسق) را امیر حاجیان کرد و او به همراه سگ و بساط شراب خود به حج رفت.

- در این سال ها، ابی الخطاب از شاگردان درجه دوم امام که سواد علمی چندانی هم نداشت، اما به دستور امام چند مأموریت اجتماعی در کوفه انجام داده بود، نزد عده ای از عوام جایگاهیافت. به تدریج، وی چار وسوسه شد و جریانی جدید و آشکار از غلو همراه ابا حمید گردی ایجاد کرد.

۱۱۷

۱۱۸

- ابی الخطاب پس از موضع گیری آشکار امام کوشید همراه گروهی هفتاد نفره از یارانش در این سال، ضمن مراسم حج به دیدار امام برود و با چرب زبانی و فریب کاری، خود را جزو شیعیان امام بنمایاند. امام با هشدار دادن به او، وی را از خود راند و بلاfacسله پس از رفتن او فرمود ابی الخطاب گمراحت است.

- والی مروانی در خراسان، برخی دعوتگران عباسی منطقه را دستگیر کرد و کشت یا به زندان افکند.

- قیام فردی به نام حارث بن سریع در ماوراءالنهر (تازه فتح شده) علیه تعصب و تبعیض نژادی و ظلم های مروانیان و راه انداختن نهضتی گسترده که برای اولین مرتبه شوکت مروانیان را در ماوراءالنهر از بین برد و زمینه را برای دعوت عباسیان در منطقه فراهم کرد.

(او عقایدی مرگب از مرجه گردی، ادعای مهدویت، مطالبه تساوی عرب و عجم و دعوت به خلیفه ای از اهل بیت پیامبر؟ عهم؟ داشت.

۱۱۹

- ابی الخطاب همراه یاران اندک خود به مسجد کوفه رفت و قیامی کوچک را در ائتلاف با دیگر رهبران غلات (بیان بن سمعان و مغیره بن سعید) و یاران اندکشان شکل داد. خالد قسری، والی کوفه آنها را به شدت سرکوب و نابود کرد. از این افراد، تنها یک نفر (ابی خدیجه) نجات یافت که بعدها توبه کرد و جزو شیعیان خالص شد.

با نابودی سران غالیان، در آغاز شکوفایی مدرسه علمی امام صادق(ع) و مکتب جعفری، دوباره اتحاد و سلامت جامعه شیعه تضمین شد.

۱۲۰

- رحلت حماد بن ابی سلیمان از عالمان معروف کوفه و استاد ابوحنیفه، مؤسس فقه حنفی.

- عزل خالد قسری از کوفه و انتخاب یوسف بن عمر ثقی (پدرش، پسر عمومی حجاج بود).

- رحلت سلیمان اشدق (۱۱۹)، مفتی دمشق

- قتل ابو منصور عجلی، رئیس غلات شیعه، (پس از ابوالخطاب، به دست والی کوفه)
- مرگ سلمه بن کهیل از عالمان عامه و طرفدار مروانیان که زمانی کوتاه هم نزد باقرین؟ عهمما؟ شاگردی کرده و امام باقر(ع) در مذمتش فرموده بود: او و گروهی از عالمان عامه سبب گمراهی بسیاری از مردم شده اند.

- یوسف بن عمر ثقیلی پس از شکست دادن قیام، موجی جدید از کشتار و آزار شیعیان و
- ص: ۶۶

محبان اهل بیت؟ عهم؟ در کوفه به راه انداخت.

- هشام دستور داد پس از شهادت زید، بدن او در کوفه، مصلوب و سر او نخست به شام فرستاده شود. پس از آن، سر او را به مدینه فرستادند که به مدت یک هفته در مسجد پیامبر بر نیزه بود و بعد آن را به مصر فرستادند.

محمد بن هشام، دایی هشام و والی مدینه دستور داد سر را یک هفته در مسجد پیامبر، بالای نیزه بگذارند.

۱۲۳

- کشته شدن حکیم بنت عیاش کلبی، شاعر مروانی به وسیله حیوانی درنده در حومه کوفه (او پس از شهادت زید با سروden اشعاری زننده به هجو زید و اهل بیت؟ عهم؟ پرداخته بود و امام او را نفرین کرد).

- پس از شکست قیام زید، بر اساس حکایتی مشکوک، جریان عامه در جنگ نرمی جدید، به کمک امویان تلاش می کردند با جعل لقب «رافضه» (رانده شده)، به طرد، هجو و مقابله با تشیع بپردازنند.

۱۲۴

- مرگ محمد بن شهاب زهری، مهم ترین عالم دربار مروانی در این سال ها. وی به دلیل جایگاهش در دربار اموی، از زمان امام سجاد(ع) تا امام صادق(ع)، مورد مذمت اهل بیت؟ عهم؟ بود، ولی نزد عامه و عالمان حجاز از عالمان شمرده می شد و هر وقت به سفر حج می آمد، دانشمندان حجاز به او احترام می گذاشتند و به او رجوع می کردند.

۱۲۵

- مرگ هشام و جانشینی ولید بن یزید (ولید فاسق) به جای او (یک سال و دو ماه). به فرموده امام، مرگ هشام بازتاب شهادت زید و یحیی بود، همانند مرگ زودرس یزید و با مرگ او سقوط نهایی مروانیان کلید خورد.

- مرگ محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، رهبر عباسیان و جانشینی ابراهیم امام، برادرش.

- سران بنی عباس پس از شهادت زید و یحیی، با جمع کردن دعوتگران خود، جلسه ای مهم تشکیل دادند و کوشیدند با مصادره شعارها و هیجان های ایجاد شده ناشی از قیام زید و یحیی، به جذب سریع خراسانی ها بپردازنند. در این جلسه، ابومسلم برای اولین مرتبه به خراسان اعزام شد.

۱۲۶

- در پایان این سال، ولید فاسق به دلیل شدت فسق و فجورش، به وسیله پسرش، یزید (ناقص) کشته شد و یزید به خلافت پنج ماهه رسید.

یزید دارای گرایش فکری معتبرلی و قدری است.

- پس از قتل ولید، میان شامیان اختلاف افتاد و خلافت یزید مستقر نشد و در فلسطین و اردن سورش‌های گسترده‌ای رخ داد.

ص: ۶۷

- یزید، یوسف بن عمر را از کوفه عزل کرد و منصور بن جمهور را (شش ماه مانده به عمر خلافت یزید) والی آنجا کرد.
- والی مدینه (یوسف بن محمد، دایی ولید و برادرزاده حجاج ثقی) که چند ماه والی بود) عزل و به جای او عبدالعزیز بن عمر بن عبدالعزیز والی شد (تا سال ۱۲۹ ه. ق)
- در این سال، اختلاف بین قبایل عرب مضربی (حجازی) و یمنی شدت گرفت و تفرقه آنها (به منزله سربازان فتوحات) فرصت های خوبی برای خراسانیان و طرفداران عباسیان ایجاد کرد.
- آغاز قیام عبدالله بن معاویه بن عبد الله بن جعفر در کوفه و غرب ایران با همراهی ضمنی عالمان کوفه و حتی بیعت و همراهی اولیه رهبران عباسی (بیعت منصور و سفاح با او) بود، این قیام به موقعیت مروانیان در عراق و غرب ایران ضربه فراوانی زد و سبب ایجاد فرصت برای عباسیان در خراسان شد.
- ۱۲۷
- کشته شدن خلیفه‌یزید و خلافت ابراهیم بن زید (دو ماه) و سرانجام به خلافت رسیدن مروان حمار، آخرین خلیفه مروانی شورش خوارج در عراق و تصرف کوفه و حکومت دو ساله ضحاک بن قیس خارجی بر کوفه
- در مراسم حج این سال، داعیان بنی عباس از جمله ابو‌مسلم و دیگر دعوت گران خراسانی و عراقی در مکه، نزد بنی عباس جمع شدند. ابراهیم امام، ابو‌مسلم را با توجه به شرایط جدید به امیری و فرماندهی تمام دعوت گران خراسان، منصوب و ادعا کرد در سال ۱۳۰ هـ- ق دولت آنها تشکیل خواهد شد.
- ۱۲۸
- قتل جهم بن صفوان سمرقندی، پایه گذار فرقه جهمیه که به جبر و تعطیل صفات خداوند قائل بود و اهل سنت و معتزله تکفیرش کردند. البته او به جواز خروج بر خلیفه نیز قائل بود.
- ابراهیم امام به ابو‌مسلم نامه نوشت که در این سال، قیام عباسیان را در خراسان آشکار سازد و رنگ سیاه را شعار خود قرار داد.
- انتساب یزید بن عمر بن هبیره به عنوان والی عراق
- شکست عبدالله بن معاویه از مروانیان و فرار او به سوی ابو‌مسلم خراسانی در خراسان. ابو‌مسلم او را کشت تا مبادا حضورش در خراسان مانع آغاز نهضت عباسیان شود.
- همکاری ابوحنیفه با قیام عبدالله بن معاویه و فرار او پس از شکست قیام به مدینه و اقامت دو ساله اجباری او در طول مدت امارت یزید بر عراق در مدینه. (در این دو سال، او بعضی اوقات از مجلس درس امام صادق(ع) استفاده می کرد).

- ابو مسلم خراسانی در این سال قیام خود را آشکار کرد و شهر مرو را گرفت.

ص: ۶۸

- در آخر این سال، گروهی از خوارج به حج آمدند و حضور خود را آشکار کردند و پس از حج، ناگهان مکه را تصرف کردند.

۱۳۰

- ابو حمزه خارجی، قاضی حضرموت که جزو خوارج اباضیه بود، برای سه ماه، مکه و مدینه را در تصرف خود داشت، (یمن، عمان و حجاز) ولی سرانجام از مروانیان شکست خورد و کشته شد.

- حرکت تدریجی ابو مسلم پس از تصرف خراسان به سوی مرکز و غرب ایران و شکست های پی درپی مروانیان از او.

- در مدت تسلط خوارج بر مدینه، افراد بسیاری کشته شدند.

- مرگ عبدالله بن ذکوان، از عالمان عامه و شاگردان ابو هریره که متولی برخی امور بنی امیه بود و حدود سیصد شاگرد داشت.

۱۳۱

- کشته شدن ابراهیم امام (عباسی) به دست مروان حمار در زندان شام و جانشینی ابوالعباس سفاح در نهضت، به جای او

- فتح کامل ایران و مناطق شرقی خلافت به وسیله ابو مسلم و ورود تدریجی آنها به عراق

- از سال ۱۲۹ تا ۱۳۲ هـ - ق، والی کوفه و عراق یزید بن عمر بن هبیره بود. او قیام های عبدالله بن معاویه از زیدیه و ضحاک خارجی را در این سال ها شکست داد، ولی در مقابل پیشروی سریع عباسیان کاری از پیش نبرد.

- رحلت ایوب سختیانی، فقیه بصره

- وفات واصل بن عطاء، مؤسس معتزله در بصره

- رحلت عبدالله بن ابونجیح مکی از فقیهان مکی متتمایل به معتزله

## نکته ها و ایده ها

## اشاره

## نکته ها و ایده ها

امامت امام صادق(ع) در دوران مروانیان، آکنده از رویدادها، نکته ها و ایده های درون گروهی و بیرونی است که از طریق

مطالعات تخصصی و تفصیلی می‌توان آنها را استخراج کرد. در ادامه بر اساس جدول خط زمانی ارائه شده، به مواردی اشاره می‌شود:

#### ۱. اولین دانشگاه اسلامی

##### ۱. اولین دانشگاه اسلامی

اولین دانشگاه اسلامی در دوران امامت امام صادق(ع) در زمان امویان پی ریزی شد. شاهد این

ص: ۶۹

امامان

همه اصحاب

تعداد موالیان

امام سجاد (ع)

امام باقر (ع)

امام صادق (ع)

امام کاظم (ع)

امام رضا (ع)

۱۶۱

۴۶۶

۳۲۲۳

۲۷۳

۳۱۷

۲۰

۲۵

۴۴۰

۲۰

۴۶

با توجه به اینکه در بیشتر دوران بنی عباس، امام به شدت در تقیه و زیر نظر بود، بدیهی است عمد هفطالیت این دانشگاه در

زمان مروانیان است. البته اوج درخشش این دانشگاه در نیمه دوم دوران، یعنی از مرگ هشام تا سقوط مروانیان است. در دورانی که جهان اسلام و بیشتر گروه‌ها در التهاب تحولات یا تلاش برای کسب سهمیه در تحولات سیاسی و اجتماعی‌بودند. امام با در نظر گرفتن افق بلندمدت و با دوری از جوّزدگی و اثربذیری از انبوه فشارها برای مداخله یا قیام، به تربیت نیروها و جوانان مستعد برای مکتب حق و توسعه ناگهانی کمی و کیفی دانشگاه خود در فرصت تاریخی ایجاد شده پرداخت.

بر مبنای مطالعات تاریخی و استقرای جالب کتاب الامام الصادق و المذاهب الاربعه،<sup>(۲)</sup> از نکات مهم در این دانشگاه، ایجاد و توسعه دانشکده‌های تطبیقی برای فرقه‌های اهل سنت است؛ بدین معنا که اهل سنت به دلیل دوریاز منع اصلی و حیونداشتن دسترسی به معارف آن دچار خلاً محتوایی و نقصان روشنی‌بودند. از این رو، رهبران علمی و فکری آنها در فرصت‌های کوتاه یا بلندمدت به دانشگاه امام می‌آمدند و به اندازه نیاز خود از آن حضرت بهره می‌بردند تا با درآمیختن معارف امام با دانش‌های ناقص خود به نوزایی و به روزسازی مکتب‌های خود بپردازنند.

ص: ۷۰

---

۱- تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- الامام الصادق و المذهب الاربعه، ج ۱، ص ۱۳۴.

از دیگر نکات، توجه به تخصص‌های دینی و استعدادها و توان مندی افراد است؛ به گونه‌ای که این دانشگاه مثل مکتب خانه‌ای اهل سنت مدینه نبود که فقط محدث (حدیث شناس) پژوهش دهد و مانند مکتب خانه‌های اهل سنت در کوفه نیز نبود که فقط مجتهدان اهل رأی و قیاس تربیت کنند. امام در همه رشته‌های علوم اسلامی و انسانی و گاه تجربی، شاگردان تربیت کرد که گاهی گستره رشته‌های علمی یادشده به طب، شیمیا نجوم نیز می‌رسید.

۲. ظهور پدیده‌ای به نام غلات

## ۲. ظهور پدیده‌ای به نام غُلات

وقتی در نظامی علمی، ترکیبی از آموزش و پژوهش مینا قرار می‌گیرد، بی‌مهری و سستی برخی شاگردان و اصحاب آن مکتب به همراه ورود آنها به موقعیت‌های اجتماعی که آکنده از وسوسه‌ها و جذابیت‌های است، می‌تواند زمینه‌را برای افراط یا تفریط فکری و اجتماعی و ظهور پدیده ریزش‌ها به راحتی فراهم سازد.

دوران امام صادق(ع) به غیر از ماجراهی کیسانیه که اصولاً چندان از بدنی اصلی تشیع به وجود نیامد و بیشتر در قبیله ها و شخصیت های دارای گرایش های التقاطی شیعی و اسلامی ریشه داشت، شاهد اولین گزارش های مستند و معتبر از معضل فکری- اجتماعی غالیان. را در زمان امام صادق(ع) این جریان تا هفت گروه انشعابی‌شمرده اند که همگی در کوفه به وجود آمدند. روح عقاید فکری آنها الوهیت و خدایی امام صادق(ع) و عصاره برنامه عملی آنها نیز بر ابا حه گریبا پرستش امام صادق(ع) مبنی بود. نکته مهم، مواجهه صریح و قاطع امام در برابر آنهاست.<sup>(۱)</sup> ایشان با هوشیارسازیاران فرهیخته و متخصص و هشدار دادن درباره اثرباری جوانان و اهتمام بخشی به مسئله تربیتی عرضه عقیده در حوزه عقاید و حتی عرضه مجدد احادیث مکتوب برایالا-یش آنها به امام یا قرآن، به سرعت و با صراحة علیه ایشان موضع گرفت. همچنین با نفرین کردن آنان، زمینه غیبی برای نابودی آنها را فراهم ساخت.

۳. توقع و انتظار قیام از امام

۷۱:

<sup>۱</sup>- در این زمینه نک: غالیان؛ کاوهشی در جریان‌ها و برآیندهای تا پایان سده سوم، ص ۹۰.

### ۳. توقع و انتظار قیام از امام

از نکات مهم دیگر در این زمان که جلوه های گوناگونیافت، توقع و انتظار قیام از امام است، به گونه ای که وقتی موج خستگی از خلافت مروانیان و ظلم و تبعیض های آنها در همه سطوح جامعه اسلامی و شیعی، فراگیر و عطشی عمومی برای تحول ایجاد شد، همه می کوشیدند امام را به قیام دعوت کنند. البته بیشتر این دعوت های گسترده، نه از رویصدق، بلکه به اعتبار اصل و نسب امام یا به اعتبار موقعیت های علمی و اجتماعی ایشان یا با این هدف بود که گروه های درخواست دهنده با سوء استفاده از جایگاه امام بتوانند به اهداف خود برسند.

امام می دانست برای قیام معطوف به حق، در کنار رهبری و قانون، مهم ترین شرط، درک جامعه نسبت به حق، رهبر حق و آرزوی تحقق ارزش های حق باید باشد، نه صرف تغییر و نفی باطل قبلی بدون طرح و برنامه یا بدون آمادگی و تربیت اجتماعی برای حق و یا بدون فراهم آمدن بستر های اجتماعی برای عدالت خواهی.

بنابراین، امام در این سال ها، درخواست قیام زیدیه، عباسیان، شیعیان، معترله و فقیهان عامه را رد کرد و به جای آن، به نیروسازی و پی ریزی طرح بنیادین مکتب به دور از احساس زدگی پرداخت.

### ۴. تبدیل تدریجی کوفه به پایگاه تاریخی برای تشیع

#### ۴. تبدیل تدریجی کوفه به پایگاه تاریخی برای تشیع

کوفه همواره در طول تاریخ خود، از زمان پیدایش در سال ۱۷ ه.ق تا زمان امامت امام صادق(ع) در مقایسه با عشق حجاز به شیخین و عثمانی گری بصره و اموی زدگی دمشق، به تشیع موصوف بود. تا پیش از خلافت عباسیان و پیدایش شهر بغداد، هیچ گاه آمار شیعه کوفه در بهترین وضعیت، بیش از ثلث جمعیت آنجا بود و همواره بیشتر مردم شهر از اهل سنت بودند. البته اهل سنت کوفه با اهلستان بصره، دمشق و حجاز تفاوت داشت؛ زیرا آنها دارای

رگه هایی قوی از گرایش و محبت به اهلیت؟ عهم؟ بودند که به آن «شیعه عراقی» می گویند.<sup>(۱)</sup>

بیشتر شیعیان کوفه ساختاری قبایلیدارند و تشیع را در فضاهایی احساسی، همراه با شعور اولیه پذیرفته اند؛ (شور و شعوری که در سفر تاریخی امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> در سال آخر زندگانی پیامبر به یمن ریشه دارد. البته آنها جز در دوره‌پیش ساله حضور امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> در کوفه، فرصت توسعه و تعمیق گرایش‌های شیعی خود را نیافته اند، بلکه سال‌ها تبلیغات منفی امویان یا تبعیدهای اجباری از کوفه یا شهادت خواص و رهبران شیعه خود را شاهد بوده اند. از این رو، کوفه هیچ گاه شهری شیعی نبوده؛ اگرچه همواره مهم ترین پایگاه شیعیان بوده است.

در زمان امام صادق<sup>(ع)</sup>، با گسترش جذب جوانان مستعدی که بیش از هشتاد درصد آنها کوفی بودند، تربیت آنها و بازگشتنشان به کوفه - تا آنجا که نهصد نفر در مسجد کوفه، کلاس درس احادیث امام صادق<sup>(ع)</sup> را برگزار کردند - سبب شد موج تشیع، آن هم به شکلی علمی، فرهنگی و فکری در کوفه گسترش یابد.

از عوامل اثرگذار در این زمینه، اشتباه تاریخی عالمان و فقیهان اهل سنت کوفه بود که با قیام زید همراهی کردند و پس از شکست قیام، ناچار به فرار از کوفه یا در پیش گرفتن انزوای موقع شدند. بدین گونه صحنه علمی و فکری شهر به طور موقت در اختیار شخصیت‌ها و عالمان شیعه قرار گرفت. تشیع در کوفه چنان گسترش کمی و کیفیافت که در آغاز خلافت عباسیان، آنها از انتخاب اولیه کوفه به منزله پایتخت خود پشمیان شدند و ترسیدند «حضور لشکر خراسانی‌ها در کوفه و اختلاط آنها با کوفیان سبب فسادشان شود». پس به سرعت، دو بار پایتخت خود را عوض کردند تا سرانجام چاره را در ایجاد شهری نو با هویت و ارزش‌های جدید خود دیدند. در نهایت، این رخداد به معنای عقب نشینی همه جریان‌های فکری و سیاسی و فرقه‌ای از کوفه و واگذشتن آن در اختیار شیعیان بود.<sup>(۲)</sup>

ص: ۷۳

۱- تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، ج ۱ ص ۲۲.

۲- کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، محمد حسین رجبی، فصل چهارم، ص ۴۰۳.

نکته مهم تر این بود که کوفه به موازات تبدیل شدن به مرکز تشیع در عراق و جهان اسلام، به پایگاه دوم شیعه (بعد از مدینه و دانشگاه امام صادق(ع)) برای نشر و گسترش تشیع به دیگر مناطق جهان اسلام بدل می شد، به گونه ای که پیدایش قم از جهت اجتماعی و فکری، وام دار مستقیم مهاجرت شیعیان کوفی به قم است.

## ۱. امام صادق(ع) در دوران خلافت عباسیان

### ۱. امام صادق(ع) در دوران خلافت عباسیان

در نگاه نخست، خلافت عباسیان می توانست تحولی مثبت برای اهل بیت شمرده شود؛ زیرا آنها شاخه‌ای از قبیله بنی هاشم و عموزاده اهل بیت بودند و روزگار را در کنار هم می گذراندند. در ظاهر نیز هدف دعوت و قیام عباسیان، «الرضا من آل محمد» بود. این اقدام عباسیان خلاف زمامداری خلفای راشدین و امویان بود؛ زیرا این دو حکومت برای نابودی اهل بیت؟ عهم؟ و اسلام می کوشیدند. در این دوران، جریانی قدرتمند و گسترده با شعار تبلیغاتی اهل بیت محور ایجاد شد.

امام صادق(ع) برای یارانش، به صورت گسترده و هم برای علویان زیدی در برخی موارد، تأکید داشت که این تحول، تغییر تاکتیک تاریخی خط باطل با هدف به روزسازی آن علیه پیشرفت حق است، چنان که ابليس و رهبران باطل با درک ناکارآمدی روزافزون شیوه حکومتی امویان و خستگی از آنها و عطش اجتماعی برای نابود کردنشان، می خواستند به مدیریت و کنترل این عطش اجتماعی بپردازنند. از این رو، با ایجاد جریانی التقاطی و فریبنده و با حربه دین با بنی هاشم علیه اهل بیت؟ عهم؟ کوشیدند بر این موج سوار شوند و باطل را هماهنگ با تحولات زمانه روزآمد سازند.

اگر دوره تاریخی دعوت علاسیان را تا دو دهه اول خلافت آنها، با نگاه تحلیلی براساس باطل و با روش خط زمانی مطالعه کنیم، در می‌یابیم آنها با آغاز تبلیغاتشان سعی در جذب همه گروه‌های مخالف داشتند و بسیاری از جریان‌های اجتماعی نیز با آنها همراه شدند. با این حال، پس از به دست آوردن قدرت و ایجاد تحولات قهری سطحی، زمانی که شخصیت حقیقی آنها آشکار شد، به ناچار پس از خشونت و سرکوب به فکر ثبیت جایگاه خود افتادند. در نتیجه،

برای جذب گسترده جریان‌های فکری و فرهنگی - البته در جبهه باطل - کوشیدند ائتلاف و همراهی تمام لایه‌های باطل را در برابر حق ایجاد کنند.

ازین رو، عباسیان در جذب عالمان عامه، رفتار زیرکانه‌ای داشتند و در برپایی ارتباط متقابل با آنها و تعدیل سازی متقابل روش‌ها و برنامه‌های خود و عالمان عامه در راستای هم گرایی، به گونه‌ای تدریجی عمل کردند که از دیدگاه تاریخی اجتماعی و فکری کارگر افتاد. به این ترتیب، عباسیان پانصد سال با همه انحطاط‌ها، پوسیدگی‌ها، انحراف‌ها و ضعف‌ها به حیات خود ادامه داد. سرانجام اگر این خلافت با تهدید خارجی - مغول - نابود نمی‌شد، روشن نبود در داخل با همکاری جریان‌های فکری اهل سنت، آن خلافت پوسیده تا چه زمانی ادامه می‌یافت.

نکته مهم، در این شرایط و در برخورد تاریخی حق و باطل؛ نوع واکنش و روبه رو شدن امام با این تحولات گسترده جهان باطل است. پرسش اصلی این است که در این دوران، آیا امام، اثرگذار و تاریخ ساز است یا منفعل و اثیزیر؟

براساس تبیین رویکرد کلی و کلامی امام، روشن است ایشان به منزله انسان کامل و زمانمند که افق تاریخی جبهه حق را می‌نگریست، نمی‌توانست منفعل باشد. با این حال، پرسش این است که در این تحولات به ظاهر در حال جریان که به سود جبهه باطل بود، امام چگونه به مدیریت و مهندسی آشکار و پنهان رویدادها به نفع حق، در افق بلندمدت پرداخت؟

برای نمونه، آیا برخورد اهل بیت؟ عهم؟ با احضارها و نقل مکان‌های اجباری - که از سیاست‌های کلی عباسیان برای دور نگاه داشتن اهل بیت؟ عهم؟ از مدینه النبی بود - انفعالی است یا اینکه ایشان ضمن پذیرش این شرایط تحمیلی، به ناچار می‌کوشیدند از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، این تحولات را به سود جبهه حق مدیریت کند؟

با توجه به این نکته مهم، خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) را در این دوران ویژه و حساس بررسی می‌کنیم:

سال

سفید

۱۳۲

- امام صادق(ع) در رویداد تحول خلافت، ضمن برکنار داشتن شیعیان از دخالت در

ص: ۷۵

در گیری های اموی - عباسی، با همه توان به ترتیب نیرو و تقویت کمی و کیفیاران و شیعیان خود پرداخت. ایشان کوشیدند وضعیت فکری و فرهنگی شیعه به ویژه در کوفه، با تحولات ساختاری هماهنگ شود و به ساختار فکری، فرهنگی و اجتماعی مستقل و ثابتی دست یابد.

- هم زمان با سقوط امویان، برای دوره ای موقت، برخی شیعیان آشکارا به نشر احادیث و فضایل امیرالمؤمنین، علی(ع) و اهل بیت؟ عهم؟ به ویژه در کوفه پرداختند، ولی این اتفاق با مخالفت ابوحنیفه و فقهای اهل رأی عراق روبه رو می شد.

امام نیز در سفر حج آن سال، شیعیان را دوباره به استمرار تقيه سفارش کرد.

- از دیدگاه امام صادق(ع) تنها تفاوت ایجاد شده در تحول خلافت اموی به عباسی این بود که با سقوط اموی، برخی جریان های فقهیا کلامی که امویان حامی آنها بودند، کم رنگ شد و در تحولات فکری در جهان اهل سنت، امام برای نخستین بار توانست برخی احکام فقهی حق را بیان کند.

۱۳۳

- در گذشت عمار بجلی، بزرگ ترین و بنیان گذار خانواده شیعی عمار بجلی در کوفه. پسرش، معاویه و دخترش و نواده هایش، از خواص اصحاب امام صادق(ع) بودند.

- امام با پیش بینی شهادت ناگهانی معلی بن خنیس، از خواص یارانش که کوفی، اما ساکن مدینه بود و خانواده اش هم در کوفه بودند، تمھیدی غیبی فراهم کرد که با طی الارض، در سفری کوتاه و سریع به کوفه برسد و با خانواده اش دیدار و وداع کند.

- معلی بن خنیس، از خواص و ملازمان و صاحب اسرار امام صادق(ع) در مدینه و از مردم کوفه بود.

او پس از سقوط مروانیان در مدینه، آشکارا به نشر فضایل اهل بیت؟ عهم؟ پرداخت.

داود بن علی، والی مدینه، با سوءاستفاده از غیبت امام به سبب سفر حج، معلی را دستگیر کرد و از او اسامیاران و کلامی امام صادق(ع) و سران شیعه را خواست، ولی او سر باز زد. داود نیز معلی را با خشونت به شهادت رساند و رسماً دشمنی عباسیان با شیعیان را اعلام کرد.

امام پس از بازگشت از سفر حج، ابتدا با خشم فراوان با داود روبه رو شد، به گونه ای که داود، فرمانده شرطه ها را که قاتل معلی بود، به امام سپرد و اسماعیل، پسر امام به دستور پدر، او را به قصاص معلی کشت. همان شب هم امام تا سحر به درگاه الهی متوجه شد و داود را نفرین کرد و هنگام سحر، داود دچار مرگ ناگهانی شد.

- در این سال ها پس از تثبیت تدریجی بنی عباس و سعی آنها در برداشتن اولین گام برای



شناسایی و آزار یا نابودی رهبران درجه دوم و خواص شیعه، امام ضمن سفارش شیعیان به تقیه بسیار، به سرزنش بزرگان شیعه به ویژه بزرگان کوفی، همانند زراره که در مرکز خطر بودند - پرداخت تا دشمن با توهمندی آنها از امام، مزاحم شان نشود.

۱۳۴

- اولین احضار از مجموعه احضارهای امام صادق(ع)، پس از ماجراهی معلی، در کوفه و دربار سفاح. این دیدار اولین دیدار مستقیم و رسمی امام از کوفه و عراق بود، امام در ابتدای ورود به کوفه آزاد بود، ولی بسیار زود بازداشت خانگی ایشان آغاز شد و از دیدار شیعیان با ایشان جلوگیری کردند و دوباره به مدینه بازگردانده شد. این کار پس از آن بود که عباسیان مطمئن شدند که امام در فکر قیام نیست.

۱۳۵

- در این سال‌ها، ربیعه الرأی، فقیه عراقی، ضمن سفر حج در دیدار با امام، از روی حسادت، از مجموعه فعالیت‌های زراره و برادرانش در کوفه شکوه کرد و امام پاسخ داد که انها در راه حق هستند [و شما فکر خود باش].

۱۳۶

- امام در این سال‌ها پیش از خلافت منصور که اوج فعالیت علمی اش است، هسته و بنیان اولیه سازمان وکالت را برای شیعیان ایجاد کرد.

۱۳۷

- با آغاز خلافت منصور و دشمنی آشکار او با امام و تشیع و تأکید وی به والیان کوفه و مدینه، به تدریج جایگاه مدرسه امام صادق(ع) در مدینه کم رنگشده. در این دوره، تنها فرصت دیدار شیعیان با امام، منحصر به زمان حج بود؛ به گونه‌ای که وقتی شیعه‌ای پس از مدت هابه‌دیدار امام می‌رفت، امام از غربت و تنها‌یی خود و بی‌وفایی مردم مدینه و فشارهای منصور، شکایت می‌کرد.

۱۳۸

- در گذشت ابان بن عیاش، از بزرگان شیعه

- در این سال، سوار بن عبدالله بن قدامه تمیمی، شاگرد حسن بصری قاضی بصره شد و تا سال ۱۵۶ هـ که مُرد، قاضی بود. او دشمن سرسخت سید حمیری، شاعر اهل بیت؟ عهم؟، به دلیل اشعارش درباره فضایل امیرالمؤمنین(ع) بود. ولی در این سال ها، سید را به سبب شعر جدیدش - حدیث طیر مشوی - در فضیلت امیرالمؤمنین، علی(ع) زندانی کرد. ولی با اجتماع بنی هاشم و شیعیان بصره جلوی زندان، او آزاد شد و سید همانجا به هجو قاضی پرداخت و از بصره رفت.

- یکی از برنامه های امام در مدینه، رویارویی اجباری با جاسوسی منصور و خبردهی غیبی از برنامه های آنها و هشدار دادن به آنان یا منصرف کردن آنها از مأموریت شوم آنان بود. امام بارها از عبدالله بن حسن خواست که به تقیه روآورد و مدعی مهدویت فرزندش نشود، ولی او هیچ گاه نپذیرفت.

ص: ۷۷

- منصور در مکه، پیوسته با نزدیکانش از تصمیم خود درباره قتل امام می گفت. در ربذه هم ایشان را احضار کرد تا نقشه اشرالجرا کند، ولی با توسل و دعای غیبی امام، در نهایت منصرف شد و امام نجات یافت.

- امام پس از تحولات سیاسی و مرزبندی های مکتبی، امام صادق(ع) کمتر عالمان عامه را به محضر خود می پذیرفت. ابن شبرمه که این سال ها قاضی کوفه بود، در سفر حج همراه دویست نفر نزد امام رفت و اصرار کرد درباره نقش رأی و قیاسی در جایگاه قضاوت، پرسش هایی کند، ولی امام با بی اعتنایی و بی توجهی، او را از خود راند.

- رحلت ابان تغلب و معروف بن خریوذ، دو نفر از یاران خاص امام باقر و امام صادق؟ عهم؟

- در این سال، سیدیر و ابن عبدالرحمان، دو نفر از بزرگان شیعه زندانی بودند. (احتمالاً در زندان کوفه). امام در مراسم حج، هنگام طواف برای ازادی آنها دعا کرد و آنها از زندان رها شدند.

- احضار امام به عراق که همراه فرزندش، اسماعیل به عراق رفت و مدتی در کوفه (دو - سه ماه که شامل سراسر ماه رمضان آن سال بود، ساکن شد و در پایان ماه رمضان نیز برای تقبیه، حکم منصور به اقامه نماز عید فطر را پذیرفت.

- در این سفر، نصور از ابوحنیفه که به گونه ای عالم اول دربار و کانون توجه عباسیان بود، خواست با طراحی مسائل سخت فقهی و مناظره با امام در دربار، امام را درمانده کند، اما نتیجه مناظره، سبب رسوایی ابوحنیفه شد.

- در این سال ها که امام مقیم کوفه بود، سید حمیری، شاعر کیسانی و سپس زیدی مسلک، بیمار شد. امام به دیدارش رفت و او را شفا داد. پس او شیعه شد و از آن هنگام از شاعران معروف شیعه به شمار می آید.

- روزی برخی شیعیان به امام خبر دادند که مأموران حکومتی، خانمی را دستگیر کردند و به زندان می برند و در برابر توسل او به حضرت زهراء؟ عه؟ او را شکنجه می دهند. امام بسیار ناراحت شد و همراه اصحاب خود به مسجد کوفه رفتند و برای نجات او دعا کردند. پس او رها شد و امام برایش هدایایی فرستادند.

- در این سفر و ضمن اقامات امام در کوفه، هشام بن حکم، جوانی اهل علم و متعصب در فرقه جهمیه بود و چون در عقاید خود دچار تزلزل شده بود، به واسطه تشویق های برادرزاده شیعه خود، با تردید به دیدار امام رفت. این دیدار به چند دیدار و مباحث اعتقدای دیگر انجامید که سرانجام آن، شیعه شدن هشام به دست امام صادق(ع) و دانش آموزی اولیه وی در محضر امام و در شهر کوفه بود.

- امام هنگام بازگشت به مدینه، هنگام خروج از کوفه با مشایعت گسترده عالمان کوفه

ص: ۷۸

- امام رسماً به جهان تشیع، خبر جانشینی امام کاظم(ع) را اعلام کرد. برخی شیعیان کوفه به توهمندی امامت و جانشینی اسماعیل، فرزند بزرگ امام که در سفر سال پیش همراه حضرت بود، درباره این خبر شک کردند و راهی مدینه شدند، ولی امام تأکید کرد که امام هفتم، امام کاظم(ع) است.

- هشام بن حکم، پس از شیع و در برابر ادعاهای رهبر معتزله، عمرو بن عبید، به بصره سفر کرد و در مسجد بصره، در جمع شاگردان عمرو، پس از مباحثه ای تاریخی در بحث امامت و خلافت، وی را به چالش کشاند و پس از آن به دیدار امام در حج رفت و امام در جمع یاران نزدیکش، او را تشویق کرد.

احضار دوباره امام به عراق، با هدف به شهادت رساندن ایشان که امام این بار نیز با معجزه و توسل نجات یافت و به سرعت به حجاز بازگشت.

- امام هنگام خروج کاروان زندانیان علوی از مدینه، از پشت پنجره منزل، با چشممانی اشک بار فرمود که این وضعیت حاصل خیانت انصار در حق پیامبر است. آنها در بیعت لیله العقبه، به پیامبر قول دادند که همواره از خاندانش حمایت کنند، ولی چنین نکردند و اهل بیت؟ عهم؟ او را رها کردند تا چنین شد.

- رزام که مولی خالد قسری بود و پرسش در خانه والی مدینه کار می کرد و از شیعیان امام صادق(ع) بود، پس از عزل محمد بن خالد، والی مدینه، دستگیر و زندانی شد. خبر آن به امام رسید و امام روزی از پنجره زندان، دعاوی به او رساند که با خواندن آن نجات یافت.

- در گذشت اسماعیل فرزند امام صادق(ع)

- امام هنگام کفن و دفن او، اهتمام به تثبیت وفات اسماعیل و جانشینی امام کاظم(ع) تأکید داشت، اما دو پسر اسماعیل با جدایی از امام و همراهی با برخی غلات، زمینه ساز پیدایش فرقه اسماعیلیه شد.

- امام هنگام قیام نفس زکیه، بیعت با او را نپذیرفت و از مدینه خارج شد و به طیبه در حومه شهر رفت.

- امام پس از شهادت نفس زکیه، قاتل او، عیسی بن موسی را نفرین کرد.

- پس از شهادت نفس زکیه، والی موقعت شهر، شیعیه بن غفال، بر منبر رفت و در خطبه نماز جمعه به امیر المؤمنین، علی(ع)

اهانت کرد، و نیز امام صادق(ع) را به تفرقه افکنی متهم کرد، ناگهان امام به او اعتراض کرد و با فریاد بلند، او را فاسق خواند.

- رحلت سماعه بن مهران، از خواص شیعه، بر اساس پیش بینی امام که او با آمادگی به

- هنگام ساختن بغداد، دو تحول اجتماعی مهم برای شیعه در عراق رخ داد. اول اینکه بیشتر جریان‌های فکری اهل سنت از کوفه به بغداد منتقل شدند. از این رو، کوفه به تدریج، به شهری با جمعیت شیعی غالب تبدیل شد؛ زیرا به سبب وجود مسجد کوفه و مزار تازه پیدا شده امیرالمؤمنین، علی(ع) در نجف، تعلق آنها به کوفه بیشتر شده بود. دوم اینکه بخش مهمی از شیعیان با اجازه گرفتن از امام، به سبب شغل یا تجارت به بغداد منتقل شدند و چون منصور اجازه نمی داد بازار را داخل شهر بسازند، در حومه شهر، محله کرخ، مرکز بازار بغداد شد و از همان آغاز، به محله شیعه نشین شهر تبدیل گردید. از همین زمان، مسجد تاریخی برائاه، کانون فعالیت شیعیان گشت؛ مسجدی که امیرالمؤمنین، علی(ع) در مسیر جنگ نهروان در آنجا نماز خوانده بود.

- با شروع این سال، منصور، امام را به عراق احضار کرد تا امام را به اتهام قیام نفس زکیه و جریان معلی بن خنیس و سازمان و کالت، بازخواست کند و به شهادت برساند، اما با معجزه و توسل غیبی امام خطر برطرف شد.

- در گذشت سعد بن طریف حنظلی کوفی از اصحاب باقرین؟ عهم؟ که به تشویق ایشان در کوفه، قاص (قصه گو) و منقبت خوان اهل بیت؟ عهم؟، بود.

- در گذشت فضیل بن یسار، از اصحاب خاص امام.

- در گذشت سُدیر صیرفى، او هنگام جابه جایی قدرت از امویان به عباسیان، برای تثیت رهبری سیاسی امام بسیار کوشید.

- در گذشت عبدالملک بن اعین، برادر زراره که کوفی بود، ولی در مدینه زمانی که امام در سفر حج بود، در گذشت. پس امام در مکه برای او آمرزش بسیار طلبید و پس از بازگشت، همراه یاران خود بر سر مزارش حاضر شد.

- در گذشت سلیمان بن خالد اقطع کوفی. یک دست او در قیام زید قطع شده بود. وی از راویان حدیث شیعه بود. امام از در گذشت او اندوهگین شد و سفارش بازماندگان او را به یاران خود در کوفه کرد.

- در این سفر، امام، مزار امیرالمؤمنین، علی(ع) را به صورت آشکار و رسمی به شیعیان کوفه معرفی کرد. ایشان در روز هفده ربیع - میلاد پیامبر - به طور ویژه آن مزار را زیارت کرد.

- نامه امام به شیعیان بغداد و درخواست برخی حوایج (عمدتاً مالی) خود از آنها.

- در گذشت عمر بن یزید کوفی (بیاع سابری). کسی که مقید بود هر سال از کوفه به مدینه

ص: ۸۰

برود و با امام دیدار کند.

- امام صادق(ع) در ۶۵ سالگی، در ۲۵ ماه شوال، به دست مأموران منصور مسموم شد و به شهادت رسید. امام در روزهای بستری بودن، بار دیگر از خواص شیعه برای امامت امام کاظم(ع) بیعت گرفت؛ اما به ظاهر در وصیت نامه رسمی اش، پنج نفر را به عنوان وصی خود معرفی می کند.

سال

خاکستری

۱۳۲

- غیلان بن جامع کوفی، قاضی اسبق کوفه، در دوران مروانیان که در دیدار با امام صادق(ع) از این منصب استعفا داده بود، به دست عباسیان کشته شد.

- سفاح در این سال چنان در گیر سرکوبی مروانیان بود که چندان توجهی به علویان نداشت و می کوشید با ایجاد جریان اموی و مروانی، کشتار گسترده خود را نشانه انتقام الهی و اسلامی و برق نشان دهد.

- عبدالله بن حسن، رهبر زیدیه، پنهان نشده بود، ولی درمانده و مبهوت از پیروزی سریع عباسیان، به دو فرزندش، محمد و ابراهیم، به سبب بیعت سابق رهبران عباسی با آنها و کینه توزی احتمالی آنها، دستور داد تا به زندگی مخفیانه روی آورند.

۱۳۳

- شریک بن شیخ مهری در بخاراء، پس از آشکار شدن گراش های ضد علوی عباسیان، قیامی گسترده با هدف بازگرداندن خلافت به علویان راه انداخت، ولی به دست ابو مسلم خراسانی، به سرعت و شدت سرکوب شد.

۱۳۴

- والی جدید مدینه، دبیری کوفه داشت که شیعه و نامش حفص بن عمر بود. او پنهانی برخی اخبار عباسیان را به علویان می رساند و در زمان سفاح می کوشید والی را از تعقیب و دستگیری نفس زکیه و علویان بازدارد.

۱۳۵

- اختفای کامل نفس زکیه به سفارش پدرش، عبدالله محض و انتظار او برای فراهم شدن شرایط قیام. پنهان شدن و بیعت نکردن محمد و ابراهیم و دعوت های پنهانی آنها سبب وحشت و ترس عباسیان شد. بدین جهت، پس از تثبیت خلافت، مهم ترین مسئله آنها دست یابی به نفس زکیه به عنوان مدعی خلافت بود.

- دستور منصور به فضل بن صالح بن علی امیرالحاج برای دستگیری محمد نفس زکیه و ابراهیم و فرار آنها از مدینه به عدن (یمن) و از یمن با کشتی به سند و از آنجا به کرمان و کوفه و بازگشت به مدینه. این سفر دو سال طول کشید و برای جلب نیرو هم دستاوردی اجتماعی نداشت.

ص: ۸۱

- عبدالله بن حسن، چند بار فریب جاسوسی های منصور را خورد و از آنها برای خلافت فرزندش بیعت گرفت و به آنها دست خطداد.

منصور با جمع آوری این استناد، آماده اقدام قاطع علیه علویان شد.

- در این سفر، محمد و ابراهیم که دوباره به حجاز بازگشته بودند، سعی کردند با همراهیکی از فرماندهان خراسانی منصور -عبدویه خراسانی- او را ترور کنند، اما نقشه افشا شد و آنها گریختند. منصور، جمعی از سربازان ایرانی آن فرمانده را کشت.

- منصور در بازگشت از حج در ربذه، علی‌الله محضر را احضار کرد و با خشونت از او خواست پسرانش را تسليم کند و چون او نپذیرفت، وی را همراه تمامی مردان و جوانان سادات حسنی، در خانه والی مدینه زندانی کرد.

- زیاد بن عبیدالله، در آستانه عزل خود مخفیانه به نفس زکیه از اوضاع وخیم آینده خبر داد و از او خواست که از مدینه خارج شود. از این رو، نفس زکیه به کوه های حجاز پناه برد.

- منصور پس از بازگشت از حج دستور داد زندانیان علوی، عبدالله محضر و سادات حسنی را که پانزده تا هفده نفر بودند، را به زندان عراق در هاشمیه انتقال دهند.

- در این سال، نفس زکیه با مشاهده فشارها بر علویان، با وجود مناسب نبودن شرایط قیام کرد و مدینه و حجاز را گرفت. در این قیام، عالمان حجاز، حتی مالک بن انس با نفس زکیه همراهی و همکاری گسترده ای کردند که خاندان زبیر و عمر، بیشترین همکاری را با او داشتند.

سفیان بن عینیه از عالمان کوفه، در مراسم حج به شدت به استمرار یافتن سیاست تقیه امام صادق(ع) اعتراض کرد. امام پاسخ داد قیام باید بر ولایت و امانت مبنی باشد تا به سرانجام برسد.

- محمد، برادرش، ابراهیم را به سوی بصره فرستاد. او هم با همکاری عالمان عراق، از جمله ابوحنیفه، بصره را گرفت، اما به واسطه همکاری نکردن معترله، سی هزار نفر از او کناره گرفتند.

- قیام محمد پس از سه ماه به دست لشکر منصور سرکوب شد و او به شهادت رسید. (ماه رمضان).

محمد و ابراهیم در مدت حاکمیت خود به ویژه در بصره، مناسک و عبادت‌ها را به روش عامه انجام می‌دادند تا آنها را جذب کنند.

- منصور پس از سرکوب قیام نفس زکیه، تک تکسادات‌حسنی محبوس در کوفه را با شیوه‌های گوناگون کشت و (اوچ کشتار علویان توسط عباسیان). همچنین دستور داد سر چند تن از آنها را در خراسان بچرخانند تا خراسانیان مرگ نفس زکیه را باور کنند و دست به قیام نزنند.

- ابراهیم پس از سه ماه که از شهادت برادرش، نفس زکیه می گذشت، در منطقه باخمری، در نزدیکی کوفه به شهادت رسید.

- منصور پس از سرکوب علویان و کشتار آنها، همانند حجاج بن یوسف و بلکه بدتر از او فرمان داد علویان اجازه سفر ندارند و خرید و فروش زمین و املاک با آنها ممنوع است و بیش از یک غلام نمی توانند داشته باشند.

- در این سفر، پس از کاهش خشم منصور، امام از او خواست حسین بن علی افطس را که در زندان بود و از همارهان نفس زکیه بود، آزاد کند او چنین کرد. اگرچه افطس خیلی زود دشمن امام شد.

- در گذشت سلیمان اعمش از عالمان متمایل به تشیع در کوفه که برای عامه و خاصه محترم بود. او درخواست هشام بن عبدالملک، خلیفه مروانی را برای نوشتن کتابی در فضایل عثمان نپذیرفته بود.

- شورش های پیاپی داخلی و اختلافات قبیله های عربی بینیمنی ها و مصری ها (حجازی ها)، قیام های مکرر زیدیه و خوارج و نمونه هایی از این دست، چنان مروانیان را آشفته حال و ضعیف کرد که ابومسلم خراسانی، در این سال به سرعت عراق را تصرف و در کوفه، بنی عباس را از زندان آزاد کرد. همچنین مردم با ابوالعباس سفاح در کوفه به عنوان خلیفه عباسی بیعت کردند.

- سفاح پس از خلافت با جدیت تمام به نبرد و نابودی مروانیان از مرکز و بخش غربی خلافت تا شمال افریقا پرداخت و با کشته شدن مروان حمار، خلافت اموی - مروانی، پس از هزار ماه پایانیافت. البته عبدالرحمان اموی با فرار به اندلس، پایه گذار خلافت مستقل اموی در اندلس شد.

- پایتخت موقت بنی عباس (پس از سال ها پایتخت بودن دمشق) دوباره به کوفه باز گشت.

- حاکمان کوفه و مدینه داود بن علی، برای چند ماه والی کوفه بود و پس از تصرف حجاز، والی حجاز و یمن گشت. عیسی بن موسی، والی کوفه و سلیمان بن علی والی بصره، شدند.

داود که فردی خشن بود، در ابتدای ورود به مدینه در رویارویی با امام صادق(ع) برای جلوگیری از ادامه کار ایشان و کنترل مدرسه علمی بسیار کوشید.

- قاضی کوفه، ابن ابی لیلی بود. او که در گذشته نیز قاضی کوفه بود، در منصب خود ابقاء

ص: ۸۳

- کشته شدن خالد بن سلمه کوفی قرشی، از فقهای عامه که ناصبی مسلک و طرفدار امویان بود، او استاد سفیان ثوری، فقیه بزرگ آن عصر بود.

- کشته شدن عبیدالله بن ابی جعفر مصری، از فقهای اموی مسلک که او نیز در مصر کشته شد.

- سفاح پس از استمرار خلافتش، چون گرایش های ابو مسلمه خلال مهم ترین داعی عباسیان در کوفه و عراق را به علویان می دانست، او را کشت.

- عباسیان پس از به دست آوردن خلافت، با اینکه با شعار «الرضا من آل محمد» قیام کرده بودند، به جای گرایش های شیعی، به مکتب فقهی و کلامی عامه و حقانیت خلفای سه گانه روآوردند.

آنها به تدریج به والیان خود در عراق و حجاز دستور نظارت و کنترل و حتی نابودی جریان های شیعی و علوی (زیدی) را دادند.

- مرگ ناگهانی داود، والی حجاز سبب وحشت عباسیان و سست شدن آنها در درگیری مستقیم با امام و شیعیان شد. دو مین والی عباسی، دایی سفاح، عبیدالله حارثی بود که پیش تر نیز والی عراق بود. وی همچنین منصب امیرالحاج را بر عهده داشت.

- سفاح پس از استمرا خلافتش، مرکز خلافت را از کوفه که اینک آشکارا گرایش های شیعی غالب داشت، به شهر هاشمیه در نزدیکی شهر انبار عراق منتقل کرد.

- والی جدید مدینه، زیاد بن عبیدالله حارثی، با مأموریت کنترل و مراقبت شدید علویان به امارت مدینه منصوب شد.

- مرگ داود بن حسین المدنی، مهم ترین شاگرد عکرمه بن ابی جهل که به فرقه شراه گرایش داشت و از خوارج بود و مالک بن انس و جمعی دیگر شاگرد او بودند.

- در گذشت ریشه الرأی، از مهم ترین علمای پایه گذار روش رأی و قیاس که ابوحنیفه، شاگرد و ادامه دهنده راه او بود.

- اولین سفر حج منصور - ولی عهد عباسی - پس از قدرت گیری عباسیان برای بررسی امور شیعیان و علویان حجاز. در این سفر به جز نفس زکیه و ابراهیم، پسران عبدالله محضر، همه علویان و امام با او دیدار کردند.

- مرگ سفاح در آخر این سال و به خلافت رسیدن منصور.

- منصور به تصریح خود و تأکید مورخان، در روش سیاسی و حکومت داری، هشام بن

عبدالملک را الگوی حاکمیت و مدیریت خود قرار داد.

۱۳۷

- وحشت منصور از قدرت ابومسلم خراسانی و اجرای نقشه کشتن و نابود کردن او.

- به راه افتادن قیام سنباد در خراسان، به انتقام قتل ابومسلم و مشغول شدن منصور به دفع این شورش تا پایان این سال. بدین سبب وی نتوانست معرض علويان شود.

۱۳۸

- شورش بزرگ خوارج در موصل و جزیره.

۱۳۹

- منصور پس از سرکوب شورش‌ها، جنگ بارومی‌ها را تعطیل کرد و با همه توان، متوجه مسئله علويان شد. از این سال، اولین برنامه او اعزام جاسوس‌های پیاپی به اسم شیعه‌یا زیدی‌های خراسانی به مدینه، برای نفوذ در علويان (زیدی) یا شیعیان است.

- در این سال، منصور دستور داد مسجدالحرام را توسعه دهنده و پیرامون آن را بازسازی کنند.

۱۴۰

- منصور، عبدالجبار بن عبدالرحمان را والی خراسان کرد و او شماری از سرداران لشکر خراسان را به اتهام گرایش‌های علوي کشت یا زندانی کرد.

- سفر حج منصور و دستور به احضار و بیعت گیری اجباری از علويان در مدینه، هنگام رفتن به مکه در مسیر بازگشت از مکه به قتل امام و نفس زکیه مصمم شد. پس از بازگشت به جای مدینه، در ربه و در راه عراق اقامت کرد و دستور داد امام و علويان را حاضر کنند.

سرانجام او از کشتن امام منصرف شد، اما همه سادات حسنی را در مدینه زندانی کرد. سپس منصور به بیت المقدس رفت و از آنجا به کوفه بازگشت.

- منصور به جای کوفه، شهر هاشمیه در نزدیکی کوفه را پایتخت خود قرار داد.

- مرگ ابوحازم سلمه بن دینار، از عالمان و مفتی‌های مدینه که در زمان مروانیان در حزب آنها قرار داشت و به آنها متمایل بود.

- راوندیان خراسانی در هاشمیه، پایتخت منصور، قیام کردند. آنها به الوهیت منصور و غلو درباره او معتقد بودند. از این رو، در هاشمیه به پرستش منصور روی آوردند و مزاحم دیگر مسلمانان شدند. از این رو، منصور همه آنها را کشت و سرکوب کرد.

- منصور از این سال به بعد سعی کرد با اعزام افراد یا گروه‌های آشکار و پنهان و حتی در قالب جاسوس‌هایی با نام شیعیان خراسانی به مدینه، به شناسایی و دستگیری نفس زکیه پردازد، امام همواره ناکام ماند.

- در این سال، زیاد بن عبیدالله، والی مدینه، به اتهام بی کفایتی و سستی در دستگیری نفس زکیه، عزل شد و محمد بن خالد بن عبدالله، جای گزین او گشت. او به جست و جوی خانه به خانه در مدینه پرداخت و حتی رشوه‌های کلان به افراد گوناگون یا جاسوس‌ها داد تا

سرنخی به دست آورد، ولی او هم ناکام ماند.

منصور پس از احضار امام، به همراه فرزندش، برای به شهادت رساندن ایشان تلاش کرد. یک بار اسماعیل - احتمالاً به تصور اینکه او جانشین بعدی امام خواهد بود، همان گونه که نزد برخی شیعیان شایع شده بود - را به همراه مجرم دیگری احضار کرد تا کشته شوند که اسماعیل به دعای امام نجات یافت و سالم به منزل پدر بازگشت.

۱۴۳

- به تصریح ذهبی، از این سال (۱۴۳ ه. ق) برخی عالمان عامه، همانند ابن جریح (م ۱۴۹ ه. ق) و محمد بن اسحاق (م ۱۵۱ ه. ق) و مالک بن انس (۱۷۹ ه. ق) برای اولین بار تدوین و کتابت حدیث (عامه) را آغاز کردند.

نکته: محمد بن اسحاق، مورخ و از شیعیان و شاگردان باقرین (ع) و مقبول عامه بود، اگرچه او دارای نزاعی طولانی و تاریخی با مالک بن انس رهبر فقهی عامه در حجاز بود.

۱۴۴

- دومین سفر حج منصور، در دوران خلافت خود بود. در این سفر، والی جدید مدینه را بسیار مؤاخذه کرد؛ زیرا با صرف اموال بسیار در مأموریت خود ناکام بود و او را عزل و ریاح بن عثمان مری را به جای او نشاند.

- در این سفر، منصور، مالک بن انس و محمد بن عثمان، از فقهای کوفه را نزد عبدالله محض فرستاد تا او را به تسلیم فرزندانش راضی کنند، ولی آنها ناکام بازگشتند.

- مرگ عمر بن عیید معترلی، دومین رهبر مهم معترله. او با وجود بیعت اولیه اش با زیدیه و نفس زکیه در اواخر خلافت مروانی، حاضر به همراهی آنها نشد و از پیوستن معترله به زیدیه جلوگیری کرد.

- مرگ ابن شبرمه از عالمان عامه در کوفه و اولین قاضی کوفه در زمان منصور که پس از مدتی، منصور بر او خشم گرفت. سرانجام او به خراسان فرار کرد و در این سال درگذشت.

۱۴۵

- منصور با مشاهده فضای نیمه شیعه شهر کوفه، پس از مکان یابی و با انتخاب منطقه بغداد، شهری برای ساختن پایتختی جدید طراحی کرد که با جذب بنایها و معماران از سراسر جهان اسلام، ساختن این شهر آغاز شد. در این طرح، قصر منصور به منزله مرکز شهر قرار گرفت و بنایی به نام قبه الخضراء به صورتی بزرگ و با شکوه ساخته شد تا مردم با سیاحت آن به زیارت کعبه نروند. تعداد معماران و بنایهای بغداد صد هزار نفر بود.

- به دستور منصور، ابوحنیفه، مأمور محاسبه و بازرگانی بنایها بود.

- قیام ناگهانی محمد و ابراهیم سبب وحشت منصور شد و لشکری بزرگ به فرماندهی عیسی بن موسی، والی عراق به حجاز فرتاد.

- در مدت قیام محمد و ابراهیم، منصور دستور داد کوفیان لباس سیاه پوشند که شعار عباسیان بود؛ زیرا باید بیعت عملی می کردند و هر کس نافرمانی می کرد، کشته می شد.

- در ماه شوال این سال، یک ماه پس از شهادت نفس زکیه، سپاهیان در مدینه شورش کردند و چند روز شهر دست خوشنگار

تونا نامنی شد. والی شهر فرار کرد. سرانجام مردم به رهبری این ابی سیره، از عالمان شهر، بر اوضاع مسلط شدند.

- پس از شکست قیام نفس زکیه، والی جدیدی مدینه، عبدالله بن ربیع حارثی، بر عالمانی که با نفس زکیه همکاری کرده بودند، سخت گرفت، از این رو، برخی زندانی شدند و افرادی همانند مالک بن انس، تازیانه خوردند. برخی نیز فراری شدند و در غربت مردند، همانند ابن شبرمه قاضی کوفه.

۱۴۶

- در طول قیام محمد و ابراهیم، ضمن اینکه معتزله از نهایا کناره گرفتند، عبدالله بن عون، از عالمان بصره و شاگرد حسن بصری که سابقه استغفار طلبی برای حاجج بن یوسف ثقیلی را داشت و طرفدار قعود و سکوت بود، بصریان را به یاری نرساندن به ابراهیم فراخواند.

- منصور پس از شکست قیام ابراهیم، به والی بصره دستور داد خانه آنها ی را که با ابراهیم همراهی کرده بودند، خراب کند و چون سستی ورزید، او محمد بن سلیمان را والی جدید بصره کرد. او نیز خانه های بسیاری را ویران ساخت و نخل های آنان را قطع کرد.

- پس از شکست ابراهیم، منصور به سبب تمایل و حمایت ابوحنیفه از قیام، بر او خشم گرفت و وی را زندانی کرد و به روایتی او تا سال ۱۵۰ هـ. ق که درگذشت یا مسموم شد، در زندان منصور بود.

منصور پس از سرکوب قیام علویان، با جدیت ساختن بغداد را پی گرفت و در این سال قسمت عمده آن را به پایان رساند و پایتخت را از هاشمیه، نزدیکی کوفه، به بغداد منتقل کرد.

- عزل عبدالله بن ربیع حارثی، والی مدینه به سبب سخت گیری بر علمای مدینه و انتصاب جعفر بن سلیمان به جای او.

- امیرالحاج نیز عبدالوهاب بن ابراهیم بود. منصور در این سال کوشید عالمان حجاز و عراق، به ویژه مالک بن انس را در حجاز و نیز شاگردان ابوحنیفه را در عراق جذب کند.

- منصور پس از شکست علویان، اموال سادات بنی الحسن و علویان را در مدینه و حجاز مصادره کرد و تا زمانی که زنده بود، تجارت از سمت دریای سرخ را با اهل مدینه ممنوع کرد.

۱۴۷

- منصور پس از سرکوب شدید علویان در حجاز و عراق کشтар جمعی آنها در زندان و انتقال پایتخت به بغداد، کوشید ولی عهدی را از عیس بن موسی (والی عراق و قاتل نفس

ص: ۸۷

زکیه) بگیرد و آن را برای پسرش، مهدی عباسی قرار دهد.

- در پایان این سال، منصور دوباره برای سامان دهی امور حجaz به سفر حج آمد. در این سفر بار دیگر قصد شهید کردن امام را داشت، اما با توصل غیبی امام، ایشان دوباره نجات یافت. در همین سفر، منصور به جذب و دل جویی دوباره از مالک بن انس پرداخت.

- در این سال ها، منصور پس از تثیت اوضاع سیاسی و ایجاد شهر جدید بغداد، کوشید از یک سو، نهضت ترجمه را با جذب دانشمندان علوم مختلف راه اندازد و از سوی دیگر، با همکاری عالمان عame، مذهب رسمی خلافت را نوعی از مذهب اهل سنت غیر اموی و تلطیف شده قرار دهد.

۱۴۸

- منصور در آخرین گام پس از سرکوب ها و جنایت های بسیار، سرانجام تصمیم تاریخی خود درباره شهادت امام را به دست والی-اش در مدینه اجرا کرد.

- در گذشت ابن ابی لیلی، فقیه کوفه که ۳۳ سال قاضی امویان و عباسیان بود.

- منصور هنگام اجرای طرح شهادت امام به دست والی مدینه از او خواست به شدت منزل امام و اخبار آنجا را کنترل کند و به مجرد آشکار شدن جانشین امام، او را نیز بی درنگ به شهادت برساند.

وجود مشارکت بیشتر عالمان فکری و فقهی عراق و حجاز با زیدیه، با گذشت و تساهل و تسامح با آنها، به روش هایگوناگون، در جذب و گسترش آنها (مالک بن انس) و شاگردانشان (ابویوسف، شاگرد مهم ابوحنیفه) کوشیدند. همچنین با کمک آنها، فرقه هایفقهی (مالکی و حنفی) و کلامی (معتله و اهل حدیث) را برای اهل سنت ساختند، البته با رویکردهای معتدلانه و پالایش شده از اندیشه هایخشون و تعصب آمیز که امویان و مروانیان ایجاد کرده بودند، به گونه ایکه توانستند با یاری آنها به ویژه با توجه به تقویت این دو اصل که مقبول آنها بود (اصل لزوم پذیرش مطلق ولايت حاكم و اصل عدم جواز خروج و قیام بر خلیفه و حاکم، حتی در صورت فسق و فجور)، خلافتی تاریخی و طولانی را برای خود رقم بزنند.

این دگرگونی در جامعه باطل، به مرزیندی تاریخی و رسمی جامعه اسلام عامه از جامعه شیعه منجر شد. همچنین مراقبت فراوان امام برای جلوگیری از تأثیر اندیشه ها و جریان ها و هیجان های زیدیه بر جامعه شیعه سبب شد تا در آستانه برپایی خلافت عباسی، جامعه در حال

ص: ۸۸

شكل گیری شیعه با هویت مستقل و غنی، از نظر مبانی فکری و فرهنگی و علمی پدید بیاید.

## ۲. امام صادق(ع) و توسعه‌بخشی و کاربردی‌سازی سبک زندگی تقيه‌محور

### ۲. امام صادق(ع) و توسعه‌بخشی و کاربردی‌سازی سبک زندگی تقيه‌محور

در این دوران که خشونت و قدرت طلبی عباسیان با شتاب شروع شد، امام صادق(ع)، زندگی اجتماعی بر محور تقيه را در برنامه و روش کلی زندگی شیعی خود قرار داد. البته تفاوت بنیادی تقيه در این دوران با دوره های گذشته که تفصیل و توضیح بیشتر آن در فصل پایانی خواهد آمد، در این بود که در گذشته به سبب باطل بودن و فاصله فراوان و مرزبندی اسلام و نفاق، تقيه به معنای جدایی کامل جامعه شیعه از نظام حکومتی، اداری، اجتماعی و روانی، با حفظ و رشد پنهانی بود و به اصطلاح از گونه های تقيه، فقط تقيه حفاظتی کانون توجه بود. در اوضاع جدید با توجه به دگرگونی های سیاسی و حتى اجتماعی و آگاهی امام از طولانی بودن زمان این دوره و خلافت، امام به تعریف سه جایگاه از تقيه - تقيه حفاظتی، تقيه نفوذی، تقيه جذبی و توسعه‌ای<sup>(۱)</sup> پرداخت و کوشید از این سه مرحله، دست کم دو مرحله حفاظتی و نفوذی را اجرا کند.

## ۳. مدیریت فعال امام صادق(ع) و طراحی نظام اجتماعی جدید شیعی

### ۳. مدیریت فعال امام صادق(ع) و طراحی نظام اجتماعی جدید شیعی

خلافت نوبنیاد برای به دست آوردن پایگاه اجتماعی، در نوعی ساختارشکنی تاریخی صد ساله در درون نظام عربی از نظر اجتماعی و اسلام مبتنی بر اندیشه خلفا از نظر فکری، به جهان اسلام ایرانی-خراسانی متول شد. البته لشکر ابومسلم شامل ایرانیان خراسانی و عرب های مقیم خراسان - اعراب فتوحات - بود. به هر حال، پس از قیام شیعی مختار، این نخستین باری بود که رسماً در میان اهل سنت، جامعه اسلامی غیر عرب به جای شهروند درجه دو، همانند مسلمانان عرب شمرده می شد.

این اتفاق سبب شد فاصله فراوان و تاریخی و مرزبندی اجتماعی عرب و عجم، به

ص ۸۹

۱- در این زمینه نک: درس‌هایی از انقلاب، علی صفائی حائری، کتاب تقيه، ص ۱۶۶

معنای وسیع ایرانی و غیرایرانی، به تدریج از میان بود و شرایط برای حرکتی گستردۀ از آمیزش و امکان رفت و آمدۀا و پیوندهای بزرگ عرب و غیر عرب، در جهان اسلام فراهم شود.

همچنین خلافت عباسی پس از استقرار و در کل نزوم قرار دادن پایتخت در عراق - نه در حجاز، شام یا ایران - به منزله کانون جغرافیایی و جمعیتی جهان اسلام و خاورمیانه دریافت که کوفه به سبب غفلت هایاتاریخی مروانیان و گرفتاری هایسیاسی - نظامی عباسیان، چنان رنگ شیعی گرفته است که دیگر برای حاکمیت عباسیان جایگاه مناسبی نخواهد بود. از این رو، با هدف جمع آوری و نظام بخشی جمعیت هایهمگن و همسوی سیاسی، نظامی، علمی و اجتماعی مطلوب خود، شهر بغداد را برپا کرد. با ایجاد بغداد، مهم‌ترین و دومین تحول اجتماعی در عراق و جهان اسلام رخ داد. بدین گونه عقب‌نشینی تاریخی اندیشه و جامعه غیرشیعی از مناطق و شهرهای شیعی صورت گرفت. این چنین است که برآیند پنهان دو تصمیم تاریخی و قهری عباسیان، در بلندمدت به سود جامعه و جغرافیای شیعه تمام شد؛ یعنی پیدایش کوفه‌ای با جمعیت غالب شیعی و امکان دسترسی آسان به جامعه‌هایی با گرایش هایشیعی در ایران، به ویژه شهر قم که تنها شهر شیعی در حال پیدایش این سال‌ها بود و خراسانیانی که گرایش‌های شیعی و علوی داشتند.

#### ۴. فرهنگ‌سازی امام برای جامعه شیعه

##### ۴. فرهنگ‌سازی امام برای جامعه شیعه

در این سال‌ها، خلافت عباسی که همواره در ترس و وحشت از امام و برنامه هایش و ائتلاف احتمالی اش با جریان زیدیه به سر می‌برد، در اضطرابی پنهانی و بی سابقه در طول تاریخ اهل بیت؟ عهم؟، چندین بار امام را از مدینه به کوفه و حتی بغداد فراخواند و گاه امام به اقامت چند ماهه آزاد یا نیمه آزاد در کوفه ناچار می‌شد بپردازد.

این موضوع از نگاه ظاهری، لایه انفعالی در زندگی امام است، اما با نگاهی تحلیلی و

مدیریت فعال امام در فرصت های تاریخی، امکان مدیریت و طراحی فرهنگی و آسیب شناسی جامعه شیعه از نزدیک و به سازی الگوی اجتماعی شیعه، برای امام فراهم می آمد. در این سفرها بود که امام، فرهنگ زیارت کربلا و نجف را برای جامعه شیعه طراحی و نهادینه کرد و توسعه داد یا روابط اجتماعی شیعه را با همدیگر و دیگر گروه های اسلامی برای جامعه در حال پیدایش، تبیین و اجرایی کرد و برای مدیریت اجتماعی، به طراحی سازمان و کالت در مرحله اولیه اش پرداخت. امام، جامعه شیعه را که به جای جوامع احساسی و قبیله ایگذشته که زیر فرمان و مدیریت رئیس های قبایل بودند، به جامعه ایمانی محور با مدیریت شخصیت های علمی و فرهنگی شیعه تبدیل کرد. بدین گونه، جامعه شیعه از جامعه ای قبیله محور به جامعه شهرنشینی با رهبری فرهیختگان دینی تبدیل شد.

نمونه ایاز نکته هاو ایده های اجمالی در این دوره تاریخی چنین است:

- امام و ایستادگی در برابر مطالبه قیام از ایشان، به دست زیدیه به سبب فراهم نبودن شرایط اجتماعی برای قیام؛
- امام و سفارش به شاگردان خاصش برای ایجاد حرکتی گسترده در نگارش و دسته‌بندی و نظم بخشیدن به احادیث و معارفی که از ایشان و امام باقر(ع)آموخته بودند و نگارش تدریجی اصول اربع مائه (كتاب هایی چهارصد گانه اولیه شیعه)؛
- امام و مدیریت غیبیاران خاص خود برای دنیا و آخرت (نک: فصل آخر)؛

امام و برپایی مناظره های گسترده فقهی، کلامی و علمی با جریان های گوناگون و فرقه های گون اسلامی غیر اسلامی با رویکرد دینیا علمی.

## جمع بندی و نگاهی کلی به فصل ۱

### اشارة

### جمع بندی و نگاهی کلی به فصل ۱

مطالعه تاریخی براساس خط زمانی (۱) می تواند یک لایه یا چند لایه و به صورت موازی و چند سطحی باشد. در جدول خط زمانی این فصل، تلاش شد خط زمانی در سه لایه سفید،

ص: ۹۱

خاکستری و سیاه بررسی شود که گاه در هر بخش، خود دو یا سه خط موازی داشت. اینک پس از آشنایی اجمالی با این دوران، شاید مناسب باشد برای تجربه و فهم بهتر و بیشتر برخی رویدادها و جریان‌ها، خط زمانی برخی جریان‌ها را دوباره و به صورت مستقل و اجمالی بررسی کنیم تا پژوهشگران رسانه‌ای و برنامه سازان در مقام فهم بهتر روابط و بازتاب‌های متقابل به درک جامع تری از روش خط زمانی جامع زندگی امام صادق(ع) برسند و نیز در جایگاه ایده‌یابی در مقام کشف ایده‌های خردتر و بسیط‌تر، امکان استفاده بیشتری از الگوی خط زمانی را در برنامه سازی‌ها داشته باشند. ازین‌رو، در این مرحله، برخی جدول‌ها و نمودارهای، فهرست‌وار، دوباره بازخوانی می‌شود:

۱. خط زمانی حق و باطل با رویکرد فلسفه تاریخی و بازشناسی نقش امامت امام صادق(ع) در کانون آن.

۲. برای بازشناسی بهتر و تحلیل کامل‌تر از امامت امام صادق(ع) به جای نگاه گسیخته و مستقل به قبل و بعد تاریخی و اجتماعی این دوران باید به این دوران در قالب نوعی جریان پیوسته تاریخی و مقطعی نگریست. ازین‌رو، برای دریافت بهتر و بیشتر این فراز مهم که چیستی آن جریان پیوسته است، به ناچار باید به جریان تاریخی حق و باطل و سپس بزرگ‌نمایی دوران امامت امام صادق(ع) در میان این جریان تاریخی نگاهی موازی داشت تا حقیقت مکتب جعفری که برخاسته از این دوران مهم است، بهتر دریافت شود. ازین‌رو، در این بخش در قالب چند نمودار خط زمانی اجمالی که در نهایت به نمودار خط زمانی نسبت تاریخی امام با کلیت تاریخ می‌رسد، به تحلیل زندگی و دوران رهبری امام می‌پردازیم:

### الف) نمودار ادوار تاریخی حق از هبوط تا پایان تاریخ، از دیدگاه اسلام شیعی

الف) نمودار ادوار تاریخی حق از هبوط تا پایان تاریخ، از دیدگاه اسلام شیعی

رهبری کلان جبهه توحید به دست پیامبران اوالعزم و تلاش برای آشنا سازی تاریخی جامعه های توحیدی که رو به تکامل می رفت که نقطه اوج آن، تلاش یک هزار ساله برای ایجاد تمدن توحیدی به دست بنی اسرائیل و زیر نظر انبیا بود که سرانجام ناکام ماند.

دین حق، کامل و جامع که سبب ختم وحی و رسالت می شود.

تلاش برای تمدن سازی توحید دین خاتم در جامعه جاهلی عرب، به منزله اعجاز تاریخی - اجتماعی پیامبر اسلام.

عاشورا که محصول دسیسه نفاق با همکاری همه دین ها و جریان های باطل است، سبب تعریف هویت متمایز و بیمه شده حق شده است که بازتاب آن، متمرکز شدن امامام معصوم بر جامعه سازی ویژه حق، جدا از اکثریت باطل در جهان اسلام است.

این گونه است که تجلی اولیه دین خاتم در جامعه شیعه و در مدیریت پیوسته و تاریخی و مستقیم معصومین، به دو و نیم قرن ایجاد و تثیت شد.

آخرین ولی معصوم عج الله تعالی فرجه الشریف با توجه به داشتن رسالت اجرا و تحقق جهانی دین حق و آماده نبودن جهان اسلام به پس پرده غیبت رفت، ولی با مدیریت غایبانه به دست چهار نایب خاص

خود کوشید جامعه شکل گرفته شیعه را با دوران جدید و اصول زندگی غایبانه آماده سازد.

غیبت کبرا، یعنی حرکت موازی دو جبهه و جامعه تاریخی حق و باطل.

جامعه باطل در اوج ظهور و غلبه و تجربه گری است، به گونه‌ای که این جامعه پس از تجربه همه ادعاهایش در تمام حوزه هایلوم انسانی و غیر انسانی، سرانجام بشر را با بحران هاو نابودی ها و تحریرها رو به رو می کند و در نقطه پایان، بخش مهمی از جامعه جهانی- مسلمان و غیر مسلمان - از دنباله‌روی تاریخی آنها خسته می شوند و به جست‌وجوی جریان حق آسمانی می شتابند.

جامعه حق شیعه زیر نظر مدیریت ترکیبی- پنهان امام غایب و آشکار نواب عام - بدون شتاب و حساسیت‌سازی، در روندی تاریخی و طبیعی و آزمودن تمام بحران‌ها و شرایط، به بلوغ فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود می‌رسد؛ به گونه‌ای که ظرفیت آماده سازی و جذب جهانی را در دوران ظهور به دست می‌آورد.

به معنای مضاف تاریخی و نهایی حق با باطل و شکست تاریخی باطل و فراهم شدن شرایط برای تحقق دین جامع و کامل حق بر سراسر گیتی.

به معنای بازگشت مؤمنان تاریخی و ایجاد بهشت زمینی برای همه مؤمنان سراسر تاریخ.

در دوره های تاریخی پیامبران، هدف تاریخی کلان ترسیم شده از سوی پروردگار، نزول تدریجیدین حق و تلاش تاریخی و مرحله‌ای جبهه حق برای جامعه سازی بود. در این دوران، جبهه حق در جهت رشد و توسعه کمی باطل، به رشد کیفی خود پرداخت. در دوران امامان معصوم؟ عهم؟، پس از نزول دین جامع و کامل حق که با همه ابعاد وجودی نیازهای انسانی هم راستا بود، امامان عهده دار اجرای عملی دین حق در گستره جغرافیایی و جهانی شدند. البته این مهم در مثلث - دین حق، رهبری حق و ایجاد جبهه جهانی حق به تحقق ضلع سوم بستگی داشت که متمایل شدن تدریجی اراده انسان‌ها به سوی حق است.

ازین رو، سراسر دوران امامان معصوم؟ عهم؟، تا آغاز ظهور، به مدیریت جامعه سازی برای دین جامع و کامل حق و معطوف سازی آزادانه و آگاهانه اراده های انسانی به سوی بهشت زمینی حق در پایان تاریخ بستگی دارد.

## ب) ادوار تاریخی امامت یازده امام

## ب) ادوار تاریخی امامت یازده امام

با این نگاه، دوره های امامت امامان معصوم؟ عهم؟، پس از غصب غمانگیز خلافت در نخستین گام و در تلاشی پنجاه ساله، در پی بازگرداندن جهان اسلام به سوی حکومت حق بود، ولی پس از رخ دادن قیام خون بار عاشورا، به ناچار جبهه حق از جامعه اسلامی روی گرداند؛ جامعه ایکه بر شیوه باطل خود پافشاری می کرد. ایشان برای جامعه سازی مستقل و تعریف شده (اقلیت حق، در بطن و میانه جامعه اسلامی)، با کمک فرهیختگان و فطرت های بیدار حق طلب و عدالت خواه کوشیدند. بدین گونه تا آغاز غیبت صغرا و کبرا - برخلاف قطع و سکوت ناگهانی ارتباط آسمانی و مدیریت پنهانی اولیای حق در جامعه اسلامی، پس از درگذشت پیامبر از دیدگاه اکثریت حاکم - در دوره ایدویست ساله، جامعه شیعه به تدریج و با صبر و حوصله، دوباره بنیان گذارده و بر بنیاد واقعه های بعثت، غدیر و عاشورا تعریف شد.

## ج) ادوار تاریخی باطل از هبوط تا پایان تاریخ (طراحی تاریخی ابلیس در برابر حق)

ج) ادوار تاریخی باطل از هبوط تا پایان تاریخ (طراحی تاریخی ابلیس در برابر حق)

آدم(ع)

به هبوط کشاندن آدم و حوا از بهشت به زمین و گمراه کردن و تفرقه افکنی میان فرزندان آدم.

ص: ۹۵

نوح(ع)

تلاش برای گمراه کردن نخستین جوامع و قرار دادن آنها در برابر انبیا با سلاح شرک و کفر.

ابراهیم(ع)

در کنار طرح آسمانی ایجاد امت توحیدی بنی اسراییل، ایجاد دین باطل در برابر دین حق و ناکام‌سازی تمدن و حق سازی یهودیان.

پیامبر اسلام؟ ص؟

مقاومت با سلاح شرک و کفر و دین‌های باطل در برابر نزول و تحقق دین کامل خاتم و در نهایت بر پا کردن جریان نفاق

حضور امامان تا عاشورا

به قدرت رساندن منافقان و تلاش برای حذف فیزیکی و نابودی کامل دین و رهبری حق.

عاشورا

تلاش برای محو کامل حق، اما ناکام ماندن و از جبهه حق شکست تاریخی خوردن.

از عاشورا تا عباسیان

تلاش برای انزوا و طرد اجتماعی حق و احیای نظام فکری و اجتماعی مروانیان- امویان اصلاح شده و ناکامی در این هدف.

از عباسیان تا ظهور

در راستای جامعه سازی مکتبی حق و پیشرفت‌های تدریجی آن و رشد اجتماعی آگاهی‌های اجتماعی آگاهی‌های انسانی؛ سعی در جامعه سازی و تمدن سازی پیوسته و فراوان باطل تا هنگامی که در جامعه جهانی، زمینه برای پذیرش داشته باشد و استفاده از آن در برابر ظهور تاریخی حق و عقب انداختن ظهور.

#### (د) بررسی تطبیقی حق و باطل در دوران زندگی و امامت امام صادق(ع)

د) بررسی تطبیقی حق و باطل در دوران زندگی و امامت امام صادق(ع)

حق

بازتاب تاریخی عاشورا، یمه مکتب تکامل یافته در برابر خطر نابودی است، البته جهان اسلام در عاشورا نشان داد که امیدی به

اصلاح و تحول در آن نیست. از این رو، باید در نهان طرح جدید جامعه حق را پایه گذاری کرد.

۸۳- ه . ق امام سجاد(ع)؛

۹۵ ه . ق امام باقر(ع)

تفاوت فراوان جامعه حق از باطل، مبتنی بر بنیان دانش و فرهنگ محوری و آسمانی بودن آن است، چنان که در جایگاه پی ریزی مکتب تربیت نسلی متخصص و دانشمند، برای برپایی و بلوغ جامعه شیعه ضروری بود و امام صادق(ع) در زمان درگیری داخلی باطل به پی ریزی مکتب حق بر بنیاندانش و فرهنگ آسمانی پرداخت.

۱۱۴ ه . ق امامت در دوره مروانی

ص: ۹۶

در این زمان هم راستاباتلاشباطلبرای نوزایی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، امام کوشید با یاری نخستین و دومین نسل از دانش آموختگاندانشگاه‌هایی که در شهرها و مناطقی که به تدریج به کانون‌های اولیه جغرافیای شیعه می‌پیوستند، جامعه حق را مبتنی بر ایمان، علم و عمل صالح بنیان گذارد.

۱۳۲ هـ . ق امامت در دوره عباسی

۱۴۸ هـ . ق شهادت

باطل

به ظاهر مروانیان در این دوران در اوج اقتدار و ثبات هستند، ولی دو قیام بزرگ در عراق، آن هم از سوی جریان‌های داخلی اهل سنت نشانه بحران‌های داخلی جامعه و حکومت بود؛ به گونه‌ای که جریان خلافت اموی- مروانی در دوره ای کوتاه (عمر بن عبدالعزیز) ناچار شد ژست اصلاح طلبی و دین داری بگیرد؛ البته بدون همراهی گسترده بیرونی عالمان و بی تحمل بودن دستگاه خلافت و خاندان مروانی با این شرایط جدید و بازگشت به شیوه گذشته، سبب آشکار شدن نهایت فساد و فروپاشی امویان شد. تنها عامل حفظ اقتدار ظاهری آنها، استمرار فتوحات بود.

در این دوره، خلفای مروانی چنان به فساد آشکار روی آوردند و نیز اختلافات فبیله‌های عرب طرف دار مروانیان، چنان خلافت را به ابتدا کشانده بود که با قیام زید روبه رو شدند. این قیام شکست خورد، اما چنان موجی از نارضایتی در جهان اسلام به پا کرد که عباسیان کوشیدند با شعارهای فریبنده بازگرداندن خلافت به اهل بیت پیامبر و برپایی عدالت و رفع تبعیض نژادی میان عرب و عجم، با برانگیختن احساسات ایرانیان، قیامی بزرگ را هدایت کنند. بدین گونه جریان تازه‌ای از باطل کوشید با مصادره شعارهای مقدس متولد شود.

بنی عباس با شعارهای فریبنده به قدرت رسید. ولی پس از تثیت شرایط، نشان داد شعارها برای نوزایی و احیای خلافت باطل، متناسب با دگرگونی‌های جامعه و پیشرفت زمانه بوده است.

در ابتدا این اعلان نوزایی باطل، با قیام بزرگ علویان و همراهی طیف گسترده‌ای از عالمان روبه رو شد، ولی سرکوب شدید قیام‌های علویان و جذب عالمان عame با شیوه‌های گوناگون سبب شد با همکاری متقابل خلافت و عالمان عame، تعریفی جدید و معتمد و ماندگار از اسلام رسمی ارائه شود تا در امتداد قرن‌های آینده بتواند طرحی منسجم از دین ارائه دهد.

امام در امتداد جریان تاریخی حق و ناظر به چشم‌انداز اینده می‌کوشید با آگاهی و زمان‌شناسی مناسب از شرایط در حال تحقیق، به پایه گذاری جامعه حق یاری برساند. البته اینپایه گذاری برخلاف پایه گذاری‌های جامعه‌های سیاه یا خاکستری بود که بر اساس زور و تزویر

یا استفاده از فرصت ها و هیجان های موقت و بدون بنیادهای لازم است، بلکه این بنیان گذاری بر اساس تقیه جامعه شیعه باید با درک قدرت و جایگاه جامعه اسلامی و پرهیز از درگیری و مصاف یا عرض اندام پیش از رسیدن به بلوغ کافی رخ می داد و نیز باید به طراحی، پیداش، رشد و گستردگی کمی و کیفی آگاهانه و عالمانه تدریجی می پرداخت.

در این راه، جامعه سازی و فرهنگ سازی عالمانه و مؤمنانه، اصل اول و سیاست زدگی هیجان زدگی اجتماعی، تابوی اول بود؛ زیرا تفاوت جامعه حق با جامعه باطل در این است که در جامعه حق، همه روابط و حد و مرزها باید براساس طراحی آگاهانه و بر دانش و ایمان توحیدی و غیبی مبنیباشد. از این رو، ایجاد و ارتقابخشی به آن با توجه به رخداد رویش ها و ریش ها در جامعه، امری زمان بر خواهد بود.

از این رو، امام صادق(ع) در نخستین گام که بر اساس تلاش های تاریخی امام سجاد(ع) و امام باقر(ع) در دوران خلافت رو به زوال مروانی بود، دانشگاه معارف اهل بیت؟ عهم؟ را به اوج کمی و کیفی رساند. آن گاه با تغییر اوضاع زمانه و جا به جایی سیاسی و اجتماعی قهری و جبری، بدنه اصلی این دانشگاه را در دوره عباسی پی ریخت و با کمک دانش آموختگان دانشگاه، در مناطق اصلی آنان، بستر جوامع شیعی و بستر اولیه مدارس علمی و حوزه های علمیه شیعه را بنیان گذارد. رسالت امامان؟ عهم؟ و عمق بخشی به این جوامع و مدارس نوپا در امتداد زمان و مدیریت تاریخی و راهبردی ریش ها و رویش ها تا زمان غیبت ادامه دارد. برای فهم بهتر تلاش های تاریخی امام در این دوره، در دو گستره خواص و عوام جامعه شیعه بر بستر های گذشته و ناظر به آینده به نمودارهای بعدی توجه کنید.

### خط زمانی مدرسه علمی و دانشگاه صادقین

#### اشاره

خط زمانی مدرسه علمی و دانشگاه صادقین

#### زیر فصل ها

الف) روند شکل گیری دانشگاه و مدرسه علمی امام صادق (ع) و مکتب شیعه جعفری

ب) نمودار خط زمانی مدرسه و مکتب کوفی شیعه در جایگاه نخستین مدرسه علمی شیعه:

ج) نمودار خط زمانی وضعیت فکری و علمی شاگردان امام

### الف) روند شکل گیری دانشگاه و مدرسه علمی امام صادق (ع) و مکتب شیعه جعفری

الف) روند شکل گیری دانشگاه و مدرسه علمی امام صادق (ع) و مکتب شیعه جعفری

نیمه اول: زمان پدر

گروه نخست از جوانان کوفه که به تدریج جذب امام باقر(ع) شدند، به گونه‌ای ثابت و تخصصی از محضر امام باقر(ع) حدیث آموختند.

نیمه دوم: امامت امام صادق(ع)

ص: ۹۸

- برگزاری دوره تکمیلی علمی برای شاگردان نسل اول نزد امام صادق(ع) و شکل گیری نسل اول اصحاب اجماع در تاریخ علمی شیعه و بازگشت تدریجی آنها به کوفه.

به تدریج گروه نخست پس از بازگشت به کوفه، جایگاه اجتماعی خود را در جامعه و در میان قبایل شیعی کوفه یافتند و سبب تشویق جوانان خاندان یا قبیله خود برای مهاجرت به مدینه شدند؛ جوانانی که گاه کلاس‌های مقدماتی علم را نزد نسل اول گذرانند.

### در دوران اموی

- راه افتادن موجی از مناظره‌های فقهی و کلامی میان شاگردان امام و رهبران فکری فرقه‌های گوناگون و در نتیجه باور همه فرقه‌ها به قدرت علمی و فکری مکتب تشیع، به گونه‌ای که غیر مستقیم، به تشییت فکری و فرهنگی و اجتماعی شیعه در جهان اسلام منجر شد. همه فرقه‌های اسلامی - به ویژه از نظر فقهی - از دانش مکتب تشیع به صورت مستقیمیا غیر مستقیم از محضر امام صادق(ع) شاگردان کوفی حضرت بهره گرفتند و استفاده یک سویه کردند بدون اینکه تشیع هیچ گونه نیازی به دانش آنها داشته باشد.

- آشکار شدن تدریجی نشانه‌های غلو در برخی افراد سنت نهاد.

### امام در دوران عباسی

به موازات محدودیت و تعطیلی شعبه اصلی دانشگاه امام صادق (ع) در مدینه، این رسالت به تدریج و به ویژه در کوفه بر عهده یاران علمی - به ویژه نسل اول و دوم اصحاب اجماع - واگذار می‌شود.

در این زمان، امام برای گسترش جامعه و تعداد شیعیان و همچنین مقابله با محدودیت‌های عباسیان، پایه گذار سازمان و کالت به معنای مرجعیت اجتماعی بخشی به شخصیت‌های علمی به جای رهبران قبایلی شد.

### ب) نمودار خط زمانی مدرسه و مکتب کوفی شیعه در جایگاه نخستین مدرسه علمی شیعه:

ب) نمودار خط زمانی مدرسه و مکتب کوفی شیعه در جایگاه نخستین مدرسه علمی شیعه:

اصحاب باقرین پس از گذراندن دوره‌های کافی دانش آموزی در مدینه و مکه، ضمن مراسم حج در محضر امام به گفت و گو و تمرین مناظره با مدعیان یا مراجعان می‌پرداختند یا در مسجدالنبی، اولين

کلاس های درسی را برگزار می کردند.

بازگشت تدریجی اصحاب کوفه به کوفی در فضای تقیه که سبب شد اصحاب به تدریج در مسجد کوفه در کنار دیگر فرقه ها، به تدریس حدیث و فقه مقارن و تطبیقی پردازند. آنها از امام صادق (ع) با عنوان های غیرمستقیم و القاب و کنیه نام می بردند.

هم زمانبا تحول اسلام و تضعیف مروانیان، اصحاب با عنوانی کردن نام امام صادق (ع) و مستقل کردن فقه و حدیث شیعه به تدریج به مدرسه علمی شیعه هویت و استقلال بخشیدند.

فزونی شاگردان بازگشته از مدینه و تنوع تخصص آنها در اواخر دوره مروانی، مسجد کوفه را با انبوی از کرس های درس فقه، حدیث، تفسیر و کلام شیعی رو به رو کرد.

این مدرسه در برخورد با روش فکری رأی و قیاس یا انحراف درونی غلوگری، با آسیب هایی رو به رو بود، ولی با نظارت و مدیریت غیرمستقیم امام از آن آسیب زدایی شد.

در پایان دوره خلافت مروانیان و شروع دوره خلافت عباسیان، این مدرسه ضمن آنکه رسمی و بی نیاز از دیگر مکاتب و فرقه های عامه بود، در موارد فراوانی به تغذیه مورده و گسترده پرسش های فکری رهبران و عالمان عامه می پرداخت. در این زمان با توجه به فراوانی حدیث، به تدریج روش های اجتهادی در حدیث شناسی یا روش کشف اصول از منابع حدیثی در دسترس اصحاب قرار گرفت.

### ج) نمودار خط زمانی وضعیت فکری و علمی شاگردان امام

#### ج) نمودار خط زمانی وضعیت فکری و علمی شاگردان امام

در مدرسه علمی امام صادق (ع)، ابتدا شاگردان متناسب با نیازها از محضر امام دانش و حدیث می آموختند. آن گاه پس از بازگشت و استقرار در منطقه زندگی خود به پالایش و نظام بخشی و مهندسی و معماری اطلاعات فراگرفته، مشغول می شدند. از این رو، زندگی علمی شاگردان حضرت شامل دو دوره مهم بود. در مقطع اول، فraigیری حدیث از امام، فرآیند حدیث آموزی بر اساس دو ویژگی و نیاز بود. نخست، نیازمندی های زیربنایی و طبیعی جامعه شیعه برای تبدیل شدن به مکتبی علمی و فرهنگی؛ نیازمندی برای رو به رو شدن با دیگر فرقه ها و ابطال آنها یا دفع شببه ها و هجوم های فکری انحرافی و تحریفی آنها.

امام صادق (ع) متناسب با هر دو نیاز کلی و کلان، به جذب استعدادها و تربیت علمی پرداخت، به گونه ای که در چندین مورد، یاران امام در محضر ایشان با ارباب جریان های انحرافیا افراد متأثر از آنها مناظره کردند. امام در برابر مردم به توصیف شخصیت و



ویژگی های علمی و فکری این خود می پردازد. برای نمونه، تفاوت های تخصصی و روشی هشام بن حکم و حمران و مومن الطاق و هشام بن سالم و همچنین ... را با یکدیگر بیان کرد.

از دیگر فعالیت های امام، دانش آموزی های ویژه به یارانش در مقام دفع شباهه ها به ویژه کلامی و فرقه ای در این زمان بود که نمونه عالی آن، توحید آموزی تخصصی به شاگردش، مفضل است. با توجه ویژه ای است که امام به تربیت شاگردان کلامی خود، مانند هشام بن حکم یا مومن الطاق داشت.

در دوره دوم نیز اصحاب و شاگردان امام(ع) پس از بازگشت به مناطق تبلیغی خود، به نظام بخشی دانش های فراگیری شده پرداختند. ابتدا این کار مهم در کوفه شروع شد. همزمان با مدرسه بزرگ شیعه در مسجد کوفه، نهضت عمومی نگارش حدیث و تدوین اصول و کتاب های چهارگانه موضوعی آغاز گشت. پس از شکل گیری بغداد و مناطق شیعه نشین در آن، به تدریج، بخشی از این نهضت به مدرسه در حال شکل گیری بغداد منتقل شد.

با این نگاه، نمودار خط زمانی وضعیت فکری و علمی شاگردان امام چنین است:

#### نمونه ای از نمودارهای اجتماعی شیعه در زمان امام صادق(ع)

#### اشاره

نمونه ای از نمودارهای اجتماعی شیعه در زمان امام صادق(ع)

#### زیر فصل ها

الف) جامعه شیعه از جامعه اسمی تا جامعه رسمی و هویت یافته

ب) حضور فعال امام در مراسم سالانه حج و رویدادهای مرتبط با آن

ج) نمودار خط زمانی سفرهای امام و خلفا، دیدارهای ایشان با یکدیگر و بازتاب های اجتماعی آنها

#### الف) جامعه شیعه از جامعه اسمی تا جامعه رسمی و هویت یافته

الف) جامعه شیعه از جامعه اسمی تا جامعه رسمی و هویت یافته

دوران امام باقر(ع)

کانون تشیع در برخی قبایل کوفه دارای گرایش های شیعی تاریخی و عاطفی بود. با این حال، فشارهای مروانی و فاصله های جغرافیایی، رنگ تشیع را در آنها، در حدی سطحی و عاطفی نگاه داشته بود، به گونه ای که حتی قبایل شیعی مهاجر به قم که پایه گذار اولین شهر شیعی در تاریخ اسلام و تاریخ ایران هستند، حامل تشیع عاطفی اند.

دوره امامت امام در دوره مروانی

تا پیش از قیام زید

جامعه شیعه با وجود ایجاد نهضت علمی و فرهنگی هنوز مرزبندی با جریان های التقاطی و فرقه ای درون گروهی نرسیده بود و هنوز از فرقه های

ص: ۱۰۱

دیگر شیعی اثر می پذیرفت.

البته موضع گیری قاطع امام در برابر غالیان، شیعه و رهبران آن را از این زمان متوجه خط غلوّ کرده است تا آن را به عنوان خطری داخلی کنترل کند.

پس از قیام زید

موضع آشکار و قاطع امام در برابر قیام زید و مشخص شدن سیاست های کلی جریان زیدیه که مبتنی بر تفکری التقاطی بود، سبب استقلال کامل اجتماعی شیعه از همه جریان ها و فرقه ها شد. همچنین دانشگاه گسترده شاگردان امام در مسجد کوفه سبب تحول فرهنگی اجتماعی مهم شیعه از شیعه عاطفی به شیعه مکتبی انجامید.

در این سال ها، دو جریان موازی ثابت در جامعه شیعه شکل گرفت؛ یکی، مهاجرت های علمی و دانش آموزی چند ساله نزد معصومان و سپس بازگشت به منطقه و نشر و تعمیق تشیع. دیگری، استفاده جامعه و رهبران شیعه از ظرفیت سالانه حج برای پیوند مستمر عاطفی، فکری، سیاسی و اجتماعی رهنمود گیری مستمر از امام.

این جریان در ابتدا بین کوفه و مدینه آغاز شد، ولی تحت تأثیر شیعیان کوفی به تدریج به تمام جغرافیای شیعه به ویژه قم و دیگر مناطق ایران شیعی سرایت کرد.

دوره امامت در دوره عباسی

جامعه شیعه کوفه پس از انتقال پایتخت از کوفه و ایجاد فضای باز و غالب اجتماعی برای شیعه در کوفه، تحت تأثیر حضورهای مکرر نزد امام به فرهنگ پذیری از طرح های فرهنگ سازی امام برای جامعه شیعه پرداخت. جامعه شیعیان کوفه با پذیرش رهبران علمی و فرهنگی خود، بلوغ فکریو اجتماعی خود را نشان داد و رسماً در آستانه شهادت امام صادق(ع)، کوفه در عراق (با اکثریت شیعی خود) و قم، به دو کانون مهم جغرافیای شیعه تبدیل شد.

### ب) حضور فعال امام در مراسم سالانه حج و رویدادهای مرتبط با آن

ب) حضور فعال امام در مراسم سالانه حج و رویدادهای مرتبط با آن

حج گزاری، آینینی است با ویژگی های عبادی و سیاسی که مسلمانان را سالیک بار در خانه خدا گرد می آورد. در به جای آوری این آینین، مسلمانان ضمن سیر و سلوک معنوی و عبادی ویژه و تطهیر نفس و عمل باید درباره مسائل سیاسی، اجتماعی مهم جهان اسلام با یکدیگر گفت و گو کنند و به یاری رهبران بر حق برای تنگناهای عمومی مسلمانان راه چاره ای بیابند. پس از رحلت پیامبر

رسمی برای تجدید بیعت سالانه با خلیفه باطل تبدیل کردند.

در زمان امام صادق(ع) که دوران تحولات مهم در دو جبهه حق و باطل بود، چه در اوج دوران تقیه و قدرت باطل و چه در دوران تضعیف باطل و اوج گیری نشاط جبهه حق، مراسم حج، یکی از عناصر و ابزارهای مدیریت فعالانه سیاسی اجتماعی امام بود. بدین گونه که:

#### دوران امام سجاد(ع)

در این زمان خفقان و خشونت مروانیان و نومیدی و فساد اجتماعی در جهان اسلام بالا گرفت. امام سجاد(ع) با مناجات و نشان دادن حقیقت این آین، بسیاری از افراد و گروه های گوناگون را به سوی جبهه حق کشاند و به تدریج، باورها و رفتارهای آنها را دگرگون ساخت.

#### دوران امام باقر(ع)

امام در فضای باز این سال ها و با حضور جوانان کوفی در حج، افراد باستعداد و دوستدار اهل بیت؟ عهم؟ را شناسایی کرد و کوشید با کمک آنان، مدرسه شیعه را پی بریزد.

در این سال ها، علمای از سراسر جهان اسلام برای موسم حج گرد می آمدند؛ علمایی که از زمان وحی، دور و در وادی شک و شبه و حیرت، گرفتار بودند و یگانه راهنمای آنها امام باقر(ع) بود.

حج، امیرالحجاج مروانی داشت، اما هر سال پس از حضور امام، نگاه ها و دل ها به تدریج با امام گره می خورد و ایشان، امیرالحجاج معنوی مسلمانان بود. این دگرگونی، خشم و حسد هشام خلیفه مروانی را بر می انگیخت. (۱۰۶-هـ. ق.) ولید، خلیفه مروانی به سال ۸۸هـ. ق به سفر حج رفت و آثار به جا مانده از اهل بیت را در مکه و مدینه ویران کرد.

#### امامت در زمان مروانیان

امام به وصیت پدرش، ده سال در منابع ایشان عزاداری کرد.

پس از به بارنشینی اولین نسل از شاگردان مدرسه اهل بیت؟ عهم؟، ایام حج، فرصتی در خور برای گردهم آیی آنها در پیشگاه امام بود تا دانش خود را بگستاند، پاسخ شبهه هارادریابندیا راه چاره ای برای گرفتاری های اجتماعی بیاند.

مراسم حج این سال ها، شاهد اوج تجمع یا فعالیت های سیاسیا تبلیغی فرقه ها و گروه های گوناگون کلامی، سیاسی و تبلیغی، چون بنی عباس است. خوارج بارها

برای حج گزاری می آمدند و امام در کلام و فقه با آنها مناظره می کرد.

در حج، رهبران شیعه و امام گرد هم می آمدند و جامعه شیعه در برابر یورش جریان های گوناگون انحرافی، چون زیدیه، عباسیان، معتله، صوفیه، غالیان و...، از امام خود بهره می گرفتند.

امام از شاگردانش می خواست در مناظره های علمی مکه و مدینه به ویژه در ایامحج، حضوری پررنگ داشته باشد.

علمای عراق برای شاگردانی نزد امام، دو سال در حجاز اقامت گزیدند. (۹۲ هـ.ق)

### امامت در زمان عباسیان

پس از به خلافت رسیدن منصور، خفغان آغاز شد و امام راه تقیه را در پیش گرفت. مدرسه علمی امام در مدینه تعطیل شد. از این رو، امام و شیعیان مهم ترین پل ارتباطی و امن معرفی شد.

منصور با درک جایگاه حج و بهره گیری امام از آن، بارها به حج رفت، علویان را دستگیر کرد و حضور امام را در اجتماع محدود ساخت. در مقابل، به علمای عامه، چون مالک بن انس، اعتبار بخسید تا بتواند حج را به سود خلافت عباسی مصادره کند.

منصور در سال های ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۴ هـ.ق، برای مراسم حج راهی حجاز شد.

### ج) نمودار خط زمانی سفرهای امام و خلفا، دیدارهای ایشان با یکدیگر و بازتاب های اجتماعی آنها

ج) نمودار خط زمانی سفرهای امام و خلفا، دیدارهای ایشان با یکدیگر و بازتاب های اجتماعی آنها

امام صادق(ع) در دوران زندگی خود خلفای فراوانی را به چشم دید، بیش از دیگر امامان معصوم؟ عهم؟ به سفر رفت و در آن سفرها با خلفای جور روبرو شد. پیش از ایشان، پدران بزرگوارشان به جز چند سفر به حج، سفرهای انگشت شماری داشتند. پس از ایشان نیز بیشتر امامان معصوم به تبعید رفته بودند.

در دوره امامت جعفر بن صادق(ع)، با پی گیری دو هدف از سوی حرکت ها، شمار سفرها فروتنی گرفت که این سفرها دو گونه اند؛ نخست، سفرهای حاکمان جور به مکه برای حج و دوم، سفرهای امام به شهرهای دیگر. حاکمان جور در سفرهای گونه نخست می کوشیدند امام را در تنگنا بگذارند و در سفرهای دیگر رفتارها و خواسته های امام را ارزیابی می کردند. فرزند ایشان، موسی کاظم(ع) هنگام بازگشت از زیارت خانه خدا به دنیا آمد. به سخن دیگر، حج

برای امام صادق(ع)، از دوران کودکی تا سال های پایان عمر، در مقام رهبری جبهه حق، جایگاه ویژه ایداشت، مگر آن گاه که این سفر با مانعی روبه رو می شد، همانند سال ۱۱۴ هـ. ق که پدر گرامی شان، امام باقر(ع)، همزمان با ایام حج آن سال، در بستر بیماری بود تا جان به جان آفرین تسلیم کرد. پس از آن سال، بنا به وصیت پدرشان، به مدت ده سال، همزمان با ایام حج، در منا در ماتم پدر عزاداری کرد.

نمودار سفرهای رهبران حق و باطل به جز سفرهای خانه خدا چنین است:

#### دوران امامت امام سجاد(ع)

سفر حج ولید بن عبدالملک و مشاهده آثار و مشاهد نبوی و علوی که در بازگشت به بهانه طرح سراسر توسعه مساجد، به نابودی میراث تاریخ اسلامی و اهل بیت (۸۷ و ۸۸ هـ. ق) پرداخت.

#### دوران امامت پدر

#### سفر حج هشام (۱۰۶ هـ. ق)

سفر امام باقر و امام صادق؟ عهم؟ به شام (۱۰۷ هـ. ق)

#### دوران امامت در زمان مروانیان

#### امامت در زمان عباسیان

سفر امام به کوفه و حیره (۱۳۵ هـ. ق)

سفر حج منصور عباسی (۱۳۶ هـ. ق)

سفر حج منصور عباسی (۱۴۰ هـ. ق)

سفر دوم امام به کوفه (۱۴۲ هـ. ق)

سفر حج سوم منصور (۱۴۴ هـ. ق)

سفر آخر و سوم امام به کوفه و بغداد (۱۴۷ هـ. ق)

گفتنی است نمودارهای خط زمانی فقط می توانند بخشی از رویدادهای این دوره را ارزیابی کنند؛ چرا که بسیار کلی و عمومی اند. برای ارزیابی دقیق رویدادهای این دوره به نمودارهایی تخصصی تری نیازمندیم:

الف) نمودار خط زمانی که شخصیت های بر جسته شیعه را در این دوره بشناساند؛

ب) نموداری که مراقبت هایویژه امام از جامعه شیعه را در برابر دگرگونی هایسیاسی اجتماعیا فکری و فرهنگی در جهان اسلام باز گوید، خواه دگرگونی هایگسترده و ریشه دار، خواه سطحی و کم‌دامنه؛

ص: ۱۰۵

ج) نمودار خط زمانی، جریان سازی فرهنگی امام را هم‌زمان با تغییر و تحول در جامعه نشان دهد.

در مقام بازشناسی بهتر سیره تاریخی امام صادق(ع) و به ضرورت قانون «تُعرِفُ الْأَشْيَاءَ بِاَصْنَادِهَا» باید افزون بر نمودارهای پیش گفته، از نمودارهایی که جبهه باطل را ارزیابی می‌کنند، حتی به صورت محدود یاری گرفت. اکنون به چند نمونه از انها اشاره می‌کنیم:

### نمودارهای خط زمانی جبهه باطل در روزگار امام صادق(ع)

#### اشاره

### نمودارهای خط زمانی جبهه باطل در روزگار امام صادق(ع)

در اینجا، درباره چند و چون گروه‌ها باطلی که در برابر حق قد برافراشتند، نمودارهای گوناگونی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی می‌توان ترسیم کرد. برای نمونه، برای ارزیابی میزان بطلان راه‌ها و منش‌ها از دو گروه می‌توانیم نام ببریم:

الف) گروه‌هایی که به سیطره بی‌چون و چرای حاکمان جور دل سپرده‌اند؛

ب) آنهایی که با شیوه‌های گمراه کننده و فریبند، باطل را با حق درآمیخته‌اند.

فهرست کوتاه برخی از این نمودارهای پیش گفته چنین است:

### الف. سیر خط زمانی خلفای روزگار امام جعفر صادق(ع)، از کودکی تا شهادت آن امام

الف. سیر خط زمانی خلفای روزگار امام جعفر صادق(ع)، از کودکی تا شهادت آن امام

عبدالملک بن مروان (۶۵ - ۸۶)

سیاست‌های کلی

او به دستاری والیان خشن، خفغان دوره مروانی (دوره دوم خلافت امویان) را در گستره سیاسی و اجتماعی، برای نیم قرن آینده ثبت کرد.

جهان اسلام در دوران او

جهان اسلام به ویژه عراق و حجاز زیر شدیدترین فشارهای سیاسی و اجتماعی کمر خم کرده بودند و خشن‌ترین سرکوب هارا به چشم‌خودمی دیدند.

## نوع مواجهه با امام معصوم

امام معصوم در محاصره و محدودیت شدید اجتماعی بود و ارتباط ایشان با اندک شیعیان عراقی هم قطع یا به شدت محدود شد.

## نوع مواجهه او با شیعیان

جامعه شیعه، قربانی شدن بزرگان خود را در عراق به چشم دید. همچنین پیوندش با امام در مدینه گستته شد و قبایل شیعی کوفه به ناچار راه ایران را

ص: ۱۰۶

در پیش گرفتند.

ولید بن عبدالملک (۹۶ - ۸۶)

سیاست های کلی

او با اجرای برنامه های مذهبی- فرهنگی چون مسجد سازی در جهان اسلام، اسلام مروانی را با ویژگی فرهنگی- مذهبی استوار کرد و با گسترش سرزمین های اسلامی در بخشی به شرق و غرب، ذهن مسلمانان را از اصل دین دور کرد.

جهان اسلام در دوران او

پی گیری سیاست مشت آهنین در عراق و حجاز و گسترش مرزها در شرق و غرب سبب شد موج مهاجرت در جهان اسلام فزونی گیرد و حکومت نیز کوشید تا این موج را مهار کند.

نوع مواجهه با امام معصوم

هدف سیاست ها و طرح های حکومت و از آن میان، شهادت امام چهارم و سخت گیری بر امام پنجم در آغاز روزگار امامت، سست کردن فرهنگ اهل بیت در عراق و حجاز و جلوگیری از گسترش آن فرهنگ بود.

نوع مواجهه او با شیعیان

حکومت، شخصیت های شیعی را کشت و گستره ترس و وحشت را بر شیعیان، به ویژه در عراق گستراند.

سلیمان بن عبدالملک (۹۶ - ۹۹)

سیاست های کلی

او به یاری مشاور بر جسته خود، عمر بن عبدالعزیز کوشید تا برخی اصلاحات سیاسی- اجتماعی را در جهان اسلام اجرا کند و به یمن آنها برای حکومت مروانیان، پایگاهی اجتماعی به دست آورد.

جهان اسلام در دوران او

با مرگ یا عزل والیان خشن، جهان اسلام پس از سال ها، نفسی تازه کرد. از این سال، سفرهای سالانه حج، به جریانی مهم اجتماعی، فرهنگی و علمی در جهان اسلام بدل شد.

نوع مواجهه با امام معصوم

در روزگار امامت امام پنجم، از تنگناها کاسته شد و برای ایشان فرصتی فراهم آمد تا دوباره شیعیان عراق به ویژه جوانان را در

ایام حج گرد آورد.

نوع مواجهه او با شیعیان

جامعه شیعه با رهایی نسبی از فشارهای سیاسی و اجتماعی، در ایام حج، به امام توجه کرد.

عمر بن عبدالعزیز (۹۹ - ۱۰۱)

ص: ۱۰۷

## سیاست های کلی

او در پرتو طراحی و اجرای برخی اصلاحات اجتماعی - اقتصادی و ابطال برخی فرمان های تند مذهبی اموی - مروانی کوشید اسلام مروانی را میانه رو و عالمانه معرفی کند و جلوی فروپاشی زود هنگام آن را بگیرد.

### جهان اسلام در دوران او

جامعه اسلامی به ویژه جریان های علمی و اجتماعی در جهان اسلام، فرصتی برای بازسازی و سازمان دهیافت. البته بیشتر آنها از همکاری با خلفا خودداری کردند.

### نوع مواجهه با امام معصوم

خلیفه، برخی آزادی ها و حقوقی را به علویان اعطا کرد تا نشان دهد به امام و اهل بیت پیامبر دل لستگی دارد، به شرط آنکه آنها از ادعای حق خلافت دست بردارند.

### نوع مواجهه او با شیعیان

برداشتن فشارها و آزاد گذاشتن شیعیان و رفع لعن گویی رسمی به امیرالمؤمنین، علی(ع) برای شیعه مجالی کوتاه فراهم آورد تا ارزش های خود را زنده کند.

### یزید بن عبدالملک (۱۰۱ - ۱۰۵)

## سیاست های کلی

انتخاب او به خلافت نشان داد که مروانیان، اصلاحات در سیاست، اجتماع و فرهنگ را بر نمی تابند.

### جهان اسلام در دوران او

با خلافت یزید ضمن کم رنگشدن اصلاحات، موجی از ابتدال، فضای عمومی جامعه را فرا گرفت.

### نوع مواجهه با امام معصوم

فسق و فجور خلیفه، او را از توجه جدی به امام باز داشت و فرصتی تاریخی فراهم آورد تا امام در گسترش مدرسه علمی خود بکوشد.

### نوع مواجهه او با شیعیان

در پی آرامشی موقت، جامعه شیعه با هدف پی ریزی دوباره مدرسه شیعه، به سوی امام شتافت.

هشام بن عبد الملک (۱۰۵ - ۱۲۵)

### سیاست های کلی

جهان اسلام دوباره گرفتار خفغان و سرکوب شد، ولی این بار از پا ننشست و به قیام زید و علما و خواص عراقیاری رساند، ولی ناکام شد. همچنین در این سال‌ها، فعالیت‌های تبلیغی عباسیان، محدود و تضعیف گردید.

جهان اسلام در دوران او

والیانی توانا بر می گزیدند و با پی گیری روش سیاسی و اجتماعی پدرش

ص: ۱۰۸

کوشید تا خلافت مروانی را زیر چتر سیاست مشت آهین احیا کند. او نشان داد در اسلام مروانی، حاکم سیاسی خود کامه، بنیان همه چیز است.

#### نوع مواجهه با امام معصوم

هشام که در رویارویی با مدرسه امام باقر(ع)، ناکام ماند و نمی توانست او را در تنگنا بگزارد، سرانجام ایشان را شهید کرد. همچنین کوشید تا امام صادق(ع) را در کنج تنها یی نگه دارد و شیعیان عراقی را از او دور کند.

#### نوع مواجهه او با شیعیان

شیعیان در این دوره دچار تنگنای اجتماعی شدند و کمتر توانستند رفت و آمد کنند. نبود آنها در میدان، به فرقه های انحرافی غلات، مجالی برای عرض اندام داد.

ولید بن یزید (ولید فاسق) (۱۲۶ - ۱۲۵)

#### سیاست های کلی

جهان اسلام زیر سایه سنگین خلیفه فاسد و حاکمان ناکارآمد، آرامش یافت، ولی این اوضاع به سود دعوت گران عباسی در عراق و ایران تمام می شد.

#### جهان اسلام در دوران او

او خلیفه ای فاسد و فاسق بود و به امور خلافت چندان توجهی نداشت. سرانجام مروانیان، او را با کمک پسرش کشتند تا خلافت مروانی نابود نشد.

#### نوع مواجهه با امام معصوم

امام صادق(ع) در این دوره که چراغ خلافت مروانی رو به افول بود، مدرسه علمی خود را گسترش داد.

#### نوع مواجهه او با شیعیان

جامعه شیعه از فشار والیان خشن رها شد و بر پایه مکتب جعفری برای نوسازی خود بُرخاست.

یزید بن ولید (یزید ناقص) (۱۲۶ - ۱۲۷)

#### سیاست های کلی

امویان در شام با درگیری های داخلی دست به گریبان بودند. قیام عباسیان در خراسان شکل گرفت و مدرسه ها و فرقه های

فقهی و کلامی پا به میدان نهادند.

جهان اسلام در دوران او

خلافت کوتاه مدت از دودستگی میان مروانیان و قبایل پشتیبان آنها و درگیری های داخلی گذشت. سرانجام خلیفه کشته شد.

نوع مواجهه با امام معصوم

امام در پرتو آزادی و آرامش نسبی، بنیان مکتب تشیع را پی ریخت.

نوع مواجهه او با شیعیان

جامعه شیعه به ویژه در کوفه به آرامی در حال شکل گیری بود و مسجد کوفه از شاگردان امام آکنده شد.

ص: ۱۰۹

### سیاست های کلی

جهان اسلام پس از قیام عباسیان با سکوت و رضایت و حمایت آشکار و پنهان خود از آنها، دگرگونی در حکومت و سیاست را خواستار شد.

جهان اسلام در دوران او

حکومت کوتاه مدت‌تاوبادرگیری های داخلی مروانیان گذشت. پس از آن، عباسیان سر به شوروش برداشتند و کار حکومت اموی مروانی را یکسره کردند.

نوع مواجهه با امام معصوم

خلیفه مروانی در گرداب مسائل داخلی گرفتار بود و امام این فرصت را مغتنم شمرد و برای بنیان گذاری مدرسه شیعه کوشید.

نوع مواجهه او با شیعیان

جریان های مخالف مروانی در قیام بر ضد حکومت، کوشیدند شیعیان را به سوی خود بکشانند، ولی امام مانع شد.

ابوالعباس سفاح، اولین خلیفه عباسی (۱۳۶ - ۱۳۲)

### سیاست های کلی

جهان اسلام پس از سال هادردورنج، از سقوط مروانیان خشنود شد و امید داشت تا از عباسیان، دادگری بینند، اما به تدریج مشخص شد در بر همان پاشنه اصول اموی می چرخد.

جهان اسلام در دوران او

او پس از اعلان نابودی خلافت اموی مروانی و آغاز خلافت عباسی، خلافت را بر بستر اسلام سنی تعدیل شده بی ریخت و بنی عباس را اهل بیت پیامبر و شایسته خلافت دانست.

نوع مواجهه با امام معصوم

خلافت جدید با شعار پشتیبانی از اهل بیت، قدرت را به دست گرفت، ولی پس از رسیدن به خلافت، اسلام سنی را دین رسمی اعلام کرد. سپس خلیفه، امام را به کوفه فراخواند و از او برای خودش بیعت گرفت و از ایشان تعهد ستاند که بر خلافت جدید خروج نکند.

عباسیان پس از اعلان دین رسمی، جامعه شیعه را مهم‌ترین رقیب خود می‌دانستند و با انتقال پایتخت از کوفه، بر آن بودند تا جلوی گسترش تشیع را در میان ایرانی‌ها و خراسانی‌ها بگیرند.

منصور دوانیقی (۱۴۸ - ۱۳۶)

سیاست‌های کلی

جهان اسلام و علمای عامه، ناخشنود از سیره سیاسی-اجتماعی عباسیان، به

ص: ۱۱۰

یاری علویان برخاستند، اما پس از شکست خونین آنها، عباسیان، فرقه ها و علمای اسلامی را با آغوش باز پذیرفتند و جهان اسلام را به خویش پیوند زدند.

جهان اسلام در دوران او

او کوشید پایه های خلافت عباسی را استوار کند. بدین جهت، پس از سرکوب قیام نفس زکیه، علویان را کشت و با شیعیان جنگید و هم‌زمان، هماهنگ با شرایط جدید، برای مدرسه اهل بیت نگاه های جایگزین آفرید.

نوع مواجهه با امام معصوم

خلیفه که از دانش و آگاهی امام و مدرسه علمی و شاگردان و پیروان ایشانمی هراسید، سرانجام ایشان را شهید کرد.

نوع مواجهه او با شیعیان

جامعه شیعه شکل گرفته بود و مکتب فکری و فقهی خود را داشت، اما با یورش عباسیان و جریان های فکری هم سوی آنها رویارو بود و در خفقان سیاسی، گرفتار.

### **ب. نمودار پیدایش یا خیزش تدریجیا ناگهانی فرقه ها و جریان های گوناگون اسلامی در برابر جبهه حق**

ب. نمودار پیدایش یا خیزش تدریجیا ناگهانی فرقه ها و جریان های گوناگون اسلامی در برابر جبهه حق

سال

سیاسی - اجتماعی

۱۰۰

- آغاز تبلیغ گسترده عباسیان در عراق و خراسان

۱۲۰

- قیام زید و پیدایش زیدیه

- قیام عبدالله بن معاویه از بنی هاشم

- اوج فراخوانی عباسیان

- قیام حارث در ماوراء النهر

- تبلیغ علویان برای مهدویت نفس زکیه و زمینه سازی قیام

- قدرت گیری موقت خوارج در حجاز

- خلافت عباسیان

- قیام نفس زکیه و بردارش

- قیام های ایرانی به خون خواهی ابو مسلم خراسانی

سال

کلامی

فرقه قدریه و فرقه کیسانیه (رو به افول)

ص: ۱۱۱

۱۰۰

- فرقه معتزله (۱۰۵ هـ .ق)

۱۱۰

- جریان غلوّ مغیره بن سعید (شیعی)

- فقه های غالی شیعه (خطابیه و بیانیه و ۱۱۹ هـ .ق)

۱۲۰

- فرقه جهمیه (۱۲۸ هـ .ق)

۱۳۰

- فرقه کلامی مجسمه

۱۴۰

- فرقه راوندیه (غلوّ درباره عباسیان)

سال

فقهی - حدیثی

۹۰

- مکتب کلامی - فقهی اباضیه از خوارج (۸۳ هـ .ق)

- بنیان گذاری مدرسه رأی و قیاس کوفه از سوی حماد و ربیعه الرأی، استادان ابوحنیفه

۱۰۰

- مدرسه فقهی حسن بصری در بصره (۱۱۰ هـ .ق)

- فرمان خلیفه عمر بن عبدالعزیز، به کتابت حدیث که عملی نشد (۱۰۱ هـ .ق)

- فرار علمای عراقی (عمده از کوفیان) به مدت دو سال به حجاز و دانش آموزی برخی از آنها نزد محمد بن باقر(ع) (۹۶ هـ)

- اوج گیری مدرسه فقهی حنفی به ریاست ابوحنیفه (۱۰۵ هـ.ق)

مدرسه فقهی در کوفه و عراق (۱۴۸ هـ.ق)

- مدرسه فقهی - حدیثی مالک بن انس در حجاز

- مدرسه فقهی اوزاعی در شام (۱۵۷ هـ.ق)

- مدرسه فقهی لیث در مصر (۱۷۵ هـ.ق)

آغاز نهضت تدوین حدیث (۱۴۳ هـ.ق)

#### ج. خط زمانی علویان و گروه های کج روی درون شیعه یا نزدیک به جامعه شیعه و بازتاب آنها در جامعه شیعه

ج. خط زمانی علویان و گروه های کج روی درون شیعه یا نزدیک به جامعه شیعه و بازتاب آنها در جامعه شیعه

خط غلوّ

زمان امام باقر(ع)

در سال های پایانی دوره امام باقر(ع) برخی شاگردان کم سود و متأثر از جریان های عرفانی و صوفیانه و اهل کتاب، پایه گذار موج غلوّ در جامعه شیعه شدند.

ص: ۱۱۲

## امامت دوره مروانی

رهبران غالی به سرکردگی ابی الخطال، در فضای باز سیاسی، آیین‌ها و برنامه‌های تند و خطرناکی را بیان کردند. او زود مرد، اما پایه گذار خط جدید غلوّ بود و در بیشتر جریان‌های غلوّ در آینده اثر می‌گذارد.

## امامت دوره عباسی

خط غلوّ آسیب بسیاری دید، ولی جای پای خود را در جامعه شیعه استوار کرد و گه گاه‌از فرصت هابه‌ره‌گرفت. رهبران‌شیعی، همواره از رفتارها و گفتارهای آشکار و پنهان غالیان و پی‌آمدہای فکر آسیب زای آنها برای جامعه شیعه، نگران بودند.

## قیام‌های علوی

### زمان امام باقر(ع)

در این دوره، فرقه کیسانیه که بنیادهای فکری استوار، رهبران توانا و دستگاه اجتماعی هماهنگی نداشت، در پی ضربه‌های سنگین دشمن بر کالبدش، فرو پاشید، ولی بنی عباس، مرد ریگ آنها را به نام خود مصادره کرد.

## امامت دوره مروانی

قیام زید، نقطه چرخشی در فراخوانی شیعیان کم خرد، تندرو و هوچی است که خط سومی میان شیعه و سنی و بنیان گذار فکری التقاطی شدند. این حرکت در آغاز رنگ شیعی داشت، اما با گذشت زمان و پس از شهادت رهبران پرچمدار، از شیعه بیشتر فاصله گرفت و به جریان‌های فکری و فقهی عام نزدیک تر شد. (معتلی - حنفی)

## امامت دوره عباسی

قیام نفس زکیه و برادرش ابراهیم، با همراهی علماء و فقهاء عراق و حجاز کنار نشستن شیعیان، آشکارا جدایی قیام‌های علوی - زیدی را از راه شیعه نشان داد. البته در سده اول، رهبران این جنبش‌ها چون زید و حسین بن علی شهید فح، افرادی ظاهر الصلاح و شایسته بودند، اما شیعه، روش سیاسی آنها و پیامد قیام آنها را نپذیرفت.

## د. آغاز انحراف در مهدویت

### د. آغاز انحراف در مهدویت

در این زمان مراد از تفکر مهدویت، اعم از ادعای مهدویت یا قیام به ادعای مهدویت یا ایجاد موج و جریان و هیجان اجتماعی، توقع و انتظار قیام امام صادق(ع) است.

## پیش از تولد تا کودکی امام



دوره امامت امام باقر(ع)

غالیان و ادعای مهدویت و یا خاتمیت امام باقر(ع)

دوره امامت امام در دوره مروانی

زید از امام باقر(ع) چشم یاری داشت و ایشان رضایت داد.

- قیام زید زمینه پیدایش زیدیه در جهان اسلام: حق خلافت و امامت از آن علوی صاحب شمشیری است که به پا خیزد. این فکر پشتونه ادعاهای آینده زیدیان درباره زید بود.

- حارث بن سریج در ماوراءالنهر خود را مهدی خواند.

عبدالله محض (علوی) با شعار نفس زکیه، پرسش، محمد را مهدی خواند.

- بنی عباس بر اساس شعار «الرضا من آل محمد» که در باطن خود گونه‌ای داعیه مهدویت داشت، جریانی نو به راه انداخت.

- شیعیان کوفه هنگام کشمکش میان حاکمان و نزاع‌های خونین میان عباسیان و امویان، توقع داشتند امام قیام کند. در این فکر، ادعای مهدویت نهفته بود و ایشان امام صادق(ع) را همان امام قائم می‌دانستند.

- پیروان ابی الخطاب، امام صادق(ع) را مهدی خوانندند.

برخی غالیان پس از مرگ اسماعیل، فرزند امام را مهدی نامیدند.

دوره امامت امام در دوره عباسی

نفس زکیه، آشکارا خود را مهدی آخرالزمان خواند و بر ضد عباسیان به پا خواست و بیشتر فقهاء و علمای حجاز و عراق، او را یاری کردند.

- منصور عباسی، فرزندش را مهدی نامید و در برابر نفس زکیه، به سود پرسش تبلیغ کرد.

## ۵. جریان‌های علمی و فکری حاکم بر جامعه اهل سنت در دوره امام صادق(ع)

۵. جریان‌های علمی و فکری حاکم بر جامعه اهل سنت در دوره امام صادق(ع)

کلامی

دوران امام باقر(ع)

- خلافت اموی بر پایه جبرگرایی و اطاعت مطلق از خلیفه بود، حتی اگر فاسق باشد. با مشاهده ظلم و فساد و تبعیض های اموی، در ذهن شاگردان جوان علمای عامه به پرسش های فراوانی سر برآورد که به کمک اثربذیری از تفکر اهل کتاب سبب پیدایش اولین فرقه کلامی، یعنی قدریه شد.

امام صادق(ع) در دوران مروانی

پس از ورود افکار غیر اسلامی، گسترش پرسش هاوی پاسخ ماندن آنها از سوی علمای عامه، ناگهان دو موج جهان اسلام را در بر گرفت. نخست فرقه

ص: ۱۱۴

های کلامی گوناگون برای به چالش کشیدن خلافت و مبانی فکری مروانیانیا موشکافی کلامی در وضع موجود سر بر آوردند. (معترله، مرجئه، قدریه...) الحاد و کج روی فکری برآمده از کج روی داخلیا تحریف بیرونی گسترش یافت. (زنادقه، مجسمه، مشبهه و معطله)

### امام صادق(ع) در دوره عباسی

بنی عباس پس از نشستن بر تخت خلافت، افکار علوی را کنار گذاشتند و با حمایت از فرقه گرایی به ویژه با راه اندازی نهضت ترجمه در برابر جریان حق تشیع، سرانجام باورهای عامه را بر کل جامعه اسلامی حاکم کردند؛ باورهایی با درون مایه آرای معتزلیان درباره توحید و باورهای سیاسی شیعیان عراق درباره خلفای راشدین.

### فقهی

### دوران امام باقر(ع)

خلیفه دوم برای رویارویی با اهل بیت، اصحاب غیرعلوی را به شهرهای گوناگون فرستاد و در پرتو فرمان منع تدوین حدیث و منع گستردگی نقل احادیث، بستری فراهم اورد تا جریان ها و مکتب های فقهی عامه آشکار و پنهان سر برآوردند. این جریان ها در سایه پشتیبانی امویان و مروانیان، شیعیان را سرکوب کردند و در کوفه، بصره، مکه، مدینه و دمشق، مدارس فقهی پر شمار برپا کردند. در آغاز، این مدارس در اصول کلی عبادات و معاملات اسلامیکسان بودند، اما در فروعات، به تدریج باورها و نگاه‌های گوناگونی آفریدند. با گسترش مدرسه امام باقر(ع)، خلافت مروانی در فکر و عمل، آزادی بیشتری به آنها داد تا مدرسه امام در تنگنا قرار گیرد.

### امام صادق(ع) در دوران مروانی

- در این سال ها از سویی بر شمار علماء افزوده شد و از سوی دیگر، نزاع میان آنها بالا گرفت و جهان اسلام، پریشان گشت.

به دلیل ناسازگاری در روش و فکر، مدارس رأی و اجتهاد را در عراق و مدارس گوناگون حدیث و تفسیر در حجاز برپا شدند. این مدارس که به فقر علمی خود آگاه بودند، آشکار و پنهان، به ناچار، از امام یا شاگردان او بهره می گرفتند.

خلفا به آنها آزادی دادند و ایشان را یاری می کردند، اما این مدارس بدون برنامه و اصول کلی، با جریان های مخالف اموی، چه زیدی و چه غیر زیدی، همراه شدند.

بنی عباس، که قدرت را به دست آورد، نقاب از چهره برداشتند. آنها شعارهای علوی را کنار گذاشتند و کوشیدند علماء و فقهاء عراق و حجاز را با خود همراه و هم دلکنند، اما خیزش‌های زیدیان و قیام نفس زکیه مانع جدی برای جذب آنها بود. بیشتر علماء با قیام نفس زکیه همراهی کردند. سرانجام پس از تثیت خلافت عباسی و ناتوانی قیام‌های زیدی، ائتلافی تاریخی میان عباسیان و علماء و فقهاء عامه شکل گرفت و با کمک عباسیان، جریان نظام مند فرقه سازی در فقه اهل سنت در برابر مکتب اهل بیت آغاز شد.

خلافت عباسی برای برآوردن اهداف خود با اعطای منصب قضا یا اعتباربخشی به فقه و فتاوی مدارس فقهی عامه می کوشید علماء عامه را به سوی خود بخواند.

## فصل دوم: اطلس جعفری

اشاره

ص: ۱۱۶

توجه به چند نکته در اطلس شناسی ضروری است:

**الف) اطلس نگاری، پایه ایده‌یابی رسانه‌ای**

الف) اطلس نگاری، پایه ایده‌یابی رسانه‌ای

اطلس نگاری، دانش اقلیم شناسی و بررسی و ارزیابی رویدادها در متن اقلیم‌هاست. در علم تاریخ، رویدادهای گذشته را به زبان روایت یا گزارش باز می‌گویند و مکان‌ها و سرزمین‌ها در حاشیه این دانش قرار دارند، ولی در اطلس شناسی می‌کوشند تا دانش تاریخ جغرافیا را همراه با یکدیگر به کار گیرند.

در اطلس شناسی هنگام بررسی‌های تاریخی، نقشه‌های جغرافیایی و تاریخی اولویت دارند، ولی امروز هر ویژگی تصویری غیر از نوشتار ساده به کار می‌آید، مانند جدول‌ها، عکس‌ها، نمودارها و آمارهای تصویری.

دانش اطلس شناسیا تطبیق رویدادهای تاریخی بر نقشه‌های جغرافیایی، پیشینه‌ای طولانی

دارد، اما به صورت تخصصی و عمومی، پدیده قرن بیستم است به ویژه در جهان اسلام که اطلس‌نگاری به پیروی جهان غرب در این قرن ایجاد شد و اوج گرفت.

متأسفانه اطلس‌نگاری در جهان تشیع حتی در قرن بیستم، از دیده‌ها پنهان مانده است. در این میان، رسول جعفریان، تاریخ نگار معاصر، پیش‌گام اطلس‌نگاری، تخصصی شیعی است. درباره تاریخ زندگی امامان معصوم، هنوز اطلس‌نگاری‌های تخصصی در دست نیست. این در حالی است که دانش اطلس‌نگاری و رسانه به سبب سرشت تصویریشان، بسیار با یکدیگر نزدیکند. از یک سو، نقشه‌های توصیفیا تحلیلی گوناگون و تخصصی درباره رویدادهای تاریخی می‌توانند موضوع و دیدگاهی برای برنامه سازی مستقل باشند و از سوی دیگر، این نقشه‌ها می‌توانند در ذهن هنرمندان و نویسنده‌گان و رسانه، نگاه نو بیافرینند.

رسانه ملی برای موشکافی درباره تاریخ اسلام، اطلس‌نگاری را به کار نمی‌گیرد. از این‌رو، محتوا و ساختار برنامه‌های رسانه ملی درباره معارف اسلامی، سست و ناکارآمد است و نویسنده‌گان برنامه‌های گوناگون در بازگویی رویدادهای تاریخی، گرفتار کج فهمی‌اند.

در نبود نگاهی ویژه به حقایق تاریخی جغرافیایی درباره سرزمین‌های اسلامی، امروز بیشتر نویسنده‌گان و برنامه سازان و مردمان جامعه اسلامی ما در قالب دگرگونی‌های دنیای امروز و آینده در خاورمیانه، از پیوند زندگی خود با مکان، جغرافیا و محیط زندگانی خود بی‌خبرند و سرشت آن را به درستی نمی‌شناسند و درباره آن بینشی روشن ندارند یا بیش از مسائل زیست محیطی و اطلاعات عمومی جغرافیایی درباره آن چیزی نمی‌دانند. آنها درک جامعی از جغرافیای حق و باطل در گذشته، حال و آینده، در منطقه و نسبت خود با آن جغرافیا ندارند. این در حالی است که این مطالعات و اطلاعات برای رسانه‌های رقیب و دشمن، جایگاه ویژه‌ای دارد. وجود واژگانی چون **Map Shia** و **Map Islam**، در بخش تصاویر موتورهای جستجوگر و گردآوری نقشه‌ها که بیشتر آنها را دنیای علمیا سیاسی غرب تولید کرده است، نشان می‌دهد دشمن در این باره بسیار هوشیار و آگاه است.

کوتاه سخن اینکه انسان کامل که معصوم و به دور از خطاست و انتخاب‌ها و پاسخ‌های سیاسی - اجتماعی او برآمده از تصمیم گیری‌های آگاهانه و هوشیارانه در گستره زمان و در

امتداد جریان مستمر گذشته، حال و آینده است، باید رابطه اش با محیط و مکان زندگی اش و پیرامونش، معنادار و هدفمند باشد. بدین جهت، در مطالعه جامع زندگانی هر مقصوم، مثلثی پدید می آید که یک ضلع آن، انسان کامل است و دو ضلع دیگر آن، پیوندهای او با زمان (تاریخ) و مکان (جغرافیا) و داد و ستد زمان و مکان.

بر این اساس رفتار سیاسی سیدالشهدا را پس از شهادت امام مجتبی(ع) می توانیم را بررسی کنیم. ایشان در زمان حیات معاویه، پاپشاری کوفیان قیام را نپذیرفت و آن را در گرو مرگ معاویه دانست. پس از مرگ معاویه نیز ایشان در آغاز به سوی مکه رفت. سپس ناسازگار با نگاه همه خبرگان آن روز، راه کوفه را در پیش گرفت. بدین جهت، موشکافی درباره رویکردهای زمانی- مکانی در قیام سیدالشهدا به دریافت چیستی و چرا ای قیام سرخ عاشورا بسیار کمک می کند و رویکردی کلیدی و مبنایی است. به یاری این رویکرد زندگانی سیاسی- اجتماعی امام صادق(ع) را می توانیم بررسی کنیم و در پرتو این نگاه، اطلس جعفری شگل می گیرد.<sup>(۱)</sup>

### ب) نگاهی گذرا به جغرافیا و اطلس تاریخی حق و باطل

ب) نگاهی گذرا به جغرافیا و اطلس تاریخی حق و باطل

بر پایه دانش جغرافیای طبیعی و زیستی، حدود یک سوم کره زمین خشکی است و بخش فراوانی از خشکی ها، خالی از سکنه اند، با این حال، پرسش مهم و مشترک تصویر بالا، درباره آغاز و سرشت زندگی بشر، دانش در خوری به دست نمی دهد.

علم تاریخ، جغرافیا، انسان‌شناسی و باستان‌شناسی و دانش‌هایی از این جنس در این باره

ص: ۱۱۹

---

۱- در این زمینه موسسه اطلس تاریخ شیعه در شهر مقدس قم به تازگی گام هایی برای اطلس نگاری ۱۴ مقصوم آغاز کرده است.

است که زندگی بشر از کجا، و چگونه آغاز شده است. در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد؛ نظریه تکامل داروین که سست و لرزان است و نظریه مشترک ادیان آسمانی و ابراهیمی که داستان آفرینش آدم و حوا و هبوط آنها را آغار حیات بشر در کره خاکی می‌داند.

بر پایه داستان آفرینش و تأیید مطالعات جدید، آدم و حوا و فرزندانشان در سرزمین خاورمیانه می‌زیستند؛ سرزمینی میان اروپا و افريقا، در جنوب غرب آسیا، از نیل تا ماوراءالنهر. به باور ادیان ابراهیمی، بشر از این سرزمین برخاست و ادیان آسمانی اسلام، مسیحیت، یهود و زرتشت در این سرزمین ظهور کردند و تمدن‌های بزرگی چون مصر و ایران باستان، در این سرزمین پا گرفتند. تمدن‌های بیرون از این جغرافیا اندکند، هر چند از تمدن‌های این سرزمین رنگ گرفته‌اند، مانند تمدن یونان و رم، تمدن‌ها و ادیان شبه قاره هند و تمدن چین باستان.

به نظر می‌آید یکی از علل آسمانی گزینش این سرزمین برای زایش، رشد و دامن گسترش برای حق، جایگاه در خور آن میان قاره‌هاست؛ کانون خشکی‌های طبیعی زمین، از نگاه جغرافیای ارتباط انسانی.<sup>(۱)</sup>

از منظر قرآن و تفسیر تاریخی شیعی، تاریخ بشر نه با تمدن‌ها و دوره‌های گوناگون جغرافیایی تاریخی، بلکه با آدم و حوا آغاز شد و یگانه سنجه رویدادهای آن، جبهه حق (تاریخ انبیا) است. دعای ندبه الگوی حق محور از تحلیل خط زمانی تاریخی از آغاز تا پایان تاریخ به دست می‌دهد. با این نگاه، رویدادهای مهم و کشمکش‌های سرنوشت ساز تاریخ بشر را در این سرزمین می‌توان پی‌گرفت؛ سرزمین رویارویی‌های بزرگ، ادیان،

ص: ۱۲۰

---

۱- این سرزمین از نظر انسان شناختی و تاریخی و مطالعات فرهنگی – تاریخی، در محاصره جغرافیای نژادها و فرهنگ‌های تک بُعدی منطقه‌ای است. اروپا کانون زیست نژاد سفید با رویکرد عقل گرایی خودبناز زمینی و منطق گرایی است. شبه قاره هند، مهد عرفان و عاطفه گرایی است. سرزمین چین و ماقین، کانون نژاد زرد و اخلاق گرایی اجتماعی است. افريقای سیاه هم پیوسته عقب مانده و دور از تمدن و نماد زندگی غریزی است، اما خاورمیانه در کانون این مناطق و نژادها، همه این رویکردها را یکجا و به اعتدال و هماهنگ، درون خود دارد و یگانه امتیازش این است که سرزمین وحی به شمار می‌آید. در این میان، تمدن و فرهنگ ایرانی نماد اعتدال در گرایش هاست و طی تاریخ در برابر وحی کمتر عناد نشان داده است.

تمدن‌ها، پیامبران، پادشاهان، حاکمان و جوامع گمراه استمگر؛ آینه جغرافیای تاریخی حق و باطل. به سخن همه ادیان آسمانی و بر پایه تجربه تاریخی، هیچ سرزمنی چون خاورمیانه، تاریخ را نساخته است و در آینده نیز هیچ سرزمنی به پای آن نمی‌رسد. هند، چین و خاور دور، با بیش از سه میلیارد جمعیت و توان افزایی در تولید و با آفرینش ابرقدرت‌های تاریخی و دیگر سرزمنی‌های کره خاکی، هیچ کدام از اهمیت خاورمیانه نمی‌تواند بکاهند؛ زیرا سرشت تاریخی و دینی بشر، با جغرافیا و تاریخ این خاک گره خورده و رمز چیستی تاریخی و دینی او در این سرزمن نهفته است.

ازین رو، در مطالعه معارف اسلامی، تاریخی و جغرافیای انسانی، شناخت خاورمیانه با رویکرد بازشناسی حق و باطل، در طول تاریخ و گستره جغرافیای این سرزمن، همواره باید از دانش‌ها و شاخه‌های پژوهشی و برنامه سازی بسیار مهم نزد ارباب فرهنگ، دانش و اصحاب رسانه باشد، به ویژه برای شیعه ایرانی که وارث بهترین تمدن و مکتب از برترین دین است و در ممتازترین نقطه جغرافیای این سرزمن زندگی می‌کند.

به سخن دیگر، تاریخ این جغرافیا آبستن نگاه‌های تازه است و در دل آن، هزاران راز سر به مهر و داستان‌های شگفت‌انگیز از مردان خدا در دلاین‌های گمشده، خفته است. از این رو، با کاوش تاریخی در جغرافیای حق و باطل خاورمیانه، می‌توان از دیدگاه‌های مناسب برای پژوهش و برنامه سازی‌سپاهی پدید آورد و گنجهای پنهان نزاع میان ملل و نحل را جست و از نو به یگانه پرستان در مثلث بین النهرين (نوح و ابراهیم)، فلسطین (از اسحاق تا عیسی)، حجاز (اسماعیل و پیامبر اسلام) نگریست. همچنین دگرگونی‌های جغرافیایی و تاریخی شام، حجاز، عراق و ایران و افت و خیزها و جا به جایی و نزاع حق و باطل را در این سرزمن بررسی کرد. آن‌گاه به یاری کتاب‌هایی چون اطلس تاریخ اسلام، نوشته مونس حسین و اطلس شیعه نوشته رسول جعفریان و دیگر اطلس‌های اسلامیا مسیحی و یهودی، جغرافیای رفتارهای امامان شیعی را از فردای خاتمت و رحلت، گام به گام بررسی و ارزیابی کرد تا چیستی و چگونگی سیره و زندگانی آنان را در قرن‌های گذشته، بر ما روشن

شود و جا به جایی چند باره میان حجاز، عراق و ایران را به درستی دریابیم.

## اطلس زندگانی امام صادق(ع)

### اشاره

## اطلس زندگانی امام صادق(ع)

در نگاه ترکیبی و میان رشته‌ای بین نمودار خط تاریخی حق و باطل و اطلس جغرافیایی آن می‌توان گفت خداوند برای سیر کلی زندگانی بشر روی کره زمین، طرح و برنامه دارد و کانون جغرافیایی تجربه تدریجی این برنامه آسمانی تا تحقق کامل آن، خاورمیانه است. با این نگاه، اگر امام صادق(ع) در نمودار خط زمانی حق و باطل در مرحله‌ای حساس و مهم باشد، بدیهی است که جغرافیا و اطلس حق و باطل هم در آن زمان، یکی از محورها و کلان سوژه‌های شایسته و بایسته مطالعه و بررسیاست. فرآیند مکتب سازی تاریخی امام صادق(ع) در بستر جوامعی صورت گرفته است که اطلس‌های جغرافیایی زیستی و ایمانیداشته و صحنه رویدادها، درگیری‌ها و تحولات در عرصه مکانی و جغرافیایی بوده‌اند. از منظری کلان‌تر، رابطه مکان با جوامع حق و باطل از منظر دین، رابطه‌ای دوسویه است؛ یعنی همان گونه که فعالیت انسانی و رویدادها و تحولاتش نیازمند مکان است، ویژگی‌های مکان‌ها و زیست بوم‌ها و شرایط اقلیمی بر ساختار جوامع و تعریف نقش‌های آنها هم اثر می‌گذارد.

امام صادق(ع) هم با آگاهی از این رابطه متقابل مکان و جغرافیا با ساکنانش و تقسیم‌بندی مکان‌ها و جغرافیاهای حق و باطل بر اساس ساکنان آن باید نقش تاریخی خود را ایفا می‌کرد.

برای فهم بهتر اطلس جبهه حق در این زمان و چگونگی مدیریت امام، همانند الگوی خط زمانی، تقسیم‌بندی سه گانه سفید، خاکستری، سیاه و شیوه کنش و واکنش هر جغرافیا بر دیگری می‌تواند یاریگر پژوهشی و رسانه‌ای باشد.

مبناً این تقسیم‌بندی بر محوریت اولیای تاریخی حق است که از جهت جغرافیایی در منطقه خاورمیانه، مثلثی از مناطق و اماکن حق را طراحی و ایجاد کرده‌اند. بدیهی است تقسیم‌بندی جغرافیایی سفید و خاکستری و سیاه در پیرامون آنها و در نوع تعامل جوامع بشری با آنان شکل می‌گیرد.

مثلث حضور تاریخی اولیای حق از آدم تا خاتم چنین است:[\(۱\)](#)

از آدم تا نوح: نوار مرکزی جغرافیایی خاورمیانه، از حجاز تا شمال خاورمیانه، با محوریت عراق

ابراهیم: تکمیل مثلث حق بین کوفه + بیت المقدس + کعبه (عراق + فلسطین + حجاز)

از اسحاق تا عیسی: فلسطین (دوره اوج ضلع غربی)

از اسماعیل تا محمد: حجاز و جزیره العرب (دوره اوج ضلع جنوبی)

با این نگاه، گستره جغرافیایی حق در طول چند هزار سال در این مناطق، با ایجاد مکان‌های مقدس و کانون‌های توحیدی برای جامعه جهانی، از جهت جغرافیای اماکن و بقاع متبرکه، در صدد است از نظر جغرافیای انسانی، در فرصت تاریخی و زمانی طولانی، به جامعه سازی تعریف شده و باثبات بپردازد. در نگاهی کلی، در جبهه حق از آدم تا نوح، به دلیل گستردگی و پراکنده‌بودن جغرافیایی انسان‌ها، یک پیامبر می‌کوشید بر جوامع گوناگون اثر بگذارد. از حضرت ابراهیم به بعد، به دلیل پیدایش تمدن‌ها و جغرافیاهای گوناگون که بیشتر مبتنی بر ارزش‌ها و روش‌های باطل بود، اینجا بر جامعه سازی ویژه در راستای حق، آن هم در گوشه غربی مثلث توحید؛ یعنی قوم بنی اسراییل تلاش می‌کردند. در این میان، ناسپاسی‌های تاریخی‌سبب شد کانون جغرافیایی حق در زمان حضرت محمد؟ ص؟ از فلسطین به ضلع جنوبی و حجاز منتقل شود. در این زمان، سرانجام پیامبر اسلام در مدینه اولین جامعه اسلام‌میرا بنیان گذاشت، ولی به تصریح قرآن، می‌دانست در آینده به این جغرافیا اعتبار و امیدی نخواهد بود.[\(۲\)](#)

به همین دلیل، اهلیت پیامبر اسلام در مسیر آخرین جغرافیاسازی برای حق، با انتقال جغرافیای حق به منطقه بین النهرين جنوبی (نیمه جنوبی و مرکزی عراق) کوشیدند مبتنی بر احادیث پیامبر اکرم، آنجا را پلی برای اثرگذاری بر تمدن شرقی بین النهرين، یعنی ایران (ضلع شرقی مثلث تاریخی حق) قرار دهند. پس رسالت تاریخی امام صادق(ع)، طراحی

ص: ۱۲۳

۱- مبنای این نگاه تاریخی و نمودار زمانی، نگاه تحلیلی دعای ندبه است.

۲- تبار انحراف، پژوهشی در دشمن‌شناسی تاریخی، کاتب و نویسنده‌گان، ص ۵۲.

اجتماعی این وضعیت جدید در عراق و ایران، در اوج تحولات و در گیری های جبهه حق با باطل بود. هدف کلان جبهه توحیدی حق از این انتقال، طراحی جغرافیای تشیع با مرکزیت عراق و ایران، به عنوان آخرین پایگاه تاریخی حق و مرکز قرار دادن آن برای نشر معارف اهلیت در گستره آینده تاریخ برای جهانیان بود.

با این نگاه، جغرافیاهای سیاه و خاکستری در خط زمان تاریخی در برابر این مثلث جغرافیای توحیدی ایجاد می شود. بنابراین، تقابل های تاریخی جغرافیاهای سیاه و خاکستری در برابر جغرافیای حق شامل این موارد می شود:

الف) جلوگیری از ایجاد منطقه جغرافیایی برای حق؛

ب) ایجاد جوامع باطل موازی با حق و در برابر آن؛

ج) نفوذ و تصرف در کانون جغرافیایی حق و مصادره و تحریف آن به نفع خود.

### الف) جلوگیری از ایجاد منطقه جغرافیایی حق

الف) جلوگیری از ایجاد منطقه جغرافیایی حق

این گزینه، نمونه های متعددی در تاریخ صدر اسلام دارد که ابتدا مشرکان مکه و یهود حجاز آن را پی گیری می کردند. هدف آنها نیز تلاش برای جلوگیری از اثرگذاری پیامبر بر مردم مکه و ایجاد فاصله بین ایشان و مردم مکه بود تا پیامبر از مکه قطع امید کند و زمین گیر شود. بعدها منافقان همین سیاست را با آگاهی از احادیث نبوی، درباره ایرانیان اجرا کردند. اعراب با اجرای گسترش و قاطع طرح تبعیض میان عرب و عجم، فاصله گذاری بین موالی مسلمان و اعراب مسلمان، دور کردن جریان شیعه و اهل بیت از ایران زمین در کنار اجرای فتوحات گسترش در ایران و تلاش برای اسلامی سازی آن به نفع جریان خلافت، تلاش کردند ایران اسلامی به جای تبدیل شدن به صحنه آرزوهای تاریخی پیامبر، به صحنه اجرای نیات شوم آنها تبدیل شود.

### ب) ایجاد جغرافیاهای موازی

ب) ایجاد جغرافیاهای موازی

نقشه اوج دست یابی به این هدف، تلاش تاریخی خلیفه دوم برای طراحی و بزرگ نمایی

جغرافیای شوم و فاسد تاریخی شام و واگذاری آن منطقه -در همسایگیری و یهود- به امویان بود که بعد از آن به مهم ترین رقیب در برابر جغرافیای حجاز و جغرافیای عراق تبدیل شد. چون خلیفه دوم و خلفای بعد می دانستند که سرانجام روزی امیر المؤمنین علی<sup>(ع)</sup> با خواست مسلمانان به خلافت خواهد رسید، پیش اپیش مرکزی را برای جبهه باطل در برابر او طراحی کردند.

این کار همانند تلاش تاریخی عباسیان برای طراحی شهر بغداد در برابر کوفه بود که با هدف ایجاد مرکزیت جدید و مدرن برای جریان باطل در مرکز بین النهرين انجام شد.

### ج) نفوذ و تصرف کانون جغرافیایی حق

#### ج) نفوذ و تصرف کانون جغرافیایی حق

منافقان پس از رحلت پیامبر اکرم<sup>ص</sup>? برای در اختیار گرفتن مدینه و ایجاد تحولات فکری و اجتماعی در آن تلاش کردند، به گونه ای که دیگر در گسترها آینده تاریخ، هماره جبهه حق در مدینه، غریب و مظلوم باشد.<sup>(۱)</sup> امویان نیز برای تغییر بافت اجتماعی کوفه و تبعید یا کشتارهای مکرر قبایل شیعه کوفه با هدف پاک سازی جغرافیایی کوفه از جریان تشیع کوشیدند.<sup>(۲)</sup>

این وضعیت سیاه جغرافیایی باطل، از نظر سیاسیو اجتماعی بود. جغرافی سازی های فکری و معنوی، ایجاد مدارس علمی و مکتب های فکری موازی و رقیب جبهه حق با الگو ها و تنوع های گوناگون برای هر سلیقه ای مناسب با نوع جغرافیا و آب و هوا و گروه خونی در مناطق گوناگون اسلام، از دیگر طرح های سیاه جغرافیایی باطل بود.

جهه خاکستری هم در میانه مصاف جغرافیاهای سفید و سیاه، کم کم در صدد جذب نیروهای میانه در جهان اسلام و ایجاد جغرافیاهای تاریخی خاص خود بود. این جبهه پس از ناکامی از اثرگذاری ماندگار بر جریان علمای حجاز و عراق، به جریان های افراطی شیعی در مناطق مستعد رویاورد تا بهره جغرافیایی آینده خود را از این آشفته بازار کسب کند؛

ص: ۱۲۵

---

۱- شرح حدیدی ج ۴ ص ۱۰۴، امام سجاد<sup>ع</sup>? پس از عاشورا می فرمود: ما در مکه و مدینه حتی بیست نفر علاقمند هم نداریم.

۲- فتوح البلدان ص ۱۸۸.

همان دولت های زیدی و اسماعیلی آینده که بیشتر در مناطق حاشیه ای آن روز جهان اسلام شکل گرفتند؛ مناطقی همانند یمن در حاشیه جنوبی و بحرین و در حاشیه شرقی جزیره العرب و طبرستان ایران یا مصر.

وضعیت عمومی و تقسیم بندی جغرافیای حق و باطل در جهان اسلام، در آستانه امامت امام صادق(ع) را بیان کردیم. نمودار تقابل تاریخی حق و باطل از جهت جغرافیایی در آن زمان رانیز می توان چنین ترسیم کرد:

جغرافیای مصاف تاریخی و خط زمانی حق و باطل

حق

گذشته (پیامبران و حضور امامان)

از آدم تا نوح(ع)

کانون جبهه حق، خاورمیانه بود، ولی به دلیل شکل نگرفتن جوامع و تمدن ها، تبلیغ توحید به صورت گسترش و فراگیر بود.

ابراهیم(ع)

به موازات رشد و پیشرفت تاریخی در ک و فهم و زندگی بشری، تلاش ابراهیم پایه گذاری جامعه و تمدن توحیدی است. به همین دلیل، پس از ناکامی از انجام دادن آن در بین النهرین، به فلسطین می رود.

موسى تا عیسی(ع)

تلاش تاریخی انبیا پس از بازگرداندن بنی اسرائیل از مصر برایجاد تمدن توحیدی و سپس مبنا و کانون قرار دادن آن برای توسعه جریان حق به سراسر گیتی بود. حتی در ملک سلیمان نیز تفاوت ماهوی این تمدن با دیگر تمدن ها در جمع ملک و ملکوت به نمایش گذشته می شود.

پیامبر خاتم؟ ص؟

پیامبر خاتم با دریافت دین خاتم که کامل و جامع است، کوشید در مکه و سپس مدینه، پایه گذار جامعه توحیدی اسلام باشد. آن گاه از مدینه به توسعه اسلام در جزیره العرب پرداخت تا بعدها با کمک امامان، اسلام پذیری اعراب نهادینه تر شود و مناطق به جهان اسلام گسترش یابد.

امامان؟ عهم؟

پس از آشکار شدن نفاق نهادینه شده در جزیره العرب و اسلام

اموی، امامان بر اساس پیش بینی های پیامبر در مناطق باسابقه تمدن در خاورمیانه (عراق + ایران + یمن + لبنان و ...) سرمایه گذاری کردند. به این ترتیب، کانون های تشیع در این جوامع شکل گرفت.

### حال گستره (دوره غیبت)

پس از ایجاد جوامع جغرافیایی حق در گستره خاورمیانه، تلاش برای رشد و بلوغ تدریجی این جوامع حق و گسترش تدریجی آن با کمک دو کانون جغرافیایی ایمانی و علمی نجف و قم به سراسر جهان آغاز شد. در آخرالزمان با وجود تمام هجوم های ابليسی، ندای توحیدی حق و ارزش های آن به گوش تمام جهانیان می رسد و مردم در کنار خستگی از باطل، پذیرای ظهور جغرافیای جهانی حق می شوند.

### آینده (پیش از ظهور تا رجعت)

#### پیش از ظهور

بر اساس پیش گویی ها، در آستانه ظهور، دو تحول مهم برای جریان حق خواهی رخ می دهد. اولی که جهانی است و همان میل عمومی جهانیان به عدالت خواهی است و دیگری، منطقه ای و در خاورمیانه است که سبب خیزش های جغرافیاهای حق در خاورمیانه به ویژه در گستره جغرافیای شیعه برای زمینه سازی می شود.

#### آغاز ظهور

ظهور بر اساس مثلث تاریخی توحیدی، پایه گذاری می شود. نقطه شروع آن، مکه (و مدینه) و مرحله دوم، تثیت اولیه ظهور در کوفه و ایجاد مرکزیت دولت ظهور در آنجاست. در نهایت نیز بیت المقدس است که در آنجا مواجهه نمایی با سه جریان نفاق، یهود و اهل کتاب رخ خواهد داد تا دین حق جهانی شود.

#### باطل

### گذشته (پیامبران و حضور امامان)

#### از آدم تا نوح(ع)

تلاش ابليس در این مرحله ایجاد جریان باطل در تمام گستره حق و توسعه سطحی و جغرافیایی آن بود. بازتاب این رخداد، توفان نوح است که عذابی جهانی برای جریان اولیه باطل است.

در فترت تاریخی پس از نوح، ابليس کوشید با بهره گیری از پیشرفت طبیعی و تاریخی انسان‌ها، تمدن‌های غیر توحیدی در سراسر مناطق خاورمیانه و دیگر مناطق مستعدی ایجاد کند که انسان‌ها به آنجا مهاجرت کرده بودند.

### موسى تا عیسی(ع)

ابليس با استفاده از نقطه ضعف بنی اسراییل و گمراه کردن آنها، فاسدترین ملت و تمدن را با سلاح دین علیه دین در فلسطین ایجاد کرد. بعد با مهاجرت آنها به دیگر جغرافیاهای دینی و غیر دینی، برای گسترش جغرافیایی ارزش‌های باطل یهود کوشید.

پیامبر خاتم؟ ص؟

ابليس با کمک یهود و اهل کتاب کوشید جریان نفاق را در کانون اسلام ایجاد کند. پس از ناکامی مشرکان، از درون اسلام، منافقین را در برابر پیامبر اکرم؟ ص؟ سامان داد تا با گُندسازی اهداف پیامبر، را برای تصرف جغرافیای عرب مسلمان پس از پیامبر آماده سازد.

امامان؟ عهم؟

ابليس پس از مصادره اسلام و جغرافیای جزیره العرب در پی کودتای منافقین کوشید از ایجاد کانون‌های جدید حق جلو گیری کند و یا در کنار آنها به اضافه حجاز، شام و بغداد را به عنوان کانون‌های علم و قدرت اسلام انحرافی بنیان نهاد.

### حال گسترده (دوره غیبت)

ابليس پس از شکست تاریخی در نابودی کامل حق (در عاشورا) و پذیرش ایجاد جغرافیای حق (شیعه) کوشید با استفاده از ظرفیت غیبت ولی حق، در گستره زمانی و مکانی جغرافیای باطل با تنوع و تکامل بخشی تمدن‌های باطل اسلامی و غیر اسلامی، ذهن بشر را از اسلام حق دور نگه دارد و راه نجات و سعادت را در تمدن‌های گوناگون باطل نشان دهد. این راه بر خلاف عذاب‌های آسمانی، عذاب‌ها و بحران‌های زمینی و جهانی خودساخته بشر را به همراه خواهد داشت.

آینده (پیش از ظهور تا رجعت)

پیش از ظهور

ابليس با آشکار شدن نشانه‌های پایان (و نزدیک شدن ظهور که مرگ اوست) تلاش می‌کند خاورمیانه را که کانون ظهور خواهد بود، به گردداب آشوب، فتنه، درگیری و نابودی بکشاند.

همچنین با ایجاد ائتلاف جهانی اسلام انحرافی (نفاق و نصب) با جهان غرب، بزرگ ترین لشکرکشی را برای نابودی جبهه حق (شیعه کش) در منطقه راه می‌اندازد.

## آغاز ظهور

جريان ابليس در مواجهه با ظهور، سه عقب نشيني تاریخی از حجاز، عراق و فلسطین خواهد داشت. مهم ترین عامل این عقب نشینی ها، ياری رسانی جنوب (یمن) و شرق (ایران) به جبهه حق است تا اينکه سرانجام جغرافیای باطل از کره خاکی برچیده خواهد شد.

جغرافیای مصاف حق و باطل از بعثت تا غیبت

حضرت محمد؟ ص؟

## حق

پیامبر اکرم؟ ص؟ پس از ناکامی در مکه، جامعه توحیدی را در مدینه پایه گذاری کرد. پس از رسوخ جريان نفاق در مدینه، کوشید در کنار اقلیت صحابه حق طلب در مدینه، جغرافیاهای دیگری هم برای جبهه تاریخی حق ایجاد کند. بدین دلیل، با سفر تاریخی امیرالمؤمنین علی(ع) به یمن و اعزام برخی صحابه به شرق (بحرين)، برای رشد تشیع در این دو منطقه بسترسازی شد.

## باطل

جريان ابليس در برابر پیامبر اکرم؟ ص؟ در ابتدا اتحاد اهل کتاب و مشرکان را ایجاد کرد، ولی پس از ناکامی های پیاپی در پیشرفتہ ترین مدل باطل سازی، جريان نفاق و گسترش کمی و کیفی آن در جامعه نبوی را به وجود آورد. سپس کوشید با مقدمه چینی گستره ضمن گندسازی و مانع تراشی پیاپی در برابر جغرافیای حق سازی پیامبر، خود را برای کودتای بعد از رحلت پیامبر آماده سازد.

ص: ۱۲۹

## حق

پس از غصب خلافت و موضع گیری آشکار حجاز علیه امام علی(ع)، ایشان با کمک صحابه صالح و با بهره گیری از روش تقیه و بر اساس پیش گویی های نبوی، در شهر کوفه را دل جریان باطل بنا کرد. سپس با مهاجرت اکثر قبایلیمنی علاقه مند تشیع به آنجا، اولین کانون تاریخی و اجتماعی تشیع را در کوفه بنیان نهاد. البته این کانون در این سال ها بیشتر عاطفی و احساسی بود و در همان کوفه هم در اقلیت اجتماعی و سیاسی قرار داشت.

## باطل

کودتای تاریخی جریان نفاق که با همکاری اهل کتاب و تازه مسلمانان مکه و دیگر قبایل عرب همراه بود، فرصتی تاریخی به کودتاگران داد تا ضمن مصادره همیشگی تاریخی جغرافیای حجاز برای خود، با آگاهی از پیش گویی های پیامبر درباره توسعه قریب الوقوع اسلام و با راه اندازی جریان فتوحات به جای اسلام راستین، اسلام تحریف شده شان را توسعه دهند. آنها با توسعه کمی باطل به نام اسلام، جلوی پیش بینی های نبوی درباره جغرافیای آینده حق در مناطق جدید و متعدد را گرفتند. در این راستا تلاش شد شام، کانون توجه آینده اسلام اموی باشد.

امام سجاد و امام باقر؟ عهم؟

## حق

عاشورا، مهم ترین درگیری تاریخی حق و باطل بود که سبب ایجاد مهم ترین کانون جغرافیایی و فرهنگی جبهه حق شد. پس از عاصورا، خط امامت با نومیدی از حجاز کوشید با سرمایه گذاری بر ارزش های عاصورا به جذب و احیای جغرافیاهای مستعد برای جبهه حق و پایه گذاری مستقل و مستحکم جامعه حق بپردازد. بدین ترتیب، در این دوران، کوفه و به تدریج، مناطقی از ایران آماده بنیان گذاری جامعه شیعی شدند.

## باطل

جغرافیای باطل در این سال ها بر دو گستره می چرخید: یکی، جغرافیای سیاسی که در شام بود و دیگری، جغرافیا و مدارس نوپای علمی و فکری که در سراسر جهان اسلام عربی در حال شکل گیری بودند. به سبب خشونت بیش از حد اسلام و جغرافیای سیاسی، تفرقه و تکثر در جریان باطل به وجود آمد و همین امر کم سبب ایجاد بحران در جریان باطل شد.

## حق

امام صادق(ع) در امتداد رسالت پدرانش و با استفاده تاریخی از بحران‌های سیاسی و جغرافیایی باطل تلاش کرد با راه اندازی موقت دانشگاه حق در مدینه با حضور شاگردانی که بیشتر کوفی و برخی ایرانی بودند، در فرصت به دست آمده، کوفه و کم کم قم (در ایران) را به جغرافیات تاریخی حق بر مبنای علم و فرهنگ تبدیل کند. همچنین با احیای کربلا و نجف و تأکید بر فرهنگ زیارت، جغرافیای زیارت را طراحی کرد. در مقابل تلاش باطل برای ایجاد بغداد نیز به طراحی جامعه شیعه بغداد پرداخت.

## باطل

اسلام سیاسی اموی در این سال‌ها چنان از درون فاسد شده بود که نه تنها جریان‌های خاکستری، بلکه جریان‌های سیاسی و فکری از داخل اسلام رسمی هم به شورش و قیام علیه آن برخاستند. سرانجام خلافت عباسی به جای امویان روی کار آمد. عباسیان پس از به قدرت رسیدن و در کم جغرافیاهای حق و باطل کوشیدند با انتقال کانون قدرت به بغداد، از جغرافیای باطل در برابر جغرافیای حق در حال گسترش تعریفی جدید ارائه دهند.

## امام کاظم تا امام حسن عسکری؟ عهم؟

## حق

در این دوران، دانشگاه مدینه تعطیل شده بود، دانشگاه کوفه و قم و حتی بغداد در جغرافیای منطقه، شروع به جذب و گسترش جغرافیای تدریجی حق با سلاح علم و فرهنگ و ایمان کردند. در این سال‌ها، مهاجرت امام زادگان در جغرافیای جهان اسلام و به ویژه ایران در کنار مهاجرت تاریخی اهل بیت معصوم به ایران و عراق سبب نهادینه شدن رسمی تشیع در ایران و عراق و دیگر مناطق جهان اسلام شد.

## باطل

خلافت عباسی پس از آشکار شدن چهره باطنی اش که سبب ریزش اکثریت جغرافیای ایرانیان همراه با آنها شد، تلاش کرد با جذب جریان‌های علمی و فرقه‌ای در همان جهان اسلام عربی و غیر عربی و حمایت فرقه‌های فقهی و کلامی به نظام سازی تاریخی و فکری و فرهنگی باطل در برابر مکتب رو به رشد تشیع پردازد.

با توجه به این مقایسه تطبیقی، جغرافیاهای اطلسی های حق و باطل مشخص می شود در دوران امام صادق(ع) با نگاه به گذشته و چشم انداز آینده، از جهت جغرافیایی، تحولات و مسائل و نکات جغرافیایی به اوچ می رسد؛ زیرا از یک سو، جریان تاریخی حق در حال



جامعه سازی تاریخی است و از سوی دیگر، جامعه و جریان باطل با درک ضرورت تغییر و خانه تکانی، دست به تغییر و تحولات جغرافیایی مهمی می‌زند.

بدین جهت، برای فهم و بررسی و پژوهش بیشتر محورها، سوژه‌ها و ایده‌های جغرافیایی دوران زندگانی امام صادق(ع)، این بحث در سه بخش سفید، سیاه و خاکستری، با محوریت نقشه خاورمیانه تحلیل اجتماعی و بررسی می‌شود که عبارتند از:

۱. اطلس جغرافیای سفید (حق)؛

۲. اطلس جغرافیای سیاه (باطل)؛

۳. اطلس جغرافیای خاکستری (مخلوطی از حق و باطل که از حق اکثری شروع، و به تدریج، رنگ حق تضعیف می‌شود).

جغرافیای سه گانه سفید، خاکستری و سیاه در زمان زندگانی امام صادق(ع)

سفید

دروان امام سجاد و امام باقر؟ عهم؟

امامان معصوم؟ عهم؟ با وجود محصور بودن در مدینه و مکه کوشیدند با برنامه های عرفانی و علمی، اولین گروه از جوانان متمایل به تشیع را جذب نموده و با تربیت نمودن آنها و بازگرداندنشان به کوفه، تشیع را در آنجا احیا کنند.

امامت زمان مروانیان

امام با یاری شاگردان پدر می‌کوشد بزرگ ترین دانشگاه علمی دوران امامت را در مدینه ایجاد کند. پس از بازگشت فارغ التحصیلان به کوفه، کم کم کوفه به پایگاه علمی و فرهنگی تشیع تبدیل شد. سپس از مدینه و کوفه به گسترش تدریجی و آرام تشیع در عراق و ایران به ویژه بغداد و قم پرداخت. البته قم هنوز جایگاه واقعی اش را نیافته بود، ولی امام برای آینده آن تبلیغات فرهنگی وسیعی می‌کرد.

امامت زمان عباسیان

ثبت خلافت عباسی سبب تعطیلی تدریجی مدرسه علمی امام در مدینه شد، ولی امام با تشکیل تدریجی سازمان و کالت و استفاده از سفرهای اجباری به عراق، به نظام سازی و انسجام بخشی جامعه شیعه در کوفه که مدل مبنا بود، یاری رساند و سپس در عراق، کانون و مرکز جغرافیایی تشیع، به احیای مزارهای نجف و کربلا و فرهنگ سازی مبتنی بر زیارت برای این جامعه جدید و در حال شکل‌گیری پرداخت. در آخرین مرحله، در برابر پایتخت سازی جدید عباسیان، به نفوذ دادن

شیعیان در جامعه و بدنۀ سیاسی باطل در مرکز جدید کوشید.

## حَاكَسْتِرِي

دروان امام سجاد و امام باقر؟ عهم؟

فشارهای گسترده مروانیان بر جامعه اسلامی، نارضایتی های اجتماعی حتی در میان علماء و فقهاء عراق و حجاز پدید آورد و آنها را آماده پیوستن به قیام های احتمالی کرد.

## امامت زمان مروانیان

در مواجهه با فساد و ظلم مروانیان و آمادگی بخشی از جامعه برای شورش، قیام زید و سپس فرزندش، زمینه ساز پیدایش خط سومی بین مروانیان و عباسیان با شعار مبهم دعوت به اهل بیت پیامبر شد این رویداد قشر فرهیخته جامعه عامه را به سوی آنها جذب کرد. البته این جریان به دلیل در اقلیت بودن و عمق نداشتن به نتیجه نرسید.

## امامت زمان عباسیان

خلافت عباسی پس از پیروزی تلاش کرد به جذب گسترده طبقات گوناگون جامعه اسلامی که اهلست بودند و دور ریختن شعارهای اهل بیتی، ضربه های سنگینی بر قیام های علوی وارد آورد. آخرین تلاش علیان در آغاز خلافت عباسی در حجاز و عراق متمن کرد، ولی شکست سریع آن ها، این جریان را به جست وجو در جغرافیاهای جدید وا داشت.

## سیاه

دروان امام سجاد و امام باقر؟ عهم؟

در این زمان، خلافت مروانی با مرکزیت شام در اوچ قدرت بود. بدین دلیل، مهم ترین تلاش جغرافیایی آن ضمن محصورسازی اهل بیت پیامبر در مدینه، پاک سازی خونین و گسترده جوامع و قبایل شیعیان متمایل به شیعه در عراق با مرکزیت کوفه بود. این جریان خشن و گسترده، اعتراض و همراهی تدریجی برخی جریان های علمی و فکری اهل سنت را علیه آنها به همراه داشت.

## امامت زمان مروانیان

فساد درونی خلفای مروانی و تضعیف آن ها، فرصتی تاریخی را در اختیار بنی عباس گذاشت که با سرمایه گذاری معنوی در مورد مسلمانان ایرانی به ویژه خراسانی، آنها را به سوی خود جذب کنند. (خراسان به دلیل دوری از شام و حجاز وجود زمینه ها و تمایلات به اهل بیت که ناشی از قیام زید بود) بدین گونه نزاع و جنگ داخلی شرق ( Abbasی ) و غرب ( مروانی ) اسلامی شروع شد که در نهایت به سقوط غرب و آغاز خلافت عباسیان با کمک ایرانیان انجامید.



خلافت عباسی در آغاز کوفه را مقر خود قرار داد، ولی خیلی زود متوجه شد که این شهر شیعی، ظرفیت پایتحتی آنها را ندارد. آنها هماهنگ با شرایط جدید در جغرافیای جدید خاورمیانه و در برابر تشیع رو به رشد و درک اهمیت منطقه شرق خاورمیانه، به ایجاد بغداد در مجاورت کوفه و ایران-دو جغرافیای مستعد برای تشیع- پرداختند. البته آنها نمی دانستند که در بغداد، جامعه شیعه در حال بنیان گذاری است.

## ۱. اطلس جغرافیای حق در دوران امام صادق(ع)

### اشاره

#### ۱. اطلس جغرافیای حق در دوران امام صادق(ع)

در دوران امام صادق(ع)، کانون فعالیت و تبلیغ و دعوت اهلیت، همچنان در مدینه بود. دلیل محدودیت اقامات، از یک سو، علاقه تاریخی اهلیت به مدینه النبیود و از سوی دیگر، ناشی از اقامات اجباری و ممنوعیت و محدودیت سفر به دیگر مناطق و جغرافیاها بود. خلیفه دوم این سیاست را پایه گذاشت و بر اساس آن، از سفر و هجرت اهلیت به دیگر مناطق، به جز سفر حج جلوگیری می کرد.

مدینه در این سال‌ها، همانند تمام دوران پس از رحلت پیامبر (بر خلاف تعهدات مردم با پیامبر در لیله العقبه، مبنی بر حمایت دائمیاز خاندانش)<sup>(۱)</sup> چندان میل و تعلقی به اهلیت پیامبر نداشت، ولی امام صادق(ع) چاره‌ای جز جذب و دعوت استعدادهای انسانی در مکه و مدینه نداشت. بدیهی است مهم ترین فرصت تاریخی امام برای جذب استعدادها، فرصت سالانه سفر حج بود. بدین جهت، در این سال‌ها، مهم ترین جغرافیای فعالیت امام، حد فاصل مکه و مدینه، آن هم در ماه‌های حج بود، امام پس از ماه‌های حج، برای تربیت یک ساله افراد جذب شده در مدینه (متزل یا مسجد پیامبر) می کوشید.

در مراسم حج، با وجود تمام پاکی و عصمت و علم غیب امام معصوم، به دلیل تبلیغات مسموم سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، محدودیت‌ها و مراقبت‌ها و همچنین وجود جریان‌های موازی فکری و علمی، بیشتر افرادی که جذب امام می شدند، افراد و جوانان کوفیووندند که

ص: ۱۳۴

۱- تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۱؛ رسول جعفریان، اطلس شیعه.

گرایش های شیعیداشتند یا از تازه مسلمانان ساکن کوفه بودند که کمتر عقاید باطل و اسلام اموی در آنها رسوخ کرده بود.

ازین رو، با تلاش ده ساله امام صادق(ع) (و البته در امتداد تلاش ده ساله آخر عمر پدرش، امام باقر(ع)) پس از فارغ التحصیلی و بازگشت شاگردان امام باقر و امام صادق، در کوفه، ابتدا در خانه بزرگان علمی شیعه و به هنگام تضعیف خلافت مروانی و والیان آنها در کوفه، دانشگاه شیعه در مسجد کوفه راه اندازیشد. سپس از کوفه به دیگر مناطق دارای گرایش های شیعی، در عراق، ایران و به ویژه قم -که به تازگی قبایل شیعیمنی الاصل ساکن کوفه آن را پایه گذاری و نوسازیکرده بودند- گسترش یافت. جغرافیای شیعه نه با سلاح و زور (همانند فتوحات خلفا) و با شعارهای فریبنده دعوتگران اعزامی همانند داعیان بنی عباس، بلکه با حضور شاگردان علمی اهلیت که بیشتر هم نسل اول و دوم آنها از جوانان همان منطقه زیست بوم خود بودند، گسترش یافت.

با این نگاه، به دلیل محدودیت قالب تصویر در این اثر، برای ترسیم نقشه های جغرافیایی، نخست فهرستی از ایده ها و سوژه های اطلسی جغرافیای سفید ارائه می شود. سپس برخی موارد را به صورت تلفیقی با نمودار خط زمانیشان می دهیم.

### الف) فهرست ایده های جغرافیای حق

الف) فهرست ایده های جغرافیای حق

- اطلس زندگانی شخصی حضرت

شامل تمامی مکان ها و محیط هایی است که در دایره زندگانی فردی و سیاسی و اجتماعی حضرت قرار می گیرد. حتی با توسعه بخشی ماورایی می تواند طی الارض ها (یا جغرافیاهای ماورایی) را هم شامل شود.

دست کمداire این جغرافیا در مدینه، دایره خانه امام، مسجد پیامبر، باغ ها یا زمین هایی است که محل کشاورزی امام یا میراث رسیده به آن حضرت یا موقوفه های امامان قبلیوده اند.

اطلس سفرهای امام از جمله سفر حج، شام و سفرهای عراق است. امام صادق(ع) در این دوره تاریخی و حساس، با بهره مندیاز ظرفیت های سفرهای تاریخی، به فرهنگ سازی و تاریخ سازیمکتب تشیع می پرداخت. نمونه آن، احیای غدیر و جغرافیای غدیر در ضمن سفر حج، احیای مزار امیرالمؤمنین علی(ع) و پایه گذاری شهر نجف، احیا و توسعه فرهنگ زیارت کربلا در ضمن سفر عراق یا احیای مقام ها و مکان های معنوی و تاریخی در کوفه به ویژه در مسجد کفه و مسجد سهلة است. از نکات مهم سفرهای زیارتی امام صادق(ع)، در مدت اقامتشان در کوفه و عراق، تلاش ایشان برای زیارت نجف یا کربلاست همراه یاران متعدد و متنوعشان است؛ به گونه ای که گزارش زیارت های امام صادق(ع) از مزارها در موارد بسیار از اصحاب گوناگون و همراه با آنها روایت شده است؛ کسانی همانند صفوان جمال، معلی بن خنیس، مفضل بن عمر، مبارک خباز، ابوالفرج سنّی، ابی العلاء طائی، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، یونس بن ظبیان و...).

#### - اطلس مدرسه علمی و شاگردان حضرت صادق(ع)

این اطلس شامل جغرافیای اماکنیاست که فرد یا افرادی از آنجا برای علم آموزی نزد امام آمده باشند. جغرافیایی که مراحل و ابعادی همانند اعزام شاگرد، بازگشت شاگرد، ایجاد مدرسه علمیا تحول اجتماعی برای جامعه شیعهمی تواند داشته باشد.

از دیگر زیرشاخه های این جغرافیا، دایره سفرهای علمیا مناظره ای شاگردان امام در جهان اسلام، برای تبلیغ تشیع یا مناظره با مدعیان علمی و فکریاست.

در این بخش، جدول و اطلس یاران و شاگردان ایرانی امام صادق(ع) از موارد بسیار جالب و مهم به شمار می رود.

این اطلس دو رویکرد کلی دارد: جغرافیای جامعه شیعه و جغرافیای سازمان و کالت که در حقیقت، همان رهبران اجتماعی جامعه شیعه و واسطه بدنی جامعه و امام معصوم بودند.

بررسینسبت پراکندگی این جامعه، تحولات درونی آن، ریزش ها و رویش ها در این جامعه، تعیین خاستگاه جغرافیایی بیشترین خاندان های شیعی، نسبت جامعه شیعه با دیگر جوامع خاکستریا سیاه، اطلس جوامع شیعی عرب و عجم و آمار کمی و کیفی هر یک از این جوامع از مباحث مهم این بخش به شمار می روند.

در این زمینه، اطلس گزارش های حدیثی ملاقات کنندگان امام از گسترده جغرافیایی دین اسلام که همراه با گرایش های شیعی است، می تواند بیانگر جغرافیای اولیه تشیع در سرزمین های دور باشد.

- اطلس مهاجرت قبایل شیعه یا شهرها و محله هایی با اکثریت مردم شیعی در حال پیدایش

مهاجرت قبایل شیعه، اعم از مهاجرت های اجباری مستقیم یا غیر مستقیم قبایل شیعی کوفه و عراق به ایران، پس از مهاجرت تاریخی آنها از یمن و شرق جزیره العرب در زمان خلفای ثلث به عراق.

- اطلس مهم پیش گویی های امام صادق(ع) (برای جغرافیای تشیع)

اما مان معصوم به واسطه علم غیبی شان، هماهنگ با شرایط زمانه، پیش گویی های غیبی نزدیک، میانه و دور از جهت زمانی انجام می دادند. زمانه امام صادق(ع) به دلیل گستردگی تحولات، اوج گیری مدرسه علمی امام و فراوانی احادیث، یکی از زمان های انتشار فراوان ترین احادیث پیش گویی در تاریخ اهلیت است. آن بخش از پیش گویی های نزدیک که معاصر با زندگانی حضرت است یا مربوط به سده اول زندگانی ایشان و پس از آن می شود، عبارت است از: پیش گویی شهادت زید و نفس زکیه، به خلافت رسیدن عباسیان، حرم حضرت معصومه؟ عها؟ در قم و نقش قم در آینده ایران، پیش بینی پیدایش حرم های اهل

### - اطلس سفرهای علمی و مناظره‌ای شاگردان مکتب جعفری

با ایجاد دانشگاه امام صادق(ع) در مدینه و جذب افراد گوناگون به آن، جغرافیای سفرهای علمی آنها یا جغرافیا و آمار نوسان جذب یا فارغ التحصیلی این دانشگاه یا بازتاب تحولات سیاسی اجتماعی بر این سفرها یا حضورها می‌تواند از موارد جالب جغرافیایی باشد.

برای نمونه، سفر امام صادق(ع) به کوفه در آغاز خلافت عباسیان سبب جذب هشام بن حکم، از اعضای فرقه‌های انحرافی، به مکتب تشیع و دانش آموزی کوتاه مدت او در محضر امام در کوفه شد. پس از بازگشت امام به مدینه، هشام با آگاه شدن از جولان دهی عمرو بن عبید معترلی، با استفاده از فضای باز زمان عباسیان، به بصره رفت و در مناظره‌ای تاریخی، او را در مسجد بصره رسوا کرد. هشام از آنجا عازم سفر حج شد و در مکه به محضر امام صادق(ع) رسید و امام در جمع اصحاب، او را بسیار ستود.

### - اطلس مقام‌های منسوب به امام صادق(ع)

همانند مقام‌های امام صادق(ع) در مسجد کوفه و مسجد سهلة و نیز در کربلا و نجف یا خانه امام صادق(ع) در مدینه، که در زمان غیبت صغرا، امام به برخی شیعیان سفارش‌فرموده بود در آن ساکن شوند و آنجا را از غربت و تنها‌یی در بیاورند.

## ۲. اطلس و جغرافیای سیاه

### اشاره

#### ۲. اطلس و جغرافیای سیاه

دوران امام صادق(ع) از جهت جغرافیا و اطلسِ جریان باطل و سیاه، یکی از حساس‌ترین دوران‌های تاریخی مضاف حق و باطل است؛ زیرا در جریان مستمر تاریخی باطل، تمام تلاش جریان باطل بر تصرف و تخریب یا تحریف جغرافیاهای حق به نفع خود بود. جریان باطل در آغاز پیدایش اسلام، حجاز را کانون خود قرار داده بود و البته از فلسطین هم غافل نبود، ولی

در آن زمان به آن، دسترس نداشت. پس از آن، ائتلاف جریان‌های باطل داخلی و خارجی‌لایف‌اصله برای مصادره حجاز به نفع باطل برنامه ریزی کردند.

با آغاز خلافت علوی، وقتی امام علی (ع) مرکز جریان حق را به کوفه منتقل کرد، پس از شکست تاریخی بصره در طرح فتنه انگیزی در برابر امام، دمشق و شام به کانون تاریخی باطل تبدیل شد. پس از آن، به مدت یک قرن، دمشق، کانون جغرافیایی باطل بود؛ زیرا این مکان اجتماعی نسبت به عراق و حجاز، از جهت فکری و نژادی، یک دست بود و در قبضه و اختیار کامل جریان اموی- مروانی‌قرار داشت. جریان باطل با تکیه بر دمشق و با کمک جریان‌های باطل مستقر در حجاز و عراق کوشید در حجاز، اهلیت را نابود یا محاصره کند و در عراق هم به مدت نیم قرن از امارت زیاد بن ابیه در سال ۵۰ هـ ق. تا پایان دوران یوسف بن عمر ثقیل در ۱۲۶ هـ ق، با حذف افت و خیزهای تاریخی و سیاسی، به سیاست شیعه کشی، تحقیر و تبعید و آزار آنها پرداخت.<sup>(۱)</sup>

در این زمان، یکی دیگر از سیاست‌های اجتماعی- جغرافیایی مهم، استمرار دو سیاست مهم خلیفه دوم بود؛ یعنی اجرای گسترده فتوحات برای مشغول کردن مسلمانان از جهت دغدغه و اولویت مهم اجتماعی و فرهنگی آنها و طبقه بندی نژادی بین عرب و غیر عرب به ویژه عجم و موالی که بیشترشان ایرانیان بودند. این تبعیض از نظر اجتماعی‌سبب رسمیت یافتن جزیه گرفتن حتی از عجم‌های مسلمان شد. همچنین آنها را از مناصب اجتماعی، سیاسی و دینی محروم می‌کرد و حتی ازدواج عجم با عرب ممنوع بود. از این رو، در جغرافیای جهان اسلام آن دوران، مربنی اجتماعی نهفته‌ای وجود داشت که همان مرز جغرافیای اسلام عربی و غیر عربی بود.<sup>(۲)</sup>

از دیگر جغرافیاهای مهم این دوران، ایجاد مدارس و جریان‌های علمی و فکری و فرقه ایدر جهان اسلام در برابر اهلیت بود. این وضعیت از نظر جغرافیایی و به واسطه تنوع اقلیم‌ها، از جهت جمعیتی و فکری و فرهنگی‌سبب ایجاد و رشد مدارس گوناگون شد.

ص: ۱۳۹

۱- در این زمینه نک: کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی ص ۲۹۷ و ۳۷۷ و ص ۳۷۹.

۲- تاریخ تشیع در ایران ج ۱ ص ۱۱۱ موالی و گرایشات مذهبی

بازتاب درازمدت این سه وضعیت (فشار سیاسی، تبعیض اجتماعی و فرقه سازی فکری) در جغرافیاهايی که از کانون قدرت باطل دور باشد، خیزش ها و شورش هایی را پدید آورد. ازین رو، در دو دهه پایانی خلافت مروانی، جغرافیای جدید قیام ها و شورش ها به وجود آمد که از جهت تنوع جغرافیایی و بازتاب های تاریخی و اجتماعی، زمینه فراوانی برای ایده یابی و سوزه شناسی دارد. این قیام ها سبب تضعیف جریان جغرافیای امویان شام و با کمک جغرافیای خراسانیان مسلمان، زمینه ساز به خلافت رسیدن عباسیان در مرکز خاورمیانه در عراق شد.

در نهایت، درگیری های شرق عباسی و غرب اموی به واسطه همراهی امواج عمومی جامعه اسلامی در همه جغرافیاهای گوناگون برای تحول و نوزایی در باطل (اسلام مکتب خلفا)، سرانجام به پیروزی عباسیان انجامید. آنها پس از پیروزی با درک این نکته که نمی توانند مرکزیت خلافتشان را در ایران عجم و دمشق امویها حجاز دور از مرکز جمعیتی خاورمیانه قرار دهند، کوشیدند همانند انتخاب امیرالمؤمنین علی(ع)، کوفه را پایتخت خود در مرکز خاورمیانه قرار دهند.

گستردگی جغرافیای تشیع در کوفه و اطرافش، آنها را به تدریج از کوفه به حیره در حومه آن و هاشمیه، کمی آن سو تر و در نهایت، به طراحی شهرینو بر مبنای شرایط جدید وادار کرد.<sup>(۱)</sup>

بغداد در مرکز سرزمین عراق و نزدیک به ایران، آسیای صغیر، قفقاز، شام و فلسطین با جذب سریع انواع طبقات و گروه های اجتماعی عامه (اهل سنت) و رهبران فرقه های گوناگون آنها از کوفه، بصره، حجاز، دمشق و ایران، به کانون اول، از نظر جمعیت، سیاست، اجتماع و اندیشه خلافت عباسی تبدیل شد و تا پنج قرن، مرکز جغرافیایی جهان اسلام بود.

با توجه به این مباحث، عنوان برخی ایده های جغرافیایی سیاه چنین است:

ص: ۱۴۰

---

۱- کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی ص ۴۰۳ و ۴۰۹.

## - جغرافیای جهان اسلام و جغرافیای فتوحات

### - جغرافیای جهان اسلام و جغرافیای فتوحات

جهان اسلام در زمان امامت امام صادق(ع). دوران مروانیان (به جز ده سال آخر هم زمان بود، بسیار گسترش یافت و اندلس، تمام ماوراءالنهر و سرزمین سند، فتح شد. سرانجام این تحولات در شرق به زیان مروانیان و در غرب به سود آنها تمام شد؛ زیرا در شرق به دلیل اثر گذاری فرنگ و تمدن ایرانی و تحمل نکردن ظلم مروانیان، بی درنگ به کانون قیام‌ها یا پذیرش دعوت عباسیان علیه مروانیان تبدیل می‌شد. در مقابل، غرب به ویژه اندلس، به دلیل دوری از پیکره اصلی جهان اسلام و نداشتن نقل و انتقال گسترده جمعیتی مسلمانان به آنجا و پس از سقوط مروانیان، به کانون جدید خلافت اموی در باخته دور تبدیل گشت.

این اطلس از نظر گسترش کمی جغرافیای اسلامی و بازتاب‌های آن در جغرافیای سفید و خاکستری‌همیت دارد.

## - جغرافیای استان‌ها و تقسیم‌های سیاسی جهان اسلام

### - جغرافیای استان‌ها و تقسیم‌های سیاسی جهان اسلام

این تقسیم‌بندی از نظر تقسیم‌بندی‌های سیاسی و اجتماعی و نوع انتخاب استانداران و بازتاب آن در جهان تشیع مهم است. (به ویژه برخی مناطق که جوامع فراوان شیعی داشتند یا والیانی با گرایش‌های علوی برای آن انتخاب می‌شد؛ همانند نجاشی والی اهواز).

## - اطلس تحولات و مهاجرت‌های بزرگ جمعیتی

### - اطلس تحولات و مهاجرت‌های بزرگ جمعیتی

در دوره مروانیان با وجود فتوحات، جهت مهاجرت اجتماعی، از مرکز عربی جهان اسلام به سمت مرزهای شرقی و غربی‌بود، ولی با شورش‌ها و آغاز مبارزات عباسیان، روندی معکوس و ایرانی از نقل و انتقال و مهاجرت‌های جمعیتی در جهان اسلام رخ داد و گروه بسیاریاز ایرانیان به بین النهرين منتقل شدند. از هم چنین، این روند، مرزبندی جمعیتی عرب و عجم را از بین برد و تقسیم‌بندی استان‌ها را تغییر داد و در نهایت، تحولات جمعیتی مناسیبها به سوی جبهه حق پدید آورد.

## - جغرافیای فکری و فرهنگی و اطلس مدارس علمی فقهی و کلامی در جهان اسلام

### - جغرافیای فکری و فرهنگی و اطلس مدارس علمی فقهی و کلامی در جهان اسلام

با غصب خلافت و مرجعیت بخشی علمی برای همه صحابه و پراکنده‌گیانها در جهان اسلام در زمان خلیفه دوم، زمینه‌های ایجاد تکثر و تعدد در مکتب توحیدی اسلام و فرقه سازی‌های گوناگون در برابر مکتب حق فراهم شد. هر چه زمان پیش رفت، با ورود افکار و آثار فرقه‌های غیر اسلامی در جامعه اسلامی، روند این فرقه سازی بسیار گسترش یافت. از این‌رو، جغرافیای پیدایش و گسترش فرقه‌های فقهی، کلامی و تصوف در جهان عامه و نسبت آن با جغرافیای حق، اطلسی مهم است. در این زمینه، اطلس مهاجرت موقت علمای عراقی و فرار آنها از ولایت عراق به حجاز، پیدایش بغداد و مهاجرت تاریخی آنها به بغداد، نوع مواجهه آنها با قیام‌های زیدیها نوع واکنش آنها در درگیری‌های عباسی - اموی از دیگر موارد این جغرافیا می‌تواند باشد. در این زمینه، جغرافیای ادیان بزرگ در مزهای جهان اسلام و بازتاب آنها بر فرقه سازی‌های انحرافی نیز جالب است؛ همانند اثرگذاری مستقیم یا غیر مستقیم عرفان هندی و مسیحی بر تصوف، بودیسم و مانویت بر زنادقه، یهود بر فرقه‌های کلامی عامه و نهضت ترجمه آثار یونان و اسکندریه.

### - اطلس بازتاب خلافت عباسی بر تغییرات سیاسی، اجتماعی و فکری جهان اسلام

#### - اطلس بازتاب خلافت عباسی بر تغییرات سیاسی، اجتماعی و فکری جهان اسلام

این اطلس در امتداد دو اطلس یاد شده است و به مقایسه دو دوران اموی و عباسی بر جهان اسلام، از نظر جغرافیای سیاسی، فکری و فرهنگی و اجتماعی و بازتاب‌های آن تا امروز می‌پردازد.

### - اطلس پایتخت‌های سیاسی و مراکز فکری و اجتماعی آن دوران

#### - اطلس پایتخت‌های سیاسی و مراکز فکری و اجتماعی آن دوران

زیر فصل‌ها

### - اطلس جنگ‌ها، قیام‌ها و شورش‌ها

#### - اطلس جنگ‌ها، قیام‌ها و شورش‌ها

شامل همه جنگ‌های فتوحات، شورش‌های داخلی، به جز قیام‌های علویان و مراحل درگیری عباسیان و امویان، از آغاز تا سرنگونی مروانیان است. مجموعه قیام‌ها صورت گرفته ایران به خون خواهی از ابو‌مسلم خراسانی نیز شامل این مورد می‌شود.

## ۳. اطلس و جغرافیای خاکستری

دوران امام صادق(ع)، زمان پیدایش تدریجی قیام های علویان و جریان فکری و سیاسی زیدیه است. کانون پیدایش رهبران این جریان به دلیل ریشه های علوی اش، از نظر اجتماعی، فکری، فرهنگی و جغرافیایی، حجاز و مدینه است. چون حجاز با خطوط فکری منشعب از تفکر اهلیت‌ها نبود، کم کم کانون جغرافیایی این جنبش ها و جریان ها به شمال (عراق)، جنوب (یمن)، شرق (بحرین بزرگ) و غرب (مصر و شمال آفریقا) جزیره العرب منتقل شد. البته روند این انتقال، یعنی از اولین قیام ها تا پیدایش اولین فرقه ها و دولت های زیدیها اسماعیلی، دو سده طول کشید.

به هر حال، در آن سال ها، از جهت جغرافیایی، به دلیل وجود نارضایتی های فراگیر در بدن فکری و روشنگری اهل سنت و ایجاد بحران و نارضایتی از خلافت مروانیان که کم کم موجب از دست رفتن مشروعيت سیاسی- فکری آنها نزد علمای عامه شد، در مراکز جغرافیایی فکری اهل سنت، زمینه هایی برای همکاری اولیه بین قیام های علویان و رهبران سیاسی و فکری و فقهی عامه فراهم آمد. در سده اول، قیام علویان و پس از اعلام جدایی رسمی جامعه شیعه از این قیام ها، ائتلافی نانوشه بین علویان و علمای عامه ایجاد شد. از این رو، جغرافیای خاکستری در سده اول که معاصر امام صادق(ع) است، کانون خیش هایش حجاز و عراق بود. بنابراین، یکی از معضلهای تاریخی از نظر سیاسی و حتی فکری و اجتماعی برای جامعه شیعه، رخدادن همین قیام های علوی است؛ زیرا یکی از دغدغه های مهم امام صادق(ع)، مراقبت و هدایت دشوار جامعه شیعه در مرز آزارها و خشونت های مروانیان و عباسیان، از سویی و خیش ها و قیام های شتاب زده و بدون طرح و برنامه و پر حاشیه علویان، از سوی دیگر بود.

نمونه ای از اطلس های جغرافیایی- تاریخی این بخش چنین است:

-اطلس قیام های علویان در دوره مروانیان (شامل مسیر سفرهای زید از مدینه به شام تا کوفه یا مسیر سفرهایی حیی بن زید یا مراحل قیام عبدالله بن معاویه در عراق و ایران)

- اطلس قیام های علویان در دوره عباسیان (معاصر با امام صادق(ع))

- اطلس و آمار و محل شهادت علویان در دوره عباسیان

- اطلسمهاجرت علویان و امام زادگان به جهان اسلام، به ویژه ایران

### نکته پایانی

نکته پایانی

در جمع بندی بحث جغرافیا و اطلس و بازشناسی این شیوه از پژوهش های تاریخی و اجتماعی همچنین فهم بهتر زندگانی و رهبری تاریخی امام صادق(ع) برای جامعه شیعه، همین بس که جغرافیا و جامعه شیعه، در آغاز و پایان امامت آن حضرت مقایسه شود. بنابراین، جبهه حق برخلاف جبهه باطل، ضمن دوری از هرگونه تبلیغات فوینده و تزویر یا فشار زور و خفغان یا مصلحت سنجی ائتلاف ها و باج دهی های سیاسی و اجتماعی، تنها بر مبنای اراده ها و انتخاب آگاهانه بخشی از جامعه که حق طلب، عدالت خواه و سعادت جوست، به جذب و تربیت اراده های انسانی پرداخت. سپس با یاری آنها به گسترش کمی و کیفی جامعه حق مبنی بر تبلیغ ارزش ها و بینش های تفکر شیعیدست یازید.

از نکات جالبی که تشیع در زمان امام صادق(ع) از آن بهره مند می شود، رویکرد بسیار غنی و اثرگذار عاطفی و احساسی تشیع مبنی بر ارزش های عاشورایی، البته هماهنگ با عقل، شریعت، فطرت و به دور از تحریف و انحراف است که در آینده تاریخ، یکی از عوامل گسترش اولیه تشیع در جغرافیای اسلامی و غیر اسلامی است. به این ترتیب، نقطه ورود تشیع، این جلوه های عاطفی و احساسی بود و به دنبال آن، رویکردهای رفتاری و اجتماعی و سپس رویکردهای علمی و دانش های دینیه جوامع جدید وارد شد.

این روند تاریخی و اجتماعی در گسترش جغرافیای تشیع، آن هم به تدریج، درست عکس قیام ها یا کودتا های سریع جریان های سیاه و خاکستری است که ابتدا به قبضه کردن سیاست و جامعه می پرداختند و سپس به فکر فرهنگ سازی و نظریه پردازی می افتادند. چون در این زمینه پشتوانه لازم را نداشتند، کم کم افول می کردند. در این میان، جریان تاریخی مکتب

جعفری

صف: ۱۴۴

تشیع در طول تاریخ و عرض جغرافیا، پیوسته رو به رشد است.

### فصل سوم: امام صادق(ع) و طراحی سبک زندگی شیعی

#### اشاره

ص:۱۴۵



### سبک زندگی، چیستی و جایگاه آن

ضرورت بحث سبک زندگی در زندگی امام صادق(ع)

چگونگی سبک سازی امام صادق(ع)

### سبک زندگی، چیستی و جایگاه آن

سبک زندگی، چیستی و جایگاه آن

سبک زندگی که در زبان انگلیسی life style نامیده می شود، از مفاهیم تازه ای است که پژوهشگران حوزه جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان واقعیت های فرهنگی زندگی انسانی به کار می برند. این مفهوم در حوزه مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش های هر فرد گفته می شود که معطوف به ابعاد هنجاری و معانی زندگی اجتماعی نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش های فرد است. به بیان دیگر، سبک زندگی نشان دهنده ماهیت و محتوای خاص تعامل ها و کنش های انسان در هر جامعه و اغراض و معانی و تفاسیر فرد در جریان زندگی روزانه است.<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۴۷

---

۱- هدف و معنای زندگی، محمد منصور نژاد ص ۱۱؛ سبک زندگی، نعمت الله فاضلی ص ۷۹.

مفهوم سبک زندگی به معنای پیروی کردن از ره یافته در زندگی است؛ مثلاً هنگامی که برای فردی مهم باشد که مانند شخص خاصی باشد و کارهای روزمره خود را همانند او انجام دهد یا نظام زندگی اش را شکل دهد. از سویی دیگر، سبکی شدن زندگی با شکل گیری فرهنگ مردم رابطه‌ای نزدیک دارد.

بنابراین، سبک زندگی نظامیتر کیب یافته از باورها، ارزش‌ها و رفتارهای است. بدین معنا که با مطالعه سبک زندگی؛ یعنی شیوه زندگانی روزمره افراد یک جامعه، به پشتونه فرهنگی و ارزشی این سبک‌ها می‌توان پی‌برد.

مفهوم سبک زندگی از مفاهیم جدید است، اما از گذشته، حقیقت آن - که برابر با اخلاق عملیاً فقه زندگی است - مهم ترین دغدغه ادیان و مکاتب بشری بوده است؛ زیرا بشر با درک محدودیت عمر و زندگانی و ابعاد وجودی‌خود و روابط گسترده خود با ملک و ملکوت، (جهان غیب و شهود، آشکار و پنهان) همواره بر آن بوده است که در محدوده زندگانی خود بهترین و بیشترین دستاوردها را داشته باشد. مهم ترین پرسش‌های مشترک انسان‌ها، از درباره فطرت، چیستی و چگونگی زندگی بوده است و به تعداد پاسخ‌ها در ادیان و مکاتب و فرقه‌ها شیوه‌ها و الگوهای زندگی را می‌توان دید.

موضوع سبک زندگی در جهان مدرن و معاصر چنان جایگاهیافته که به یکی از موارد مهم جنگ نرم یا تهاجم فرهنگی تبدیل شده است؛ زیرا امروز برای تسخیر ملت‌ها و کشورها به جای اشغال نظامی، با تغییر سبک زندگی آنان، می‌توان با کم ترین هزینه سبب وابستگی آن کشورها به قدرت‌های بزرگ شد. بدین سبب، امروزه سلاح تهاجم فرهنگی در حوزه سبک زندگی، «جنگ بدون خون‌ریزی و همراه با اثرگذاری بلندمدت» نام‌گرفته است.

### ضرورت بحث سبک زندگی در زندگی امام صادق(ع)

ضرورت بحث سبک زندگی در زندگی امام صادق(ع)

نقش و جایگاه تاریخی امام صادق(ع) در سیر تاریخی جبهه حق، چنان برجسته است که امتداد تاریخی جبهه حق است، از زمان آن حضرت تشیع جعفریا مکتب جعفری نامیده

می شود. تأثیر آن حضرت از جنبه های سیاسی، اقتصادیاً اجتماعی نیست، بلکه از جنبه فکریو فرهنگی است. پرسش اساسی این است که چگونه این رسالت تاریخی-فرهنگی موجب پیدایش تشیع عفریشد؟

همواره ادوار تاریخی مکتب حق، ریزش های فراوانیداشته است. مهم ترین علت این ریزش ها، وابستگی نوایمانان به شیوه های باطل پیشین و نبود آمادگی برای تحول خالصانه و کامل در مسیر حق و پذیرش شیوه متعالیان برای نظام زندگی بوده است. این مسئله، به ویژه در تاریخ یهود دیده می شود که به سبب چند قرن زندگی در مصر و اثر پذیری مستقیم و غیر مستقیم از نظام فرهنگی و ارزشیگذشته مصر، شیوه زندگی آنان به شیوه ای در هم آمیخته از حق و باطل تبدیل شده بود. این شیوه التقاطی به مدت هزار سال سبب زحمت تاریخی انبیای آسمانی، از حضرت موسی تا حضرت عیسی، برای راهنمایی آنان به سبک و نظام زندگی توحیدی شد. سرانجام پافشاری آنان بر آن سبک التقاطی سبب شد سنت تحويل و تبدیل اعمال شود و جریان تاریخی حق از یهود به جزیره‌العرب منتقال یابد.

در جزیره‌العرب نیز که در گرداب جاهلیت فرو رفته بود، تلاش‌های ۲۳ ساله پیامبر در اولین گام خود، تغییر سبک و نظام زندگی جاهلی به شیوه اسلامی بود، ولی ائتلاف نظام‌ها و سبک‌های مشرکانه، منافقانه و اهل کتاب، سرانجام به غصب خلافت پس از رحلت پیامبر منجر شد.

تحلیل تاریخی و فرهنگی غصب خلافت از منظر بازشناسی سبک و نظام زندگی، نشان می دهد که غاصبان خلافت نظام و شیوه زندگی توحیدی خالصانه را بر نمی تاقنند که حق تعالی در بالاترین جایگاه آن و مبنای نظام زندگی بیشتر پایه قرآن و عترت پیامبر است؛ عترتی که خانه هایشان محل نزول وحی و کانون نور و زندگانی است.

غصب خلافت پیامبر؛ یعنی نفی و طرد شیوه زندگانی توحیدی اهلیت عصمت و طهارت پیامبر، و در برابر آن، طراحی سبکی نو که در ظاهر، اسلامی و در باطن، التقاطی است. از رحلت پیامبر تا حادثه عاشورا، تلاش تاریخی معصومان برای احیایشیوه زندگانی توحیدیدر جهان اسلام بود. حادثه عاشورا مرزبندی نهایی و همیشگیرا میان دو جریان اسلام

توحیدی اهلیت پیامبر و اسلام التقاطی ایجاد کرد. پس از عاشورا تا زمان امام صادق(ع)، امامان در محاصره و محدودیت بودند و فرصت احیای این شیوه توحیدی را نیافتند.

امام صادق(ع) با فرصت شناسی تاریخی، به احیا و بازسازی سبک و نظام زندگی توحیدی بر مبنای دانش و ایمان و اخلاقی و فرهنگ آسمانی می پردازد. تشیع پیش از امام صادق(ع)، نزد خواص شیعه، سبک و نظام داشت، اما این سبک و نظام که امتداد سبک و نظام زندگانی خواص صحابه پیامبر بود، در قبایل و گروه های مدعی تشیع نهادینه نشده بود. به ویژه، در شهر کوفه که کانون عمدۀ تجمع قبایل شیعی بود، نام تشیع بیشتر اسمیا اعتقادی و ایمانی بود. این اعتقاد در برخی از حوزه های فقهی و شعایر دینی، تعریف و حدود و ثغور داشت، ولی به فرهنگ عمومی تبدیل نشده بود و جامعه ای به نام جامعه شیعه بیرون از ساختار قبیله ای و احساسی و هیجانی شکل نگرفته بود.

در زمان امامت امام صادق(ع) و به یاری مدرسه علمی باقرین با حدود چهار هزار شاگرد و طالب علم و ارتباط نزدیک و گسترده و پیوسته شیعه با امام، فرستیتاریخی برای بنیان گذاری تشیع در قالب مکتب، فرهنگ و ایجاد نظام اجتماعی توحیدی فراهم شد. از این تاریخ به بعد، شیعه دارای مکتب، جامعه، هویت و نظام های ارزشی، فرهنگی و اجتماعی مستقل می شود.

مطالعه گزاره ها و روایت های تاریخی، اهتمام امام صادق(ع) را به انتقال و تحول تشیع از وضعیت احساسیو ساختار قبیله ای به وضعیت تشكل یافته اجتماعی دارای نظام و سبک و ساختار تعریف شده نشان می دهد.

برایمنونه، وقتی امام صادق(ع) از مفضل بن قیس، تعداد شیعیان کوفه را می پرسد، او می گوید: آنان نزدیک به پنجاه هزار نفر هستند. امام می فرماید: هر آینه دوست داشتم در کوفه ۲۵ نفر آن گونه وجود می داشتند که حق معرفت ما را به گونه ای بدانند که ما می دانیم تا از ما جز حق نگویند.<sup>(۱)</sup> همچنین مردی خراسانی نزد امام آمد و از ایشان خواست قیام کنند، با این

۰۲/۰۲/۱۳۹۷:۳۰ ب.ظ. ۰۲/۰۲/۱۳۹۷:۳۰ ب.ظ. ۰۲/۰۲/۱۳۹۷:۳۰ ب.ظ.

ص: ۱۵۰

۱- بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۵۸.

استدلال که در خراسان هزاران نفر آماده‌پیکار در رکاب حضرت هستند، ولیامام از او می‌خواهد که داخل تنور رود. او برای رفتن داخل تنور تردید کرد. در این هنگام، یکی از یاران تربیت شده امام به نام هارون مُکیوارد شد. او به اشاره امام داخل تنور رفت. امام از خراسانیمی پرسد که در خراسان چند نفر شیعه همانند این مرد هستند؟ او می‌گوید: هیچ.<sup>(۱)</sup>

این موارد بیانگر به چالش کشیدن ادعاهای شیعیان آن زمان به وسیله امام است. در برابر، امام پس از تربیت شاگردان عالم و فرهیخته خود، آنان را به بازگشت به قبایل شیعه و تبلیغ در میان ایشان، به ویژه جوانان شیعه، فرا می‌خواند و اصرار دارد این رهبران علمی و فکری، مراقب نفوذ سبک زندگی (ارزشی و رفتاری) التقاطی جوانان شیعه‌باشند که متأثر از فرقه‌هایی همانند مرجحه یا زیدیه بودند. این بدان معناست که از آن زمان و تحت رهبری امام و شاگردانش، مکتب و جامعه، شیعه که آئینه تمام نمای تاریخی حق است، باید دارای نظام و سبک و حدود و ثغور خود باشد.

### چگونگی سبک سازی امام صادق(ع)

#### اشاره

### چگونگی سبک سازی امام صادق(ع)

پیدایش تشیع در زمان پیامبر و در دو کانون جغرافیایی ریشه دارد که عبارتند از مدینه و یمن. در مدینه که اقلیتی از خواص اصحاب پیامبر کانون صحابه شیعی را تشکیل می‌دادند، کسانی چون سلمان و ابوذر و مقداد و عمار افرادی تربیت شده و دارای هویت شیعی خالص بودند، ولی به دلیل اقلیت بودن و شکل نگرفتن نظام اجتماعی بر محوریت آنان، جامعه‌ای شیعی شکل نگرفت.

دو میان کانون شیعی‌بنی قبایل عرب جنوب جزیره‌العرب. ساکن یمن، تا حدودی متأثر از فرهنگ و تمدن عربی- ایرانی بودند. آنان در سال نهم و دهم ه.ق، در پیدو سفر تاریخی امیر المؤمنین، علی(ع) به یمن که به سفارش پیامبر بود، به دست آن حضرت اسلام آورده بودند. بنابراین، اسلام آنان رنگ و بوی علوی و اهلیتی داشت.<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۵۱

۱- بخار الانوار، ج ۴۸، ص ۷۹.

۲- نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت، اصغر منتظر القائم ص ۱۳۱.

پس از رحلت پیامبر، غصب خلافت سبب شد جهان اسلام جز اقلیتی از خواص صحابه، اسلام غیر اهلیتی و نظام اجتماعی- سیاسیو شیوه زندگی آن را پذیرند. پس از مدتی، دستگاه خلافت برای تأمین نیروهای نظامی خود در جریان فتوحات در شمال غرب و شمال شرق جزیره‌العرب، ناچار به کوچاندن گسترده قبایل سراسر جزیره‌العرب به مرزهای شمالی و آن گاه ساخت شهرهای جدید برای اسکان آنان در مرزهای سرزمین‌های فتح شده شد. در سال ۱۷ ه.ق، شهرهای بصره و کوفه در جنوب و مرکز بین النهرین ایجاد شدند.

مکان یابی و تعیین منطقه کوفه بر عهده سلمان فارسی و حذیفه،<sup>(۱)</sup> دو صحابه شیعی، بود.\* پس از اسکان قبایل عرب در این دو شهر، بیشتر قبایل یمن که گرایش‌های شیعیداشتند (احتمالاً با تدبیر کسانی چون مالک اشتر و کمیل بن زیاد و دیگر یاران شیعی امیرالمؤمنین علی(ع)) ساکن کوفه شدند.

در دوران خلافت خلفا، سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی خلفا مبنی بر منع دانش اندوزی و حدیث آموزی بود. بدین سبب، یاران و خواص اصحاب امیرالمؤمنین برای ارتقای معرفتی و رفتاری و فرهنگی قبایل شیعی فرصت کافی نیافتند و تنها توانستند اصل اعتقاد آنان را حفظ کنند. البته این قبایل شیعی در دوران خلافت کوتاه مدت امیرالمؤمنین علی(ع)، مهم ترین بخش از یاران و سپاهیان حضرت در جنگ‌هایش بودند.

پس از شهادت امام علی(ع) و صلح امام حسن(ع)، معاویه بسیار کوشید تا این بافت قبایل شیعی کوفه -که در کوفه جزو اقلیت، اما اقلیتی‌هم بودند- از بین ببرد. بنابراین سیاست تبعید و کوچ اجباری آنان را به ایران یا شمال عراق در پیش گرفت و تعدادی از رهبران شیعه را کشت و شماری را نیز زندانیا تبعید کرد. این وضعیت ضربه‌ای بزرگ به جامعه شیعه زد و

ص: ۱۵۲

---

۱- تاریخ طبریج ۴ ص ۴۲ .

سبب شد از اواخر دوران معاویه تا نزدیک دوران امام باقر(ع)، جامعه شیعه کوفه از تشیع آگاهانه به تشیع احساسی و عاطفی و بعضاً مستقل و خودرأی تبدیل شود و رهبری این جامعه به جای افراد خالص و فرهیخته در تشیع، همانند مالک اشتر، به افراد متزلزل و خودرأی برسرد. این اوضاع از یک سو، سبب دور ماندن مدعيان تشیع از قیام عاشورا و از سوی دیگر، پس از عاشورا، موجب قیام های خودجوش بدون کسب اجازه از مقام عصمت و امامت شد؛ جریانیکه بازتاب آن، به حکومت رسیدن حاجج در عراق و تحقق سیاه ترین دوره تاریخی برای جامعه شیعه عراق بود.

بنابراین، جامعه شیعه در زمان امام باقر(ع)، به قبایل مدعی تشیع در کوفه محدود بود. آنان رهبران فکری و اجتماعی مقتدر و فهمیده ای نداشتند و به تنگ آمده از فشارهای سیاسی- اجتماعی، گراینده به قیام یا جذب مدعيان قیام، همانند کیسانیه و زیدیه و... بودند.

بنابراین، جامعه شیعه کوفه در آستانه دوران باقرین؟ عهم؟، از سوی جامعه ای عمدتاً اسمیو پیوسته در معرض تحیریک جریان های هیجانبرانگی قیام بود که باعث ریزش های فراوان و انشعاب های داخلی در تشیع می شد، و از سوی دیگر، ساختاریقیله ای، ولیدون رهبرانیمدیر و مدبر و آگاه و بصیر داشت.<sup>(۱)</sup>

در این دوران، امام باقر(ع) و در اوج خود امام صادق(ع)، با اجرای طرح جذب جوانان مستعد از عرب و غیر عرب- مانند زراره و خاندان علمی او، اعم از برادران، فرزندان و برادرزادگان که در اصل از بزرگان رومی بودند- در تربیت علمی و اخلاقی آنان کوشیدند. این دوران در تاریخ تشیع و حتی تاریخ اسلام، اولین دورانی است که برنامه اصلی امامان، ایجاد مدرسه علمیو آموزش و تربیت شاگردان به صورت تخصصی و پیوسته، طی چندین سال است. برای نمونه، محمد بن مسلم، چهار سال در کوفه می ماند و به حدیث آموزی از امام باقر و امام صادق؟ عهم؟ می پردازد.<sup>(۲)</sup>

البته باقرین؟ عهم؟ در این دوره تنها به آموزش نمی پرداختند، بلکه به پرورش شاگردان و

صفحه ۱۵۳

۱- به نقل طبری، این دو از طرف خلیفه مأمور یافتن مکان مناسبی در غرب رود فرات برای اسکان اعراب بودند، ولی به سبب تشیع آن دو و نیز صاحب سرّ بودنشان نزد پیامبر و امیرالمؤمنین و پیش گویی هایی که از آنان درباره سرزمین کوفه شنیده بودند، می توان ادعا کرد انتخاب کوفه با مدیریت پنهانی اهل بیت، برای ایجاد یکی از شهرهای مهم و تاریخی و مقدس در آینده تاریخ اسلام همراه بود.

۲- کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی / ۳۲۰ و ص ۴۷۰.

نظام بخشی به زندگی فردی‌آنان بر اساس الگوی حق نیز اهتمام داشتند و می‌کوشیدند الگوهای عینی و مجسم از تعالیم اهلیت؟ عهم؟، همراه با تخصص و دانش باشند.

این شاگردان پس از دانش آموختن، به سفارش امام به کوفه باز می‌گشتند. به قرینه سفارش امام به برخی از آنان که در مسجد کوفه به نشر احادیث بپردازند یا به قرینه آنکه امام شیعیان کوفه را به برخی از شاگردان کوفی خود ارجاع می‌دادند. امام از آنان می‌خواست با راه اندازی کلاس‌های درس در قبایل شیعه، به تدریج موجی از تحول علمی و فرهنگی و تربیتی در جامعه شیعه بر پا کنند.<sup>(۱)</sup>

بر اساس این طرح، جامعه شیعه - به طور عمدۀ در کوفه - باید از ساختار قبیله‌ای به جامعه ایمانی شیعه تبدیل شود. البته قبیله و روابط خویشاوندی نمی‌شد، بلکه تحت الشعاع ارزش‌های ایمانی قرار می‌گرفت. در نتیجه، امام به تدریج با یاران و شاگردان تربیت شده خود می‌کوشیدند برای جامعه شیعه کوفه، نظامی کامل و جامع از بینش، ارزش و منش طراحی کنند و همواره مراقب نفوذ فرهنگ‌یا خرده فرهنگ‌های مهاجم به این جامعه باشند، به ویژه آنکه کوفه در آن سال‌ها نه تنها کانون تشیع، بلکه کانون جریان‌های گوناگون سیاسی (زیدیه و عباسیان)، فقهی (مکتب اهل رأی)، کلامی (مرجعه)، اخلاقی (صوفیه) و جریان‌های افراطی شیعه (غالیان) بود؛ جریان‌هایی که هر از چند گاه با ایجاد هیجان اجتماعی به فرهنگ‌یا تفکر شیعی هجوم می‌بردند، اما امام با مدیریت درست، به شدت مراقب اوضاع بود و می‌کوشید جامعه و تفکر و فرهنگ و مکتب تشیع از خطر آمیختگی و انحراف و تحریف در امان ماند.

امام صادق(ع) که در اوچ این دوره مکتب سازی قرار داشت، برای تحقیق جریان صحیح مکتب سازی جامعه حق، این مراحل را پیمود:

۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳

## دوره اول و آغازین امامت در دوره اقتدار مروانیان

دوره اول و آغازین امامت در دوره اقتدار مروانیان

امام با امتداد و گستردن برنامه شاگردپروری پدرش امام باقر(ع)، سعی در نهادینه کردن فرهنگ

ص: ۱۵۴

۱- موسوعه طبقات الفقهاء آیه... سبحانی / ج ۲ ص ۵۲۲

دانش اندوزی در جامعه شیعه و محور قرار دادن آن در نظام و ساختار اجتماعی شیعه داشت.

## دوره دوم امامت هم زمان با افول خلافت مروانیان

### دوره دوم امامت هم زمان با افول خلافت مروانیان

امام با فعال سازی نیروهای تربیت شده در مناطق شیعه نشین و به ویژه در کوفه، برای تبدیل و تحول ساختار اجتماعی شیعه از ساختار قبیله‌ای به ساختار جامعه ایمانی دانش محور می‌کوشید. در این دوران به سبب امکان سفرهای حج گسترده شیعیان به مدینه و ارتباط مستقیم آنان با امام، آن حضرت برای القای مرجعیت و رهبری دینی و اجتماعی شاگردان علمی خود به جامعه شیعه و نهادینه کردن آن نیز تلاش کرد.

## دوره سوم امامت هم زمان با خلافت تازه تأسیس عباسی

### دوره سوم امامت هم زمان با خلافت تازه تأسیس عباسی

به برکت سفرهای اجباری امام به عراق و کوفه، آن حضرت با حضور مستقیم در مرکز تشیع، ضمن آسیب شناسی و رسیدگی مستقیم به جامعه نوپا و در حال شکل گیری شیعه، اقدام به فرهنگ سازی برای جامعه شیعه کرد که محور عمده آن فرهنگ زیارت و انتظار است. در تاریخ امامان شیعه، کسی همانند امام صادق(ع)، فرصت زیارت حضوری مزار نبوی و علوی و حسینی در مدینه و نجف و کربلا و فرهنگ سازی برای آن را نیافته است.

با زتاب مراحل یاد شده، تبدیل جامعه شیعه از جامعه ای احساسی و اسمی صرف به جامعه ای علمی، فرهنگی و دارای هویت و تشخّص و نظام و سازمان رهبری پنهان است. برخی بازتاب‌های این جامعه و ساختار اجتماعی جدید چنین است:

\* کوفه به تدریج، شهری شیعی می‌شود، ولی نه با سلاح نظامیاً سیاسی، بلکه با ابزارهای علمی و فرهنگی؛ به گونه‌ای که در آغاز خلافت عباسی، همه کوفه را شهری با اکثریت شیعه و هویت شیعی می‌شناسند.

\* جغرافیای تشیع با محوریت شیعه کوفه در جهان اسلام، به ویژه ایران رو به شکل گیری و گسترش می‌نمهد و مهم‌ترین پایگاه آن قم است که با یاری قبایل شیعی کوفی مهاجر به این

منطقه شکل می گیرد.

\* سازمان و کالت (نمایندگان امام در شهرها) و همچنین نهاد مرجعیت علمی، دو ساختار اجتماعی و علمی جدید، در حال شکل گیری در جامعه شیعه اند. سازمان و کالت باید نقش مدیریت اجتماعی جامعه شیعه را ایفا کند. مرجعیت علمیاران دانشمند امامان نیز باید رهبری فکری و فرهنگی جامعه شیعه را بر عهده گیرد. از این تاریخ، جریان هایی مانند غلات یا رهبران فقهی و کلامی اهل سنت، با مشاهده رشد و بالندگی شیعه و امکان نداشتن اثرگذاری بر جامعه، شیعه به سبب یاران دانشمند امامان، به هجوم گسترده به یاران علمی امام صادق(ع) رو می آورند تا آنان را ب اعتبار و در جامعه شیعه نفوذ کنند.[\(۱\)](#)

### مبانی و ساختار سبک زندگی در مکتب جعفری

#### اشاره

### مبانی و ساختار سبک زندگی در مکتب جعفری

با توجه به تحلیل های جامع از جریان های تاریخی حق، دریافت مکتب سازی امام صادق(ع) در امتداد رسالت تاریخی انبیاء، پیامبر اسلام و اهل بیت ایشان بوده است. در حقیقت، امام صادق(ع) با فرصت شناسی، بخشی از آرزوهای تاریخی پیامبران و امامان پیشین درباره جامعه سازی حق را محقق می کند.

بنابراین، ریشه مکتب جعفری در جامعه اسلامی اولیه مدینه الرسول و نظام و سبک زندگی توحیدی مورد نظر قرآن و پیامبر و عترت اوست. شیوه زندگی توحیدی که از دوران هبوط آدم و حوا، در شکلیساده شروع می شود، به موازات پیشرفت تاریخی جبهه حق و تکامل عقول و علوم و تمدن بشری، رو به تکامل می گذارد تا آنکه سرانجام در دین خاتم پیامبران به شیوه ای جامع و کامل تبدیل شود.[\(۲\)](#)

ص: ۱۵۶

۱- برای فهم این مدعای مطالعه رابطه دو سویه امام صادق؟ ع؟ و غلات با یاران کوفی حضرت درخور توجه است که چگونه از یک سو، امام در فتنه غلات، معیار را امثال زراره قرار می دهد و از سوی دیگر، زراره مورد هجوم فکری شدید غلات قرار می گیرد. همچنین جریان های فکری اهل سنت به سبب ناتوانی علمای خود در برابر شاگردان امام صادق؟ ع؟، شروع به اتهام های فرقه سازیا انحرافات اعتقادیا تضعیف رجالیاران امام می کنند.

۲- مفاد آیه اکمال (۳ مائده: آیه ۳) تمامیت و کامل و جامع بودن دین است و این به معنای جامعیت شیوه زندگی توحیدی است.

با این نگاه، مبانیشیوه زندگی توحیدی بر مبنای مکتب جعفری چنین است:

### الف) ضرورت نگاه جامع در طراحی مکتب

#### الف) ضرورت نگاه جامع در طراحی مکتب

موضوع سبک زندگی توحیدی اسلام، هدایت و سعادت و کمال انسان است. بنابراین، اولین اصل در سبک سازی توحیدی، سعی در انسان شناسی جامع و کامل است تا بعد طراحی و مهندسیشیوه ها برای جنبه ها و حوزه های گوناگون انسانی، دچار نقص و حذف و کمبود یا ناهمانگی و تناقض یا تضاد و اختلال نشود. معیار و مبنا برای انسان شناسی نیز خودشناسی فطری انسانیاست که در کی مشترک در همه انسان هاست. با کمک انسان شناسی توحیدی قرآن، خودشناسی فطری تعمیق و تکمیل می شود و به نگاهی جامع و هماهنگ می رسد یا برخی فضاهای جنبه ها و عوالم مبهم اما در ک شده با فطرت، رمزگشایی، و راه و بیراهه آن معلوم می شود.

در این زمینه، داستان آفرینش طق آیات قرآن که به تحلیل انسان و ابعاد و صفات او می پردازد، مبنا قرار می گیرد.

بنابراین، مهم ترین مبنا و معیار در سبک زندگی دینی، انسان شناسی جامع و کامل و شناخت ابعاد وجودی انسان است. آن گاه چگونه پی می بریم دین به منزله پدیده ایفرازمنی، طراحی جامع و هماهنگ برای زندگی انسانیداشته است.

### ب) ضرورت نگاه توحیدی به ابعاد متکثر و گاهی(به ظاهر) متضاد سبک ها

ب) ضرورت نگاه توحیدی به ابعاد متکثر و گاهی(به ظاهر) متضاد سبک ها

پس از شناخت انسان، توجه به طراحیالگوییکه ضمن نگاه جامع، طرحی واحد و هماهنگ ارائه دهد، ضروری است. با نبود این رویکرد واحد و هویت متحده، مکتب دچار ناقص بینیای آشفته بینیدرباره ابعاد و اجزا خواهد شد.

بنابراین، مهم ترین ویژگی شیوه حق برای نظام زندگی، توحیدی بودن آن است، در حالی که نقص بزرگ همه سبک های دیگر- که همگی در گروه باطل قرار می گیرند -تکثر و پراکندگی و آشتفتگی آنها (با شدت و ضعف) در طراحی سبک های زندگیاست.

در مکتب حق، با اصل قرار دادن توحید غیبی و غیب توحیدی؛ یعنی خداوندی که آفریدگار و منبع و کانون همه هستی است، کوشیده می شود انسان و ابعاد وجودی او را در چارچوب جهت دهی به سوی این آفریدگار نظم و نظام ببخشد. در نتیجه، طرح زندگی اسلام شیعی، طرحی جامع، کامل و واحد است، اما طرح های باطل به دلیل نداشتن معیار و بنای واحد، نگاهی جامع و حتی در نگاه های ناقص خود، نظم و نظام و هماهنگی ندارند. در این زمینه، با نگاه به بحث مغالطات در منطق می توان انواع و ریشه ها و چگونگی پیدایش سبک های باطل را دید.<sup>(۱)</sup>

### ج) ضرورت وجود انسانی کامل به عنوان الگو، معیار و بنای زندگی انسانی

ج) ضرورت وجود انسانی کامل به عنوان الگو، معیار و بنای زندگی انسانی

بر اساس طرح نگاه جامع و کامل، انسان از روی فطرت، در ک می کند از آغاز تولد و کودکی،

ص: ۱۵۸

۱- در این زمینه، نک: علی اصغر خندان، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم / بوستان کتاب / چاپ چهارم ۱۳۸۸.

استعدادهای بسیاری دارد که به تدریج باید رشد و تربیت یابد. البته رشد و تربیت نباید خودبه خودی و بدون برنامه باشد، بلکه بودن سرمشق و راهنمای برنامه لازم است. بدون آنها، منجر به یک یا چند نوع از مغالطات در نگاه به ابعاد وجودی انسانی خواهد شد. در حقیقت، انسان‌ها از روی فطرت درمی‌یابند که همواره باید انسان یا انسان‌هایی کامل در همه ابعاد وجودی‌یاری گرددیگر انسان‌ها برای سلوک در مسیر تعالی و کمال باشند. با این نگاه و بر اساس طرح جامع، ابعاد وجودی انسانی، دسته‌بندی انسان‌ها چنین خواهد بود:

### كمال انسان انسان کامل

بنابراین، بر اساس مكتب حق، طرح و نظام کمال و تعالی متشكل از مثلث زیر است:

این مثلث همان مثلث خدا، ولایت و انسان است. بنابراین، ضرورت وجود اصل انسان کامل که همان امام معصوم است- انسانی‌اک از هر عیب و نقص و گناه و خطأ و آگاه به علوم و دانش‌های زمینی و آسمانی-و ضرورت وجود پیوسته جریان امامت و ولایت تا - زمانیکه عالم انسانی بر روی کره زمین وجود دارد، اثبات می‌شود.

### د) توجه به رابطه ثابت و متغیر در طراحی سبک زندگی دینی

د) توجه به رابطه ثابت و متغیر در طراحی سبک زندگی دینی

از دیگر مبانی مهم در طراحی سبک و الگو و نظام برای زندگی، توجه به امور ثابت ابعاد وجودی انسان در کنار متغیرهای زمانی و مکانی است. بدین معنا که موضوع این طراحی‌چون انسان است و ذات انسانی از جنبه جسمی و فطری، هویت و تشخّص ثابتی دارد، باید اصول و مبانی سبک سازی برای زندگی انسانی‌بُنی باشد. با این حال از جنبه گستره زمانی و مکانی، تغییراتی در فرهنگ و عادت‌ها و ابزارها و امکانات روی می‌دهد. هر

چند این متغیر ها در ذات انسانی تغییری ایجاد نمی کنند، اما در نوع روابط او و کنش ها و واکنش هایش موجب دگرگونی می شوند.

بنابراین، در سبک سازی و نظام سازی، نگاه هماهنگ به امور ثابت و متغیر زندگی انسانی، ضرورت نگاه جامع و کامل است تا سبک طراحی شده ضمن پایه گذاری بر اصول ثابت توحیدی و انسانی، پویا، فعال، بانشاط، رو به آینده و مناسب و سازگارپذیر با هر زمان و مکان باشد.<sup>(۱)</sup>

#### ۵) سبک سازی مبتنی بر اصل تقیه

##### ۵) سبک سازی مبتنی بر اصل تقیه

تقیه یعنی پنهان کاری و مراقبت و دوری از افراطی گری سیاسیو اجتماعی در زمانه ای که باطل در اکثریت و حق در اقلیت است.

بر اساس خط زمانی در گیری تاریخی حق و باطل، دو نکته به دست می آید: اول آنکه در گیری حق و باطل جریان پیوسته تاریخ بود و تا دوران ظهور که اوج این در گیری است، ادامه می یابد تا در نهایت، به پیروزی حق و نابودی باطل منجر شود. دوم آنکه در طول تاریخ تا پیش از ظهور، همواره حق در اقلیت و باطل در اکثریت خواهد بود و با وجود در اکثریت بودن، برای حفظ خود پیوسته در تمام حوزه ویژگی ها و نیازهای انسانی مشغول نوزایی و مدرن سازی و به روزسازی جریان ها و گرایش ها و مکتب ها و فرقه های باطل خود است.

بنابراین، امام صادق(ع) در مقام مکتب سازی، مبنياًکار خود را برای سراسر دوران پیش از ظهور قرار می دهد؛ یعنی امام می داند جریان حق در امتداد تاریخی آینده دو دوره اساسی دارد: دوران پیش از ظهور و دوران ظهور. مدیریت دوران ظهور - که تجلی کامل حق است - با خاتم الاوصیاست. این دوران با همه دوره های تاریخی تفاوت اساسیدارد و تحقق آن نیز جز به اراده حق تعالی و ظهور خاتم الاوصیا نخواهد بود. بنابراین، امام صادق(ع) و دیگر امامان؟ عهم؟ درباره این دوران تنها آگاهی رسانی کرده اند و تأکید شده است که تحقق این دوره جز به دست خاتم الاوصیا نخواهد بود تا مبادا گروهی پنداشند با تلاش انسانی خود می توانند آن را ایجاد

ص: ۱۶۰

۱- اسلام و نیازهای زمان، شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۱، ص ۳۶.

کنند یا در ایجاد آن نقش داشته باشند.

از همین رو، مکتب سازی امام صادق(ع) با درک دوران طولانیدوره غیبت، به زمینه سازی در این دوران معطوف است تا جامعه شیعه ضمن حفظ خود، وضعیتی پویا و رو به گسترش داشته باشد و سرانجام پس از به ستوه آمدن جهانیان و ناکامی مدعيان باطل زمینه ساز ظهرور باشند.

بدیهی است در این دوران که به سبب شدت فتنه ها و هجوم های باطل، غیب آخرين ولی معصوم صورت می گیرد و باطل در اکثریت است، الگو و ساختار کلان برای سبک سازیباید مبنی بر تقیه باشد.

تقیه، یعنی سبک و ساختاری که به حفظ اقلیت حق در میان انواع باطل ها بینجامد. این درست در مقابل جریان هایی همانند خوارج، زیدیه و اسماعیلیه است که به قیام به شمشیر در هر شرایط و محیطی حتی با کمبود امکانات و نیروها معتقدند.[\(۱\)](#)

بر این اساس، تقیه به معنای قیام نکردن بی هدف و بدون امکاناتی است که منجر به هدر رفتن نیروها و یا آسیب زدن به جامعه می شود، اما به معنای رکود و سکون نیست، بلکه به معنای پویایی و نشاط علمی و فرهنگی و اجتماعی حق در میان باطل حاکم است که با هدف های سه گانه حفظ و گسترش جبهه حق، نفوذ در باطل و سرانجام نیروگیری از باطل همراه است.

ص: ۱۶۱

---

۱- البته تقیه با انقلاب منافاتی ندارد؛ زیرا انقلاب همانند انقلاب اسلامی در جامعه ای رخ می دهد که اکثریت آن شیعه و دین رسمی جامعه هم تشیع باشد و این غیر از وضعیت جامعه شیعه در کلیت جامعه اسلامی است که همواره در اقلیت است. این در حالی است که وقتی این انقلاب محقق می شود – اگر چه مبانی آن تشیع است – به ناچار، شعارهایش به گونه ای است که وحدت اسلامی حفظ شود. بنابراین، با اینکه انقلاب صورت گرفته است، همین انقلاب برای همزیستی با دیگر مسلمانان ناچار به تقیه است.

بنابراین، تقيه بر اساس روایات شیعی، دوری از هیجان زدگی و زیاده روی و تلاش برای بازدهیسیار با کم ترین نیروها و امید و تلاش با وجود محدودیت‌ها و کمبودها و هجوم‌ها و به چالش کشیدن باطل با سلاح فکری و فرهنگیاست تا زمانی که جامعه جهانی آماده‌اقدامیجهانی در حوزه سیاسی و اجتماعی علیه باطل شود.

بر مبنایشیوه تقيه، جامعه شیعه، به حال خود رهاشده و بدون ساختار نیست، بلکه دارای نظام و ساختار و طرح و برنامه است؛ نظام و ساختاری منحصر به فرد در طول تاریخ و بی نظیر در جهان اسلام که مبتنی بر رهبری سیاسی و اجتماعی علماء و رهبران فکری و دینی است. اقدام‌ها و موضع‌گیری‌های این رهبران و جامعه باید با درک دوران و شرایط غیبت، مبتنی بر حفظ جامعه حق و گسترش آن با سلاح فکر و فرهنگ باشد.[\(۱\)](#)

## نتیجه

### نتیجه

با توجه به آنچه درباره مبانی و ساختار سبک سازی برای زندگی بر مبنای حق بیان شد، در نگاهی کلی و با رویکرد مقایسه‌ای و تطبیقی بین سبک زندگی توحیدیو انواع سبک‌های زندگی غیر توحیدیمی توان ادعا کرد مهم ترین ویژگی‌سبک‌های غیر توحیدی، نبود جامعیت و شمول و پوشش همه ابعاد وجودی انسانیاست.

از منظر تاریخی، در برابر مكتب جعفری که طراح سبک زندگی شیعی است، انواع سبک‌های زندگی اسلامی وجود دارد که نمونه وار به برخی از آنها و نقاط ضعف شان اشاره می‌شود:[\(۲\)](#)

### شیعه غیر امامی

### کیسانیه

این فرقه متأثر از محمد حنفیه و در دوران حلاً سیاسی-اجتماعی پس از عاشورا و مرگ یزید ایجاد شد. فرقه‌ای مبهم و با شعارهای حماسی که بسیار زود، بحث مهدویت و انتقام را مطرح کرد و ضمن آنکه چندان دوام نیاورد، بنی عباس و معتزله و مرجئه از برخی افکارش استفاده کردند.

### زیدیه

این فرقه در آغاز با ادعای انتقام عاشورا پایه گذاری می‌شود، ولی در رویارویی با واقعیت‌های اجتماعی، با پیش‌گرفتن شعارهای جزم گرایانه اعتزال و ارجا، در نهایت رو به زوال می‌رود.

### غالیان

از اصول مهم آنان، قیام با شمشیر در هر زمان و مکان است. بدین سبب این

- 
- ۱- درس هایی از انقلاب، کتاب تقیه، ص ۱۵۴.
  - ۲- در این زمینه نک: فرق تسنن، مهدی فرمانیان، ص ۱۷؛ الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۱۵۷ و ۱۹۷.

فرقه به فرقه ای انقلابی تبدیل شد که لحظه ای آرام نیافت و موجب قیام های بی بنیاد کوتاه مدت شد که به سرعت سرکوب گشت. پس از مدت ها هم که چند حکومت کوچک به وجود آورد، به سبب فقر علمی و روشی، در کلام دست به دامان معترله و در فقه، دست به دامان فقه حنفی اهل سنت شد و نظام و سبکی التقاطی از شیعی و سنّی پدید آورد که همین امر افول تدریجی آن را در پی داشت.

سنی

### سیاسی اجتماعی

#### اسلام اموی و مروانی

با جمع بین اطاعت مطلق از خلیفه و شرط نبودن عدالت و عمل صالح برای خلیفه و اعتقاد به جبر، نوعی از شیوه زندگی در جامعه اسلامی پیدا شده بود که لازمه آن، دین فردی، جایز نبودن امر به معروف و نهی از منکر در حوزه سیاسی و رضایت داشتن از وضع موجود سیاسی و اجتماعی به سبب اعتقاد به جبر بود.

در این نظام، از نظر اجتماعی، میان عرب و عجم و در تقسیم بیت المال، تبعیض حاکم بود. این نظام با ممنوعیت حق دخالت مسلمانان در امور سیاسی و اجتماعی، اجازه انواع دین داری از شیوه زاهدانه تا شیوه همراه با لهو و لعب را می داد.

#### اسلام عباسی

خلافت عباسی، پیدایش خود را وام دار شعار بازگرداندن اسلام به اهل بیت پیامبر بود، اما پس از کسب قدرت، این شعار و طرح را حذف کرد. برای مدتی نیز کوشید به مشی فکری معترله رو بیاورد و بر اساس آن، نظام سازی کند، ولی اکثریت جامعه اسلامی با برخی اصول فکری آن همراهی نکرد.

بنابراین سرانجام عباسیان با ایجاد تعديل در اسلام سنّی (حذف برخی تبعیض ها و افراطی گری ها)، از نظر اعتقادی کوشیدند سبک تاریخی و رایج در جهان اسلام - اسلام سنّی - را مبنای حکومت قرار دهند. در این سبک، بین دین و حکومت تفکیک شده و بدون آنکه در خلیفه الترامی به شرایط خلافت باشد، اطاعت مطلقه از او لازم است. حوزه رفتارهای دینی فرد مسلمان نیز حوزه ای فردی است البته نه به معنای سکولار، بلکه به معنای جایز نبودن دخالت در امور سیاسی و لزوم

اطاعت مطلق از خلیفه، چه فاسق و چه عادل، بدون حق اعتراض و قیام و بدون حق امر به معروف و نهی از منکر.

مشکل عمدۀ این نظام و سبک زندگی، فقر اخلاقی و عرفانی، پذیرش جبر و سکوت سیاسی، نداشتن طرح اجتماعی و نگاه آینده نگر و پیوسته ماندن در وضع موجود بود.

کلامی

جبریه

باور به جبر، آنان را دچار ایستایی اخلاقی و فکری در حوزه فردی و اجتماعی کرد.

مرجئه

باور به جدایی ایمان از عمل و تأثیر نداشتن عمل صالح یا فاسد در ایمان سبب رواج اباحه گری و گسترش مفاسد اخلاقی و اجتماعی در لایه های جامعه شد.

معترله

این مدرسه از نظر فکری و کلامی در جهان اهل سنت، جریانی روشن فکری به شمار آمد. با این حال، به سبب تناقض های درونی که از سویی معتقد به عدل و امر به معروف بود و از سوی دیگر، از نظر تاریخی و هم در زمانه خود، جریان سیاسی خلافت را با تمام عیوب و مفاسد خود امضا می کرد نتوانست به جریانی اثرگذار و اجتماعی تبدیل شود و خود به خود رو به زوال گذاشت.

مشبهه

آنان با انتساب تجسيم و تشبيه به حق تعالی و خدشه دار کردن مسئله توحید در عمل، مهم ترین بنیاد اسلام و اعتقاد دینی را که توحید غیبی است، زیر سؤال بردن در نظام زندگی، به شرك و انحراف فکری و رفتاری دچار شدند.

فقهی

مکتب رأی

این مدرسه به سبب نفی حدیث پیامبر و اهل بیت و اولویت دادن به رأی و نظر خودبنیاد فقیه سبب پدید آوردن شریعتی التقاطی از اسلام اصیل و رأی و نظر مجتهدان خودرأی شد؛ روشی که نه استناد قرآنی و سیره ای داشت و نه مبنای عقلانی.

مکتب حدیث

این مدرسه به سبب جمود بر احادیث که همراه با نفی احادیث اهل بیت و پالایش نکردن احادیث نبوی برآمده از مدرسه عame

بود که سبب ایجاد مکتب و شریعتی جامد و ساکن و دارای گرایش‌های تشبیه و تجسیم شد. از زمان پیدایش تاکنون، پیروان آن تفکری خشک و گرایش گذشته گرا در جهان اسلام داشته‌اند.

ص: ۱۶۴

## تصوف

این مکتب به ستوه آمده از انحراف ها و انحطاط های سیاسی- اجتماعی و متأثر از فرهنگ های غیر اسلامی، به زهد و عرفان به معنای انزوا از جریان ها و مسائل سیاسی و دنیاگریزی روی آورد. این شیوه در تاریخ اسلام ضمن رکود و سکوت و سکون سیاسی و اجتماعی سبب شد در اوج فتنه ها و بحران ها، مسلمانان به جای قیام و حرکت های امیدبخش به عرفان های آرام بخش متزوی کننده روی آورند.

## خارج

این فرقه اگرچه در آغاز مبتنی بر اصل تکفیر دیگر مسلمانان و معتقد به قیام به شمشیر علیه آنان بود، ولی از قیام های ناکام فراوان، ناچار به فرقه سازی مستقل برای نظام سازی سیاسی و اجتماعی روی آورد. محصول این جریان، نظام هایی بسته و محدودیت گرا و خشن بود که جز در حاشیه های جهان اسلام طرف داری نیافت.

آنچه ارائه شد، نگاهی اجمالی به مهم ترین فرقه های موجود یا در حال پیدایش در زمان امام صادق(ع) بود که غالباً تا زمانه ما استمرار داشته اند. این استمرار تاریخیبا افت و خیزهای فراوان همراه بوده و سبب پیدایش اوضاع آشفته در دیروز و امروز جهان اسلام، از نظر اجتماعی و فکری شده است. از همین رو، اینکه پس از چهارده قرن، مجال بهتری برای قضاوت درباره نظام سازی آنها برای سبک زندگی پیش روی علاقه مندان و پژوهشگران است. شاید دور از انصاف نباشد اگر ادعا شود ارائه سبک های ناقص و متناقض و گذشته گرا یا جمود گرا به وسیله این فرقه ها و مکتب ها، مهم ترین علل انحطاط تدریجی جهان اسلام در سده های اخیر و در دوره معاصر است.

از همین رو، یکی از حوزه هایشایسته پژوهش کاربردی و مفید، بررسی تطبیقی و تاریخیشیوه هایزنندگی پیشنهادی فرقه های گوناگون اسلامی از رؤیا تا واقعیت های تاریخیاست؛ سبک هایی که در حوزه های کلان تر به مطالعات تمدنی هم رسد. این بررسی، تلاش تاریخی فرقه های اسلامی برای تمدن سازی طبق اصول و موازین خود را به نمایش خواهد

گذاشت که سرانجام یکی پس از دیگری به ناکامی منجر شدند.<sup>(۱)</sup>

برایمنه، یکی از نکات مهم در سبک زندگی در تاریخ جهان اسلام، نظام و سبک غالب زندگی مسلمانان در مکه و مدینه در دوران خلافت مروانیان تا هنگام سقوط آنان است؛ نظامی که از یک سو در برابر نظام و سبک اهلیت است و از سوی دیگر، با قرار داشتن در مراکز معنوی و فرهنگی و دینی جهان اسلام می‌توانست مورد توجه دیگر مناطق اسلامی باشد.

این دو شهر متاثر از نوعی طراحی فرهنگی که پایه‌های آن در دوران معاویه و یزید گذاشته شده بود، پس از گذار از دوران خلافت زبیریان، به ویژه در دوران امام سجادو امام باقر؟ عهم؟ و دوران کودکی و جوانی امام صادق(ع)، به مهم ترین مراکز غنا و موسیقی و آوازخوانی در جهان اسلام تبدیل شدند، به جای آنکه کانون نشر اخلاق و فرهنگ دینیباشد. علل این امر، سیاست خلافت مروانی، همانند ممنوعیت و متروک شدن امر به معروف و نهی از منکر، جدایی عمل از ایمان، نبود مرجعیت دینی و اخلاقی، نه برای خلیفه و نه برای علماء در ساختار کلی جامعه اسلامی، و حمایت‌های پنهان و آشکار خلافت از رواج غنا و موسیقی بود. در نتیجه، جامعه به جامعه ای رها شده به حال خود تبدیل شد.<sup>(۲)</sup>

در این شرایط، سبک زندگی مسلمانان در حجاز آن روز در سیر تاریخی خود، آمیخته با شیوه هایگوناگون بود. شیوه غالب نیز در میان توده‌های اباحه گریو در میان خواص یا قشر متدین عامه، آکنده از سبک‌های گوناگون با محوریت شخصیت‌های گوناگون فکریا اجتماعیبود. این آشفتگی اخلاقی و فرهنگی گسترده در حجاز و حتی در دیگر مراکز اجتماعی اسلامی عربیبود که سبب انحطاط جامعه اسلامی عربی و سهولت قیام عباسیان با کمک مسلمانان ایرانی و خراسانیشد.

در دوره عباسی نه تنها برای بهبود این آشفتگی در نظام‌ها و سبک‌های زندگی و

صف: ۱۶۶

---

۱- امام صادق؟ ع؟ می‌فرماید: دولت ما آخرین دولت است و ظهور آن زمانی محقق خواهد شد که هر صاحب ادعایی ادعای خود را به محکم تجربه بگذارد تا ناکامی آن مشخص شود و به هنگام ظهور دیگر ادعایی نداشته باشد. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۳۲.

۲- عقد الفرید ج ۶ ص ۱۰۰۸.

انسجام سازی و یک پارچگی توحیدی آنها تلاشینشد، بلکه با روی گردانی عباسیان از شعارهای علوی و حمایت از علمای گوناگون عامه، بیش از پیش، به تعدد و تنوع نظام‌ها و سبک‌های زندگی اجتماع‌عیدامن زده شد.

برای نمونه، در کتاب ارزشمند اطلس شیعه، بررسی نقشه شهرهای بزرگ اسلامی‌از قرن سوم تا پنجم هجری-تا پیش از حمله مغول -با توجه به جنبه اجتماعی آن نشان دهد و چگونه شهرهای بزرگ اسلامی در این قرن‌ها از نظر سبک‌ها دچار تشتت اجتماعی و درگیری و رقابت‌های درونی اند؛ به گونه‌ای که گاهی رویارویی‌سبک‌ها، مردم، یک شهر را به درگیری‌های بزرگ‌گی داخلی می‌کشند.<sup>(۱)</sup>

این وضعیت پس از رحلت پیامبر پایه گذاری شد و تا دوران ظهور، نه تنها سیر نظام‌ها و سبک‌سازی‌های اسلامی-در شاخه‌های گوناگون فکری و عاطفی و رفتاری و...- کند نمی‌شود یا زوال نمی‌پذیرد، بلکه هماهنگ با پیشرفت زمانه، سیر سبک‌سازی‌هایی بنیاد به نام اسلام، سیری‌فزاینده و پیوسته رو به انحطاط بیشتری خواهد داشت.

### سیمای کلی سبک زندگی شیعی بر مبنای مکتب جعفری

#### اشاره

### سیمای کلی سبک زندگی شیعی بر مبنای مکتب جعفری

بر اساس آنچه در اصول و مبانی سبک زندگی شیعی ارائه شد، موضوع اصلی طراحی سبک زندگی انسان است. بر اساس جنبه‌هایی‌سه گانه‌زندگی‌انسان که شامل دانش، ارزش، کُنش و منش است، می‌توان فهمید تلاش تاریخی امام صادق(ع) برای سبک‌سازی چگونه بوده است. مطالعه تحلیلی مجموعه ۲۲ جلدی‌مسند الامام الصادق-که در بردارندگی‌سخنان آن حضرت است و نیز سیره تاریخی ایشان در سیر مراحل مدیریت، جذب و تربیت شاگردان یا هدایت جامعه شیعه نشان دهنده توجه امام به این جنبه‌هایی‌سه گانه در جریان سبک‌سازی است. در این بخش، فهرست کلی نظام سبک‌سازی امام در چارچوب زیر ارائه می‌شود:

ص: ۱۶۷

---

۱- اطلس شیعه، رسول جعفریان نقشه ۸۹ ص ۲۱۷ و نقشه ۸۳ ص ۲۰۸ و نقشه ۸۲ ص ۲۰۴.

یادآوری: مهم ترین منابع ایده یابی در این بخش، فهرست تفصیلی مجموعه ۲۲ جلدی مسنند الامام الصادق و جلد ۴۸ بحارالانوار و فهرست تفصیلی زیرمجموعه امام صادق(ع) در نرم افزاری «نمایه موضوعی بحارالانوار» از مجموعه «نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتروی علوم اسلامی (نور)» و... است.

## ۱. حوزه دانشی و معرفتی مکتب جعفری، مبنای سبک زندگی شیعی

### ۱. حوزه دانشی و معرفتی مکتب جعفری، مبنای سبک زندگی شیعی

استاد مطهری به این باور است که «در تمام کتب حدیث اهل تسنن: صحیح بخاری، صحیح مسلم، جامع ترمذی، سنن ابی داود و صحیح نسائی، جز مسائل فرعی چیزی نیست. احکام وضو این است، احکام نماز این است ... و یا سیره است؛ مثلاً پیامبر در فلان سفر این طور عمل کردند، ولی شما به کتاب های حدیث شیعه که وارد می شوید، می بینید اولین مبحث و اولین کتابش کتاب العقول الجهل است. اصلًا این جور مسائل در کتب اهل تسنن مطرح نبوده. البته نمی خواهم بگویم منشأ همه اینها امام صادق(ع) بود. ریشه اش امیرالمؤمنین است و ریشه ریشه اش، خود پیامبر است، ولی اینها این مسیر را ادامه دادند. امام صادق(ع) بود که چون در زمان خودش این فرصت را پیدا کرد، مواریث اجداد خودش را حفظ کرد و بر آن

افرود. بعد از دو کتاب العقلو الجھلوارد کتاب التوحیدمی شویم. ما می بینیم صدھا و بلکه هزارها حدیث در باب توحید و صفات خداوند و مسائل مربوط به شئون الهی و قضا و قدر الهی و جبر و اختیار و مسائل تعلقی در کتب شیعه مطرح است که در کتب دیگر نیست. اینها سبب شده است که گفته اند اولین کسی که مدارس فلسفی را (مدارس عقلی و احادیث عقلی را) در دنیای اسلام تأسیس کرد امام جعفر صادق بود.<sup>(۱)</sup>

بنابراین، بیان سبک سازی شیعه برخلاف دیگر مکتب ها و فرقه ها، بر پایه مدیریت و طراحی مستقیم پیشوای معصوم و معارف عقلی و حیانی است. از این منظر، ساختار مبانی معرفتی شیعی بر همان نظام سه گانه ای است که اشاره شد؛ یعنی خدا و مسئله توحید غیبی، انسان کامل و ولایت تامه معصوم بر تاریخ و جامعه و انسان که موضوع هدایت و سعادت است. در این سه حوزه، طرح و برنامه امام بر دو برنامه مرکز است: یکی، ارائه تعریف و مبانی صحیح در هر یک از حوزه های سه گانه، و دیگری، دفع شباهات و افکار انحرافی و باطل فرقه ها و مکتب ها. از این رو، برای بازشناسی مبانی معرفتی نظام و سبک زندگی شیعی، فهرست نکات معرفتی در هر یک از حوزه های سه گانه به شرح زیر ارائه می شود:

#### ۱- خداشناسی و جهان بینی و روش شناسی در حوزه دین شناسی

ریشه‌همه ضعف ها و آسیب ها در سبک زندگی و نظام سازی اجتماعی، ضعف یا نقصای تحریف و انحراف در مسئله‌ساسیزندگی بشر، یعنی درست خدا و تعریف نقش واقعی او در متن زندگی و رابطه دو سویه بین انسان و خداست.

در زمان امام صادق(ع)، جهان اسلام به سبب ممنوع بودن تدوین احادیث پیامبر و راه یافتن اندیشه های اسرائیلی، مسیحی، بودیسم، مانوی و زرتشتی و ورود فلسفه مادیونانی در جهان اسلام در بحث خداشناسی و توحید، به تدریج دچار آسیب ها و چالش های فراوانی شده بود. افکار تعطیل و تشییه و تجسسیم در حوزه ذات خدا یا صفات ذاتیا فعلیا و نیز به آشفتگی‌گری و رفتاری مسلمانان دامن زده بود. از این رو، مهم ترین برنامه های امام در این

ص: ۱۶۹

### برنامه های کلی

- معیار قرار دادن تفکر عقلانی در معرفت شناسی؛
- توجه دادن مردم به علم آموزی و تبیین روش صحیح علم آموزی دینی؛
- توجه دادن جامعه به قرآن و تفسیر قرآن و روش صحیح تفسیر درباره آسیب های تفسیر به رأی؛
- توجه دادن به حدیث و سنت و سیره نبوی و تعریف درست و پالایش اقوال و نظریات و آرای صحابه وتابعین که به اسم دین وارد اسلام شده بود؛
- توجه دادن خواص یاران به علم کلام و عقاید، و توان افزایی آنان در کلام تطبیقی و مقایسه ایپرایدرک بهتر تشیع و دفع شباهات و انحراف ها از آن.

### برنامه های جزئی

- توحیدآموزی تفصیلی برای خواص یاران، مانند توحید مفضل؛
  - تعریف درست صفات ذاتی و سلبی خداوند؛
  - تعریف درست بحث قضا و قدر، و جبر و تفویض، و تبیین حقیقت «امرٌ بین الامرين»؛
  - تبیین درست صفات متشابه قرآنی خداوند؛
- ـ مناظره هایگسترده با دهربه و زنادقه در زمینه اثبات آفریدگار<sup>(۲)</sup>؛
- ـ مناظره هایگوناگون با فرقه های مختلف اسلامی در بحث صفات خداوند و نقش او در جهان هستی؛

- تشویق اصحاب به راه اندازی کلاس های درسی و همچنین مجالس مناظره در زمینه های اعتقادی؛

ص: ۱۷۰

- 
- ۱- مسنند الامام الصادق، ج ۱ ص ۴۳۷، ۴۵۵، ۴۷۳.
  - ۲- مسنند الامام الصادق ج ۹ ص ۳۷۰ و الاحتجاج طرسی ج ۲ فصل احتجاجات الامام الصادق.

- هشدار دادن به شاگردان علمی و رهبران اجتماعی شیعی برای حفظ جوانان از هجوم و اثرگذاری افکار انحرافی فرقه هایی، همانند مرجعه و قدریه در موضوع توحید و ایمان.

## ۲-۱. انسان کامل و امام شناسی

در این زمینه، امام می کوشید با احیای تعریف درست از مقام نبوت و به ویژه، نبوت پیامبر و خاتمیت ایشان، مسئله ضرورت امامت و ولایت معصوم را بر طبق عقل و قرآن و سنت و سیره نبوی اثبات کند و با معرفی مصاديق واقعی آن در برابر رهبران سیاسی (جريان خلافت اموییا عباسی) و در برابر رهبران مدعی علم و اخلاق (علماء و فقهاء و متصوفه آن زمان)، به تبیین مسئولیت های غیبی و دنیوی امام معصوم پردازد و بر اساس آن، جامعه حق را بر محوریت امام و رهبری امام معصوم شکل بخشد و طراحی کند.<sup>(۱)</sup>

فهرست محورهای کلی و جزئی مهم در برنامه و سیره امام صادق(ع) به شرح زیر است:

برنامه های کلی

- تعریف درست تاریخ و فلسفه تاریخ بر محور جريان نبوت و ولایت؛

- تعریف مهدویت به منزله هدف غایی تاریخ؛

- تلاش برای اثبات مسئله عصمت انبیا و ارائه روایت صحیح از تاریخ انبیا در مقابل اسرائیلیات؛

- احیای شخصیت کامل و جامع پیامبر اسلام در برابر روایت های تحریفی خلفا یا مدرسه حدیثی حجاز؛

- تأکید بر بحث ضرورت و نیاز بشر به امام و حجت معصوم؛

- تأکید بر معیار تشخیص امام حق از باطل و تأکید بر نصوص تاریخی امامان حق؛

- اثبات و تأکید بر دو اصل عصمت و علم غیبی امام معصوم؛

ص: ۱۷۱

---

۱- مسند الامام الصادق، ج ۲ ص ۴۳۷؛ ج ۳ ص ۳ کتاب الامامه

- توجه دادن شیعه به مدیریتغیبی امام (علم غیب؛ عرضه اعمال؛ جفر و جامعه؛ کتاب اسامی شیعه؛ علم بلایا و منایا؛ عرضه تقدیر سالانه شب قدر؛ ولایت تکوینی؛ طی الارض و حجاب نبودن موانع برای امام و...).

### برنامه های جزئی

- احیای شخصیت و سیره امیرالمؤمنین علی(ع) (۱۴۵ حدیث)؛

- ارائه تفسیر درست از عاشورا و قیام سیدالشہدا (۳۶۱ حدیث)؛

- احیای شخصیت و جایگاه حضرت زهراء؟ عهای؟ در میان جامعه شیعه (۶۱ حدیث)؛

- آگاهی بخشی غیبی به بیشتر شیعیان درباره برخی اعمال و رفتارهای آنان برایتبیت مسئله علم غیب و مدیریت غیبی امام و تقویت باور مراقبت غیبی نزد شیعیان و نهادینه کردن آن؛

- سفارش به یاران متکلم خود که درباره موضوع امامت با مخالفان مناظره کنند؛

- تشویق هشام بن حکم به سبب مناظره تاریخی اش با رئیس معترله در موضوع امامت؛

- سعی بر حفظ جامعه شیعه از فریفته شدن به رهبران سیاسی و اجتماعی مدعی اصلاح و قیام (زیدیه و عباسیان)؛

- سعی بر دور نگه داشتن جامعه شیعه از خطر جریان های غلو و افراط و تغیریط درباره مقام امام؛

- توجه دادن شیعه به مسئله غیبت امام دوازدهم و کوشش برای طراحی فرهنگ انتظار در آن دوره؛

- انجام دادن کرامات موردى برای استحکام و تقویت ایمان شیعیان یا به کار بستن برنامه های تربیتی درباره آنان؛

- انجام دادن مکافات برخی برای برخیاران؛

- حل کردن برخی مشکلات شیعیان خود با اعجاز یا مدیریت یا اخبار غیبی.

انسان شناسی، شاخه‌ای از علوم جدید شمرده می‌شود، ولیحقیقت آن و موارد و مصاديق و مباحث آن از مهم ترین مباحث علوم دینیاست. مستقل نبودن آن در مباحث دینی، به دلیل پرهیز از خطر انسان گراییاً مانیسم است. ازاین رو، اگرچه مباحث انسان شناسی در سراسر مباحث معرفتی و حقوقی و دینیهست، از تمرکز استقلالی بر آن پرهیز شده است. در قرآن -که مهم ترین منبع معرفتی اسلام است- آیات انسان شناسی چنان پرشمار است که مجموعه‌های گوناگونی از آیات را برای حوزه‌های گوناگون انسان شناسی می‌توان شناساییکرد. براینمونه، فهرست برخی از این عنوان‌هایقرآنی این بحث چنین است:

-آیاتی که در مقام بازشناسی حقیقت جسم و بدن انسان و دوره‌هایرشد آدمی از نطفه تا مرگ است؛

-آیاتی که در مقام بازشناسی حقیقت روح و نفس انسان است؛

-آیاتی که در مقام بازشناسی پیشینه و تبار انسان در قالب مجموعه آیات داستان آفرینش آدم و جریان ابلیس است؛

-آیاتی که در مقام بازشناسی شخصیت و صفات و ویژگی‌های مهم روحی و اخلاقی انسان است؛

-آیاتی که در مقام بازشناسی عوالم وجودی (موازی و طولی) حیات انسانی است؛

و....

بنابراین، مهم ترین تلاش‌های امام صادق(ع) در چارچوب انسان شناسی، در کنار خداشناسی و امام شناسی، سعی در بازشناسی جامع و کامل حقیقت انسان به جامعه اسلامی است. امام به ویژه در مقام مناظره با جریان‌های مخالف، کانون بحث را انسان قرار می‌داد و به یاریادرآک‌های فطري و مشترک انسان‌ها از خود، به اثبات یا مستدل کردن مباحث توحیدیا امامت می‌پرداخت. در مقام روش آموزی به شاگردانش هم بر همین روش تأکید داشت. مهم ترین ویژگی مناظره معروف هشام با عمرو بن عبید معتزلی-که امام آن را بسیار تشویق کرد- اتکای آن بر مباحث انسان شناسی است. از سوی دیگر، امام به سبب

نبوذ ظرفیت فکری جامعه، درباره برخیاز مباحث انسان شناسی به صورت مفصل و گستره بحث نمی کرد، ولیتوجه ویژهایشان به آنها در مقام برنامه های تربیتی و نظام سازی اخلاقی و رفتاری، ییانگ توجه آن حضرت به همه ابعاد وجودی انسان در حوزه سبک سازی و نظام سازی برای زندگی آدمیبود. همچنین وقتی امام در برابر نفیه‌مه مکتب ها و روش ها و سبک ها و نظام ها می فرماید: «چه به سوی شرق بروید چه به سوی غرب، هیچ جا دانش صحیحی نخواهد یافت، مگر نزد ما.»<sup>(۱)</sup> نشان می دهد مدعیان دیگر در حوزه دانش انسان و راه کمال شناسی، دچار نقص و کمبود هستند و بازتاب این نقص نیز در نظام سازی آنان دیده می شود. در مقابل در مکتب تشیع، وقتی ضرورت وجود انسان کامل اثبات شد، ضرورت علم غیبی او برای پاسخ گویی جامع و کامل به همه نیازهای زندگی انسانی اثبات می شود.

از جنبه تاریخی نیز اثبات پذیر است که هیچ مکتبی همانند تشیع - پس از خاتمتیت نبوت - رهبران معصومی نداشته اند که در جریانیلندمدت به جامعه سازی عالمانه و مؤمنانه بپردازنند.

بنابراین، محورها و برنامه هاییمهم در حوزه انسان شناسی در زندگانی امام صادق(ع) چنین است:<sup>(۲)</sup>

برنامه های کلی

-استفاده امام از برهان نظم انفسیو آفاقیدر مباحث توحیدی؛

-توجه ویژه امام به داستان آدم و بحث طینت و سرشت انسان ها؛

- مکاشفه ها و کرامت های امام درباره عالم بزرخ و مثال برای شیعیان خود با هدف بازنمایی عوالم غیبی انسانی به آنان با رویکرد و اهداف تربیتی؛

-باب روایت های جنود عقل و جهل؛

-توجه دادن امام به فرهنگ های ویژه دینی به صورت بزرگ نمایی شده، همانند فرهنگ دعا که از امتیازهای شیعه به شمار می آید؛

ص: ۱۷۴

۱- الکافی ج ۱ ص ۳۹۹.

۲- مسنند الامام الصادق، ج ۱، ص ۴۵۵ و ج ۲، ص ۱۰۲.

- روایت های تفسیری فراوان امام در حوزه آیات گوناگون انسان شناسی؛

- روایت های فراوان امام در حوزه های تربیت اخلاقی؛

- روایت های فراوان امام در حوزه روابط اجتماعی با طبقات و اصناف گوناگون جامعه؛

- سیره عملیو جامع امام برای جامعه شیعه در حوزه های گوناگون تربیتی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، اخلاقی و... .

برنامه های جزئی

- توحید مُفضل و انسان شناسی توحیدی.

## ۲. حوزه گرایش ها و باورها

### ۲. حوزه گرایش ها و باورها

امام صادق(ع) در مقام مکتب سازی و طراحی نظام و سبک زندگی مبتنی بر نظام توحیدی، به حوزه گرایش ها و باورهای انسانی، به منزله زیربنای ایمان و لزوم تحقق ایمان عالمانه، آگاهانه و عاشقانه که به دور از تعصب هایکور باشد، توجه ویژه داشت. بدین معنا که پس از مشخص شدن حق و باطل در عالم مفاهیم و معانی، تجلی حق و باطل در عالم انسانی و نظام اجتماعی به صورت گرایش و تعلق انسان ها به معارف حق یا ارزش های باطل است. به سبب وجود گرایش یا نبود آن یا وجود گرایش التقاطیاز حق و باطل است که مرزبندی های ایمانی و اجتماعی و فرهنگی شکل می گیرد. بنابراین، بحث ایمان و کفر یا ایمان و نفاق، تعریف کننده نوع و شکل و جهت گرایش های انسانیو در حقیقت، تعیین کننده‌گستره باورهای انسانی- اعم از حق یا باطل -در عالم زندگی انسانیاست.

امام صادق(ع) بر پایه معارف حق و پس از تبیین جامع و کامل آنها، در مرحله گرایش و باور، به معرفی جریان اعتقادی شیعه برایپرداخت و رهروان معارف حق و پیشوایان حق می پرداخت.

در مجموعه احادیث شیعه، بحث های گستره ای درباره ایمان و کفر و نیز فضائل الشیعه است که بیشترشان از امام صادق(ع) است. در این احادیث، امام در مقطع تاریخی خود، در

مقام طراحی و تبیین و تعریف گرایش صحیح شیعی است، به ویژه، در آن دوران، جامعه مدعی تشیع از یک سو، پیشینه تشیع عراقی (تشیع به معنای محبت عمومی به اهلیت بدون ملازمت با اعتقاد به اولویت آنسان برای خلافت) را داشت و از سوی دیگر، به سبب جریان‌های کیسانیه و زیدیه و غالیان، همواره با خطر تحریف‌های افراطیا تفريطیاز نظر فکریا عرفانی روبه رو بود. پس تلاش مهم امام صادق(ع) در این دوران، بر تعیین حدود و ثغور و تعریف روش از گرایش شیعی بود تا پس از این دوران، شیعه از شیعه احساسی به شیعه اعتقادی تغییر هویت بددهد تا در مرحله بعد که مرحله طراحی نظام رفتاری است، خطر آمیختگی حق و باطل در مکتب تشیع ایجاد نشود. در این زمینه برخلاف مکتب‌ها و فرقه‌های دیگر که به نوعی گرفتار تعصب‌ها یا باورهای غیر عقلانی‌بودند، امام می‌کوشید به کمک مدرسه علمی و تربیتی خود، نظام ایمان و باورهای شیعی را بر باوری عاقلانه و عالمانه قرار دهد؛ ایمانی که حقیقتیداری مراتب داشته باشد و پیوسته راه ارتقا و تعمیق را بپیماید و مراقب سست شدن یا انحراف و آسیب‌های آن باشد. در مکتب تشیع، عوامل ارتقای ایمان، توجه به دانش اندوزی پیوسته دینی، تهذیب نفس و سیر و سلوک اخلاقی و عمل صالح را به رشد کمی و کیفی است که این ایمان نیز - به صورت مستقیم یا غیر مستقیم - با مواردی همانند عرضه عقاید به کارشناسان دینی پیوسته باید آسیب شناسی‌شود.

برخی از مهم‌ترین محورها و برنامه‌های این بخش چنین است:[\(۱\)](#)

برنامه‌های کلی

-مجموعه احادیث در حوزه اسلام و کفر و اسلام و ایمان؛

-روايات فضائل الشیعه؛

-روايات صفات الشیعه؛

-مراقبت شیعه از نفوذ گرایش‌های زیدی، غالی و... در تشیع.

ص: ۱۷۶

---

۱- مسند الامام الصادق، ج ۵، ص ۳ کتاب الایمان و الکفر ج ۵ ص ۱۰۲ کتاب فضائل الشیعه و ج ۶ ص ۶۳ کتاب الاداب والمعاشره.

#### اشاره

#### ۳. حوزه عمل و رفتار، حوزه سبک سازی و نظام دهی به جامعه شیعه

آدمی در مسیر ترکیبی دانش و گرایش است که به عمل و رفتار می‌رسد و این عمل و رفتار، هرگاه در متن زندگی انسان نهادینه شود، به سبک و نظام تبدیل می‌شود. از این روست که عمل در حقیقت، بازده مستقیم یا غیر مستقیم دو مرحله قبل است. بر این اساس، سبک زندگی شیعیبر پایه اصول و مبانی فکری و اعتقادات و گرایش‌های شیعی و اهلیتی شکل می‌گیرد. چون در مراحل قبل از نظر معرفتی، تلاش دستگاه فکری و معرفتی امامان شیعه برای ایجاد نگاه جامع و کامل به ابعاد و گستره وجودی و نیازهای انسانی بود، در این مرحله نیز در مکتب تشیع -برخلاف تمام فرقه‌ها و مکاتب- کوشش می‌شود سبک سازی و نظام سازی جامع و کامل صورت گیرد.

مطالعه تحلیلی جلوه‌های گوناگون سیره امام صادق(ع) بیانگر آن است که امام در مرحله حساس تاریخی خود و در مقام مکتب سازی، کاملاً مراقب بود ساختار و نظام شیعه را چنان جامع و کامل به جامعه ارائه دهد که در نهایت، جامعه شیعه نه تنها نیازی در هیچ حوزه انسانی به دیگر جوامع و مکاتب و فرقه‌ها نداشته باشد، بلکه تغذیه کننده آنها باشد و مستقیم یا غیر مستقیم بر آنها اثر بگذارد.

در این بخش، به سبب گسترده‌گی‌عنوان‌ها و فهرست‌ها تلاش می‌شود بر اساس گستره سبک سازی زندگی که شامل سه مرحله فردی، خانوادگی و اجتماعی است، فهرست مهم ترین موارد نظام سبک سازی امام برای زندگی شیعی ارائه شود.

#### ۱-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه فردی‌زندگی

#### ۱-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه فردی‌زندگی

حوزه فردی‌زندگی، چه در حوزه جسمی و چه روحی، اولین و بنیادی ترین مرحله زندگی در زمینه سبک سازی است. در این حوزه، به دلیل تعدد و تنوع ابعاد وجودی انسان، دامنه‌ای گسترده از طرح‌ها و برنامه‌ها وجود دارد. مهم ترین طرح در این زمینه شریعت اسلامی شیعی است. بنیان‌های این شریعت را گذاشته بود، ولی رحلت پیامبر و بحران‌های پس از آن، فرصتی برای نظام بخشی تفصیلی‌رایین شریعت باقینگذاشت. از این‌رو، در آستانه آغاز قرن دوم، جهان

اسلام شاهد موجی از فرقه های فقهی لجام گسیخته بود، اما جهان تشیع با رهبری امام صادق(ع) و بر پایه احادیث اهل بیت عصمت و طهارت؟ عهم؟ که متصل به وحی و پیامبر بود، توانست به دور از افراط و تفریط، به نظامی جامع همراه با تعریف اصول و مبانی و تشریح و تبیین کافی فروعات و جزئیات دست یابد. البته نظام و سبک زندگی فردی مسلمان شیعه منحصر به شریعت نیست، بلکه به دلیل تنوع و گستره ویژگی ها و نیازهای فردی، مباحث بهداشتی و اخلاقی را نیز شامل می شود. مهم ترین موارد برنامه های این بخش از منظرهای گوناگون چنین است:[\(۱\)](#)

### از منظر فقهی

- آموزش روش شناسی کشف فقه الحیا (فقه زندگی) از قرآن و روایت های معتبر پیامبر و اهلبیت به جامعه علمی شیعه،
- آموزش احادیثی که دربر گیرنده فقه جامع شیعه در حوزه طهارت و نجاست و عبادت ها و به دور از بدعت ها، تحریف ها یا اجتهاد به رأی است که از ویژگی های مکتب و فقه خلفا و فقهای عامه است. امام باقر(ع) پایه گذار این نظام فقهی بود و امام صادق(ع) و انبوه احادیث فقهی و شاگردان فقهی ایشان آن را به اوج رساندند،
- طب الصادق که شامل مجموعه احادیث امام در حوزه بهداشت جسمی بازشناسی اصول دینی شیعه در حوزه تغذیه و بهداشت و درمان پیش گیرانه است،
- بر خلاف مکتب علمای رأی عراق، از استفاده از خمر و نیز در زمینه درمان در جامعه شیعه جلوگیریمی کرد؛
- احیای عید بودن جمعه و تأکید بر نقش آن در بهداشت فردی و تربیت دینی و سلوک عبادی؛
- امام با رد تفکر مرجه (جدایی ایمان از عمل) و شرط دانستن عمل صالح در ایمان، بر عبادت در زندگی فردی مؤمن تأکید داشت.

ص: ۱۷۸

---

۱- نقش ائمه در احیای دین، علامه عسگری ج ۲ ص ۹۰؛ مسنن الامام الصادق، ج ۵ ص ۳ و ص ۱۰۲ و ج ۶ ص ۶۳.

- توجه دادن به استفاده شایسته از نعمت ها و زینت ها و دوری از رفتارهای صوفی گرایانه در جامعه اسلامی شیعه،

- طراحی سیمای اخلاقی فردی شیعه در قالب عنوان هایی همانند صفات الشیعه.

کوتاه سخن آنکه در میان مکتب ها و فرقه های دنیا، اسلام، و در میان فرقه های اسلامی، تشیع، بیشترین آداب، مناسک و برنامه های دینی در موضوع های آرایش و پیرایش جسم و نظافت و حتی قضای حاجت و حمام رفتن، تا آداب کلی پوشش و پوشاك و آداب و فرهنگ تغذیه، آداب و برنامه ریزی برای خواب، و حتی برنامه ریزی برای رؤیاها و مکاشفات و آداب سفر و حضور... را دارد. بسیاری از روایت های گفاریبا سیره عملی مکتب شیعه در این زمینه نیز از امام صادق(ع) است.

همچنین در نظام زندگی دینی شیعه یا همان شریعت که در میان همه فرقه های اسلامی، منسجم ترین نظام شریعت است، عبادت جایگاه ویژه ای به دور از تحریف و بدعت دارد. مهم ترین نشانه شیعه هم از نگاه اهلیت و هم از نگاه تاریخی- اجتماعی، شناخته شدن آنان به فراوانی عبادت یا انس با مکان های مقدس به دور از آسیب تصوف یا رهبانیت زدگیاست.

امام صادق(ع) به سبب جایگاه مهم شریعت در مکتب تشیع توجه و مراقبت ویژه ای درباره شریعت آموزی به جامعه شیعه داشت تا ضمن ایجاد نگاه جامع به همه حوزه های فردی زندگی آدمی- شامل نیازها و ویژگی های جسمی و عاطفی و روحی- مراقب جریان های موازی در این زمینه نیز باشد؛ جریان هایی که به سبب جدا شدن از مکتب و مرجعیت علمی حق، دچار نگاه ناقص به حوزه نیازهای فردی و افراط یا تفریط شدند. مواردی همانند افراط تصوف در زهد دنیوی در کنار توجه کتمی فراوان به برخی عبادت های بی روح و معرفت، تفریط برخی گروه های غالی که به اباحتی گری در عبادت ها یا احکام مرتبط به حدود و حریم های شرعی منجر شد یا نگاه تفریطی برخی فرقه های اهل سنت به نفی عمل از ایمان (مرجنه)، نشان دهنده خطرهای سبک های این سبک ها زندگی در فرقه های باطل است. اثرگذاری های مستقیم و غیر مستقیم

چنین انحراف‌هایی بر جامعه شیعه می‌توانست سبب ناکامی امام در طرح نظام سازی شود، اما امام با طراحی سبک و نظام منسجم علمی و اجتماعی برای این جامعه و مکتب - که در صفحات بعد به آن اشاره خواهد شد - کوشید از این آسیب‌ها یا اثرگذاری خرد فرهنگ‌ها بر فرهنگ و نظام و شریعت دینی تشیع جلوگیری کند.

## ۲-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه خانوادگی

### ۲-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه خانوادگی

مکتب تشیع بر اساس آیات قرآنی و سنت و سیره نبوی، به جای فردگرایی (اصالت فرد در تفکر غربی) یا جامعه‌گرایی (اصالت جامعه در تفکر کمونیستی)، خانواده‌گرا است؛ زیرا هم نظام خلقت مبتنی بر زوجیت است و هم آفرینش انسانی با آدم و حوا آغاز می‌شود و هم وجود آدمی محصول پدر و مادر است. شخصیت و ایمان خود انسان نیز بدون ازدواج به تکامل نمی‌رسد.

اصالت خانواده ممکن است مورد ادعای برخی دیگر از فرقه‌های اسلامینیز باشد ولی آنها به سبب نداشتن الگوهای معصومانه و جامع و عملی برای خانواده، در این زمینه دچار شعارزدگی شده‌اند.

مکتب تشیع با بیان و طراحی امام صادق(ع)، الگو و نظام خانواده خود را بر خانواده اهلیت پیامبر و مثلث معصومانه (زن، مرد، فرزندان = معصوم) پایه گذاشته است؛ خانواده‌ای که در خانه‌ای پاک و نورانی، در همسایگیخانه خدا و خانه پیامبر و کانون وحی و علم و اخلاق و دعا و عرفان و تربیت و ایثار و... تربیت می‌یابد؛ در خانه‌ای که هم چشم امید پیامبر، هم کانون رفت و آمد فرشتگان و هم کانون امید مسلمانان و به ویژه، صحابه جویای دانش و معرفت بود.

امام صادق(ع) با تمرکز بر نظام الگویی اهلیت پیامبر می‌کوشید مهم ترین جنبه از سبک سازی در زندگی شیعی را در چارچوب خانه و خانواده شیعی، در محورها و چارچوب‌های زیر طراحیکند:

-اهتمام به مسئله ازدواج و حتی‌سفارش به شاگردان جوانش، همانند زراره به امر ازدواج؛

- فراوانی روایات فقهیایشان در باب نکاح و طلاق و حقوق خانوادگی؛

- فراوانی احادیث تربیتیه ویژه در مسئله تربیت فرزند؛

- سفارش های تربیتی درباره تربیت دینی و علمی نوجوانان و جوانان شیعه؛

- سفارش به رهبران علمی و اجتماعی شیعه درباره حفظ جوانان شیعه از خطر فرقه های انحرافی؛

- دعا برای امر ازدواج و تشکیل خانواده شایسته برای برخیارانش؛

- شادمانی و دعای ویژهایشان درباره برخی خانواده های شایسته علمی و اخلاقی شیعه همانند خانواده زراره؛

- احیای ازدواج موقت به منزله طرحی اسلامی برای کنترل غراییز جنسی، ضمن هشدار دادن به خواص یارانش که برای پرهیز از انجام دادن آن به سبب ایجاد نشدن حاشیه های اجتماعی برای امام.[\(۱\)](#)

کوتاه سخن آنکه امام صادق(ع) با فرصت شناسی، با دو الگو و روش مستقیم درباره یاران در محضرش و غیر مستقیم درباره جوامع شیعی، نظام خانوادگی تشیع را بر مبنای زندگی اهلیت پایه گذارد. در این زمینه، علاوه بر سیره عملی آن حضرت، انبوه روایات ایشان در حوزه های ضرورت همسرگزینی، معیارهای انتخاب همسر، حقوق همسران و آداب زناشویی، اهمیت فرزندخواهی در زندگی خانوادگی، آداب تولد فرزند، آداب و اصول تربیت فرزندان، آداب و اصول معاشرت در خانه، اصول و آداب انتخاب یا طراحی خانه و آرایش و پیرایش داخلی آن یا حتینکته هاییدرباره باع داریبا باعچه خانگیا نگه داری حیوانات خانگی با اهداف منافع ظاهریبا ماورایی آن در تأمین زندگی سالم دینی، از نکات ارزشمند در نظام سازی برای زندگی خانوادگی شیعی است.

از نکته های جالب دیگر در این حوزه، مسئله ازدواج موقت است. امام صادق(ع) از نظر تئوری و شاگردان و شیعیان ایشان از نظر برخی موارد علمی، این مسئله را که امتیازی برای

ص: ۱۸۱

شیعه است و بعد از رحلت پیامبر مهجور مانده بود، احیا کردند که برای مدیریت غریزه جنسی، فراتر از ازدواج دائم و نهاد خانواده است.

از دیگر موارد، استفاده از برد و کنیز در آن زمان با داشتن نگاه ویژه به آنان به منزله بخشی از اعضای خانواده است که منجر به رعایت اصول انسانی و دینی و تربیتی درباره آنان در همان حد تربیت فرزندان شد تا بدین گونه، این گروه از طبقه اجتماعی، با گذراندن تربیت عملی در خانه های اسلامی و کسب آزادی فردی، خود، به افرادی ارزشمند برای جامعه اسلامی تبدیل شوند.<sup>(۱)</sup>

### ۳-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه اجتماعی

#### ۳-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه اجتماعی

ساختار کنونی شیعه در طراحی و پایه گذاری امام صادق(ع) برای نظام اجتماعی شیعه ریشه دارد. در دوران آن حضرت و با توجه به رفع موقع فشارهای سیاسی-اجتماعی از جوامع شیعی در جریان انتقال خلافت و در زمانه ای که سراسر جهان اسلام شاهد تحول و دگرگونی بود، امام کوشید به جای تغییر و تحولات محدود و با هدف بهره وری سیاسی سریع، جامعه ای اصولی و مکتبی و غنی از شعایر و فرهنگ والا-پایه گذاری کند؛ مکتبی که توانایی حفظ خود و بالندگی و گسترش را در سراسر دوران آینده تاریخ تا دوره ظهور داشته باشد. امام برای تحقق این هدف، با توجه به شرایط تقهی، دو جنبه را در نظر گرفت: یکی، جنبه از نظر نظام بخشی داخلیه شیعه و طراحی جامعه حق و دیگری، در نظر بیرونی و طراحی نوع رویارویی، تعامل و روابط این جامعه با جهان و جوامع اسلامی در سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی و علمی.

مهم ترین ویژگی های سبک زندگی و نظام اجتماعی شیعی در لایه های مختلف به این ترتیب است:

ص: ۱۸۲

---

۱- مسنند الامام الصادق، ج ۱۵، ص ۴۱۸؛ ج ۱۶، ص ۵.

### ۱-۳-۳. سبک زندگی اجتماعی شیعه از نظر داخلی

رویکرد اجتماعی (و سیاسی) این جامعه چنین است:

- تربیت شاگردان علمی و مرجعیت بخش علمی به شخصیت‌های برجسته علمی در جامعه شیعه؛

- طراحی سازمان و کالت با محوریت یاران و شاگردان علمی که قدرت مدیریت اجتماعی هم داشتند؛<sup>(۱)</sup>

- هشدار دهنده درباره باطل بودن هرگونه جریان مخالف با مشی فکری و اجتماعی رجال علمی شیعه در رویارویی با جریان غلو؛

- قراردادن وکلای آشکار و پنهان در میان جامعه شیعه و در مهم ترین مسیرهای سفرهای حج آن سال‌ها (نصر بن قاموس، بیست سال و کیل پنهانی امام در مدینه بود)؛<sup>(۲)</sup>

- کنترل و کلا-و رهبران علمی و اجتماعی شیعه و مراقبت از آنان در برابر انحراف و لغزش‌های فکری‌با مدیریت‌پذیر ایتضمنی سلامت جامعه شیعه؛

- سفارش درباره بازماندگان برخی رجال شیعه پس از رحلتشان (سلیمان بن خالد)؛

- اسکان دادن برخی بزرگان اصحابش در بغداد به ویژه هشام بن حکم در پوشش شغل بازرگانی و برگزاریدرس و کلاس‌های علمی شیعی در محل کسب و کار که منجر به جذب و تحول ایمانی برخی از عامه و اهل کتاب در بغداد شد.

- در این دوران، با اتکا به برخیاز یاران امام باقر و امام صادق؟ عهم؟، اولین نسل از خاندان‌های علمی شیعه پایه‌گذاریشد (خاندان‌هایی که دو یا سه نسل شخصیت‌های علمی برجسته دارند) و این الگو و شیوه از خانواده و تربیت فرزند مورد توجه و حمایت و تشویق ویژه امام قرار گرفت.

- زُراره جمعه‌ها که به مسجد کوفه می‌رفت، از نظر وضعیت ظاهری (پوشش و هیبت راه رفتن) چنان باوقار و عظمت به مسجد می‌رفت که همه مردم در مسیر راه و در مسجد در

ص: ۱۸۳

۱- در بحث سازمان و کالت نک: سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه؟ عهم؟ / محمد رضا جباری / ج ۱ ص ۴۷ و ۶۷.

۲- مسنن الامام الصادق، ج ۵؛ فضائل الشیعه و کتاب الایمان و الکفر، ج ۶؛ کتاب الاداب و المعاشره.

برابر ش برمی خاستند و متوجه او می شدند و کار به جایی می رسید که گه گاه از شدت ازدحام مردم به دور او، ناچار به منزل باز می گشت.

- امام هنگام رحلت فرزندش، اسماعیل، حدود سینفر از خواص شیعه را فرا خواند و در کنار پیکر اسماعیل، ضمن گواهی گرفتن درباره رحلت وی، پیمان های محکم از آنان برای وصایت و امامت فرزندش امام کاظم(ع) گرفت و به آنان درباره خطر لغش یا فرقه سازی انحرافی هشدار داد.

- امام هنگام ایجاد اختلاف فکریا اجتماعی بین شیعیان، وکلای خود را برای رفع اختلاف ترد آنان می فرستاد تا با مشاوره فکریا کمک مالی به حل مشکل پردازند (ماجرای مفضل بن عمر و رفع اختلاف بین دو نفر شیعه با کمک مالی به سفارش امام).

- مفضل بن عمر، وکیل و نماینده ویژه امام در کوفه، ضمن ارتباط هایی که با همه گروه های اجتماعی شیعه داشت، می کوشید گروهی از جوانان را جذب کند که لابالی و دارای فتارهای ناپسند بودند. در این طرح، برخی شیعیان از او انتقاد کردند، ولیا حمایت ضمنی امام و نشان دادن نقش اجتماعی این جوانان، به اقنان شیعیان پرداخت.

- امام با توجه به جغرافیا و جامعه شیعه و تعیین وکلا در مناطق گوناگون، سیستم ارتباط غیر مستقیم در قالب مکاتبات دو سویه را طراحی و راه اندازی کرد.

- امام در جامعه اسلامی، با شناسایی جوانان با استعداد یا جوانانی که تخصصی علمیا هنری و گرایش های عدالت خواهی و حقیقت جوییداشتند، اما گرفتار فرقه های انحرافی شده بودند، به جذب و آشنا کردن آنان با مکتب حق پرداخت و از استعداد و مهارت شان در مسیر حق یاری گرفت (ماجرای رویارویی امام با هشام بن حکم، متکلم گرفتار مکتب جهمیه و سید حمیری، شاعر کیسانی مسلک).

کوتاه سخن آنکه امام صادق(ع) در کنار معرفی اصول کلی نظام اجتماعی شیعه در قالب عناوین کلی، مانند حقوق مؤمنان یا صفات الشیعه یا آداب معاشرت با مؤمنان کوشید این اصول را به منزله راهبرد نرم جامعه حق، جانشین نظام های قبایلیا سنتی کند. مدیران اجرایی و تبلیغی این نهضت نرم فرهنگ سازی در جامعه حق، شاگردان علمی و دینی آن حضرت بودند؛ شاگردانی که با

معیارهای علم و تقوا و فارغ از مسئله سن (جوانی) یا طبقه اجتماعی (غیر عرب یا قبایل پست) به ابراز وجود در جامعه پرداختند و ضمنن تربیت جامعه، رهبری و مدیریت اجتماعی شیعه را به عهده گرفتند.

امام، در این دوران، با توجه به تحولات زمان و فرصت شناسی، به دو رویکرد کلی در جامعه سازی شیعه هم توجه داشت: یکی، ایجاد جوامع جغرافیایی حق برای اولین بار با اکثریت شیعه و دیگری، جذب خواص سرخورده از جریان های باطل و هدایت آنان به مکتب حق و استفاده بهینه از جایگاه اجتماعیا فکری و علمی و فرهنگی آنان در شتاب بخشیه نظام سازی اجتماعی برای شیعیان.

### ۲-۳-۳. رویکرد علمی و فکری مکتب شیعه<sup>(۱)</sup>

- امام، جامعه شیعه جدید را مبتنی بر رویکرد علمی و فرهنگی و با محوریت شاگردان علمی خود پایه گذاریکرد.

- از سیاست ها و آرزوهای علمی امام این بود که اگر می توانستم، همه شیعیان را مجبور می کردم فقه و علوم دینی بیاموزند؛ اگرچه به ضرب تازیانه باشد.<sup>(۲)</sup>

- سیاست اعزام مبلغ در قالب شاگردان علمی خود به مناطق مستعد برای پذیرش تشیع و حمایت معنوی از آن مبلغان در موقع مورد نیاز. امام از آنان می خواست به صورت مرحله ای و غیر مستقیم و آن گاه مستقیم به نشر ولایت اهل بیت و مکتب تشیع بپردازند.

- توجه به تربیت شاگردان در حوزه های گوناگون علوم دینی و علوم انسانی و حتی علوم تجربی با رویکرد توحیدی.

- سفارش به شاگردان بر جسته خود برای راه اندازی نهضت علمی شیعی در مسجد کوفه و ایجاد نظام تربیت شخصیت های علمی در جامعه شیعه. (مسجدالنبی در مدینه نیز به صورت محدودتر پایگاهی دیگر برای این دانشگاه بود).

ص: ۱۸۵

۱- مسنند الامام الصادق، ج ۱، ص ۴۷۱؛ ج ۴، ص ۲۷۵.

۲- مسنند الامام الصادق، ج ۱، ص ۴۸۲.

- امام ضمن آنکه محل مراجعه علمای بزرگ عame در مشکلات فقهی و فکری بود، به برخی خواص یاران خود اجازه داده بود در کرسی تدریس خود به تدریس فقه مقارن و جذب استعدادها از مذاهب عame پردازند یا به گونه ای عمل کنند که مستقیم و غیر مستقیم، محل مراجعه متفکران و علمای اهل سنت قرار گیرند.

- سفارش و تأکید فراوان به دسته بنده معارف و علوم شیعه و توجه به آشکار نکردن اسرار یا مطالب سنگین علمی شیعه در جامعه که مبادا سبب هجوم یا دست مایه فرق انحرافی قرار گیرد.

- ایجاد چند گانگی روایی و حدیثی و علمی بین خواص اصحابش تا دشمن متوجه هم سویی و نظام متشکل آنان نشود و از جانب آنان احساس خطر نکند. از این رو، برای حفظ خواص یاران علمی خود گاهی به عیب جویی محدود و معنی دار از آنان می پرداخت.

- امام هم خود و هم یارانش را به مناظره علمی و مجادله احسن با انواع و اقسام گروه های فکری و فقهی و سیاسی تشویق می کرد تا بدین گونه ضمن محدود کردن قدرت نمایمکتب های باطل، برای جامعه حقانیت حق و بطلان باطل، آشکار و قوت منطق فکری و علمی شیعه معلوم شود.

- مرجعیت علمی بخشی به یاران و شاگردان علمی درجه اول و ارجاع دادن شاگردان نسل دوم به آنان در مسائل عمیق تر علمی رفع شباهات و اختلاف ها یا حل گشودن مشکل علمی آنان.

- مراقبت خواص یاران خود از لغزش های علمی و گاهی فرستادن پیک های ویژه نزد آنان برای اصلاح فتوایا روایت حدیث آنان و به ویژه، مراقبت آنان از افکار التقاطی متأثر از فرقه ها و جریان های فقهی و کلامی عame و غیره.

- بر حذر داشتن طبقه عمومی شاگردان خود از دانش آموزی نزد فرقه ها و علمای عame به بهانه علم آموزیبا به بهانه آشنایی با آنان در مقام رد و مناظره به سبب خطر التقاط فکری تشیع با دیگر جریان های انحرافی.

- امام در مناسبت های مختلف به ویژه هنگام رحلت فرزندش، اسماعیل، بر وصایت و

-امامت امام کاظم(ع) تأکید ورزید و سعی از (فرقه سازی انحرافی به ویژه در شرایط بحرانی هنگام شهادت خود و آغاز امامت فرزندش جلوگیریکند.

-امام پس از مناظره با برخی سران یا عوام مخالفان که منجر به تحول ایمانی و بیداری آنان و علاقه مندی آنان به کسب معارف اهلیت می شد، آنان را برای کسب معارف کامل تر به خواص شاگردانش می سپرد.

-توجه به تحولات فکری زمانه و برگزاریدوره هایویژه تخصصی و تکمیلی برای خواص یارانش در بحران ها و حیرت های ویژه فکری (توحید مفضل برای مفضل در برابر دهربان یا ارشادهای علمی ویژه برای مؤمن الطاق...).

-امام صادق(ع) در بیشتر سفرهای سالانه حج، گروهی از خواص یاران علمی اش را همراه خود می برد تا ضمن سفر، جلسات علمی و آموزشی (مسائل حج و غیره) برای آنها برگزار کند و به مناظرات کلامی با فرقه های اسلامی، با کمک یارانش در قالب طرح های آموزشی با هدف معرفی یارانش به جامعه بپردازد و نیز به جایگاه یاران علمی اش را جامعه شیعه نشان دهد و مرجعیت علمی آنان را ثبت کند.

-تشویق معنوی و اجتماعی ویژه خواص یارانش پس از مناظره هایتاریخی و علمی مهم با رهبران فکری برجسته جریان های مخالف.

-نیاموختن برخی اسرار و معارف عمیق شیعه به آن دسته از شیعیان یا شاگردانی که ظرفیت تحمل آن معارف را نداشتند یا در معرض خطر غلو بودند.

-روشنگری صریح و مکرّر و به موقع هنگام ایجاد شک و شبّه و حیرت فکری در جامعه شیعه، در مواردی همانند جریان غلات یا توهّم برخی شیعیان درباره امامت فرزندش، اسماعیل، یا خطر نفوذ مدرسه رأی در اجتہاد شیعی.

-امام از افتادن شاگردان و شیعیانش به دامن علوم غیر نافع و مضر (ستاره بینی و فال گیری و بخت و اقبال) جلوگیریمی کرد و از آنان می خواست با دورسازی و نابودسازی کتاب ها و منابع این علوم بیهوده، خود را از وسوسه ها و گرایش به این علوم مضر برای ساختار زندگی شیعی دور کنند.

- مناظره های علمی و جدال احسن امام با رهبران دهربای (بی دینی و زمانه گرایی) سبب تحول ایمانیا رسوایا جتماعی و فکری آنان شد و جریان فکری باطل را از تحرک و پویایی در جهان اسلام انداخت و خطر و فتنه آنها را کم اثر کرد.

- امام با مناظره با ارباب علوم تجربی و پژوهشکی که از نظر فکری بی دین و دهربای بودند، نشان داد علوم طبیعی و تجربی و پژوهشکی در نظم و نظام آیه ای جهان هستی ریشه دارد و با کفر و بی اعتقادیداشمندان خود جمع نمی شود.

کوتاه سخن آنکه امام صادق(ع) برای تحقق آرزوی تاریخی پیامبر و قرآن که در فطرت و سرشت انسان ها هم ریشه داشت، کوشید مبنای جامعه حق را بر پویایی تعقل و اندیشه دینی در چارچوب علوم اسلامی (و علوم انسانی اسلامی) قرار دهد. ازین رو، اگرچه هدف غایبی در جامعه شیعه، عبودیت است که نتیجه و بازتاب آن در حوزه های انسانی و دنیوی عدالت آشکار خواهد شد، مبنای این عبودیت و آن عدالت، تعقل و علوم دینی است.

بنابراین، در طراحی و نظام سازی اجتماعی شیعه به وسیله آن حضرت باید در جریان پیوسته تاریخ حق، گروهی از استعداد های جوان شیعه به دانش اندوزی در حوزه معارف دین و اسلامی پردازنده و پس از کسب شایستگی های علمی، تربیتی، دینی و مدیریتی (درون دینی)، مدیریت و رهبری جوامع شیعه را بر عهده گیرند.

اگرچه امام صادق(ع) برای تحقق این هدف، اولین دانشگاه شیعی را در مدینه و در مسجد النبیا منزل خود پایه گذاری کرد، با آگاهی از تعطیلی قریب الوقوع این دانشگاه در مدینه، کوشید کانون این حوزه علمی را به سرعت به کوفه و بغداد و در افقی بلندمدت، به قم و حتی شهرهای دیگر شیعی متصل کند. این انتقال بدان سبب بود که در طول تاریخ تشیع، پیوسته در مراکز دینی و مهم ترین مراکز اجتماعی شیعی، کانون ها و حوزه های علمی شیعی نهادینه شوند و با رواج روحیه دانش اندوزی دینی در همه سطوح اجتماعی، ضمن آنکه نظام اجتماعی شیعه بر نظام و فرهنگی اندیشه محور مبتنی باشد، رهبری و مدیریت آن به ویژه در دوره غیبت، به عهده رهبران علمی و فکری و مدیران دینی مجتهد و عالم باشد. از آن پس، در مکتب تشیع، بر خلاف دیگر فرقه های اسلامی و غیر اسلامی، مرجعیت و رهبری دینی،

اجتماعی و حتی سیاسی به عهده رهبران علمی و دینی شیعه است. ازین رو در تاریخ تشیع، اگر گاهی شیعه حکومت‌های سیاسی هم داشته است، هیچ گاه حاکمیت سیاسی سلاطین و حاکمان شیعیتوانسته است جایگاه و نقش رهبری دینی و اجتماعی و حتی سیاسی علمای شیعه را داشته باشد.

### ۳-۳-۳. رویکرد فرهنگی (هنری)(۱)

-امام در مقام مكتب سازی برای شیعه، به فرهنگ سازی و به ویژه ایجاد شعایر مذهبی و عاطفی، از نظر درونی (استحکام فرهنگی) و ایجاد جاذبه پرداخت.

-عاشورا از نظر حماسی و عاطفی، مهم ترین کانون فرهنگ سازی امام صادق(ع) برای مكتب شیعه است. برای این هدف، امام با مدیریت شاعران شیعه و راه اندازی مجالس سوگ و عزا در خانه خود و سفارش به گسترش آن، به فرهنگ سازی در این زمینه پرداخت.

-امام صادق(ع) در سفرهای تاریخی خود به عراق، به فرهنگ سازی برای زیارت مزارهای نجف و کربلا اهتمامی ویژه داشت و حتی‌گاهی برخیشیعیان عراق را به سبب سهل انگاریا کم توجهی به این فرهنگ سرزنش می‌کرد.

-امام در سفر حج یا سفر به کوفه، به احیای اماكن و آثار فرهنگی ولایی و علویو فرهنگ سازی درباره غدیر و دیگر مناسبت‌های ولایی شیعی پرداخت.

-امام با در نظر گرفتن چشم انداز آینده جغرافیای حق، به ویژه درباره ایران، به فرهنگ سازی برای شهرهای مذهبی ایران در آینده توجه ویژه ایداشت (قم و مشهد).

-امام با توجه به آینده پیش رو و آگاهی از رخداد غیبت، به صورت گسترش داده و در قالب احادیث فراوان، درباره غیبت امام مهدی[۱]، به فرهنگ سازی انتظار برای این دوره پرداخت.

-امام در فرهنگ سازی برای زندگی شیعی، به اوضاع زمانه توجه داشت و کوشید از خشک اندیشیو تعصب و سکون در فرهنگ شیعه جلوگیری کند و ضمن معرفی اصول

ص: ۱۸۹

---

۱- مسنـد الـامـام الصـادـق، جـ ۱۵، صـ ۷۵، كـتاب الـزيـارـه و جـ ۳ صـ ۳۵۴.

فرهنگی، برون دادهای زمانی آن را انعطاف پذیر طراحیکند (پوشیدن لباس های فاخر و متناسب جامعه خود و پرهیز از فرنگ صوفیانه یا شیوه تزیین منزل، همانند وضعیت اجتماعی و عرف دینیو فرنگی روز).

- حمایت از شاعران و شعرهای معارفی و حماسی اهل بیتی در جریان فرنگ سازی برای اهل بیت(امام، مرّوج و حامی شعر آیینی در تاریخ تشیع بود).

- امام کوشید با ایجاد ارتباط مناسب با اصحاب فرنگ و هنر که زمینه های عدالت خواهی و حقیقت جوییداشتند، اما گرفتار فرقه های گوناگون بودند، ضمن جذب آنان به مکتب حق، از سلاح فرنگی و هنری آنان به نفع جریان و مکتب حق استفاده کند (ماجرای سید حمیری).

- امام در طراحیسبک زندگی شیعی برای دوران حضور امامان، ضمن تأکید به شیعیان برای انجام مراسم حج، پایان آن را زیارت مدینه و مزار پیامبر و دیدار با امام معصوم هر زمان در مدینه قرار داد تا مراسم حج، پل ارتباطی سالانه شیعیان با امامان معصوم باشد.

- امام، جامعه شیعه را از فرنگ در حال رواج قصاصین (قصه گویان باطل) برحذر داشت.<sup>(۱)</sup>

کوتاه سخن آنکه مکتب شیعه با نگاه به ابعاد عاطفی و احساسی انسان و نیاز به جامعه سازیدر حوزه های فرنگی و آداب و رسوم کوشید به جایرها کردن برنامه فرنگ سازی شیعه و در نتیجه، اثربذیری از جوامع رهاسده از مدیریت وحیانی همانند جهان اهل سنت یا مسیحیت، با برنامه ایهمانگ در جمع کردن بین نیازهای انسانی و اصول و مبانی دینی و مبتنی بر رویدادهای تاریخی جبهه حق و اولیای حق به فرنگ سازی پردازد. از این رو، یکی از ابعاد مهم فرنگی که رویکرد عاطفی و احساسی بسیار قوی هم دارد، مسئله فرنگ عاشوراست. فرنگ سازی امام برای شیعه که مبنی بر عاشورا بود، سبب ایجاد نظامی فرنگیشده که به شدت عاطفی و احساسی و مبتنی بر اصول و مبانی حق بود

ص: ۱۹۰

تا به سبب آن، تشیع در برابر فرهنگ‌های مهاجم و پیوسته متغیر باطل سالم بماند و نیز مهم ترین ابزار تبلیغی‌بر مبنای اصول عقلی و فطری و علمی و به ویژه، عاطفی این فرهنگ عظیم را در اختیار تشیع بگذارد. امام با ترکیب شور و شعور، فرهنگی غنی ایجاد کرد که به سبب شور و هیجان مقدس آن، جاذبه اولیه را برای فطرت‌های پاک پدید می‌آورد و زمانیکه انسان در عمق این شور قرار می‌گرفت و با مظلومیت و اشک آن همراه و هم نوا و هماهنگ می‌شد، شعور و فطرت و گرایش‌های متعالی فطری اش شکوفا می‌شد.

از جلوه‌های دیگر فرهنگی شیعه، فرهنگ مهدویت و غیبت و انتظار است که ضمن تداوم بخشی به جریان پیوسته و تاریخی مکتب حق و جلوگیری از انقطاع مدیریتی غیبی اولیای حق، رویکردی آینده نگر و پویا و عدالت خواه را به تشیع می‌دهد، درست برخلاف فرقه‌های اسلامی و حتی‌اهل سنت که همگی گذشته گرایند.

البته نظام فرهنگی شیعه، جدا از حوزه‌های کلان فرهنگی عاشورا و انتظار و دیگر مناسبت‌های ولایی، به سبب حضور دوازده امام و مدرسه علمی باقرین؟ عهم؟ کوشیده است برایهمه حوزه‌های زندگی خانوادگی و اجتماعی، فرهنگ سازی هایکوچک و بزرگ و آشکار و پنهان داشته باشد تا تشیع از نظر آداب و رسوم و شعایر، به غنی ترین مکتب فرهنگی تبدیل شود؛ چه در حوزه فرهنگ‌های دینی و چه در حوزه فرهنگ‌های اجتماعی و چه در زمینه‌هایی دیگر فرهنگ‌های عرفی سالم منطقه‌ای.

#### ۴-۳-۴. رویکرد اقتصادی (۱)

اقتصاد و نظام معيشت زندگی پس از اصل حیات، مهم ترین بخش از نظام زندگانی است؛ زیرا پشتونه ایرانی دیگر فعالیت‌های انسان است. از این رو، نبود تعریف درست و نگاه جامع به نظام اقتصادی، مشکل همه ادیان و فرقه‌های زمینی‌آسمانی تحریف شده است.

در دوران پیامبر، اصول کلی اقتصاد اسلامی با روایت اهل بیتی، تبیین و طراحی‌شد، ولی

ص: ۱۹۱

۱- مسنن الامام الصادق ج ۱۲ ص ۲۰۹ و ص ۲۸۱ كتاب المعيشه

غصب خلافت و درآمیختن ارزش‌ها و روش‌های اقتصادی خرد و کلان جاھلی با اقتصاد اسلامی سبب مهgor شدن نظام اقتصادی راستین اسلامیگشت. همین امر، انحراف گسترده اقتصادیرا در جامعه اسلامیه وجود آورده، به گونه که قیام‌ها و شورش‌ها و درگیری‌هایی را به سبب بی‌عدالتی و تبعیض در پی داشت.

نظام اجتماعی تشیع پس از پیامبر تا زمان امام صادق(ع) به سبب ضعف و پراکندگی و در اقلیت بودن یا قطع ارتباط با رهبران معصوم خود یا محاصره‌ها و محرومیت‌های شدید اقتصادی، به حدی از توان مندی و بلوغ برای نظام سازی نرسیده بود، به گونه‌ای که حتی در دوران امام باقر(ع)، گزارش‌های چندان قابل اعتمایی از ارتباط اقتصادی جامعه شیعه با امام موجود نیست.<sup>(۱)</sup>

در زمان امام صادق(ع) که تحولات اجتماعی تدریجی در جامعه شیعه به موازات تحولات اجتماعی در جهان اسلام صورت گرفت، جامعه شیعه در حاشیه جهان اسلام به نوعی نشاط اقتصادی دست یافت و به تدریج، به حدیاز تواناییرسید که برای نخستین بار در تاریخ تشیع، شاهد سرازیر شدن اموال از شرق و غرب به مدینه نزد امام معصوم هستیم. همین بالندگی اقتصادی صحیح، با وجود در حاشیه بودن، یکی از عواملی است که امام، ساختار و نظام و کالت را برای جامعه شیعه طراحی کرد. رویکرد اقتصادی امام در این دوره تاریخی، مبنی بر طراحی و آموزش مبانی کلی و اجرای عملی نظام اقتصادی شیعه که برخی جلوه‌های آن چنین است:<sup>(۲)</sup>

- تبیین و طراحی اصول کلی معیشت و کسب روزی حلال در قالب فقه و اخلاق اقتصادی؛

- تلاش برای نهادینه کردن فرهنگ کار و تلاش در جامعه شیعه و دور کردن آن جامعه از خطر افکار ریاضت طلبانه یا کارگریز صوفیانه با پرداختن به کشاورزی و بازرگانی؛

- احیای مسئله خمس (وزکات) و ضرورت رساندن آن به امام معصوم در جامعه شیعه؛

ص: ۱۹۲

۱- سازمان و کالت، جباری، ج ۱ ص ۲۷۹.

۲- علامه عسگری، نقش ائمه در احیای دین، ج ۲؛ آیت الله سبحانی، تاریخ فقه الشیعه.

- تفویض رسالت جمع آوری خمس به وکلای خود و فرستادن آشکار و پنهان آن نزد امام؛
- فرستادن و کیلی همراه اموال بسیار برای توزیع بین خانواده شهدای قیام زید و حمایت اقتصادی از آنان (البته امام پس از ایجاد خط سیاسی فکری و اجتماعی زیدیه، از کمک و صدقه دهی شیعیان به زید جلوگیریکرد)؛
- فرصت شناسیدر سفرهای اجباری به عراق و کوفه برای نظم دادن به مسئله خمس و نهادینه کردن آن در جامعه شیعه؛
- رسیدگی مخفیانه و دستگیری اقتصادی از نیازمندان شیعه (و غیر شیعه) و ترویج این رفتار در میان شیعیان؛
- باز داشتن شاگردان و شیعیان از شیوه‌های باطل و انحرافی اقتصادی، همانند گران فروشی و احتکار و تبلیغ کاذب و معرفی الگوهای تجارت و اقتصاد سالم دینی و اسلامی؛
- ویژگی‌جتماعی‌ترین یاران امام، جمع کردن آنان بین تخصص علمی و علم آموزی و عبادت و داشتن شغلی‌ویژه برای معیشت زندگی است (مثلًا صفوان جمال عالم حدیث، کثیر العباده و شتردار بود یا جمیل بن دراج عالم فقه، کثیر السجود و بقال بود)؛
- امام، شیعیان توانگر اقتصادی‌با دارای وجهه اجتماعی را به سبب رد کردن فقرای شیعه از خانه خود و دوری‌جستان از آنان، به شدت سرزنش می‌کرد؛<sup>(۱)</sup>
- اعطای برخی اموال به شیعیان برای تحصیل سرمایه اولیه برای راه اندازی کار (قرض الحسنہ بدون سود و ربا یا مضاربه)؛<sup>(۲)</sup>
- دستور دادن به فروش انبار غله سالانه‌خود هنگام قحطی در مدینه؛
- انفاق مخفیانه در مدینه، حتیه نیازمندانی که دشمنش بودند و به وابستگانی که با امام قطع رحم کرده بودند؛
- در مواردی، امام ضمن خبر دادن از بلایای طبیعی، شیعیان خود را از معامله‌های اقتصادی

ص: ۱۹۳

---

۱- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۰.

۲- همان، ج ۴۷، ص ۵۲.

ضرربخش بر حذر می داشت؟

در مواردی، امام، اموال شیعیان توانگر را که به انگیزه هایی چون خرید خانه به مدینه فرستاده می شد، به انفاق اجتماعی تبدیل می کرد و در برابر، ضامن خانه ای بهشتی برای آنان می شد؛

امام صادق(ع) همانند جدش، امام سجاد(ع)، طرح تربیتی خرید غلامان و تربیت آنان و آزاد کردنشان به بهانه ای اندک را اجرا می کرد.

کوتاه سخن آنکه امام صادق(ع) برای احیای سیره پیامبر و اجداد معصوم خود، ضمن پرهیز از روحیه دنیاگریزی صوفیانه یا اقتصادهای دنیوی باطل، همانند ربا و احتکار، بر پایه اصول اقتصادی قرآن، نظامی را برای جامعه شیعه پایه گذاری کرد که مبتنی بر تلاش حداکثری اقتصادی، اما بهره مندی حداقلی فردی در کنار خیر رسانی حداکثری اجتماعی است.

در این زمینه، امام در فرصت های غیر علمی را به کشاورزی می پرداخت و اهتمام داشت شیعیان و حتی شاگردان علمی اش با وجود بی نیازی، در فراغت های خود به فعالیت اقتصادی کشاورزی بازار گانی و... پردازند.

همچنین امام با وجود کسب درآمد بسیار از فعالیت های اقتصادی خود یا از مسیر خمس دریافتی، هیچ گاه خانه یا وضعیت معیشتی و رفاهی منزل را تغییر نداد و به شدت مراقب رفاه زدگی و رواج اخلاق تجمل گرایی و ایجاد فاصله بین ثروتمندان و فقیران در جامعه شیعه بود. همچنین، از شیعیان می خواست با ایجاد نظام مواسات اقتصادی بر مبنای اصول عقد احوث که در زمان پیامبر طراحی شده بود، به از بین بردن فقر از جامعه شیعه پردازند و آن را با وجود همه محدودیت های نظام خلافت، از نظر اقتصادی به جامعه ای پویا، غنی و الگو و با کم ترین وابستگی تبدیل کنند.

امام در رویارویی جامعه شیعه و جامعه اسلامی، از جامعه شیعه می خواست با حضور فعال و بانشاط و مبتنی بر اصول اخلاقی، اقتصاد اسلامی راستین را با شیوه های مستقیم و غیر مستقیم در معرض دید بازار و فعالان اقتصادی جامعه اسلامی قرار دهنده در نتیجه، این جامعه به امین و معتمد جامعه اسلامی تبدیل شود.

امام از حضور و فعالیت اقتصادی شیعیان در حاکمیت و نظام اداری جریان باطل جلوگیری

می کرد، ولی گاهیاز نفوذ افراد شایسته و متخصص در ساختار اداری و حاکمیتی باطل که نتیجه نهایی آن، دفع ظلم اقتصادی از جامعه شیعه یا کسب منافع برای جامعه شیعه بود، حمایت می کرد. امام از فعالیت اقتصادی مستقیم توانگران شیعه با حاکمیت باطل (و نه جامعه اسلامی) و با استغال آنان در ساختار اداریکه منجر به خدمت رسانیکسویه به ساختار حاکمیتی باطل می شد، خشنود نبود و شیعیان را به شدت از آن باز می داشت.

همچنین با احیای مسئله خمس می کوشید ضمن پاک سازی اموال شیعه، نوعی مالیات اسلامی بر اساس قرآن برای جامعه قرار دهد تا شیعیان با دادن خمس به امام معصوم، ایشان را برای مدیریت اقتصادی جامعه شیعه یاری رسانند.

### ۳-۵. رویکرد تربیتی و اخلاقی جامعه شیعه

- امام سفارش اکید داشت که افراد و جامعه شیعه، با توجه به شرایط تقیه، باید پیوسته با رفتار و عمل خود، نشانه خیر و دعوتگر جامعه به سوی اهل بیت و مکتب حق باشند و دل های مردم را متوجه ایشان کنند.

- امام با نگاه جامع به ابعاد وجودی انسانمی کوشید از وجود افراط و تفریط در قالب (تصوف) یا دنیازدگی در جامعه شیعه جلوگیریکند و با ایجاد طرح تقسیم فرصلت های زمانی بر حسب نیازها، طرحی جامع برای زندگی شیعی ارائه کند. (طرح جامع تقسیم اوقات روزانه بر اساس عبادت، کار، تفريح خانوادگی، حضور اجتماعی و خواب).

- ایشان در جاییاز محمد بن مسلم، از خواص اصحابش که از خاندان سرشناس در کوفه بود و به سفر حج آمده بود، خواست در بازگشت به کوفه برایاز تکبر و غرور و ابراز تواضع عملی، به طور موقت، به دست فروشی در کنار مسجد کوفه پردازد.<sup>(۱)</sup>

- امام در نظام اجتماعی شیعی با تبیین و تعریف حقوق شیعه بر یکدیگر و صفات و نشانه های شیعی، برای تربیت شیعیان بر اساس مبانی تربیتی اهلیت و ایجاد هم گرایی دینیاستوار میان آنان می کوشید.

ص: ۱۹۵

۱- مسنند الامام الصادق، ج ۴ ص ۲۷۴

- امام به اصول اخلاقی که به استواری روابط اجتماعی بینجامد، اهتمام ویژه ایداشت؛ مواردی همانند صله رحم یا رعایت حقوق همسایگان.

- امام به تربیت و نظارت اخلاقی بر روابط یارانش در حوزه محروم و نامحروم و جنس مخالف اهتمامی ویژه داشت و موارد لغزش رابه آنان گوشزد می کرد. (نگاه؛ شوخی؛ صدای نامحروم و...).

- فرهنگ سازی برای شیعیان رشدیافته که هر از چند گاهی به عرضه دین خود به امام می پرداختند تا از آسیب ها و انحراف های احتمالی جلوگیری شود. حتی شاگردان علمی امام نیز روش های فقهی و اجتهادی خود را به امام عرضه می داشتند تا از خطأ و لغزش در روش شناسی فقه و عقاید شیعی مصون باشند.

- مدیریت مرگ آگاهی خواص یارانش و آماده سازی افرادی که مرگشان نزدیک بود. گاهی پس از درگذشت آنان نیز به زیارت قبورشان می رفت.

### ۳-۶. رویکرد طراحی جغرافیایی

- پس از مهاجرت جریان های فکری و سیاسی مخالف از کوفه به سبب ایجاد شهر جدید بغداد، امام صادق(ع) برای ایجاد جامعه ای متمرکز و تعریف شده از شیعه در کوفه، با محوریت و رهبری شخصیت های علمی شیعه می کوشید.

- پس از ایجاد بغداد، ایشان شخصیت های بر جسته فکری اجتماعی شیعه را به اقامت در بغداد توصیه و تشویق می کرد و به تعریف نقش آنان نیز می پرداخت کسانی همانند هشام بن حکم و علی بن یقطین و... . نقش هشام، ایجاد مدرسه و پایگاهی علمی در بازار بغداد است و نقش علی، با توجه به جایگاه پدرش در خلافت عباسیان، نفوذ در ساختار حاکمیتی-سیاسی خلافت عباسی، برای دفع بلایا و خدمت رسانی به جامعه شیعه در آینده).

- در آستانه تحول خلافت و ایجاد ارتباط آسان با جامعه ایرانی، امام تبلیغات متمرکزی را درباره آینده قریب الوقوع و دور شهر قم به عنوان حرم اهلیت و کانون تشیع در ایران به راه انداخت.

-یکی از شیعیان ساکن مرازها، از امام درباره مسافرتش به سرزمین های کفر برای تجارت و بازار گانیپرسید. امام پاسخ داد: اگر هنگام سفر و اقامت در سرزمین های کفر، بر مکتب حق هستی و در شرایط مناسب، اهالی آنجا را به اهلیت دعوت می کنی، این سفر و تجارت اشکالی ندارد.

- در دوره بنی عباس، پس از آشکار شدن تدریجی شکاف میان خراسانی ها و عباسیان و ایجاد موج اجتماعی سرخوردگی در خراسانیان، امام، برخی شاگردان خود را برای تبلیغ تشیع به خراسان فرستاد.

کوتاه سخن آنکه در زمان امام صادق(ع) که تقریباً مرازهای جغرافیایی و تاریخی جهان اسلام مشخص شده بود، امام با شناسایی مناطق مستعد از نظر اجتماعی و تمدنی و سرزمینی، با محوریت خاورمیانه، که در طول تاریخ همواره کانون جریان های حق پیامبران و امامان بوده است، کوشید پس از نویسندگی از کانون های سنتی اسلامی در حجاز، به طراحی کانون های جغرافیایی شیعی و شهرهای مقدس شیعی (کربلا، نجف، کوفه و قم) بپردازد و برای سرزمین های آینده فرهنگ سازیکند (کاظمین و مشهد). همچنین با پراکنندن یاران علمی خود در جهان اسلام و حتی سرزمین های غیر اسلامی، با سلاح علم و فرهنگ شور و شعور، تبلیغ را تبلیغ کنند.

### ۳-۳-۷. امام و رویاروییا جریان های انحرافی در جامعه شیعه<sup>(۱)</sup>

- امام صادق(ع) در رویارویی با جریان غلو، به تبیین معرفت صحیح حق و تأکید دوباره بر آن برای جامعه شیعه پرداخت.

- امام در رویارویی با تفکر، غلو عرفانیو صوفیانه یا قیام های سیاسی زیدیه، به مرزبندی شیعه، از آنها به صورت شفاف و روشن اهتمام داشت.

- امام آشکارا غالیان را لعن و طرد کرد و از رهبران و جامعه شیعه خواست آنان را از خود

ص: ۱۹۷

---

۱- غالیان، صفری فروشانی، ص ۹۰ الامام الصادق و المذاهب الاربعه / اسد حیدر / ج ۱ ص ۳۷۳.

- امام به علماء و خواص جامعه شیعه سفارش کرد که جوانان را از خطر تفکر غلو محافظت کنند.

- امام در ماجراهای زیدیه، از رهبران علمی شیعه خواست با مناظره علمی، آنان را از نظر فکری به چالش بکشند و ماهیت حقیقی آنان را برای جامعه افشا کنند.

- امام هنگام اوج گیری جریان‌های انحرافی در جامعه شیعه، رهبران علمی و فکری شیعی را ملاک حق و باطل قرار داد و از جامعه شیعه خواست آنان را کانون توجه خود قرار دهند.

- امام هنگام آشکار شدن انحراف برخی شیعیان، برخی دوستان سابق آنان را که از علماء نیز بودند، برای اتمام حجت، مناظره علمی، هدایت آنان یا در نهایت، اعلام تبریز امام از ایشان، نزد آنان فرستاد.

- موضع گیری در برابر جریان‌های فکری و اجتماعی که سبب بدناهی اسلام و تشیع و ایجاد دافعه برای آن می‌شد؛ همانند فردی که اموال دزدی را اتفاق می‌کرد و گمان می‌کرد نه دهم ثواب داردیا مسلمانی که با سخت گیری عبادی بر تازه مسلمانی، سبب گریز او از اسلام شد.

کوتاه سخن اینکه امام با آگاهی از وجود افراد کم ظرفیت یا کم دانش یا دچار وسوسه‌های گوناگون فکری و اجتماعی و اقتصادی، ضمن اینکه مسئله وجود ریزش‌ها در جامعه حق را امری طبیعی دانست، می‌کوشید با آگاهیدادن و ارتقای علمی و فکری و فرهنگی جامعه حق و سفارش مؤمنان به برنامه‌های عبادی و تربیتی و اخلاقی، خطر ریزش‌ها را به حداقل برساند. در صورت تحقق ریزش در جامعه و پیدایش جریانی انحرافی، در آغاز با ایجاد ارتباط با رهبران جریان انحرافی، ضمن آگاه سازی‌با سفارش‌های اخلاقی‌با هشداردهی به آمد های آن، به اصلاح آنان می‌پرداخت و در صورت پاشواری آنان، ضمن اعلام‌بیزاریو موضع گیری شفاف می‌کوشید در جامعه به تدبیر پیش گیرانه پردازد. از این‌رو، محور قرار دادن شخصیت‌های علمی و فکری شیعه در فتنه‌ها و نیز درخواست از علمای شیعه برای حضور

فعال در برابر رهبران انحراف و فتنه از راهبردهای اجتماعی و فرهنگی امام بود.

### ۴-۳. سبک زندگی اجتماعی شیعه از نظر رویارویی با جامعه اسلامی

#### ۴-۳. سبک زندگی اجتماعی شیعه از نظر رویارویی با جامعه اسلامی

در زمان امام صادق(ع) با طراحی مکتب و جامعه مستقل شیعه و هماهنگ با تحولات اجتماعی در جهان اسلام و پیدایش خلافت عباسی، پرسش مهم، نوع رویارویی جامعه حق با جامعه اسلامی بود.

امام با مرزیندیمیان جامعه اسلامی و حاکمیت آن، از جامعه شیعه خواست بهترین و بیشترین تعامل را با جامعه اسلامی مبتنی بر اصول فطری مکتب تشیع، یعنی عدالت، صداقت و امانت داشته باشند و حتی در این جامعه تا آنجا خود را رشد و ارتقا دهند و نفوذ کنند که به مرجعیت علمی، اجتماعی و اقتصادی جامعه تبدیل شوند. سیره تربیتی امام صادق(ع) برای جامعه شیعه آن بود که چون جامعه اسلامی خود را از اهلیت و معارف اصیل اسلامی جدا کرده است، هیچ گاه نخواهد توانست به جامعه سازی و تمدن سازی جامع و کامل توفیق یابد و پیوسته از جنبه هایگوناگون دچار آسیب ها و بحران ها و چالش های فکری و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. حال اگر شیعیان ملتزم به اصول تربیتی اهلیت به رشد و تعالی خود پردازند و در جامعه اسلامی نفوذ کنند، به تدریج به سبب سیره علمی و عملی جامع خود، کانون توجه جامعه اسلامی و غیر اسلامی قرار خواهد گرفت و به گونه ای غیر مستقیم، نقش تبلیغی و ترویجی خود را برای جامعه حق ایفا خواهند کرد. البته انجام این رسالت به شخصیت رشدیافتہ شیعیان وابسته است که هنگام حضور در جوامع گوناگون اسلامی و حتی غیر اسلامی، به جای اثراپذیریا داشتن شخصیت انفعالي، به تدریج و با عمل صالح و ابراز اخلاق عملی مبتنی بر مکتب تشیع، به نفوذ اجتماعی و ایفای نقش فعال بدون حساسیت برانگیزی مستقیم پردازند.

امام در رویاروییا جریان حاکمیت در جهان اسلام، جامعه شیعه را از همراهی و همکاری انفعالي با حاکمیت باطل باز می داشت، اما در شرایط ویژه، برای شیعیان فهمیده و متخصص،

تقیه را با هدف نفوذ و یاری رسانی پنهانی به جامعه شیعه اجازه می داد.

#### ۳-۴-۱. موضع گیری سیاسی [\(۱\)](#)

- تأکید ویژه امام بر رعایت شدید تقیه برای حفظ نیروها و جامعه شیعه از هجوم‌ها و آسیب‌های حاکمان استمگر.

- هنگام قیام زیدیه، امام با در پیش گرفتن سکوت سیاسی و کناره گیری، ضمن پرهیز از تأیید این قیام‌های بی بنیاد و ریشه‌های فکری و اجتماعی، می‌کوشید آینده جامعه شیعه را از نظر سیاسی- اجتماعی، پس از شکست آن قیام‌ها، از انتقام و هجوم‌های خلافت حاکم در امان نگه دارد.

- امام در برابر خلافت امویان، شیعیان را از هر گونه همکاری و مشارکت در نهادهای سیاسیو اجتماعی آنان باز می‌داشت. در زمان خلافت عباسیان، با استمرار اصول کلی این سیاست برای جامعه شیعه، تنها به خواص آگاه و بصیر شیعه اجازه نفوذ در ساختار حکومتی باطل را برای ایاری رسانی به جامعه شیعه می‌داد و به الگوسازی برای تقیه نفوذی در حکومت باطل با هدف خدمت به جامعه حق می‌پرداخت.

- امام در خلافت منصور، زمانی که در کوفه در اقامت اجباری به سر می‌برد و در پایان ماه رمضان، خلیفه عید اعلام کرد، حکم او را به سبب رعایت تقیه، با وجود علم به خلاف بودن آن پذیرفت. در مواردی نیز به یاران نفوذیافته خود در ساختار حکومت، احکام تقیه را آموزش می‌داد.

- امام در آستانه شهادت با درک حساسیت شدید عباسیان به وصی خود، در وصیت نامه اش، شش نفر را وصی خود قرار داد و به روشنی غیر مستقیم، ضمن حفظ جان امام بعدی و وصی خود، بر اساس نشانه‌های کلامی شیعه، در به معرفی ایشان پوشش تقیه پرداخت.

۲۰۰: ص

---

۱- الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۱۰۹ و ص ۳۷۳.

## ۲-۴-۳. موضع گیری اجتماعی (تربیتی)

-جوانی شیعه به سبب داشتن مهارت کتابت و محاسبه دیوان و به واسطه برادرش که از کارگزاران عباسیان بود، در سازمان اداری عباسیان به اجبار به کار گرفته شد. او جریان را هنگام سفر امام به کوفه با ایشان مطرح کرد. امام فرموده‌ای کاش کتابت خود را آشکار نمی‌کردی (کاری نمی‌کردی که در شرایط و جامعه باطل به تخصص خاص شناخته و به اشتغال در جامعه باطل مجبور گردیو یاری گر حکومت آنان باشی).<sup>(۱)</sup>

-امام از شیعیان خود می‌خواست در جامعه اسلامی با در پیش گرفتن اخلاق نیکو با همسایگان خود، به تدریج، به جذب آنان به مکتب تشیع و تحول ایمانی و رفتاری آنان پردازند. (داستان ابابصیر و همسایگی با مردی که در دستگاه امویان شاغل بود).

-امام کمک‌های اقتصادی خود به محرومان و نیازمندان را به شیعیان منحصر نمی‌کرد و به همه محروم‌مان مدینه، آشکار و پنهان، یاریمی رساند.

-امام در زندگی اقتصادی خود با در نظر گرفتن شرایط عمومی اقتصادی جامعه‌اسلامی، می‌کوشید در سختی و رفاه جامعه، در مقام رهبر شیعه، همراه و همانند آنان باشد و در سختی‌ها و قحطی و بلا به تافته جدا بافته و بی‌اعتنای در جامعه اسلامی تبدیل نشود.

## ۲-۴-۳. موضع گیری علمی

-امام قدریه، حروریه و مرجه‌را لعنت می‌کرد؛ زیرا نتیجه باور آنان، تطهیر و اثبات ایمان دشمنان اهل بیت؟ عهم؟ و حقانیت بخشی به آنان بود.

-امام در رویارویی‌با علمای اهل رأی و رهبران فکری‌آنان به ویژه ابوحنیفه، آنان را به سبب ایجاد مکتب و روش فقهی باطل هشدار می‌داد و در مناظره علمی، روش آنان را به چالش می‌کشید.

-امام در رویارویی‌با معتزله، مبانی کلامی آنان را در حوزه رهبری و سیاست اسلامی به

صفحه ۲۰۱

۱- مسند الامام الصادق، ج ۴، ص ۵۴۸.

چالش می کشید و نظام فکری و کلامی شان را ابطال می کرد.

- امام با مناظره و موضع گیری شفاف فکری، از همراهیبا جریان افراطی و شتاب زده زیدیه و حتی سکوت و رضایت در برابر آن پرهیز می کرد.

- امام به شدت مراقب اثربازیری علمی و فرهنگی علماء و جامعه شیعه از افکار التقاطی و خرد فرهنگ های جامعه اسلامیبود و با مشاهده آن، به سرعت به افراد یا جامعه هشدار می داد و از گسترش آن جلوگیریمی کرد.

- خانه امام در مدینه کانون و محل رفت و آمد عالمان جریان های فکری و فقهی گوناگون بود. ایشان از خواص شاگردان خود می خواست در مناطق خود از یک سو، به ایفای نقش علمی برای جامعه اسلامی پردازند و از سوی دیگر، با علمای مسلمان گفت و گو و جدال علمی احسن داشته باشند.

- امام صادق(ع)، پایه گذار مناظره های متنوع کلامی و فکری و فقهی و حتی علمی (در علوم تجربی، همانند طب و نجوم) بود و از شاگردانش می خواست با توجه به اوضاع زمانه، به ترویج فرهنگ مناظره علمی پردازند.

## سخن پایانی

### سخن پایانی

سبک زندگی و نظام اجتماعی شیعی از نظر اصول و مبانی فکری و همچنین طراحی اولیه اجتماعی، در زمان امام صادق(ع) پایه گذاریشد، اما بدیهی است این اصول و نظام سازیهنوز کلیبود و در رویاروییبا شرایط گوناگون و تغییر و تحولات زمانه و مسائل داخلی و بیرونی، نیازمند غنی سازی و پرورش بیشتر بود. اگر این اصول در حد نظام سازی امام صادق(ع) متوقف می شد، تشیع جعفرینیز در امتداد تاریخ دچار آسیب ها و چالش های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی فرقه هایی همانند اسماعیلیه و واقفیه و زیدیه می شد که اگرچه در دوره هاییاز تاریخ، حکومت های مقتدر و بزرگی تشکیل دادند، پس از گذشت مدتبیه تاریخ پیوستند و اینک در دنیای علمی و اجتماعی امروز جایی ندارند.

از این رو، نظام اجتماعی و سبک زندگی شیعی پس از امام صادق(ع)، به ویژه از این نظر که برای دوران غیبت طراحی شده بود، باید بیش از یک قرن دیگر (از ۱۴۸ تا ۲۶۰ ه.ق) از شهادت امام صادق(ع) تا شهادت امام عسکری(ع)) با مدیریت مستقیم امامان معصوم اداره‌های شد و رشد و بالندگی بیشتری می‌یافتد. به ویژه در دورانی که جامعه شیعه به سرعت رو به گسترش بود و امامان نیز دیگر در کانون حوزه‌های علمی شیعه نبودند، بلکه حوزه‌های علمی شیعیه تدریج در کوفه، بغداد و قم شکل گرفته بود. در این شرایط، باید امامان معصوم؟ عهم؟ پیوسته ساختار اجتماعی و نظام‌های فکری‌آن را کنترل می‌کردند تا از هرگونه خطر و آسیب و انحراف دور باشد.

امتیاز منحصر به فرد تشیع از نظر نمودار خط زمانی نظام سازی اجتماعی و طراحی سبک زندگی شیعی این است که این نظام سازیرا باقرین؟ عهم؟ طراحی کردند و یک قرن بعد تا زمان شهادت امام عسکری(ع)، رشد و گسترش یافت و آسیب زدایی نیز شد. آن‌گاه به مدت ۶۹ سال دوران غیبت صغرا، در الگوییکه فاصله‌ای در میان حضور و غیبت کلی است، دوباره آزموده شد و پس از دو قرن آزمودن و بالندگی، برای دوران غیبت کبرابه شیعیان توصیه و اجرا شد.

آنچه ارائه شد، نگاهی کلی و از منظر برنامه یابی، به رندگانی امام صادق(ع) بود؛ به امید آنکه امروز، ما و رسانه ملی با بازشناسی ابعاد جامع و کامل این نظام و سبک و ایده یابی‌ها و برنامه سازی‌های مناسب با آن، بر اساس تنوع مخاطب داخلی و خارجی، بتوانیم آرزوهای بزرگ امام صادق(ع) را از دریچه رسانه عینیت ببخشیم؛ آرزوهایی همانند اینکه:

۱. شیعه به جای شعار، با عمل (سبک زندگی خود) نزد جهانیان شناخته [\(۱\)](#) شود؛

۲. ناکامی مدعیان نظام سازی پس از اجرای ادعای خود [\(۲\)](#) و پس از ظهر آشکارتر شود؛

۳. هنگامی که مردم جهان از نظام سازی‌های باطل به تنگ آمده و شیفته و تشنه مکتب حقوق سبک نظام اجتماعی شیعه شوند تحقق یابد.

ص: ۲۰۳

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۴.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.



اشاره

کتابنامه

زیر فصل ها

کتاب:

نرم افزار:

کتاب:

کتاب:

قرآن کریم

آقانوری، علی، خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه های شیعی در عصر امامان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵

ابن ابی الحدید عبد الحمید بن محمد، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی

ابن عبد ربه، احمد بن محمد، عقد الفرید، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۱ق.

ابوالفرح الاصفهانی، مقاتل الطالبین، بیروت، الرالمعرفه

ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، بیروت، دارالتراث، ط الثانیه، ۱۹۶۷

اسد حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، دارالکتاب المصطفی، دوره ۴ جلدی، ۲۰۰۴ میلادی

ص: ۲۰۵

بابایی، سعید، سیره امام صادق در برخورد با اهلست، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، ۱۳۸۴

بلاذری احمد بن یحیی، فتوح البلدان، مؤسسه المعارف، بیروت لبنان، ۱۴۰۷ هـ . ق

تاریخ تشیع، جمعی از مؤلفان زیرنظر احمد رضا خضری - تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴

جباری، محمد رضا، سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه، مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی

جعفریان، رسول، تاریخ تحول دولت و خلافت؛ از برآمدن اسلام تا برآمدن سفیانیان، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی،

۱۳۷۷

جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۱، قم، انصاریان، ۱۳۸۰

جوادی (آیه الله)، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۷۹

\_\_\_\_\_، فطرت در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۷۶

حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام، الجزء الثانی الحصر العباسی الاول، دار الجبل، بیروت، ۲۰۰۱

حضری، احمد رضا، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) ۱۳۷۸

خمینی، روح الله، امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی، فروع السادات رحیم پور، تهران مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۸۱

رجی، محمد حسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، دانشگاه امام حسین، تهران ۱۳۷۸

رجی، محمود، انسان شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.

سهرابی، فرامرز، مهدویت و فلسفه تاریخ، آینده روشن، قم، ۱۳۸۹

ص: ۲۰۶

شناختنامه اهل بيت، معاونت فرهنگی مجتمع جهانی اهل بيت، تهران، ۱۳۸۳

صفائی حائری (ع - ص)، علی، حرکت، قم، لیلهالقدر، ۱۳۸۵

\_\_\_\_\_، درس هایی از انقلاب، دفتر دوم:

تقویه، ۱۳۸۶

\_\_\_\_\_، صراط، قم، لیلهالقدر، ۱۳۸۵

\_\_\_\_\_، مسئولیت زندگی، قم، لیلهالقدر،

۱۳۸۲

صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان و کاروشی در جریان ها و برآیندها تا پایان سده سوم، مشهد آستان قدس رضوی، بنیاد

پژوهشگاه اسلامی، ۱۳۷۸

طالبی (مهدی) و محققین، تبار انحراف: پژوهش در جریان شناسی انحراف تاریخی، قم، لوح و قلم ۱۳۸۳

عسکری، سید مرتضی، نقش ائمه در احیای دین (۲ جلد) تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منبر، ۱۳۸۲، معالم المدرسین (۳ جلدی) تهران

عطاردي قوچاني، شیخ عزیز الله، مسند الامام الصادق، تهران، عطارد، ۱۳۸۴ دوره ۲۲ جلدی

علیزاده موسوی، از اوج تا فرود: نگاهی به جامعه اسلامی در عصر اسلامی

فاضلی، نعمت الله، سبک زندگی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.

فرمانیان، مهدی، فرق تسنن، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۶

قرا ملکی، فرامرز، روش شناسی مطالعات دینی، دانشگاه رضوی، مشهد، ۱۳۸۸.

کارگر، رحیم، آینده جهان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳

کاظمی پوران، محمد، قیام های شیعه در عصر عباسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات،

۱۳۸۰



مجلسى، محمد تقى، بحار الانوار، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۷۲

مجموعه مقالات همایش امام صادق، مرکز چاپ و نشر مجمع جهانی اهل بیت، تهران

محمد بن سعد بصرى، الطبقات الکبرى، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۹۹۰

محمد رضایی، آیین برنامه سازی زندگانی امام کاظم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۹

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار مجلات ۱، ۲، ۳ و ۱۸، قم، صدراء، ۱۳۶۸

منتظر القائم، اصغر، نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت (در قرن اول هجری) قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰

منظور نژاد، محمد، هدف و معنای زندگی، چاپ اول، تهران، انتشارات جوان پویا، ۱۳۸۶

مونس، حسین، اطلس تاریخ اسلام، مترجم آذرناش آذرناش، تهران، سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، ۱۳۷۵

نصری، عبدالله، سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶

### نرم افزار:

نرم افزار:

نرم افزارهای مرکز کامپیوتری نور:

جغرافیای جهان اسلام

معجم موضوعی بحار الانوار

گنجینه روایات نور

درایه النور، ۲، ۱ (نرم افزار تخصصی علم رجال)

نور السیره ۲؛ جامع منابع تاریخ اسلام.

مجموعه آثار آیه الله سبحانی

نرم افزار آثار علامه عسگری

بسمه تعالیٰ

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ  
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ ه.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سرہ الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسريع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر بنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب نقلین (كتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر بنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده‌ی نویسنده‌ی آن می‌باشد.

فعالیت‌های موسسه:

۱. چاپ و نشر کتاب، جزو و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه‌های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماكن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی‌های رایانه‌ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه‌ساز، موبایل‌ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

۹. برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره‌های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه:

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان.

در پایان:

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقليد و همچنین سازمان‌ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**www.Ghaemiyeh.com**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعة و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

**۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹**

